

غزہ قلب زخمی امت

(سنگر دفاع از هویت و شرف امت اسلامی)

تألیف: پروفیسور نورالحق (حزبی)
کابل - افغانستان ۱۴۰۲ هـ. ش

غزه

قلب زخمی امت

سنگر دفاع از هویت و شرف امت اسلامی



مشفحات کتاب

نام کتاب: غزه قلب زخمی امت (سنگر دفاع از هویت و شرف امت اسلامی)

مؤلف: پروفیسور نورالحق (عزیزی)

مطبعه: مطبعه محمد مبین همت (0744542351)

سال چاپ: ۱۴۰۴ هـ ش مطابق با ۱۴۴۷ ق و مطابق با ۲۰۲۶ م

محل چاپ: کابل - افغانستان

نمبر واتساپ: (0744965520)

ایمیل آدرس: Noorulhaqazizi121@gmail.com

حق طبع برای مؤلف محفوظ است.

تقدیم

این اثر را به همه مجاهدانی تقدیم می‌دارم که با پروردگار خویش عهد بسته‌اند که (الموتُ فی سبیل الله اَسمی اَمانیناً) یعنی: مرگ در راه الله متعال از بزرگترین آرمان‌های ما است. به این عهد و پیمان خویش وفا نمودند و همه داشته‌های خود را فدای دین و وطن نمودند.

تقدیم به ارواح سپه سالاران اسلام و شهدای امت اسلامی که با کارنامه‌های دعوتی، مبارزات برحق و بالآخره با ریختن خون‌های پاک‌شان، نهال جهاد و مبارزه در راه حق را سیراب نموده و زمین را بر طواغیت عصر به لرزه درآورده‌اند. تقدیم به پدر بزرگوارم که به آرزو و آرمان برپایی نظام اسلامی و بلند شدن درفش اسلام در کشور، جهان را وداع گفت.

فهرست موضوعات

- ب تقریظ
- د تقریظ
- ز مقدمه
- ۱ جایگاه مسجد اقصی و سرزمین شام (فلسطین) در اسلام
- الف: جایگاه مسجد الأقصی ۱
- راهکار های دفاع از مسجد اقصی ۸
- ب: جایگاه فلسطین در اسلام ۱۱
- فضیلت سرزمین مقدس و یا شام در نصوص ۱۱
- قضیه فلسطین و موقف جهان اسلام ۱۶
- فلسطین رمز وحدت و نماد اخوت امت اسلامی ۱۹
- ماهیت اصلی رژیم اشغالگر در فلسطین ۲۲
- خطر صلح و عادی سازی روابط با اسرائیل ۲۵
- راه حل واقعی قضیه فلسطین ۳۰
- وضعیت کنونی امت ۳۲
- اوهام و اندیشه هایی که سبب ضعف مسلمانان شده است ۳۷
- مسئوولیت رهبران و علمای امت ۳۸
- مبارزات و جهاد مردم فلسطین ۴۳
- تاریخچه ۴۳
- دست آورد های انتفاضه الأقصی ۴۷
- نقش تعیین کننده جماعت اخوان المسلمون در جهاد فلسطین ۴۸

۵۱ ترس و رعب صهیونیست ها از بیداری اسلامی و حرکت اخوان
۵۵ حرکت مقاومت اسلامی حماس
۵۹ حماس در یک نگاه
۶۳ حماس و طوفان الأقصى
۷۰ واقعیت های عینی صحنه جهاد
۷۴ انگیزه ها و عوامل طوفان اقصی
۷۹ حماس جهان را به حیرت انداخت
۸۱ نقش تربیت در طوفان الأقصى
۸۳ جایزه پنج میلیون دلاری
۸۴ داستان پیر مرد مجروح (خون ما بهتر از خون آن هاست)
۸۶ برخی از دست آورد های طوفان الأقصى
۹۲ غزه، سرزمین جهاد و مقاومت
۹۶ مشروعیت جهاد در فلسطین و غزه
۹۸ جنگ تاریخی و سرنوشت ساز غزه
۱۰۳ فریاد های بی پاسخ مادران و طفلکان غزه
۱۰۵ بی تفاوتی و خذلان امت اسلامی و کشور های عربی نسبت به غزه
۱۰۸ غزه ی رسوا کننده
۱۱۴ خطر صهیونیسم بر جهان
۱۱۵ ادعای حق تاریخی یهود در فلسطین
۱۱۶ خطر صهیونیست ها
۱۲۱ اسرائیل طرح استعماری بزرگ غرب در شرق میانه

۱۲۳.....	ویتوی همیشگی امریکا بر ضد فلسطین
۱۲۹.....	وجدان های مرده رهبران غرب
۱۳۲.....	استفاده از سلاح گرسنگی اجباری مردم غزه
۱۳۴.....	زوال و نابودی اسرائیل
۱۳۶.....	درس هایی از تاریخ
۱۳۹.....	نشانه های فروپاشی رژیم اسرائیل
۱۴۴.....	بحران های موجود میان صهیونست ها
۱۴۷.....	نتیجه
۱۵۱.....	پیشنهادات
۱۵۵	منابع

تقریظ

چند سطری در مورد کتاب و نویسنده

این کتاب تحقیقی عمیق، صریح و بیدارگر در باره یکی از محوری ترین و سرنوشت ساز ترین مسائل جهان اسلام، یعنی قضیه فلسطین و مسجد اقصی است؛ قضیه ای که تنها یک موضوع جغرافیایی یا سیاسی نیست، بلکه بخشی جدایی ناپذیر از عقیده، تاریخ و هویت امت اسلامی به شمار می رود. نویسنده با رویکردی مسئولانه و آگاهانه، خواننده را از جایگاه مقدس مسجد اقصی و سرزمین شام در نصوص شرعی و تاریخ بشری، آغاز کرده، گام به گام تا واقعیت های تلخ اشغال فلسطین، خیانت حکام عرب و کوشش های عادی سازی به پیش می برد.

در این اثر، ماهیت واقعی رژیم صهیونیستی و خطرات پروژه استعماری غرب در منطقه به روشنی افشا شده و ادعا های تاریخی یهود و حمایت های بی قید و شرط قدرت های غربی، به خصوص امریکا، با استدلال و شواهد تاریخی به چالش کشیده شده است. نویسنده با نگاهی عمیق به وضعیت کنونی امت، اوهام فکری، ضعف های اعتقادی و کوتاهی رهبران و علمای مسلمان را بررسی کرده و فلسطین را به عنوان رمز وحدت، معیار اخوت اسلامی و محک صداقت امت معرفی می کند.

بخش مهمی از کتاب به تاریخچه مبارزات مردم فلسطین، انتفاضه اقصی، نقش تعیین کننده جریان های مقاومت اسلامی؛ به خصوص جماعت اخوان المسلمین و شاخه فلسطین آن (حرکت مقاومت اسلامی حماس)، اختصاص یافته است. تحلیل دقیق عملیات طوفان الاقصی، انگیزه ها، عوامل، دستاورد ها و آثار تربیتی و روانی آن، این اثر را از یک نوشته صرفاً احساسی فراتر برده و به تحلیلی راهبردی تبدیل کرده است. روایت های انسانی از رنج، ایستادگی و فریاد های بی پاسخ مادران و کودکان غزه، در کنار بررسی همه جانبه طوفان اقصی و جنگ سرنوشت ساز غزه و بالآخره استفاده رژیم صهیونیست از سلاح محرومیت و گرسنگی، به کتاب عمق عاطفی و انسانی خاصی بخشیده است.

در پایان تحقیق، نویسنده کتاب؛ سرمحقق نورالحق (عزیزی) که خود یک مجاهد است و در محیط ایمانی و فکری عمر پر بارش را سپری نموده است، با نگاهی

امیدوارانه و آینده نگر، به نشانه های زوال و فروپاشی رژیم اسرائیل پرداخته و با درس گیری از تاریخ، مسیر بیداری، مقاومت و پیروزی را ترسیم می کند. این کتاب صرفاً گزارشی از درد و مظلومیت مردم مجاهد و صبور غزه نیست، بلکه ندایی صادق برای بیداری وجدان ها، بازگشت به مسئولیت تاریخی امت و احیای روح جهاد، وحدت امت و عزت اسلامی است.

مطالعه این اثر ارزشمند را برای هر مسلمانی که دغدغه آزادی مسجد اقصی، سرزمین مبارک فلسطین و آینده امت اسلامی را در دل دارد، ضروری، بیدارگر و عمیقاً تأثیر گذار می دانم.

از درگاه الله متعال مسألت دارم که در عمر و قلم دانشمند فرهیخته، سرمحقق نورالحق عزیزی، برکت و دوام عطا فرماید و قلم ایشان را هرچه رساتر، پربار تر و مؤثر تر در خدمت آزادی فلسطین و سربلندی امت اسلامی قرار دهد. آمین
یارب العالمین

نصیر احمد (نویدی)

مسئول انجمن تاریخ افغانستان

مرکز مطالعات استراتژیک و منطوقوی

جدی ۱۴۰۴ هجری شمسی

تقریظ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله الذي رفع بالحق راية الجهاد، وجعله حصناً للدين، وسياجاً للعدل، وسبباً لدفع الظلم والفساد، والصلوة والسلام على سيد المجاهدين، وإمام الصابرين، محمد وعلى آله وصحبه أجمعين.

از دیدگاه دانشمندان، نام بر صاحب نام اثر می‌گذارد؛ از این رو مردم می‌کوشند نامی نیکو و پسندیده برای فرزندان خود برگزینند تا در آینده نه تنها از آن شرمسار نباشند، بلکه به آن افتخار کنند.

غزه نامی است که با مسمای خود سازگاری کامل دارد؛ زیرا از نظر لغوی به معنای قدرت، استحکام، شدت و غلبه آمده است و نیز به سرزمینی سخت، نیرومند و دارای جایگاهی استوار اطلاق می‌شود. همچنین شماری از لغت شناسان، «غزه» را به معنای قدرت و عزت دانسته اند. غزه تنها نام سرزمینی نیست که مردمانی را در دامان خود جای داده است؛ بلکه خطه ای از عزت و سرافرازی است که ساکنان آن در طول تاریخ، مردانگی، شجاعت و ایثار را به عنوان میراثی ماندگار برای آیندگان بر جای گذاشته اند. تاریخ غزه با مقاومت و ایستادگی در برابر مهاجمان و سرکشان در آمیخته است؛ هرگاه صفحات مبارزات این مردم ورق زده شود، هیچ دوره ای یافت نمی‌شود که در برابر متجاوزان سر تسلیم فرود آورده باشند.

ساکنان غزه در دوران باستان و پیش از اسلام، در عصر اسلام، و نیز در دوره یورش های صلیبیان، استعمار و زورگوییِ ستمگران، همواره واکنشی قاطع نشان داده، از حقوق خویش دفاع کرده و نامی نیک از خود بر جای گذاشته اند و آنگاه که غده سرطانی صهیونیسم در سرزمین فلسطین کاشته شد، غزه بار دیگر در میدان جهاد و مبارزه استوار ایستاد و از پای ننشست.

غزه از آغاز تأسیس دولت اسرائیل و اشغال سرزمین های فلسطین، به اشکال گوناگون در برابر اشغالگران ایستادگی کرده و به نماد مقاومت بدل شده است. این سرزمین در تظاهرات، سنگ پرانی ها، اعتصاب ها، انتفاضه ی اوّل و دوم فلسطین و نیز در مبارزه مسلحانه، همواره در خط مقدم نبرد قرار داشته است. در غزه، مرد و زن،

کودک و سالخورده و به تعبیری حتی سنگ و چوب این سرزمین، از استعمار بیزارند و در برابر آن با ابزار های گوناگون به مقاومت بر خاسته اند. در حقیقت، روح آزادی و استقلال خواهی با گوشت و پوست مردم غزه درآمیخته است.

در حالی که بسیاری از مردم زندگی آرام و آسوده را می پذیرند و با زورگویان از راه مدارا پیش می روند، مردم غزه با تحمل سختی ها، گرسنگی، محاصره و بمباردمان های مسلسل که دود و باروت کشنده را با خود دارند، در برابر گستاخی های صهیونیست های خون آشام مردانه ایستاده و جهان را شگفت زده کرده اند. اما بیش از همه، با راه اندازی طوفان الأقصى و فرو ریختن هیمنه اسرائیل که از غزه آغاز شد، غزه بار دیگر در صدر توجه جهانی قرار گرفت؛ حملات زمینی و هوایی اسرائیل به کمک آمریکا و شرکای منطقه ای اش که بالای غزه انجام شد، باشندگان سرزمین غزه با وسایل دست داشته خود در پاسخ متجاوزان ایستادند و مقاومت کردند. به رغم ویرانی گسترده، شهادت هزاران مرد، زن و کودک و تخریب باغ ها و مزارع و ساختمان ها و همه آبادی های آن، غزه همچنان در سرخط خبر های جهان باقی ماند. با این نبرد نابرابر، تمام نُرَم ها و معیار های بین المللی که سال ها ادعا می شد، زیر پا گذاشته شد؛ نه حقوق بشر رعایت شد، نه حقوق کودکان و زنان و مردم غیر نظامی، نه حقوق اسیران جنگی و نه اماکن مقدس در نظر گرفته شد. به همین علت، در سراسر جهان، در مخالفت با حملات وحشیانه ی اسرائیل بالای غزه با حمایت آمریکا و کشور های غربی، تظاهرات گسترده ای جهانی برگزار شد که در برخی موارد به خشونت کشیده شد. در واکنش به تجاوز وحشیانه ی اسرائیل، جوامع دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی متعدد به بررسی های علمی پرداختند و ابعاد مختلف این جنگ و علل مقاومت بی نظیر ساکنان غزه را تحلیل و به جهانیان ارائه کردند، امری که باعث روشننگری بیشتر مردم شد. در طول این جنگ دو ساله، صد ها کتاب و مقاله به زبان های زنده ی جهان نوشته و ترجمه شده و در اختیار خوانندگان قرار گرفت.

در افغانستان نیز ده ها کتاب در باره ی قضیه ی فلسطین و غزه تألیف و ترجمه شد که بسیاری از آنها بیش از دیگر آثار، مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت. یکی از کتاب هایی که اخیراً به رشته ی تحریر در آمده، اثر پروفیسور نورالحق عزیز ی است؛ کتابی زیبا و پرمحتوا که زوایای مختلف غزه و مبارزات مردم آن را به زبان

ساده بیان کرده است. این اثر با عنوان «غزه، قلب زخمی امت اسلامی»، خواننده را با تاریخ، جانفشانی‌ها و دستاورد های مجاهدان و حماسه سازان غزه آشنا می‌کند. این کتاب را بنده با دقت خوانده‌ام، اثری است که خواننده را مجذوب خود می‌سازد و تاریخ و ایثار های ملت مقاوم و صابر غزه را به تصویر می‌کشد؛ مردمی که تمام هستی و زندگی خود را در راه رضای خداوند متعال، دفاع از سرزمین اسلامی و بازگرداندن مقدسات خود فدا کرده و هنوز هم در میدان مبارزه حاضرند. این کتاب، مردم غزه را به گونه ای زنده و ملموس به خواننده معرفی می‌کند که یاد آور نسل اول امت اسلامی می‌باشد؛ کسانی که هدف اصلی شان تحصیل رضای الله متعال بود. خوانش این اثر، سوء تفاهمی را که برخی ها مطرح می‌کنند که چرا حماس در لانه‌ی زنبور دست زد و با اقدام ناسنجیده‌ی خود غزه را به خاک و خون کشاند؛ از ذهن خواننده پاک می‌سازد. امیدوارم خواننده‌ی گرامی کتاب حاضر را با دقت و آرامش مطالعه کند تا با آنچه رسانه های مزدور و استعماری در باره‌ی مبارزات فلسطینیان منتشر می‌کنند، آشنا شود و فکر و قلم خود را در راه رساندن پیام مظلومیت و حقانیت مجاهدان فلسطین به کار گیرد و در زمره‌ی مجاهدان حق گو محسوب گردد.

در پایان، برای جناب دانشمند و رجاوند عزیزی صاحب از خداوند متعال توفیق ارائه‌ی خدمات بیشتر مسئلت می‌کنم.

والسلام

سرمحقق عبدالرحمن حکیمزاد

۱۱:۲۵ قبل از ظهر

۲۱ جدی ۱۴۰۴ هـ ش

مقدمه

جهان امروز شاهد مقاومت شجاعانه‌ی مجاهدان سلحشور و مردم با ایمان غزه در برابر دشمنان بوزینه صفت و معاندان اسلام است، مقاومت بی نظیری که تاریخ نمونه و مثال آن را در صبر، ثبات، پایداری، استقامت و حماسه آفرینی و تکنیک جنگی، به حافظه خویش ننگجانیده و به یاد ندارد، مقاومت در برابر نیرو های طاغوتی که در جهان حرف اول را می زنند و هیچ قدرت و نیرویی در برابر وحشی گری آنها تاب مقاومت نیاورده است.

مقاومت در برابر بزرگترین کشور های غربی به شمول امریکا و پیمان ناتو و حلفای جنایتکار آنها که دارای قوی ترین و مدرن ترین اسلحه نظامی و نیروی اتمی و نیرو های هوایی و زمینی و استخبارات درجه اول دنیا را در اختیار دارند.

مقاومت در برابر دشمن شهاد و جانی که جنایات و وحشی گری های آنها روی مغول و تاتار و هلاکو و چنگیز را سفید گردانیده و از هیچ گونه ستمی که در توان داشته اند در حق مردم بی دفاع و مظلوم غزه دریغ نورزیده و شفاخانه و مسجد و مدرسه و خیمه های بی جا شدگان و آوارگان و حتی کلیسای مسیحیان هم در امان نبوده و همگی هدف حملات وحشیانه و جنایتکارانه آنها قرار گرفته است.

مقاومتی که جز اسلحه دست داشته آماده کرده شده دست های پرتوان مجاهدان سربه کف غزه و مردم کفر شکن خود شان چیزی دیگری در اختیار ندارند و از هیچ جهت و یا سازمان و یا کشوری، با تداوم محاصره هجده ساله هیچ گونه کمکی از بیرون دریافت نکرده و حتی مواد اولیه زندگی را هم در اختیار نداشته اند. مقاومتی که حتی غذا برای خوردن، آب برای نوشیدن و دوا برای مداوی مریضان و زخمیان هم در اختیار ندارند.

مقاومت در برابر کسانی که میلیارد ها دلار هزینه می کنند، سلاح های مرگبار می سازند و رسانه ها را به خدمت می گیرند تا صدای حق طلبی و ایستادگی مردم فلسطین، به ویژه در غزه را خاموش نموده و ظالم را مظلوم و مظلومان را ظالم قلمداد کنند.

مقاومت در برابر رژیم‌هایی که هیچ گونه احساس انسان دوستی، حقوق بشری، قوانین جنگ، آزادی، میثاق ها و قوانین بین المللی و مصوبات ملل متحد و قطعنامه

های مؤسسات بین المللی و منطقوی و... را نادیده گرفته و همه را روزانه زیر پا نموده و می نماید.

مقاومت در برابر دشمنی که خطرناک ترین اسلحه کشتار جمعی و اسلحه ممنوعه که استعمال آن جنایت جنگی خوانده می شود را بالای مردم مظلوم و بی دفاع غزه استعمال نموده و هنوز هم ادامه دارد.

مقاومت در برابر دشمنی که تمام سران کشور های اسلامی به شمول همسایگان فلسطین و غزه جرأت ندارند تا حتی در قالب کلمات و الفاظ این جنایات را محکوم کنند .

مقاومت در برابر جنایت کارانی که با انجام وحشتناک ترین جنایات و ریختن بمب های سنگین و آواره کردن اهالی و ویران کردن خانه های مسکونی و از بین بردن همه امکانات زندگی، می خواهند اراده ی این ملت مقاوم را درهم بشکنند و آنها را وادار نمایند تا اسلحه خویش را بر زمین گذاشته و تسلیم شوند، اما این حقیقت را نمی دانند که فرد و یا گروهی که با نیروی ایمان مسلح بوده و با عشق شهادت و حق طلی و محبت جهاد و رباط در راه الله متعال زندگی می کند، با هیچ تهدیدی و استعمال هرگونه سلاحی و به کار گیری هرگونه فشاری خاموش نمی شود و تسلیم نمی گردد.

غزه شاهد وضعیتی است که کودکان آن در زیر آوار جان می دهند، مادران فرزندان شان را به خاک می سپارند و جوانان با دستان خالی در برابر پست ترین دشمنان و فرومایه ترین و وحشی ترین موجودات زمینی که نام انسان بر آنها اطلاق می شود و ذره ای از انسانیت و شرف و کرامت انسانی در آنها دیده نمی شود، می ایستند و به مبارزه خویش ادامه می دهند.

در این اواخر جهان شاهد تلخ ترین تجربه جنایات صهیونیست های وحشی در غزه است که روزانه چندین تن در اثر گرسنگی تحمیلی از طرف صهیونیست ها و همکاری سران و رهبران مزدور کشورهای عربی، جان می دهند و صد ها هزار تن دیگر در انتظار مرگ تدریجی قرار دارند.

غزه تنها میدان جنگ با سلاح نه؛ بلکه صحنه ی تقابل حق و باطل و آخرین سنگر دفاع از شرف و عزت و عظمت امت اسلامی است و دشمن زبون در تلاش

است که این آخرین منارهٔ اسلام و امت اسلامی را واژگون کند و مقاومت را درهم شکند تا بتواند با از میان برداشتن این دژ مستحکم و مسلح با نیروی ایمان، یگانه مانعی که در راستای تطبیق برنامه های استعماری است، راه را برای تحقق اهداف شوم و تطبیق نقشه های خطرناک صهیونیسم جهانی در منطقهٔ شرق میانه و جهان اسلام هموار سازد و نقشه ها و طرح ها و اهداف نظامی، سیاسی، اقتصادی، عقیدتی، فکری، فرهنگی و اجتماعی صهیونیست ها را که از قبل طرح شده یکی بعد از دیگری در منطقه تطبیق و عملی نماید.

اما باور بر این است که باطل محکوم به زوال بوده دیر و یا زود نابوده شدنی است و نابود خواهد شد، و اقتدار و حاکمیت پوشالی اسرائیل و حلفای او و همه صهیانیه ی عرب و عجم با همه دار و دسته و همه امکانات نظامی و اطلاعاتی و حمایت های همه جانبه سران کشور های مزدور عربی اش، روزی به پایان خواهد رسید و فلسطین و مسجد اقصی از اسارت یهود آزاد خواهد شد، زیرا این فرموده الله متعال حق بوده و واقعیت پیدا خواهد کرد که فرموده است: ﴿إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ باطل نابود شدنی است.

در این رسالهٔ کوچک خواستم دل نوشته های خویش را در بارهٔ مقاومت بی نظیر و سرسختانه و مردانه وار مردم کفر ستیز غزه در قالب کلمات در آورده و مطالبی را در مورد قهرمانی ها، صبر، ثبات، و استقامت مجاهدان و مردم مظلوم غزهٔ عزیز در رشتهٔ تحریر در آورم و رسالهٔ خویش را به پنج بخش ترتیب نموده ام که شامل موضوعات اساسی ذیل: قدس و فلسطین، اهمیت و جایگاه آن در نصوص شرعی، تاریخچه مبارزات مردم فلسطین، معرفی حرکت اسلامی حماس، اهمیت و دست آورد های طوفان اقصی، جنگ سرنوشت ساز غزه و خطر یهود و صهیونیسم در جهان و زوال دولت و رژیم غاصب اسرائیل، با استناد به نصوص شرعی و حقایق تاریخی و در اخیر با نتیجه گیری پایان می یابد.

از الله متعال برای مقاومت اسلامی فلسطین و مجاهدان پاکباز آن، ثبات، استقامت و پایداری هرچه بیشتر و نصرت و پیروزی در مقابل رژیم غاصب و جنایت کار صهیونیستی و حامیان عربی و عجمی اش خواهانیم و به امید روزی که قدس و فلسطین به دست مجاهدان آزاد و آرمان ملت مسلمان فلسطین و همه آزادی خواهان

جهان تحقق یافته و سرزمین مقدس شام (فلسطین) از لوٹ خنازیر صهیونستی پاک
و این دانه سرطانی از قلب امت اسلامی ریشه کن گردد.
و ماذلك على الله بعزیز
پروفیسور نورالحق (عزیزی)
کابل- افغانستان
۳۰ میزان ۱۴۰۴ ه ش مطابق با ۲۲ اکتوبر سال ۲۰۲۵ م

بخش اول

جایگاه مسجد اقصی و سرزمین شام (فلسطین) در اسلام

الف: جایگاه مسجد الاقصی

مسجد اقصی؛ معروف ترین مسجدی است که در شهر(قدس) در سر زمین فلسطین موقعیت دارد و در بالای کوهی آباد گردیده و بنام (بَيْتُ الْمُقَدَّسِ) یعنی: خانه پاکی که انسان را از گناهان پاک می سازد، نیز یاد می شود. اولین قبله مسلمانان و سومین سه حرم شریف، و محل اسراء و معراج رسول الله ﷺ و یکی از مساجد سه گانه ایست که سزاوار سفرکردن و رفتن به آن را دارد، مسجدی که الله متعال ما حول آنرا مبارک گردانیده است و به سبب دوری فاصله آن با مسجد الحرام، بنام (اقصی) خوانده می شود و در آن هنگام دور ترین مساجد برای اهل مکه بود، که با زیارت کردن، آنرا تعظیم می کردند.^(۱)

نام ها: این مسجد بنام های مختلف ذکر گردیده است، از جمله:

- ۱- مسجد ایلپاء: یعنی: بیت الله؛ اما علماء می گویند به این اسم ذکر کردن آن مکروه است، و بهتر است بنام: (بَيْتُ اللَّهِ الْمُقَدَّسِ) ذکر گردد.
- ۲- بَيْتُ الْمُقَدَّسِ: یعنی: مکانی که پاکی از گناهان در آن حاصل می گردد.
- ۳- الْبَيْتُ الْمُقَدَّسُ: یعنی: خانه پاک کرده شده با دور ساختن بت ها و خدایان باطل از آن.

فضایل

مسجد الاقصی و بیت المقدس دارای فضایل و برکات فراوانی هستند که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ ذکر شده است، از جمله:

۱ - محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي، تفسير القرطبي ۱۰/ ۲۱۲.

۱- اسراء و معراج پیامبر ﷺ از آنجا صورت گرفته و در این مورد آیه مبارکه: (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ...) . نازل گردیده است.

۲- یکی از سه مسجدی است که جهت کسب ثواب و برکت، به آن سفر صورت می گیرد، و این مساجد سه گانه مسجد الحرام، مسجد نبوی و مسجد اقصی می باشد.

۳- ماحول و اطراف آن پاک کرده شده است: (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ). دو تأویل در با برکت بودن آن موجود است:

اول: به سبب مدفون بودن انبیاء ﷺ و اخیار در اطراف آن.

دوم: به سبب کثرت میوه ها و نهر ها و دومین مسجد روی زمین.

۴- اولین مسجد روی زمین بعد از مسجد الحرام می باشد: ابی ذرؓ می گوید از رسول الله ﷺ پرسیدم اولین مسجدی که در زمین آباد شده کدام است؟ فرمودند: «الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ»، گفتم بعد از آن؟ فرمودند: «الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى»، گفتم چه مدت فاصله بین آنها بود؟ فرمودند: «أَرْبَعُونَ عَامًا»، ثُمَّ الْأَرْضُ لَكَ مَسْجِدًا فَحَيْثُمَا أَدْرَكْتِكَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ مَسْجِدَ الْحَرَامِ»^(۱) چهل سال، بعداً فرمودند: زمین همه برای تو مسجد است، هر جا که وقت نماز فرا رسید، نمازت را بگذار.

۵- مسجد الاقصی نخستین قبله مسلمانان است؛ عن براء بن عازب ؓ قال: كان رسول الله ﷺ صَلَّى نَحْوَ بَيْتِ الْمَقْدِسِ سِتَّةَ عَشْرٍ أَوْ سَبْعَةَ عَشْرَ شَهْرًا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُحِبُّ أَنْ يُوَجَّهَ إِلَى الْكَعْبَةِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلْتُوَلِّبْنَاكَ قِبَلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ . (۲) فتوجه نحو

۱- أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة - بيروت، عدد الأجزاء: ثمانية أجزاء في أربع مجلدات ۶۳/۲.

۲- البقرة/ ۱۴۴ .

الكعبة^(۱). از برآء بن عازب روایت است که: پیامبر ﷺ حدود شانزده یا هفده ماه رو به بیت المقدس نماز می خواند، و ایشان دوست داشتند که رو به کعبه نماز بخوانند تا اینکه الله متعال آیه فوق را نازل فرمود، که از آن پس رو به کعبه نمود.

۶- مسجد الأقصی جایی است که اسراء پیامبر ﷺ از نخستین مسجدی که روی زمین بنا شده است به سوی دومین مسجد روی زمین از آنجا شروع شد، پس مسجد الأقصی از جمله دو مسجدی است که از فضیلت و شرف بزرگی برخوردار می باشد:

عن أنس بن مالك رضی الله عنه، أن رسول الله ﷺ قال: «أُتيتُ بالبراق- وهو دابة أبيض طويل فوق الحمار ودون البغل يضع حافره عند منتهى طرفه قال: فركبته حتى أتيت بيت المقدس - قال- فربطته بالحلقة التي يربط به الأنبياء قال: ثم دخلت المسجد فصليت فيه ركعتين ثم خرجت فجاءني جبريل عليه السلام بإناء من خمر وإناء من لبن فآخترت اللبن فقال جبريل: اخترت الفطرة ثم عرج بنا إلى السماء»^(۲).

از انس بن مالک روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: براق برایم آورده شد، براق حیوانی سفید رنگ و قدرتمندی است که از الاغ بزرگتر و از قاطر کوچک تراست- سوار آن شدم تا به بیت المقدس رسیدم، آنگاه آن را با حلقه ای بستم که پیامبران (حیوان سواری) خود را بدان می بستند، سپس داخل مسجد شدم و دو رکعت نماز در آن خواندم و بیرون رفتم، آنگاه جبرئیل پیمانۀ ای از شراب و پیمانۀ ای از شیر را برایم آورد که من شیر را انتخاب نمودم و جبرئیل فرمود بهترین و پاکترین را انتخاب نمودی، سپس مرا به آسمان بردند.

۷- مسجد الأقصی: جایی است که پیامبر ﷺ آن را ستوده و بر فضیلت و شأن آن گواهی داده و خبر داده که دلہای مسلمانان بدان معلق است؛ زیرا او دارای رتبه ای است که مسلمان دوست دارد جای کوچکی را در اختیار داشته باشد و از آن به

۱- محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، الجامع الصحيح، حسب ترقيم فتح الباري، الناشر: دار الشعب - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، ۱۱۰/۱.

۲- أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري النيسابوري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، ۹۹/۱.

مسجدالأقصى بنگرد و آن را ببیند و این مکان از نظر او از همه دنیا و آنچه در آن است، دوست داشتنی تر می باشد.

عن أبي ذر رضي الله عنه قال: «تذاكرنا عند رسول الله صلى الله عليه وسلم أيهما أفضل: أمسجد رسول الله أم بيت المقدس؟ فقال رسول الله: ﴿صلاة في مسجدی أفضل من أربع صلوات فيه، ولنعم المصلی هو، وليوشكن أن يكون للرجل مثل شطن فرسه من الأرض حيث يرى منه بيت المقدس خير له من الدنيا جميعاً. أو قال: خير من الدنيا وما فيها﴾^(۱).

از ابی ذر رضی الله عنه روایت است که گفت: پیش پیامبر صلى الله عليه وسلم در مورد مسجد پیامبر و مسجدالأقصى بحث و گفتگو می کردیم که کدام یک از آنها بزرگتر است، مسجد پیامبر یا بیت المقدس؟ پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: یک نماز در مسجد من چهار برابر نماز در بیت المقدس است. و آن جا (بیت المقدس) بهترین نماز خانه است چیزی نمانده که یک نفر آن قدر به بیت المقدس نزدیک شود که آن را ببیند و چنین چیزی برای او بهتر است از تمام دنیا. - و در روایت دیگر - بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

۸- پیامبر صلى الله عليه وسلم مؤده فتح مسجدالأقصى را پیش از آن که فتح شود، داده بود. و آن مؤده از جانب پیامبر صلى الله عليه وسلم از نشانه های نبوت می باشد. عن عوف بن مالك، قال: أتيت النبي صلى الله عليه وسلم في غزوة تبوك، وهو في قبة من آدم فقال: ﴿اعدد ستاً بين يدي الساعة؛ ذكر منها- ثم فتح بيت المقدس...﴾^(۲). از عوف بن مالک روایت شده که گفت: در غزوه تبوک نزد پیامبر صلى الله عليه وسلم رفتم در حالی که ایشان در گنبدی چرمی نشسته بودند، فرمود: شش چیز از نشانه های قیامت را ذکر نمودند و یکی از آنها فتح بیت المقدس بود.

۹- مسجدالأقصى و بیت المقدس سرزمینی هست که بندگان در آنجا حشر و نشر می گردند. از میمونه بنت سعد کنیز پیامبر صلى الله عليه وسلم روایت است که از پیامبر صلى الله عليه وسلم پرسید: ای پیامبر! در مورد بیت المقدس برایمان صحبت کن، پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: ﴿أرض المحشر والمنشر ائتوه فصلوا فيه فإن صلاة فيه كألف صلاة في غيره﴾^(۳). یعنی آنجا سرزمین حشر

۱- محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، المستدرک علی الصحیحین، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ - ۵۵۴/۱۹۹۰، ۴.

۲- محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، الجامع الصحيح، ۱۲۴/۴.

۳- ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني، سنن ابن ماجة، كتب حواشيه: محمود خليل، الناشر: مكتبة أبي المعاطي ۴۱۳/۲.

و گرد همایی خلاق است، آنجا بروید و نماز بگذارید، زیرا نمازی در آن همانند هزار نماز در غیر آن است.

۱۰- مسجد الأقصی پناهگاه و سنگر مؤمنان در برابر دجال است و دجال وارد آن نمی شود. قال رسول الله ﷺ عن الدجال: ﴿...علامته يمكث في الأرض أربعين صباحاً يبلغ سلطانه كلَّ منهل، لا يأتي أربعة مساجد: الكعبة و مسجد الرسول و المسجد الأقصی والطور...﴾^(۱). پیامبر ﷺ در مورد دجال فرمود: نشانه آن این است که چهل صباحی (چهل روز) در زمین می ماند که سلطه و قدرتش همه آبشخور و چشمه ها را فرا می گیرد جز چهار مسجد که دجال نمی تواند داخل آنها شود کعبه و مسجد پیامبر ﷺ، و مسجد الاقصی و طور .

۱۱- مسجد الأقصی جایی است که بار سفر برای زیارت آن بر بسته می شود و علما اتفاق دارند بر اینکه زیارت بیت المقدس و خواندن نماز در آن سنت است. و درست نیست که برای زیارت سفر نمود جز سه مسجد که مسجد الاقصی یکی از آنها است. و آن سه مسجد فضل و برتری را بر دیگر مساجد دارند، در صحیحین از ابو هریره ؓ روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: ﴿لا تُشدُّ الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام و مسجد الرسول ﷺ و مسجد الأقصی﴾^(۲). بار سفر بسته نمی شود جز برای زیارت سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد پیامبر ﷺ و مسجد الاقصی.

به همین جهت، بسیاری از اصحاب برای نماز در مسجد الاقصی بدانجا سفر نموده اند، و پس از آنها نیز سلف صالح و علما و فضلاء مسجد الاقصی را با حلقه های علم و طالبان آن، آباد نموده اند.

از شیخ الاسلام ابن تیمیه در مورد حکم زیارت بیت المقدس و نماز در آن، سؤال شد. ایشان فرمودند: در صحیحین آمده که پیامبر ﷺ فرمود: بار سفر بسته نمی شود جز برای زیارت سه مسجد..... این حدیث در صحیحین از ابی سعید و ابی هریره و از دیگران نیز روایت شده است. و درجه این حدیث، مستفیض و مورد قبول و تصدیق است

۱- أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، مسند الإمام أحمد بن حنبل، الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، عدد الأجزاء: ٦، ٣٦٤/٥.

۲- محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله، الجامع الصحيح، ٧٦/٢.

و اهل علم بر صحت و مقبولیت آن اجماع و اتفاق دارند و همه علما، سفر به بیت المقدس و ادای عبادات مشروع در آنجا را سنت دانسته اند و ابن عمر (عبدالله بن عمر) بدانجا می رفت و در آن نماز می خواند^(۱).

۱۲- نماز در مسجد الأقصی دارای فضیلت بزرگی است. نسائی از عبدالله بن عمرو بن عاص از پیامبر ﷺ روایت نموده که فرمود: وقتی که سلیمان از بنای بیت المقدس فارغ شد، سه چیز را از الله متعال درخواست نمود: قدرت و حکمی که بر اساس حکم خدا باشد، سلطه و قدرتی که پس از او به کسی داده نشده باشد و اینکه هرکس داخل این مسجد شود، تنها به قصد خواندن نماز در آن، از گناهانش پاک شود، همچون روزی که از مادرش متولد شده است. پیامبر ﷺ فرمود: ﴿أما اثنتان فقد أعطيهما، وأرجو أن يكون أعطى الثالثة﴾^(۲). دو تای اولیش به من داده شده اما از خدا می خواهم که سومی را نیز به من بدهد.

مسجد الأقصی همواره محل و جای اهتمام علمای اسلامی بوده و آنچه که علمای اسلام در قرون اول و قرن های بعدی در زمینه فضائل مسجد الأقصی نوشته های دارند، بر جایگاه و اهمیت آنجا دلالت دارد، که این نوشته ها هنوز هم مورد تحقیق و تدریس هستند، بگونه ای که هیچ شهر دیگری تا این اندازه رنگ و رو و صبغه و وجه جهانی نداشته است، اهتمام و توجه سلف صالح و علمای اعلام به مسجد الأقصی و سرزمین مبارک واضح و آشکار است.

مسجد اقصی اولین قبله مسلمانان از چنان اهمیتی برخوردار است که کعبه مشرفه و مدینه منوره آن اهمیت را نزد مسلمانان دارد و جزو دین را تشکیل می دهد و نادیده گرفتن و بی تفاوتی با این قضیه نمادی از بی دینی و بی تفاوتی در مقابل ارزش های اسلامی و دین و عقیده اسلامی است.

د. جمال نصار در این مورد می نویسد: مبارزه و جهاد علیه ظلم و تجاوز تا برپایی قیامت ادامه دارد و هتک حرمت مقدسات اسلامی توسط صهیونیست ها بر مسجد

۱- ابن تیمیه، مجموع فتاوی شیخ الاسلام، چاپ دوم سال ۱۳۹۸هـ- ۲۷/۶.

۲- ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن یزید القزويني، سنن ابن ماجه، كتب حواشيه: محمود خليل، الناشر:

مكتبة أبي المعاطي ۴۱۴/۲.

اقصی و فلسطین و غزه نیز تا مدتی که الله متعال اراده کرده باشد، وجود خواهد داشت، زیرا این طبیعت رویارویی بین حق و باطل است، و حق پیروز شدنی و باطل نابود شدنی است و سیطره باطل و غلبه آن بر اهل حق یک امر مقطعی و زود گذر است و به علت ضعف مسلمانان و تفرقه و اختلاف و تخلف و عقب ماندگی آنها، سیطره باطل تا زمانی ادامه پیدا می کند که مسلمانان اهلیت و شایستگی نصرت الهی را در خود ایجاد کنند، آنگاه باطل در مقابل حق نابود شده و حق جای آن را می گیرد.

امروز که مسجد اقصی اولین قبله و سومین حرم مسلمانان، توسط صهیونیست ها مورد هدف قرار گرفته است، به دلیل برحق بودن صهیونیست ها نه؛ بلکه به سبب تخلف مسلمانان از قافله علم و دانش و فاصله گیری آنها از اساسات و احکام دین شان است و هر گاه مسلمانان به خود آیند و به دین خویش متمسک گردیده و احکام الهی از جمله جهاد را پیشه خویش سازند، همه چیز به یکارگی تغییر خواهد کرد؛ امروز که اسرائیل به ظلم و تجاوز خویش ادامه می دهد و به سوی یهودی سازی مسجد اقصی در حرکت است و گام های بزرگی در یهودی سازی شهر قدس برداشته است و ظاهراً دارد به سوی هدف خویش نزدیک تر شده می رود، نتیجه بی تفاوتی و انحطاط اخلاقی و دینی سران کشور های عربی و وابستگی آنها به امریکا و غرب است که به چنین ذلتی تن داده اند و به صورت عموم، نسبت به اجراءات صهیونیست ها علیه اولین قبله و سومین حرم شریف، هیچ ابرویی خم نکرده و به آن توجهی ننموده اند.

علاوه بر بی حرمتی و تجاوز به حرم مسلمانان، هزاران جریب زمین و هزاران منزل فلسطینیان که در محیط و ماحول مسجد اقصی واقع است، بعد از جنگ سال ۱۹۶۷م توسط صهیونیست های اشغال گر تصاحب شده است و برخی از فلسطینی ها به کناره غربی فرار کرده و تعداد زیادی به کشورهای عربی و کشورهای غربی آواره و پناهنده شده اند.

واضح است که صهیونیست ها با همکاری حلیفان عربی و غربی شان قادر به این امر شده اند و در تحقق و اجرای پروژه یهودی سازی شهر بیت المقدس به صورت منظم و سیستماتیک به پیش می روند.

بنابر واقعیت های تلخی که امروز امت اسلامی به آن مواجه است، باوجود همه مشکلات و موانع، قدس و فلسطین را نباید فراموش کرد و باید هرکس به قدر توان

خویش در جهت حمایت از اولین قبله خویش و آزادی سرزمین مقدس تلاش خود را به خرج دهد و راهکار هایی را باید مسلمانان در شرایط کنونی روی دست گیرند و با وجود توطئه های جوامع بین المللی و پشتیبانی شان از اسرائیل اشغالگر؛ مسجد اقصی را حمایت کرده و قضیه فلسطین را در قلب های مسلمانان زنده نگهدارند و اینک برخی از این راهکار ها در مورد اهتمام به مسجد اقصی را به بررسی می گیریم:

راهکار های دفاع از مسجد اقصی

همان گونه که متذکر شدیم، دفاع از مسجد اقصی یک مکلفیت دینی و ایمانی برای هر مسلمانی است که به الله متعال و ارکان ایمان معتقد می باشد. نه تنها دفاع از مسجد اقصی، بلکه دفاع از مقدسات دینی و شعائر دینی در همه اطراف و اکناف زمین مکلفیت همه مسلمانان در هر زمان بوده و به همین سبب جهاد بالای مسلمانان تا به روز قیامت فرض گردیده است .

با در نظر داشت شرایط و حالات، شیوه و چگونگی ادای فریضه جهاد و دفاع از اماکن مقدسه و شعائر اسلامی، متفاوت می باشد، در شرایط کنونی که در اثر تشتت و پراگندگی امت اسلامی و اختلافات درونی مسلمانان و مداخلات آشکار طواغیت عصر و تحت استعمار قرار داشتن تقریباً همه کشور های اسلامی (اگر چه ظاهراً مستقل و آزاد اند)، سبب شده است که این وجیبه شرعی و دینی در اکثر سرزمین های اسلامی تطبیق و عملی نگردد، اما در مجموع مسلمانان باید مکلفیت خویش را به هر شکل ممکن اداء نمایند و هر یک به قدر توان و امکانات خویش در این عرصه تلاش به خرج داده و ادای مسئولیت نمایند.

در خصوص مسجد اقصی که تقریباً دو ثلث یک قرن تحت اشغال و اسارت صهیونیست ها قرار دارد، و به سبب وابستگی کشور های عربی و اسلامی همجوار آن، به امریکا (حامی درجه یک صهیونیست ها و رژیم اشغالگر)، اشتراک در جهاد عملی برای آزادی قدس ناممکن به نظر می رسد، اما با آنهم باید مسلمانان آرام نه نشسته و کاری که در توان دارند، انجام دهند، تا حقی که اسلام و مسجد اقصی بالای آنها دارد، اداء گردد.

اینک برخی مواردی که در شرایط کنونی در قبال مسجد اقصی باید انجام داد،
قرار ذیل متذکر می شویم:

۱- دعا: حد اقل کاری که همه می توانند انجام دهند، عبارت از دعا است، زیرا دعا سلاح مؤمن است، سلاحی که بسیاری از آن غافل بوده و حتی برخی آن را سبک می پندارند، و به آن توجه نمی کنند، اما حقیقت اینست که دعا کاری می کند که هیچ قوتی به آن رسیده نمی تواند و تقدیر را تغییر می دهد، به شرطی که شرایط و آداب آن در نظر گرفته شود و اوقات اجابت را جستجو نموده و دعا نمایند. بناءً باید برای نصرت و یاری مسجد مبارک اقصی و فلسطین دعا کرده و سهم خویش را در نصرت اقصی اداء نماییم.

۲- آشنایی به تاریخ مسجد اقصی و سرزمین فلسطین، اشتراک در مناسبت ها و فعالیت هایی که در مورد فلسطین و قضیه مسجد اقصی صورت می گیرد، تا از فعالیت ها و کار کردها در مورد نصرت مسجد اقصی آگاه بوده و سهم خویش را در آن موارد اداء نماییم.

۳- تقویه جنبه های معنوی و بازگشت به سوی الله متعال و ترک خصلت های زشت و نادرست و دوری از شهوات و گناهان؛ زیرا از مهمترین اسباب تسلط دشمنان بر ما، آلوده بودن به گناهان و ترک طاعات است.

۴- قدر دانی و بزرگداشت از تلاش های دیگران برای نصرت مسجد اقصی ولو اندک باشد.

۵- مطرح نمودن قضیه ای اقصی و فلسطین در رأس همه قضایای دینی و فرهنگی با دوستان و همکاران و تذکر دایمی آن در مورد درک رسالت مؤمنان در قبال مسجد اقصی و وجوب نصرت آن در حد توان.

۶- تفهیم این مطلب که فلسطین قضیه ای امت اسلامی است و آگاهی دهی در باره قضیه اقصی و فلسطین به اعضای فامیل و اطفال و نوجوانان از طریق مربیان و معلمان در خانه ها، مدارس و آموزشگاه ها.

۷- مقاطعه همه جانبه با شرکت های تولیدی و کالاهای مورد حمایت کیان صهیونیستی و رساندن این پیام به همه مسلمانان به شیوه های مختلف تبلیغاتی و نشراتی و رسانه ای و همه امکانات دست داشته.

۸- پی گیری و تعقیب نمودن حوادث و رویداد های جاری در قدس و فلسطین و کسب آگاهی موثق در مورد قضیه فلسطین و حضور در کنفرانس ها و محافل و مجالس در رابطه به فلسطین و ثبت مسایل ضروری و مرتبط به قدس و نشر و پخش آن با و سایل گوناگون.

۹- ایجاد و تقویه روحیه انفاق فی سبیل الله و در صورت امکان، تهیه صندوق پس انداز خاص برای رسیدگی به قضیه اقصی و فلسطین و تعمیم معانی بذل و بخشندگی در میان مسلمانان.

۱۰- آگاه ساختن اطفال و نوجوانان از فضایل مسجد مبارک اقصی و سرزمین شام و رباط و جهاد در آن سرزمین، در روشنی آیات قرآنی و احادیث نبوی و درک مسؤولیت های مسلمانان در قبال آن.

۱۱- یقین و باور کامل داشتن به نصرت و پیروزی اسلام، زیرا وعده الهی مبنی بر پیروزی حق و نابودی باطل حق بوده شکی در آن وجود ندارد؛ تا به این ترتیب، روحیه مرابطین و مجاهدین و عموم مسلمانان تقویت گردیده و امید خود را از دست ندهند.

۱۲- هر مسلمانی که توانایی مالی دارد، باید در حمایت و همکاری مالی مبارزان مسلمان که از حریم مقدس اقصی دفاع می کنند و جان های خود را در این راه قربان می کنند، و کسانی که از طریق رسانه ها آواز مظلومیت آنها را به گوش جهانیان می رسانند، دریغ نرزد و همچنان تلاش کند که تا حد ممکن در عرصه سرپرستی از خانواده های شهداء و مبارزان همکاری کند .

۱۳- رهبران و حکام سرزمین های اسلامی نباید به این بهانه که با رژیم صهیونستی معاهده دوستی دارند و یا جامعه جهانی از آنها حمایت نمی کند، مانع فعالیت های مبارزان و فعالان حرکت های اسلامی برای دفاع از قدس شوند، اگر خود کاری کرده نمی توانند، حد اقل در مقابل آنها مشکلات ایجاد نکنند و همچنان، علماء، نویسندگان، ژورنالستان، فرهنگیان در کشور های اسلامی نیز مکلفیت دارند تا قضیه ای قدس و فلسطین را فراموش نکرده در هر بخشی از فعالیت های شان آن را در نظر بگیرند، در غیرآن، نزد الله متعال، قضاوت تاریخ و در برابر امت اسلامی جوابگو خواهند بود.

۱۴- جنایات رژیم صهیونیستی در برابر قدس و مسجد اقصی و ظلم و تجاوزات آن بالای مسلمانان فلسطین و مردم مظلوم غزه از حد گذشته است، در این مورد سکوت نمودن جرم بزرگ بوده هر مسلمان و هر انسان آزاده باید صدای اعتراض و حق خواهی و حق طلبی خویش را بلند نماید و از حقوق مردم فلسطین دفاع و مظالم صهیونیست های جنایتکار را مورد سرزنش قرار دهد.

ب: جایگاه فلسطین در اسلام

در مورد اهمیت سرزمین شام و فلسطین نصوص زیادی وجود دارد که در برخی نصوص به نام (سرزمین مقدس و مبارک) ذکر شده است.

فضیلت سرزمین مقدس و یا شام در نصوص

اول: آیات قرآن کریم:

۱- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ .^(۱) تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجدالحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ يك شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی های آن، او را از بند دردها و رنجهای زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می ماند).

در این آیه مبارکه جمله: ﴿بَارَكْنَا حَوْلَهُ...﴾ محل استشهاد است، چون مسجد اقصی در فلسطین واقع است و مراد از ماحوله طبعاً سرزمین فلسطین می باشد که مسجد اقصی را در خود جای داده است.

۲- ﴿وَجَعَلْنَاهُ وُطُوًّا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾.^(۱) و او و لوط را (از مکر و کید کافران) رستگار و به سرزمینی گسپل داشتیم که (از لحاظ مادی و معنوی) پر خیر و برکتش برای جهانیان کرده‌ایم.

۳- ﴿وَلَسَلِّمَانِ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ﴾.^(۲) ما باد تند و سریع را فرمانبردار سلیمان کرده بودیم تا به فرمان او به سوی سرزمینی حرکت کند که پر خیر و برکتش ساخته بودیم. و (این، جای شگفت نیست، چرا که) ما بر هر چیزی آگاه و دانا بوده (و هستیم).

۴- ﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾.^(۳) ای قوم من! به سرزمین مقدسی وارد شوید که خداوند دخول بدانجا را برای شما مقدر کرده است، و (در برابر دشمن سرسختی که در آنجا بسر می‌برد پای به فرار نگذارید و) پشت نکنید، تا زیانکارانه برنگردید (و یاری و خوشنودی خدا را از دست ندهید).

مسجد الأقصى و اطراف آن که عبارت از سرزمین فلسطین است دارای برکت هستند؛ زیرا در سرزمینی واقع شده است که الله متعال آن سرزمین را پر برکت نموده الله متعال می‌فرماید:

۵- ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾.^(۴) تسبیح و تقدیس خدائی را سزا است که بنده خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آنجا که دور و بر آن را پر برکت (از اقوات مادی و معنوی) ساخته ایم. تا (در این کوچ یک شبه زمینی و آسمانی) برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت خداوندی) خود را بدو بنمایانیم (و با نشان دادن فراخی گستره جهان و بخشی از شگفتی‌های آن، او را از بند دردها و رنج‌های زمینیان برهانیم و با دل و جرأت بیشتر

۱ - الأنبياء/۷۱.

۲ - الأنبياء/۸۱.

۳ - المائدة/۲۱.

۴ - الإسراء/۱.

به میدان مبارزه حق و باطل روانه گردانیم). بی گمان خداوند بس شنوا و بینا است. (نه سخنی از او پنهان و نه کاری از او نهان می ماند).

گفته شده که اگر مسجد الاقصی، جز این آیه هیچ فضیلت دیگری نمی داشت، برایش کافی بود، چرا که این آیه جامع تمام برکت ها می باشد، زیرا وقتی که دور و برش مبارک باشد، مسلم است که خود آن چندین برابر مبارک و برتر است، و از برکت های آن، این است که بر همه مسجد ها به جز مسجد الحرام و مسجد پیامبر ﷺ برتری دارد.

دوم: احادیث

در احادیث صحیحه در مورد جنگ غزه و فلسطین اشاراتی به عمل آمده که به فضیلت و جایگاه آن منطقه و مبارزان و مجاهدان آن دلالت دارد و این نکته قابل یاد دهانی است که منطقه غزه تا سال ۱۹۴۷م جزئی از عسقلان کبری بود و امام شافعی رحمه الله هم تصریح کرده که او از منطقه غزه و عسقلان و غزه فعلی بوده است، وارد است که أخبرنا محمد بن عبد الله الحافظ قال: سمعت أبا بكر محمد بن جعفر المزكي يقول: سمعت أبا بكر محمد بن إسحاق يقول: سمعت محمد بن عبد الله بن عبد الحكم يقول: (سمعت الشافعي يقول: ولدت بغزة و حملتني أمي إلى عسقلان...) ۱ از محمد بن عبد الله بن عبد الحكم روایت است که می گوید: از امام شافعی رحمه الله شنیدم که می گفت: در غزه تولد شدم و مادرم مرا به عسقلان انتقال داد.

در مورد جایگاه مرابطین و مبارزان آن، احادیثی وارد است که بشارت جنت به آنها داده شده است، از جمله:

حدیث اول: عن عبد الله بن عمر بن الخطاب عن عمر بن الخطاب قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم وهو يذكر أهل مقبرة يوماً قال: فصلى عليها فأكثر الصلاة عليها قال: فسئل رسول الله صلى الله عليه وسلم عنها فقال: أهل مقبرة شهداء عسقلان

۱- معرفة السنن والآثار، أحمد بن الحسين البيهقي، شهرته: البيهقي، دار النشر: جامعة الدراسات الإسلامية

+ دار والوعوي + دار قتيبة

البلد: كراتشي بباكستان + حلب + دمشق، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۲هـ، ۱۹۹۱م، عدد الأجزاء:

۲۰۲/۱۵، ۱

ی‌زفون إلى الجنة كما تزف العروس إلى زوجها. قال حسين سليم أسد : إسنادہ ضعیف. ۱
 از عبد الله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما روایت است که گفت: از رسول الله صلی
 الله علیه وسلم شنیدم که روزی از اهل مقبره ای یاد آوری می کرد و گفت که به آنها
 بسیار زیاد دعا کرد، عمر رضی الله عنه گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسیده
 شد آنها اهل کدام مقبره اند؟ فرمودند: اهل مقبره شهداء عسقلان اند، به جنت به گونه
 ای نزدیک می شوند که عروس به شوهرش نزدیک می شود. حسین سلیم اسد گفته
 است اسناد این حدیث ضعیف است.

حدیث دوم: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَوَّلُ هَذَا
 الْأَمْرِ نُبُوَّةٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ خِلَافَةٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ مُلْكًا وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ إِمَارَةً وَرَحْمَةٌ،
 ثُمَّ يَتَكَادَمُونَ عَلَيْهِ تَكَادَمَ الْحُمْرِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ، وَإِنْ أَفْضَلَ جِهَادِكُمْ الرِّبَاطَ، وَإِنْ أَفْضَلَ
 رِبَاطِكُمْ عَسْقَلَانَ. ۲ از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله
 علیه وسلم ارشاد فرموده اند: در آغاز نبوت و رحمت می باشد بعد از آن خلافت و
 رحمت می آید بعد از آن پادشاهی و رحمت و بعد از آن حجت و رحمت، بعد از آن
 مردم (برای به دست آوردن مناصب حکومتی) مانند خزان یکدیگر را گاز می گیرند،
 پس بر شما لازم است که جهاد کنید و بهترین جهاد شما رباط (حراست از سنگر
 اسلام) است و بهترین رباط شما عسقلان است. و شکی نیست که نوار غزه در
 همسایگی عسقلان (اشکلون) که اکنون تحت اشغال صهیونست ها است، مشمول این
 فضیلت می باشد.

حدیث سوم: عن ابن عباس قال جاء رجل إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال
 يا رسول الله إني أريد الغزو في سبيل الله فقال عليك بالشام ثم الرزم من الشام عسقلان...
 ۳. از ابن عباس روایت است که شخصی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفت یا رسول الله من

۱- مسند أبي يعلى، أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي، الناشر: دار المأمون للتراث -
 دمشق، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، تحقيق: حسين سليم أسد، عدد الأجزاء: ۱۳. ۱۶۰/۱.
 ۲- المعجم الكبير، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني ۲۹۹/۹.
 ۳- المعجم الأوسط، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، الناشر: دار الحرمين - القاهرة، ۱۴۱۵، تحقيق:
 طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، عدد الأجزاء: ۱۰. ۲۸۲/۶.

می خواهم در راه الله متعال جهاد کنم، فرمود: به سرزمین شام برو و در آنجا منطقه عسقلان را انتخاب کن و در آن جا بمان.

حدیث چهارم: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: عَسْقَلَانٌ أَحَدُ الْعَرُوسَيْنِ، يُبْعَثُ مِنْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعُونَ أَلْفًا لِحِسَابِ عَلَيْهِمْ وَيُبْعَثُ مِنْهَا خَمْسُونَ أَلْفًا شُهَدَاءَ وَفُودًا إِلَى اللَّهِ، وَبِهَا صُفُوفُ الشُّهَدَاءِ، رُؤُوسُهُمْ مَقْطَعَةٌ فِي أَيْدِيهِمْ، تَتَّجُّ أَوْدَاجَهُمْ دَمَا يَقُولُونَ: رَبَّنَا إِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ، فَيَقُولُ: صَدَقَ عَبِيدِي، اغْسِلُوهُمْ بِنَهْرِ الْبَيْضَةِ، فَيَخْرُجُونَ مِنْهُ نَقَاءً بَيْضًا، فَيَسْرَحُونَ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءُوا. ۱۰ از انس بن مالک روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند عسقلان یکی از عروس هاست، برانگیخته می شود، از آن جا در روز قیامت هفتاد هزار که بالای شان حساب نمی باشد و از میان آنها پنجاه هزار شهید بسوی الله متعال می شتابند و صفوف شهداء در آنجا است، سر های شان قطع شده در دستان شان بوده و از رگ های شان خون جاری می باشد و می گویند: پروردگارا آنچه به زبان پیامبرت به ما وعده داده بودی برای مان نصیب فرما زیرا در وعده تو خلاف نیست پروردگار می گوید: بندگان من راست می گویند آنها را در نهر سفید شستشو کنید و از آنجا در حالی خارج می شوند که پاک و درخشنده می باشند و در جنت به سیاحت می پردازند و هرجا خواسته باشند میروند.

واقعیت های میدانی و حقایق عینی نشان می دهد که مجاهدین حماس و سایر گروه های مبارز فلسطینی که در حال حاضر در مقابل استکبار جهانی و توطئه های داخلی و رژیم صهیونیستی در بدترین شرایط به مبارزه و جهاد خویش برای آزادی سرزمین و نجات قدس ادامه داده اند و با دادن ده ها هزار قربانی و رنج های بیش از حد و فشار های نظامی و محاصره دو دهه و ... هنوز هم در مسیر خویش استوار باقی مانده اند، مصداق این پیشگویی های رسول الله صلی الله علیه وسلم اند و همین ها کسانی اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد ایشان ارشاد فرموده اند: ﴿لَا يَزَالُ مِنْ أُمَّتِي أُمَّةٌ قَائِمَةٌ بِأَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَلَا مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرٌ

۱- مسند احمد، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني، الناشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م، عدد الأجزاء: ۶، ۲۲۵/۳.

اللَّهِ وَهُمْ عَلَى ذَلِكَ قَالَ عُمَيْرٌ فَقَالَ مَالِكُ بْنُ يُخَامِرٍ قَالَ مُعَاذٌ وَهُمْ بِالشَّامِ فَقَالَ مُعَاوِيَةُ هَذَا مَالِكٌ يَزْعُمُ أَنَّهُ سَمِعَ مُعَاذًا يَقُولُ وَهُمْ بِالشَّامِ ﴿١﴾. معاویه رضی الله عنه روایت می کند که او از رسول الله صلی الله وسلم شنیده است که فرمودند: گروهی از امت من استوار بر امر الهی و حق می باشند کسانی که آنها را تنها می گذارند و با آنها مخالفت می ورزند، به ایشان ضرری وارد کرده نمی توانند تا اینکه امر الهی فرا می رسد و ایشان بر مسیر خویش استوار باقی می مانند عمیر گفت مالک بن یخامر گفت که معاذ گفت: ایشان در سرزمین شام اند.

قضیه فلسطین و موقف جهان اسلام

مسئله فلسطین، مسئله عقیده و جزو مقدسات مسلمانان است، مسئله فلسطین تنها مسئله نزاع و درگیری میان رژیم غاصب و ملت فلسطین که از وطن خود آواره شده و مورد ظلم و تعدی قرار گرفته اند، نیست؛ حتی اگر فقط موضوع خاص به فلسطین هم باشد، شایستگی حمایت و دفاع از آن از سوی همه مسلمانان و همه آزادگان و آزادی خواهان جهان را دارد، اما حقیقت این است که مسئله فلسطین، مسئله عقیده و مقدسات مسلمانان است و به استناد نصوص شرعی و دینی، مسلمانان مسئله فلسطین را نخستین مسئله خود می دانند و آماده دفاع از آن می باشند. چون بیت المقدس قبله اول مسلمانان و مسرای رسول ﷺ است و این امر، مسئله فلسطین را به یک مسئله عقیدتی و دینی تبدیل می کند.

حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی و جنایات و وحشی گری های بی سابقه آن بالای مردم فلسطین و غزه، نتیجه سکوت برخی کشورهای منطقه در قبال مسئله فلسطین و حتی همکاری برخی از آن ها در ادامه جنایات رژیم صهیونیستی بوده که مایه ذلت و ننگ برای آنها و همه مسلمانان است و ادامه مقاومت و مبارزات و جهاد گروه های مقاومت فلسطین در برابر جنایات رژیم اشغالگر نتیجه ثبات و استقامت و تلاش ها و جهاد آنها طی چند دهه اخیر با وجود همه محدودیت ها و محاصره می باشد.

۱- محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری، الجامع الصحیح، ۲۵۲/۴.

ارتش رژیم اشغالگر اسرائیل به عنوان بزرگترین قدرت نظامی در خاورمیانه، هیچ‌گاه انتظار چنین مقاومت و دفاع جانانه‌ای را از سوی مجاهدان نداشت و چنین تصور می‌کرد که شاید گروه‌های جهادی بعد از چند روز مقاومت به تسلیمی وادار شده و سلاح خود را به زمین خواهند گذاشت و قضیه فلسطین و مقاومت یکسره تمام خواهد شد؛ اما چنین نشد، بلکه برعکس، بعد از چند روز درگیری زمینی، در برابر گروه‌های مقاومت، ارتش رژیم غاصب متحمل خسارات سنگین مالی و جانی شده و بیش از ده‌ها کشته و زخمی دادند. و طی دو سال تمام، این ارتش مجهز با همه انواع اسلحه و حمایت‌های بین‌المللی و منطقوی و فشارهای بیش از حد نظامی و آتش دوامدار و بمباران شبانه‌روزی طی دو سال مکمل، بالاخره به شکست مواجه شده و نتوانست حتی یک هدف تعیین شده نظامی خویش را به دست آورد و مجبور شد تا ضمن یک توافق با مجاهدان حماس، جنگ را ظاهراً به پایان برساند؛ که این موفقیت به رهبری حماس و گردان‌های عزالدین قسام، مایه‌ی سربلندی همه‌ی انسان‌های آزاده در سراسر جهان گردید.

امت اسلامی و همه آزادگان جهان باید قهرمانان اصلی فلسطین و مجاهدین واقعی آن را بشناسند! و به قدر این لشکر خداوندی که در مرزهای شام با ثبات و پایداری و صبر و شکیبایی و اطمینان کامل به نصرت الهی و پیروزی نهایی به جهاد و مبارزه خویش ادامه می‌دهند، اعتراف نمایند و به وعده الهی مبنی بر پیروزی مؤمنان که در نهایت امر قطعی است، ایمان و یقین حاصل کنند، همان‌گونه که الله متعال ارشاد می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾. ۱ در آن روز (که رومیان پیروز می‌گردند) مؤمنان شادمان می‌شوند. (آری! خوشحال می‌شوند) از یاری خدا. خدا هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد، و او بس چیره (بر دشمنان خود) و بسیار مهربان (در حق دوستان خویش) است.

دشمن زبون با راه اندازی تبلیغات زهرآگین توانسته است توسط رسانه‌های مزدور استعماری اذهان بسیاری از جوانان مسلمان و افراد ناآگاه از قضایای امت را

شست و شوی مغزی بدهد و در قبال حقایق پذیرفته شده اسلامی و دینی دید گاه ایشان را طوری عیار کند که آگاهانه یا ناآگاهانه به دهل دشمنان برقصند و همان حرف هایی را که استعمار و حواریون او مطرح می کنند، به زبان بیاورند و سخنان آنها را تکرار کنند و هنوز هم کسانی زیادی وجود دارند که با وجود آنکه نماز می خوانند و روزه می گیرند اما در مورد قضیه سرنوشت ساز و مهم فلسطین و قدس بی تفاوت و یا هم در این مورد جانب اشغالگران را گرفته و از صهیونست ها و طرفداران شان حمایت می کنند؛ و دلیل و استناد ایشان، کانال ها و شبکه هایی صوتی و تصویری و تلویزیون های مزدور عربی است که فکر اسلامی نداشته و سیاست صهیونست ها را پیش می برند و به نفع آنها تبلیغات می کنند و هرگز نمی خواهند به نفع اسلام و مسلمانان و جریان های اسلامی و مصالح امت و ملت مسلمان سخن بگویند.

اینها سیکولر های بی دینی اند که از اسلام متنفر اند و اگر به نام مسلمان هم هستند، اسلامی را می خواهند که فقط به اخلاقیات و امور شخصی بپردازد و اصلاً در موارد سرنوشت ساز امت و قضایای مهم آن، مانند قضیه فلسطین و قدس حرفی نداشته باشند، زیرا این قضایا سبب ناخوشنودی باداران غربی آنها و اسرائیل می گردد. دینی را دوست دارند که در مورد احکام اسلام که چند صد آیه ی قرآن را تشکیل می دهد، حرفی گفته نشود و اگر کسی در این موارد حرفی بزند، از دید آنها یک شخص تندرو و افراطی و تروریست است.

سیکولران غربی می خواهند در این قضیه اذهان مردم را از حقایق دور نگهدارند و با ترفند های گوناگون و فریب و دروغگویی حقایق عینی را وارونه جلوه دهند، از جمله:

✓ می خواهند اهداف این جنگ و درگیری جاری در فلسطین و غزه را بازی های سیاسی جهت ها و جریان های قومی قلمداد کند که اهداف سیاسی و رسیدن به قدرت و شوکت را دارند.

✓ حماس و سایر مجاهدین و افرادی که برای آزادی فلسطین تلاش می کنند را تروریست و افراطی معرفی کنند که برای رسیدن به قدرت می جنگند.

✓ تلاش می کنند تا مسئله ی قدس را از حالت اسلامی به حالت قومی درآورند، تا بعد از آن، با خیال راحت بگویند مسئله ی عرب ها چه ربطی به ما دارد و موضوع قدس و فلسطین را رنگ نژادی و قومی می دهند.

می خواهند وضعیت امت این گونه پریشان شود و بیت المقدس زیر حمله و فشار یهودیان صهیونیست ها باقی بماند و هر آنچه خواسته باشند در حق مقدسات و اولین قبلهٔ مسلمانان انجام دهند. قابل یاد آوری است که طبق پیش گویی هایی که در احادیث وارد شده است، بیت المقدس جایی است که در آخر الزمان اتفاقات مهم در آنجا رخ می دهد و اتفاقات آخر الزمان قطعاً در زیر لوای پرچم اسلام رخ خواهد داد. اما جای مسرت است که امت اسلامی امروز بیشتر از هر زمان دیگری با موجی از بیداری و بیدارگری مواجه است و جوانان امت از خواب غفلت بیدار شده و صبح بیداری در افق درخشیده و قرار است که نور آن جهان را درخشان کند و این خواب غفلت از چشمان امت زدوده شود.

فلسطین رمز وحدت و نماد اخوت امت اسلامی

فلسطین صرف یک جغرافیا نیست، که برای آزادی آن از اشغال صهیونیست ها باید مبارزه کرد و آزاد سازی آن را به فلسطینیان وا گذار کرد، بلکه فلسطین و قضیهٔ قدس قضیهٔ امت اسلامی و همه کشور های اسلامی و همهٔ مسلمانان جهان است و اشغال فلسطین در نتیجه تفرق و از هم پاشیدگی امت اسلامی توسط نیرو های شرارت پیشه غربی صورت گرفت و تحقق یافت و آزادی فلسطین هم تا زمانی تحقق نخواهد یافت که امت اسلامی وحدت و یک پارچگی خود را دریابد و آن چیزی است که دشمنان اسلام و اسرائیل از آن به شدت در هراس اند و با تمام قوت از آن جلوگیری می کنند و هر گروه، نهاد و یا جریانی که از وحدت امت سخنی بگوید، به عنوان دشمن با او معامله نموده و آن را نابود می کنند.

مسأله ی فلسطین یک مسئله ی قومی و نژادی هم نیست، بلکه قضیهٔ دین و ایمان و عقیده اسلامی است و بیت المقدس قبلهٔ اول مسلمانان بوده و پیامبر ﷺ و یارانش برای مدتی به آن سمت نماز می خواندند. و رسول الله ﷺ در جریان اسراء و

معراج، اول به آنجا می رود و از آنجا به سمت آسمان حرکت می کند و بیت المقدس جایی است که یک نماز در آنجا ۵۰۰ برابر بیشتر از سایر مساجد ثواب و فضیلت دارد. بنابراین، بر مسلمانان لازم است دین خود را خالص برای الله متعال قرار دهند، پیوند خویش را با الله استوار نموده و از ایمان و صداقت خود و از خزانه های الله که تمام نمی شود، استمداد جویند و به قوتی که مقهور نمی گردد و به لشکر ی که شکست نمی خورد؛ اعتماد نموده و قوت حاصل نمایند، زیرا: ﴿وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾. او لشکر ما حتماً پیروز می شوند و می فرماید: ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾. ۲ ما قطعاً پیغمبران خود را و مؤمنان را در زندگی دنیا و در آن روزی که گواهان بپا می خیزند یاری می دهیم و دستگیری می کنیم.

باید مسلمانان با حمایت و پشتیبانی یکدیگر قوت و نیرویی را تشکیل دهند که شایسته نصرت الهی باشند و از نصرت و کمک الهی بهره مند گردد و این امر در صورتی امکان پذیر شده می تواند که همه مسلمانان باهم متحد شده و باهم برادر وار زندگی نمایند و حقوق اخوت اسلامی را به جا آورند و در غم و شادی یکدیگر خود را شریک دانسته و همانند جسد واحد تبارز نموده و به یاری یکدیگر بشتابند، و به عنوان مسلمان در محور ﴿انما المؤمنون اخوة...﴾ گرد هم جمع شوند و یگانه قوتی را که دشمنان از آن هراس دارند، ایجاد و تشکیل دهند، قوتی که اساس آن، اخوت دینی و وحدت امت اسلامی است و اساس این اخوت یکپار و چهار صد سال قبل توسط پیامبر ﷺ در مدینه منوره گذاشته شد و همه آنچه سبب تفرق و اختلاف و نفاق میان مسلمانان می شد، از میان برداشته شد، ارزش هایی چون: اخوت، محبت، شفقت، ایثار و همکاری و... نهادینه گردید، به گونه ای که بشریت در گذشته بدیل آنرا ندیده بود و نخواهد دید. با تمسک جستن به همین ارزش ها بود که از ایشان دیوار های مستحکم در برابر هر نوع هجومی را ایجاد کرد که با رسن مستحکم (اخوت و برادری) در بین مجموعه مسلمانان گره خورده بود، که نمونه آنرا بشر در هیچ برهه ای از زمان

۱- الصافات/۱۷۳.

۲- غافر/ ۵۱.

سراغ ندارد. اخوتی که در همه ای بخش های زندگی مسلمانان موج می زد. با توجه و رعایت همین اصل مهم اسلامی بود که لشکر های مسلمانان امپراتوری های هزار ساله را با همه ساز و برگش به زباله دان تاریخ فرستادند و در مدت زمان کمتر از سی سال تقریباً نصف جهان را تحت تأثیر قلمرو خویش درآوردند و تسخیر کردند، این همه در نتیجه ای ارج گذاری به همین اصول متین اسلامی و اخوت دینی بود که حیثیت دژ تسخیر نا پذیر در مقابل هرگونه تجاوز و تهاجم دشمن را داشت و دشمن هرگز جرأت نداشت بر حریم اسلام و مسلمانان به دیده بد نگاه کند و یا دست به تجاوز بزند و در نتیجه مسلمانان چنان قوت و عظمت را به دست آوردند که همه جهان در برابر آنها به زانو درآمد و همه قوت های طاغوتی در مقابل آنها سرتسلیم را پائین نمود.

اما گذر زمان و تبدیل شدن مفاهیم دین از عمل به شعار، در عصر حاضر سبب اصلی واپس گرایی و در ماندگی امت اسلامی در برابر دشمنانش گردیده است. امتی که روزی طنین اش دنیا را متزلزل می ساخت و گرد غبار سپاهش پهنه گیتی را می پوشاند و با یک غرش اوقیانوس ها و قلمرو ها را در می نوردید و در سطح جهان حرف اول را می گفت و هیچ قدرتی توان مقابله با آن را نداشت.

دشمنان اسلام با کشف و درک این راز موفقیت مسلمانان که همانا اخوت و همدلی میان شان بود، با زیرکی تمام، این دژ مستحکم امت را نابود و به جای آن تضاد ها و تعصبات قومی، زبانی، منطقه ای، مذهبی، فکری و گروهی را در میان مسلمانان ایجاد نموده و همچون موربانه پایه های سترگ و مستحکم اخوت را از بین برده و نابود کردند و آخرین لحظه ای حیاتش را با سقوط پیکر مریض امپراتوری عثمانی محو نمودند، با این وضع دشمنان اسلام بعد از قرن ها زحمت و تلاش به هدف خود رسیدند و جهان اسلام را نه تنها به جغرافیای متعدد تقسیم نمودند، بلکه بذر بیگانگی و کدورت را در میان شان پاشیدند. رخت بر بستن مفهوم اخوت در جوامع اسلامی سبب ذلت و افتادن شان بدام دشمنی گردید که قرن ها مترصد چنین صیدی گرانبهایی بود. مدت ها است که امت اسلامی در فراق نبود این اصل اسلامی می سوزد، مسلمان ترک، عرب، افغانی، پاکستانی، مصری خود را تافته جدا بافته از سایر مسلمین می داند. هر کدام جهت حفظ و بقای زندگی چند روزه دنیا دست ذلت بدامن دشمنان اسلام دراز می کنند، یکی به آمریکا و اروپا دیگری به روس و چین

دست اخوت و بردگی می دهد. در برابر جنایت علیه برادر مسلمان خود چراغ سبز نشان می دهد. این وضع و حالت سبب گستاخی دشمن نسبت به اسلام و ارزش هایش شده است. و از هر طرف مورد تهاجم و تجاوز، توهین و تحقیر پست ترین موجودات زمینی قرار گرفته اند و همه داشته های مادی و معنوی خود را از دست داده اند، اگر ذره از اخوت و برادری ایمانی در بین امت وجود می داشت، طفل معصوم مسلمان از گرسنگی جان نمی داد؛ زن مسلمان طعمه سگان نمی شد؛ کهن سال مسلمان زیر چکمه های کثیف یهود نابود نمی شد؛ خانه و کاشانه مسلمان به تاراج و غصب نمی رفت. اما مسلمانان با سکوت و خاموشی مرگبار، زمینه ای استمرار حکومت های مزدور و دست نشانده را مصلحت اسلام و مسلمین می پندارند، و سران کشور های اسلامی با سازش کاری با یهود و حامیان غربی اش در تلاش اند تا اقتدار پوشالی خود را حفظ نموده و به عمر ننگین خویش چند روزی بافزایند. ولی همه باید بدانند و یقین به عدالت الهی داشته باشند که طفل گرسنه غزه که بخاطر یک لقمه نان جان داد؛ زن عفیف مسلمان که مورد تجاوز قرار گرفت؛ سرباز مسلمانی که تا آخرین لحظه حیات بخاطر پاسداری از اسلام با لب تشنه و شکم گرسنه مبارزه کرده و به درجه رفیع شهادت رسید، بی پاسخ نخواهد ماند و انتقام این بی پروایی و بی تفاوتی از آنها گرفته خواهد شد و در دادگاه حق و عدالت الهی مورد محاکمه قرار گرفته و به جزای عمل شان خواهند رسید، روزی که جز میزان عدل الهی مصلحت و حيله ای دیگری در کار نخواهد بود.

ماهیت اصلی رژیم اشغالگر در فلسطین

رژیم صهیونیستی و اشغالگر اسرائیل در قلب عالم اسلام و در خاک پاک فلسطین، پروژه ی یهودی مسیحی است که توسط انگلیس و امریکا و همکاری و حمایت کشور های غربی ایجاد گردیده و با همکاری ذلیلانه سران کشور های عربی به حیات ننگین و طفیلی خویش ادامه می دهد و هدف آن، نابودی هویت، شخصیت، عظمت و اقتدار

امت اسلامی و غضب دارایی های سرزمین های اسلامی بالأخص کشور های خلیج و در مجموع جزیره العرب است.

دکتور محمد عماره عالم سرشناس و مبارز اسلامی در این زمینه می نویسد: «کیان صهیونیزم اشاگر بر سرزمین فلسطین، پروژه‌ی غربی است که عقیده دینی - اسطوره‌ای - لاهوتی پروتستانی غربی را تحقق می‌بخشد، این عقیده عبارت از بازگشت مسیح است تا هزار سال بر جهان حکم راند و زندگی را به نیکبختی برساند، البته این حکومت مسیح مرهون اقامت یهود در فلسطین و برپایی دولت صهیونیستی و تخریب مسجد اقصی و جایگزینی هیکل سوم یهود می‌باشد؛ چون به باور آنان یهود ملت برگزیده الله متعال است!!!».

این عقیده لاهوتی با مصالح امپریالیستی غربی در برپایی نظامی در قلب سرزمین عربی گره خورده تا وحدت امت اسلامی و کشورهای عربی را بگسلد؛ لذا کیان صهیونیستی به مثابه پایگاه غربی - تمدنی و نظامی - است تا از نهضت امت عربی جلوگیری کرده و بازدارنده آزادی و پیشرفت آن باشد.

بعد از تبلور (عقیده دینی امپریالیستی)، این مسئله بین یهودی ها نشر و پخش شده و به منظور اجرایی کردن آن، بین مسیحیت صلیبی و صهیونیزم غربی حاکم بر مؤسسات امپریالیستی غربی و حرکت نوآسیس صهیونیست فعالیت های مشترکی آغاز گردید.

اینک به حوادث تاریخی اشاره می کنیم که دلایل قاطع و صریحی بر صدق گفتار ماست:

۱- به گونه مثال در امریکا کتاب هایی که بین سال های ۱۸۰۰ تا ۱۸۷۵م در مورد مسیحیت صهیونیست نوشته و نشر گردیده، حدود ۲۰۰۰ کتاب می باشد.

۲- در سال ۱۸۶۶م پروتستان امریکایی اولین گروپ های شهرک نشینی یهودی در فلسطین را فرستادند که کاهن (آدم) به همراه ۱۵۰ کاهن امریکایی آنان را همراهی می نمودند، در سال بعدی ۱۸۶۷م با مشارکت ۷۰ شخصیت دینی مسیحی صهیونیستی امریکایی اولین دسته شهرک نشین ها در فلسطین به فعالیت آغاز نمودند.

۳- در سال ۱۹۱۸م ولیسون رئیس جمهور امریکا پایبندی امریکا به اجرای وعده بالفور را اعلان نمود و سپس به صورت رسمی در سال ۱۹۲۲ آن را اجرایی نموده و مجلس نمایندگان امریکا این مسئله را تصویب نمود که ضرور است برای یهود فرصتی داده شود تا زندگی و فرهنگ یهودیت را دوباره در سر زمین قدیمی یهود برپا نماید.

۴- در سال ۱۹۴۸م امریکا اولین دولتی بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و موقع جنگ بین عرب ها و صهیونیست ها که در همان سال به وقوع پیوست، امریکا و غرب از اسرائیل حمایت کرده و به نیروهای صهیونیستی این امکان را فراهم نمودند تا ۵۳۸ قریه فلسطینی را تخریب نموده و مردم را فراری داده و بر زمین های شان تسلط یابد، هم چنان بر دارایی و املاک اوقاف و امیر وقت فلسطین سیطره پیدا کرد تا استعمار شهرک نشینی صهیونیستی بر سرزمین فلسطین اقامه گردد.

۵- در سال ۱۹۶۷م امریکا از اسرائیل حمایت و پشتیبانی کرد تا بر تمام فلسطین، سیناء و جولان تسلط یابد، هم چنان در سال ۱۹۸۲م اسرائیل را تقویت و حمایت کرد تا بر جنوب لبنان سیطره یافت.

۶- در ۲۴ اکتوبر ۱۹۹۵م کانگرس امریکا انتخاب قدس به حیث پایتخت ابدی اسرائیل را تصویب نمود؛ چون قدس را سرزمین روحی یهود می پندارند، این تصمیم در سبتمبر سال ۲۰۰۲م تجدید گردید و بوش پسر رئیس جمهور وقت امریکا آن را توشیح نمود و به بنای سفارت خود در قدس، سرزمین به دست آورده اش آغازید، در حالی که در اصل آن زمین از اوقات خیریه اسلامی می باشد.

۷- در ۱۴ اپریل سال ۲۰۰۴م بوش رساله ضمانت ها را به شارون تسلیم نمود که آن رساله و پیام بقای شهرک نشینان یهودی در کناره ای غربی را تضمین می نمود، این ضمانت ها ادامه اجرایی کردن وعده بالفور است و نشان می دهد که امریکا از اسرائیل به تمام معنی حمایت نموده و بقای آن را در سرزمین های غصب شده ای فلسطینی ضمانت می کند. ۱

۱- القدس بین الوعد الحق و الوعد المقتری، د. محمد عماره، ناشر: دار الشروق، قاهره، چاپ اول: ۱۹۹۷م،

خطر صلح و عادی سازی روابط با اسرائیل

صلح با یهودیان به معنای تسلیم شدن و به رسمیت شناختن اشغال و رژیم صهیونیستی در منطقه است و در حقیقت امر، دشمنی آشکار با مسلمانان و ملت مسلمان فلسطین و خیانت به آرمان های شهدای جهاد طی چندین دهه می باشد و مقابله و مخالفت با حرکت اسلامی است که برای پیاده سازی شریعت الهی در واقعیت زندگی مردم و آزاد سازی سرزمین های اسلامی و نابودی کیان صهیونیستی در منطقه و آزادی قدس و فلسطین تلاش می کند و یک لحظه هم آسوده نخواهد نشست. آنچه کشور های مستعمره عربی از حل قضیه فلسطین از طریق مسالمت آمیز و طرح نظریه حل دو کشوری حرف می زنند و برخی از کشور های اروپایی نیز آن را تائید می کنند، دور از امکان بوده و با واقعیت های عینی و دینی و تاریخی در مخالفت قرار دارد و هرگز تحقق نخواهد یافت؛ چون موجودیت دولتی به نام و نشان (اسرائیل) و استقرار دائمی آن در منطقه از جمله محالات است، چونکه الله متعال حکم نموده است تا قوم یهود برای ابد و همیشه سرگردان و متفرق بوده باشند و هیچگاه باهم متحد نشده و دولتی یهودی ای که در صدد ایجاد و استقرار آن اند، با وجود همه تلاش های انجام شده تا اکنون ناکام بوده و ناکام خواهد ماند. چون اینها قومی هستند که مورد خشم و غضب الهی قرار دارند و باید همیشه در ذلت و مسکنت به سر برند و هیچگاه استقرار نداشته باشند، ارشاد الهیست: ﴿وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ...﴾ ۱. و لازم کرده شد برای شان خواری و ذلت و بازگشتند به خشمی از جانب الله ...

همچنین در مورد عداوت ذات البینی و عدم امنیت استقرار یهود، قرآن کریم ارشاد فرموده است:

۱- عداوت و دشمنی میان آنها تا روز قیامت دوام خواهد داشت و با هم متحد نخواهند شد: ﴿الَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...﴾ ۲. ما در میان

۱- البقرة/۶۱.

۲- المائدة/۶۴.

(طوائف مختلف) آنان (به سبب انحراف عقیدتی و معیار های غلطی که به نام خدا به آئین خود راه داده اند)، تا روز قیامت دشمنی و کینه توزی افکنده ایم.

۲- خصومت و دشمنی آنها بسیار شدید بوده و باهم سازگاری ندارند؛ ارشاد الهیست: ﴿أَسْهَمُ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحَسُّهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱
۱. جنگشان میان خود شان سخت است، آنان را متحد می پنداری ولی [دل‌هایشان پراکنده است، زیرا آنان مردمانی اند که نمی‌اندیشند.

۳- همیشه در زمین متفرق و پراکنده خواهند بود؛ ﴿وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا...﴾^۲ و آنان را در زمین به گروه‌هایی تقسیم کردیم.

۴- همیشه مورد سرزنش و عذاب الهی اند؛ ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۳ و (نیز به یاد یهودیان بیاور) آن گاه را که پروردگار تو (توسط پیغمبران به نیاکان ایشان گوشزد و) اعلام کرد که تا دامنه روز قیامت کسی را بر آنان چیره می‌گرداند که بدترین عذاب را بدانان می‌چشاند. بی‌گمان پروردگار تو (به عاصیان و طاغیان) هرچه زود تر عقاب می‌رساند و او (نسبت به مطیعان و توبه‌کاران) آمرزنده و مهربان است.

با در نظر داشت نصوص قرآن کریم که فوقاً ذکر شد، می‌توان با قاطعیت گفت که یهود در هیچ صورت صاحب دولت مستقلی نخواهد شد که به پای خود بایستد و استقرار و امنیت داشته باشد، بلکه همیشه در کشمکش و نزاع و نا امنی بسر خواهد برد. و رژیم فعلی که امروز به نام (اسرائیل) در فلسطین ایجاد شده است، استقرار و امنیت نداشته و همیشه وابسته و متکی بر حمایت امریکا و سران مزدور کشورهای عربی در منطقه است که اگر این حمایت و همکاری امروز سلب گردد، تنها مجاهدان حماس برای نابودی آن کافی خواهد بود و به زودی از نقشه جهان حذف خواهد شد. این مطلب را قرآن کریم نیز ضمناً اشاره نموده آنجا که الله متعال ارشاد می‌فرماید: ﴿ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ أَيُّنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ

۱- الحشر/۱۴.

۲- الاعراف/۱۶۸.

۳- الأعراف/۱۶۷.

اللَّهُ وَضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بَآئِنَهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ^۱. هر کجا یافته شوند به خواری دچار شده اند، مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم [روند] و به خشمی از خدا گرفتار آمدند و [مهر] بینوایی بر آنان زده شد این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند [و نیز] این [عقوبت] به سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه در می گذرانیدند.

تفسیر انوارالقرآن در تفسیرآیه مبارکه ﴿...إِلَّا يَحْبِلُ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٌ مِنَ النَّاسِ﴾ می نویسد: «یهود را هرکجا ذلت و خواری در احاطه گرفته «مگر به عهدی از سوی خدا» یعنی: فقط عقد ذمه و قبول جزیه و گردن نهادن آنها به کتاب خدا است که به آنان پناه می دهد» و مگر به عهدی از مردمان» یعنی: زنهار و امان مسلمین، یا یاری و پشتیبانی کسان دیگری غیر از مسلمین است که برای آنان مجالی فراهم می کند.^۲

از همین جاست که همه تلاش های صلح در طول عمر این رژیم به ناکامی مواجه شده و به نتیجه مطلوب نرسیده و نخواهد رسید و همچنان همه تلاش های که جهت تثبیت دولت یهود از سال ۱۹۴۸م به بعد انجام شده ناکام بوده حتی در عدم برسمیت شناخته شدن آنها خود یهود دست داشته و این یک حکمت الهی است که همه اقدامات ایشان به خطاء و اشتباه می رود و به ناکامی می انجامد چون یهود هیچ قضیه ای را بدون توطئه، فریب کاری و نیرنگ بازی انجام نمی دهد و طبعی است، هر برنامه ای که بر فریب و نیرنگ استوار باشد، اگرچه عجالتاً نتیجه داشته باشد، اما در نهایت ناکام خواهد شد. مانند: توطئه رودس، معاهده کمپ دیوید، معاهدات مادرید، معاهده غزه و اریحا و... که همه این معاهدات به ناکامی مواجه گردیده است و راز همه این ناکامی ها همان حکم الهی بر یهود است که باید استقرار و امنیت نداشته و همیشه در نا امانی و پراگندگی بوده باشند.

^۱ - آل عمران ۱۱۲.

^۲ - تفسیرانوارالقرآن، ترتیب و ترجمه: عبدالروف مخلص، ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، نوبت چاپ دوم ۱۳۸۳هـ چاپ: چاپخانه دقت/۱/۳۸۱.

در نتیجه می توان گفت که صلح با اسرائیل به گونه ای که استوار بماند و اسباب استقرار و امنیت او را فراهم کند، به چند دلیل دور از امکان است:
اول: به این دلیل که آنها همیشه در هیچ برنامه صلح صادق نبوده و در صد نیرنگ و فریب کاری و دروغگویی بوده اند.

دوم: به دلیل تفرق و پراگندگی درونی و نبود اعتماد لازم بالای یکدیگر و به سبب اینکه تیم مذاکراتی آنها همیشه از صلاحیت لازم برخوردار نمی باشد و صلاحیت تصمیم گیری را نمی داشته باشند، همه مذاکرات به ناکامی مواجه بوده و اگر نتیجه ای ضمنی هم در برداشته باشد، در دراز مدت نقض خواهد گردید.

سوم: به دلیل اینکه قبل از امضای معاهده به فکر نقض آن می باشند و به آن عمل نمی کنند چون آنها را عادت بر این است که: ﴿يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾.^۱ ایشان همیشه پیمان های خود را نقض می کنند و از خدا نمی ترسند (در رعایت عهد و پیمان های شان).

چهارم: در خصوص قضیه فلسطین، صلح با اسرائیل ناممکن است، چون آنها به صلح باور نداشته و جز کشتار و وحشیگری به چیزی دیگری نمی اندیشند و همچنان الله متعال، خلاف آن را فیصله و حکم نموده که آنها در هیچ سرزمینی استقرار نخواهند داشت؛ طوری که در آیات قرآن کریم به آن اشاره شد.

پنجم: آنان ادعای مالکیت تمام سرزمین فلسطین را دارند و در این امر هیچ کسی دیگری را با خود شریک نمی دانند؛ و صلح با جانب مقابل به مفهوم به رسمیت شناختن جانب مقابل و سازش نمودن با او بوده و تنازل را ایجاب می کند، در حالی که آنها هیچ یک از موارد فوق را نمی خواهند. اسحاق شامیر صدراعظم اسبق رژیم می گوید: « سرزمین اسرائیل از آن ملت اسرائیل است؛ و تا آخر خواهد بود، و هیچ شریکی را بر سرزمین خود نمی خواهد.»^۲

از جانب دیگر، (نتنیا هو) صدراعظم رژیم اشغالگر در روز های اخیر این مفهوم را به صراحت اعلام داشت: «من یک رسالت بزرگ روحانی دارم و آن ایجاد دولت یهودی

^۱ - الانفال/۵۶.

^۲ - محمد حلیم تنویر، فلسطین در آتش/۸۸.

بزرگ می باشد». ۱ بر این مدعا مهر تائید می گذارد و این حقیقت را برملا می کند که اسرائیل یک پروژه ای بزرگ غرب در قلب عالم اسلامی است که اهداف بسیار بزرگ تر از قضیه فلسطین را در سر می پروراند که قصد اشغال مناطق وسیعی از شرق میانه را دارد و شامل بیشترین کشورهای شرق میانه و شمال آفریقا می گردد که کشورهای مصر، سوریه، لبنان، سعودی و اردن را در بر می گیرد.

بن گوریون صدراعظم رژیم صهیونیستی معتقد بود که تحقق صهیونیسم و اجرای مفاد آن، جز با خشونت و سرکوب، عملی نمی شود؛ از همین رو هیچ گونه صلح و قراردادی همه جانبه با اعراب منعقد نکرده است، وی می گوید: «صلح با اعراب فقط یک وسیله است و هدف نهایی برپایی کامل صهیونیسم است، ما فقط می خواهیم به یکسری قرار داد ها با اعراب دست یابیم تا هموار کننده ی هدف های ما باشد؛ ملت یهود هرگز موافقت نخواهد کرد و هرگز جسارت آن را ندارد که قراردادی را بپذیرد که در راستای اهداف صهیونیستی نباشد؛ لذا توافق همه جانبه غیر قابل طرح است.»^۲

شاریت یکی از رهبران صهیونیستی می گوید: «... من به قدرت ایمان دارم و روز به روز نیز بر عظمت این قدرت افروده می شود و همپای تحقق این قدرت عقد قرارداد محقق می شود. وی همچنان همانند بن گوریون سیاست دیوارآهین را می پذیرد و می گوید به این مسئله اعتقاد ندارم که موافقت با اعراب بر قدرتمان خواهد افزود.»^۳

وایزمن یکی دیگر از رهبران اینها می گوید: «قرارداد صلحی مبتنی بر عدالت که حقوق سیاسی، دینی و شهروندی فلسطینی ها را برآورده سازد، عواقب وخیمی به دنبال خواهد داشت، وی در ادامه سخنانش می گوید: اگر چنین شود، صهیونیست ها

۱- به فصل های ۱-۳ و ۱۰-۱۱ کتاب *A Place Among the Nations* (مراجعه شود) به ویژه صفحات ۱۷-۳۵ و ۳۷۳-۳۹۰ در چاپ. (Bantam Books, 1993). و همچنان در کتاب های د. محمد عماره و

عبدالوهاب المسیری و مقالات الأهرام العربی، به این مضمون اشاره شده است.

۲- مقدمه ای بر کشمکش اعراب و اسرائیل، نویسنده: عبدالوهاب المسیری، مترجم: علی شاهرخی، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران/۱۳۸۸ ه، صفحه/۲۰۱.

۳- همان/۲۰۲.

صلحی گورستانی برای خود به وجود می آورند، صهیونیست ها باید به این مسئله اتفاق نظر داشته باشند که صلح گورستانی را برای فلسطینی ها پدید آورند.»^۱

بنابراین، می توان اذعان داشت که قضیه فلسطین راه حل مسالمت آمیز و سیاسی ندارد و راه حل آن در ورای سنگر های داغ جهاد و مبارزه در راه حق بوده و پشت میز مذاکره به نتیجه نخواهد رسید و صلح از دید رژیم غاصب یهودی به معنای تسلیم شدن بدون قید و شرط عرب ها بوده و زمینه سازی برای تحقق رؤیا های توسعه طلبانه اسرائیل و حامیان غربی اش در عالم اسلام و منطقه می باشد.

راه حل واقعی قضیه فلسطین

راه حل واقعی و حقیقی قضیه فلسطین، به رسمیت شناختن کشوری به نام فلسطین، همراه با حمایت همه جانبه از اسرائیل غاصب نیست! همان گونه که اکنون برخی از کشور های اسلامی مانند سعودی و غیره به آن تلاش می ورزند و با عنوان کردن این قضیه، خود را حامی قضیه فلسطین و مردم آن قلمداد می کنند. این امر نه تنها به آزادی فلسطین کمک نمی کند، بلکه به گونه ضمنی به معنای به رسمیت شناختن دولت غاصب اسرائیل بوده و فقط به منظور خاک انداختن در چشم ها و تحت پوشش قرار دادن اصل قضیه فلسطین بوده و در نهایت امر، به نفع رژیم اشغالگر تمام می شود و راه حل اصلی قضیه فلسطین برگشت یهودیان به کشور های خود شان و پاک سازی سرزمین فلسطین از لوٹ یهود و ختم اشغال می باشد.

در این اواخر خبر های زیادی شنیده می شود که برخی از کشور های اروپایی می خواهند کشور فلسطین را به رسمیت بشناسند. و این به معنی علاقمندی آنها برای آزادی فلسطین و اعاده حقوق اساسی و اولی فلسطینیان نیست، بلکه پلان دقیق کشور های غربی و اروپایی برای فریب و انحراف افکار جهانی در مقابل اسرائیل و خدعه افراد نا آگاه مسلمان از عمق قضیه فلسطین است. جالب این است که این گونه اظهار نظر ها از جانب کسانی مطرح می شود که در جنایات غزه و کشتار روزانه فلسطینیان شریک اسرائیل هستند.

^۱ - همان.

از جانب دیگر، اگر کشوری بنام فلسطین با موجودیت رژیم اسرائیل تشکیل هم شود، در این صورت، این کشور با نام و نشان فلسطین؛ مثل کشور های مصر، اردن، لبنان، امارات، سعودی و... در خدمت منافع صهیونیسم جهانی قرار خواهد داشت و در سرکوب مجاهدان و مردم مسلمان منطقه گوش به فرمان امریکا و اسرائیل خواهد بود و مانند حکومت بدنام نام محمود عباس در کرانه باختری، یک حکومت دست نشاندۀ امریکا و رژیم صهیونیستی عمل خواهد کرد. باید آگاه و مطمئن بود که کشور های اروپایی حامی اسرائیل با این ترفند شیطانی خود، می خواهند مسلمانان را مشغول سازند تا از هدف اصلی آزادی قدس و مسجد الاقصی کوتاه بیایند و به این ترتیب، می خواهند در دراز مدت منافع اسرائیل و امریکا را در منطقه تأمین نموده و عمر ننگین این دانه سرطانی را چند روزی در سرزمین مبارک شام تمدید کنند.

بنا برآن، راه حل اصلی قضیه فلسطین، بیرون راندن یهودیان غاصب از سرزمین پاک و مقدس است و باید برای رسیدن به این هدف سترگ مسلمانان جهان متحدانه تلاش نموده و همه داشته های مادی و معنوی و امکانات دست داشته خویش را در این زمینه بکار بندند و در این زمینه از هیچ گونه قربانی دریغ نوزند، درست همان گونه که کشور های غربی و اروپایی در حمایت از اشغالگران از هیچ گونه حمایت مالی، سیاسی، نظامی و امکانات مورد نیاز وی دریغ نمی کنند و علاوه بر آن، از همه نیرنگ های شیطانی در برحق جلوه دادن آن، در کار زار رسانه ای کار می گیرند و همه امکانات خویش را در خدمت اسرائیل و منافع آن قرار می دهند.

اگرچه که با در نظر داشت وضعیت ناگوار کنونی و هیمنه و تسلط کامل صهیونیست های جنایتکار بالای فلسطین و زیر فشار قرار گرفتن غزه و مردم و اهالی آن و غصب اراضی بیشتر سرزمین های فلسطینی توسط یهودیان جنایتکار و ادامه ی شهرک سازی در کرانه باختری به صورت روزمره، این را ایجاب می کند که در حال حاضر به عنوان حل مرحله وار قضیه فلسطین به حل دولتین که تقریباً همه ی دنیای کفر و مسلمان با آن هم نظر اند، چراغ سبز نشان داد؛ اما باز هم تأکید بر این است که راه حل اساسی همانا اخراج صهیونستان از سرزمین پاک و مقدس فلسطین و قدس است و بس.

وضعیت کنونی امت

امت اسلامی امت برگزیده در نزد الله متعال در جهان است، امت اسلامی با ویژگی هایی که دارد، از هر لحاظ قوی تر، مستحکم تر و دارای ریشه های عمیق تر نسبت به هر امت و تمدن و ملت دیگری در جهان امروز است، و راز این قوت در اصول و مبادی ای نهفته است که آن را با خود دارد و از جانب الله متعال به آن اعطا گردیده و در وحی آسمانی ریشه دارد، حقیقتی که همه قدرت های پوشالی دنیا در برابر آن احساس عجز و ناتوانی نموده و تاب مقابله با آن را ندارند، از همین سبب است که همه کفار دنیا از شرق تا غرب با همه کیش ها و دیانت هایی که دارند، در دشمنی با امت اسلامی یک پارچه و متحد اند و در این زمینه باهم هیچ گونه اختلافی ندارند و در دشمنی با آن یک صدا اند و طبق پلان و برنامه طرح شده و با درایت کامل عمل می کنند.

اما مسلمانان در حال حاضر فاقد هرگونه پلان و برنامه و استراتژی در مقابله با این دشمنان اند، باید در قدم اول عظمت و ابهت و اقتدار امت را درک کرده و فرصت ها و امکانات و داشته های مادی و معنوی خود را بشناسند و بعد از آن برای اعاده اقتدار و عظمت از دست رفته خود تلاش به خرج دهند و این هیمنه و اقتدار در صورتی قابلیت پیدا می کند و امکان پذیر می شود که امت وحدت خود را کسب کند و به پای خودش بایستد و همه نیرو های خود را در صف واحد در برابر طواغیت و دشمنان قرار دهد؛ این همان چیزی است که دشمنان از آن در هراس اند و همواره تلاش کرده و می کنند تا امت اسلامی از وحدت صف برخوردار نشده و برعکس، در حالت تفرقه و اختلاف به سر برد و دشمنان در این برنامه تا حد زیادی موفق شده اند و امت را متفرق و پارچه پارچه نموده اند و حالات ناگوار کنونی هم نتیجه همین اختلافات داخلی امت است و به این اساس، اولین امری که باید به آن توجه کرد، تلاش در جهت ایجاد وحدت میان امت می باشد.

امروز امت اسلامی تلخ ترین تجربه های زبونی و بیچارگی و ناتوانی خود را شاهد است که این زبونی و بیچارگی توسط خود مسلمانان و با نقشه ها و طرح های خطرناک دشمنان تطبیق و عملی می شود؛ زیرا مسلمانان تکیه به دشمنان نموده و

دست دوستی را به سوی آنها دراز نموده اند، تا به عزت و سرافرازی برسند و اقتدار خیالی خود را از دست ندهند، در حالی که عزت در نزد الله متعال و با کسب خوشنودی او تعالی به دست می آید و ذلت در دوری از الله متعال و دوستی با کفار و دشمنان الله متعال است. الله متعال ارشاد می فرماید: ﴿بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا الَّذِي يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِيتُّوْنَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾. ۱. به منافقان مژده بده که عذاب دردناکی دارند. این منافقان کسانی هستند که کافران را به جای مؤمنان به سرپرستی و دوستی می گیرند. آیا عزت را در پیش کافران می جویند؟ (چنین چیزی محال است) چرا که عزت و شوکت جملگی از آن خدا است (و هر که از خدا عزت جوید عزیز شود، و هر که از غیر او عزت طلبد ذلیل گردد).

الله متعال به مسلمانان دستور می دهد که با کفار دوستی نکنید و یهود و نصاری را به دوستی نگیرید که آنها با مسلمانان هرگز دوست نخواهند شد، ارشاد می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾. ۲ ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی نگیرید (و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید). ایشان برخی دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). هرکس از شما با ایشان دوستی ورزد (و آنان را به سرپرستی بپذیرد) بی گمان او از زمره ایشان بشمار است. و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را (به سوی ایمان) هدایت نمی کند.

این یک حقیقت ملموس در سرزمین های اسلامی است و به تجربه ثابت گردیده که هر کشوری که به این دشمنان اعتماد نموده و زمینه حضور منحوس شان را در سرزمین شان و یا در جوامع اسلامی فراهم کرده اند، دیر یا زود به خیانت و مکر شان سوخته اند و در دام های شیطانی آنها گرفتار آمده اند، تجارب تلخ صفحات تاریخ کشور های اسلامی مملو از این گونه جنایات است و دیده شده است که به نام های دیپلومات، کاردار فرهنگی، اقتصادی، مشاور در سفارت ها و غیره به گونه ی آشکار و

۱- النساء/۱۳۸-۱۳۹.

۲- المائدة/۵۱.

یا زیر پوشش نهاد های مدد رسان و مؤسسات بین المللی در درون جوامع اسلامی اهداف و برنامه های استعماری غرب را دنبال می نمایند. دشمنی شان را پنهان داشته و به عنوان دوستان و کمک کنندگان ظاهر می شوند و اگر فرضاً تحقیقی صورت گیرد و این مؤسسات مدد رسانی به صورت دقیق مورد بررسی قرار گیرند، ۹۹ فیصد افراد آنها حربه های استعمار و یا جاسوسانی اند که اهداف شوم کشور های متبوع شان را به پیش می برند.

اگرچه اوضاع کنونی جهان ایجاب می نماید که همگام با قافله جهانی باید حرکت کرد، و نیاز ها و مشکلات را در نظر گرفت؛ اما این حقیقت را باید در هر شرایط در نظر داشت که حد اقل حضور نمایندگان و دیپلمات های خارجی و غربی در سرزمین های اسلامی زیر نظر بوده باشد و به عنوان دشمن تعریف گردد، از مراکز حساس و مهم دور نگهداشته شوند. و تحت مراقبت شدید قرار داشته باشند.

اگر عوامل این ذلت و زبونی حاکمان مسلمان را در مقابل غرب بررسی کنیم، و دلایل وابستگی آنها به غرب را مطالعه نماییم، به این نتیجه می رسیم که ضعف ایمان و عدم توکل به الله متعال، خیانت به ملت و رعیت و نداشتن جایگاه در قلب رعیت، باور و اعتماد بیش از حد به زندگی چند روزه دنیا، حرص به قدرت و مال و منصب، ضعف سیاسی و مدیریتی در اداره ی کشور، تقویه انگیزه های جاهلانه قومی و مذهبی، استبداد، انانیت و خود کامگی و عدم همدیگر پذیری و غیره عواملی اند که خود را به دشمنان دین و وطن سپاریده اند تا اقتدار پوشالی شان چند روز حفظ گردد و این وابستگی سبب شده است تا در برابر ملت و رعیت همانند گرگ های گرسنه و حیوانات درنده عمل می کنند و هر کسی که یک حرف خلاف میل آنها به زبان بیارد، از صحنه زدوده شده و از بین برده شود و در عین حال، در مقابل دشمنان، همانند روباه مکار دم جنبانیده و از خود هیچ اراده ای ندارند و همه فرمایش های دشمنانه اجانب را بدون تردد و تعطیل و بدون در نظر داشت مصالح ملت و رعیت و احکام دین و شریعت، به دل و جان قبول و در میدان عمل تطبیق می کنند.

موارد فوق و ممکن صد ها عامل و انگیزه دیگر موجود باشد که به حضور دشمنان اسلام در درون جوامع اسلامی کمک نموده و زمینه های حضور فعال آنها را در سرزمین های اسلامی مهیا می کند، آنچه گفته شد، بدون شک، نتیجه ای کار و تلاش دشمنان

است که طی دهه ها روی آن برنامه ریزی نموده اند و اکنون هم، شب و روز مصروف توطئه چینی علیه دین، عقیده، ارزش ها، مقدسات، جریان ها، شخصیت ها و مجموع مصالح امت اسلامی اند؛ این حقیقتی است که مسلمانان آن را نادیده گرفته اند و یا هم اصلاً به این قضیه وقعی نمی گذارند.

این همه در حالی است که الله متعال نسبت به این تعاملات و توطئه ها و نیرنگ های کفار هشدار داده و از هر نوعی دوستی با ایشان مسلمانان را منع نموده می فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾^۱ مؤمنان نباید مؤمنان را رها کنند و کافران را به جای ایشان به دوستی گیرند، و هر که چنین کند (رابطه او با خدا گسسته است و بهره ای) وی را در چیزی از (رحمت) خدا نیست - مگر آن که (ناچار شوید و) خویشان را از (اذیت و آزار) ایشان مصون دارید و (به خاطر حفظ جان خود تقیه کنید) و خداوند شما را از (نافرمانی) خود برحذر می دارد و بازگشت (همگان) به سوی او است. و ارشاد می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾^۲ ای مؤمنان! دشمنان من و دشمنان خویش را به دوستی نگیرید.

بدترین نوع استعمار، استعمار فکری است و استعمار فکری دشمن در حال حاضر این است که امت اسلامی را به چیزی قانع ساختند که با ارزش ها و اصول و اساسات دین ما در منافات مطلق قرار دارد و سرزمین اسلامی ما را به مرزهای جغرافیایی تقسیم و سرحدات خیالی برای ما درست کردند و ما را قانع ساختند که باید برای این سرحدات ساخته شده و احاطه شده با سیم های خاردار که توسط سانس بیکو ترسیم شده است، قربانی بدهیم؛ هویت، ملیت، تابعیت، نسل، نسب، کارت شناسایی، پاسپورت و غیره را به اساس خاک و قوم و ملیت برای مان تعریف کردند و ما را با رنگ های قوم، قبیله، زبان، منطقه، سمت و غیره رنگ آمیزی کردند و توسط آن شناخته می شویم؛ همان گونه که چوپان ها رمه و حیوانات خود را رنگ می کند تا

۱- آل عمران/ ۲۸.

۲- ممتحنه/ ۱.

شناخته شوند و ما را همچنان به این رنگ ها رنگ آمیزی کرده اند، در حالی که امت اسلامی تنها یک رنگ دارد، رنگ خدایی و توحیدی و بس و دیگر رنگ ها و مرز ها و تفاوت ها را به رسمیت نمی شناسد، ارشاد الهیست: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾^۱. این است نگارگری الهی و کیست خوش نگار تر از خدا و ما او را پرستندگانیم.

درد آور این است که ما را چنان گول زدند که ما آگاهانه و یا نا آگاهانه این رنگ ها و مرز های ساخته شده توسط انگلیس را مقدس می شماریم و بخاطر آن می جنگیم و کشته می شویم و کشته شده گان خود را مستحق بهشت برین می شماریم، گویا که از مرز اسلام در مقابل دشمن کافر دفاع کرده باشد؛ امت اسلامی را به جغرافیا و ملیت های مختلف مصری، سعودی، سودانی، مراکشی، لبنانی، سوری، ترکی، افغانی، پاکستانی، ایرانی و غیره تقسیم کردند و روز های ملی و روز های استقلال را بر ما تحمیل کردند و تاریخ و هویت جعلی را برایمان نشان دهی نمودند و اکنون به اساس آن، افتخار می نماییم و یکدیگر را دوست و یا دشمن تشخیص می کنیم و از یکدیگر نفرت نموده و با هم اختلاف و دشمنی می کنیم در حالی که دین ما یکی، پیامبر ما یکی، کتاب ما یکی، قبله ما یکی، هدف و مقصد و عقیده مان یکی و مقدسات ما مشترک و تاریخ و مذهب و زبان ما واحد می باشد.

در حالی که ما خود را پیروان قرآن می دانیم، و قرآن کریم ولاء و براء و دوستی و دشمنی ما را به اساس دین و عقیده توحید قرار داده است، اما ما معیار های دوستی و دشمنی مان را به اساس نقشه های استعمار و مرز های جغرافیای ساخته شده توسط استعمار قرار داده ایم و به جای عقیده و ایمان، خاک و سرزمین و مرز های جغرافیایی خیالی را قدسیت بخشیده ایم و موانع و سرحدات و جال های از هم جداکننده استعماری را به رسمیت می شناسیم.

بنابراین، نسبت به دشمنان اسلام و نقشه های ترسیم شده آنها که ما را از هم جدا ساخته اند، باید بیدار بود، زیرا هشدار های قرآنی هیچ دیپلماسی و مصلحتی را بر نمی تابد، نباید نسبت به این نصوص قرآنی بی پروایی کرد. تفکیک قائل شدن بین

۱ - البقره/۱۳۸.

دشمنان اسلام، شرقی و غربی، خوب و بد، نوعی خود فریبی جاهلانه محض است که سرنوشت امت را به سوی تباهی، انحطاط، وابستگی، ذلت و تباهی کشانده است و حال امت اسلامی را به وضعیت انحطاط کنونی رسانیده است که دو میلیارد مسلمان و پنجاه و چند کشور اسلامی طی دو سال قتل عام مردم غزه هیچ کاری کرده نتوانست و حتی از وارد کردن یک بوتل آب به آن سرزمین محاصره شده عاجز ماند، سرزمینی که کودکان و زنان آن به جرم مسلمان بودن و دفاع از شرف و عزت امت، از گرسنگی می میرند و جان می دهند.

اوهام و اندیشه هایی که سبب ضعف مسلمانان شده است

در طول صد سال گذشته در میان امت اسلامی اوهام و افکار تباه کننده گسترش یافته که موانع جدی را فرا راه مبارزه و دعوت و بیداری اسلامی قرار داده و مانع هر گونه رشد و انکشاف گردیده و یک نسل امت را دچار سردرگمی و ضعف و وابستگی به غرب و اندیشه های وارداتی شرقی و غربی نموده و سبب شده است تا امت از کاروان و قافله تمدن، علم و صنعت عقب مانده و عظمت و اقتدار خود را از دست بدهد و جوانان ما شیفته افکار و اندیشه های واهی دشمنان اسلام گردند؛ این اوهام و اندیشه ها را در نکاتی چند متذکر می شویم:

۱- مدرنیست و عصری بودن برگرفته شده از اندیشه فلاسفه غرب و شرق؛ مانند: آدم اسمیت، هگل، فروید، مارکس، لینن و... که نسل جوان را به نوعی از خود بیگانگی و ضعف شخصیت و وابستگی فکری کشانده و چنان تصور می کنند که گویا همه دست آورد های علمی و صنعتی و تمدنی زاده افکار و اندیشه های آنها بود و مسلمانان در آن هیچ گونه نقشی ندارند و به این ترتیب، از ارزش ها، تاریخ و تمدن اسلامی و هدایات قرآنی و نور وحی بیگانه گردیده اند.

۲- اردو های کشورهای اسلامی؛ ملت های مسلمان که تابعیت این دولت های به نام اسلامی را دارند، به این تصور اند که این اردو ها ضامن حفظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت کشورهای شان بوده، و مدافعین دین و ارزش ها و مرز های اسلامی اند، در حالی که همه این اردو ها مربوط به دولت های مانده، بلکه مدافعین منافع غرب و یا شرق و تأمین کنندگان اهداف استعماری بوده و بخشی از نیرو های اشغالگر در سرزمین

های اسلامی می باشند و فقط برای سرکوب نمودن حرکت های اسلامی و مردمی و منافع ملی و اسلامی اند.

۳- تفاوت قایل شدن میان مقدسات اسلامی، مسجد الحرام و مسجد الأقصى؛ به این گونه که برای آزادی مسجد الأقصى صدا بلند نموده و به مبارزه برای آزادی آن دعوت می نمایند اما برای آزادی مسجد الحرام کاری صورت نمی گیرد، در حالی که هردو حرمین تحت اشغال قرار دارند؛ با این تفاوت که مسجد الحرام تحت اشغال امریکا قرار داشته و مسلمانان اجازه دارند، آزادانه در آن نماز بگذارند و مناسک حج را انجام دهند و مسجد الأقصى تحت اشغال اسرائیل قرار داشته و عموم مسلمانان نمی توانند با آزادی کامل در آن نماز بگزارند.

۴- تفاوت قایل شدن میان مهاجمان؛ روسی، امریکایی، اسرائیلی و... که همه بر علیه امت اسلامی در صف واحد و جهت تحقق اهداف مشترک ایستاده و برای نابودی ما تلاش می کنند، کسانی که امروز مسلمانان را در غزه بمبارد می کنند، در سودان هم ما را مورد حمله قرار می دهند و قتل عام می کنند و یا چندی قبل مسلمانان را در سوریه، عراق، افغانستان و جا های دیگر مورد بمباردمان و کشتار جماعی قرار دادند، همه از یک تیر هدف قرار می گیرند.

مسئولیت رهبران و علمای امت

علمای امت در این عرصه بیشتر از هر قشر دیگری مسؤولیت سنگین را به دوش دارند و همچنان رهبران و بزرگان امت که قیادت یک خطه جغرافیایی را به عهده دارند باید به قضایای سرنوشت ساز امت رسیدگی نموده و مسؤولیت دارند از مظلومان و بی نویان در برابر جنایات و تجاوزات دشمنان دفاع نمایند، و اینک برخی از مسؤولیت هایی را که به دوش رهبران و علماء می باشد، متذکر می شویم:

• نصرت مظلومان یکی از مکلفیت های امت اسلامی و به خصوص علماء و رهبران امت است، الله متعال مسلمانان را از تسلیم پذیری بر ظلم و تمکین به ظالمان برحذر داشته می فرماید: «وَأَنْتَصِرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ».

^۱ مؤمنان کسانی اند که چون مظلوم واقع شدند داد خواهی می کنند. در سوره الشوری نیز بعد از ذکر صفات مؤمنین می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ».^۲ مؤمنان کسانی که همین که به ایشان ستم رسید داد خواهی می کنند.

به این اساس، تسلیم شدن به ظلم از صفات اهل ایمان نبوده و منظم در ردیف مؤمنین نیست، زیرا مسلمان مکلفیت دارد که نه تنها باید از خود دفع ظلم نماید، بلکه باید مظلومان را از دست ستمکاران نجات دهد، زیرا بعثت انبیاء علیهم السلام نیز برای همین منظور بوده، موسی علیه السلام هنگامی که به سوی فرعون فرستاده می شود، می فرماید: «فَأَرْسَلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ». ^۳ پس به پس بنی اسرائیل را همراه ما بفرست، و آنان را اذیت و آزار مکن. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَى يَدِيهِ أَوْشَكَ أَنْ يَعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ مِنْهُ».^۴ یعنی مردم همین که ظالم را دیدند و جلو او را نگرفتند، به زودی الله متعال همه آنها را به عذابی از جانب خود مبتلی سازد.

• مقاومت و مبارزه بر ضد ظلم، یکی از مسئولیت هایی مهم علماء و رهبران امت است، مقاومت و مبارزه بر ضد ظلم و استبداد می باشد و این امر از عهده هر فرد عادی پوره نیست، لذا باید (امت) از این نوع منکر به صورت گروهی و تنظیم شده اقدام نمایند و علمای امت و رهبران می توانند با بسیج مردمی و وحدت عمل در این زمینه اقدام نمایند و هرگاه امت اسلامی برای انجام یک کاری اقدام نماید، هیچ کسی توان مخالفت با آن را ندارد و مغلوب نمی شود و امت می تواند جلو کجروی های ظالمان و تجاوز متجاوزان را بگیرد، همان طوریکه رسول الله صلی الله علیه و آله در این مورد ارشاد می فرمایند: «...حَتَّى تَأْخُذُوا عَلَى يَدِ الظَّالِمِ فَتَأْطُرُوهُ عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا...».^۵ تا آن که از دست ظالم گرفته و او را بسوی حق بکشانید. پس باید توانمندی بالقوه مسلمانان تابع و تحت

^۱- الشعراء / ۲۲۷.

^۲- الشوری / ۳۹.

^۳- طه / ۴۷.

^۴- الجامع الصحيح سنن الترمذی، محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، عدد الأجزاء: ۵، ۴/۴۶۷.

^۵- الجامع الصحيح سنن الترمذی، محمد بن عیسی ابو عیسی الترمذی السلمي ۵/۲۵۲.

فرمان امتی باشد که به خاطر ادای فریضه ی دعوت الی الله و امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه بر ضد ظلم، تجاوز و دفاع از حق، انتخاب می‌شوند.

• دفاع و پاسداری از مصالح و منافع امت و ایستادگی در مقابل توطئه های دشمنان خارجی و داخلی، فریضه و واجب دینی است که ثمرات و منافع آن نصیب فرد و جامعه اسلامی و همه امت خواهد گردید. و انجام این مسؤولیت بزرگ، کار علماء و رهبران و فرزندان اصیل امت و مسلمانان راستین می باشد.

رسول الله ﷺ در مورد مسؤولیت افراد مسلمان در قبال سائر مؤمنان ارشاد می‌فرماید: ﴿ مَنْ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ لَا يُصْبِحُ وَيُمْسِي نَاصِحًا لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِإِمَامِهِ وَلِعَامَّةِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ ﴾^۱. کسی که به امور مسلمانان توجه و اهتمامی نداشته باشد از آنان به شمار نمی‌آید و هرکس که در راستای رضایت الله متعال و بر اساس سنت رسول الله ﷺ و به وسیله کتاب الهی به نصیحت حکام و مردم مسلمان قیام ننماید، جزو آنها به حساب نمی‌آید. یعنی اگر انسانی با احساس مسؤولیت به امور مسلمانان نگاه نکند و در جهت رفع نیازها و حل مشکلات آنها باوجود توانایی و امکانات، تلاش ننماید، انسانی است که ایمان او دارای ضعف است و نمی‌توان او را جزء مسلمانان (واقعی) به شمار آورد.

همه امت اسلامی اعم از افراد عادی، رهبران، علما و بزرگان اقوام مسؤولیت دارند تا در قبال این قضیه بزرگ و سرنوشت ساز امت و قضیه فلسطین و بالآخر مردم مظلوم غزه بی تفاوت نمانده با وحدت و یک پارچگی و تلاش مستمر نقش مؤثر بازی کرده و به صورت پیشرو در ایجاد کتله از عالمان، نخبگان، نویسندگان، روشنفکران و تأثیرگذاران معنوی و اجتماعی دست به کار شوند و در جهت نجات امت از این ذلت و خواری و حقارت و نجات مستضعفان و مظلومان کاری بکنند. در این زمینه طرح ها و پیشنهادهای را پیشکش می نمایم، امید است که جامعه عمل به آن پوشانده شود:

^۱ - المعجم الأوسط، أبو القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی، الناشر: دار الحرمین - القاهرة، ۱۴۱۵، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، عدد الأجزاء: ۱۰، ۲۷۰/۷.

۱- طرح استراتژی جامع جهت دفاع همه جانبه از هویت، دین، ارزش ها و مقدسات اسلامی؛ زیرا در مقابل تهاجم همه جانبه و فراگیر دشمن، دفاع جزئی و یک جانبه بی نتیجه خواهد بود. همان گونه که قرآن کریم دستور می دهد: ﴿وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾. 'و همگی با مشرکان بجنگید چنانکه آنان همگی با شما می جنگند و بدانید که خدا با پرهیزگاران است. البته قتال با مشرکین به این معنی نیست که قتال با سایر دشمنان در این آیه منظور نیست، بلکه منظور از آیه مبارکه همه گونه های قتال و مبارزه با همه دشمنان با اصناف مختلف آنها می باشد.

۲- استفاده مؤثر از همه داشته های مادی و معنوی و انرژی و امکانات امت، جهت دفاع مؤثر و همه جانبه در عرصه های مختلف مورد نیاز.

۳- اختصاص خطبه های جمعه در مساجد و محیط های مختلف برای صحبت در مورد آنچه در مسجد الاقصی، کرانه ی باختری و غزه و در مجموع فلسطین اتفاق می افتد، و رساندن صدای مظلومیت و حکایت از رنج های بی پایان آن ها و تقبیح نسل کشی ای که جریان دارد.

۵- تشکیل تیم هایی برای رهبری کمپین های تحریم، آگاهی از ترفند های دشمن برای دور زدن آنها و جستجوی راه های عملی برای شکستن محاصره ی مالی و اقتصادی مردم غزه و سایر سرزمین های اسلامی.

۶- تشکیل تیم هایی فعال از شبکه های اجتماعی و تأثیر گذار و انتشار حقانیت جهاد و مبارزه برحق مردم فلسطین و مقاومت در برابر اشغال و مقابله با روایت های دروغین اشغال گران و طرفداران آنها جهت آگاهی دهی جوامع عربی و اسلامی در مسیری که سبب خوشنودی الله متعال گردد.

۷- تعمیم آگاهی ها در مورد طوفان اقصی و نشر و پخش داستان ها، اخبار، دست آورد ها و اخبار مجاهدین و مبارزان غزه و انعکاس مظلومیت مردم مجاهد غزه و فلسطین.

۱- التوبه/۳۶.

۸- معرفی جنایات حکومت های مزدور عربی در همکاری و حمایت از رژیم غاصب اسرائیل و خذلان مسلمانان مقاوم غزه عزیز و مردم فلسطین و خیانت کاری آنها در حق امت اسلامی و حقوق حقه مسلمانان در سراسر جهان..

۹- آگاهی عامه در مورد توانایی ها و امکانات بالقوه امت اسلامی، افتخارات تاریخی، اندوخته های علمی، شخصیت ها و دانشمندان مشهور و معرفی آنها جهت بلند بردن مورال مجاهدان و تثقیف عموم مسلمانان، تا از اتکاء به دشمنان دست بردار شده و به توانایی های بالقوه خویش اعتماد نمایند.

از الله متعال قبولی جهاد مجاهدین و شهادت شهداء و نجات مظلومان، نابودی ظالمان و آزادی قدس و فلسطین و عزت و سرافرازی اسلام و مسلمانان را خواهیم.

بخش دوم

مبارزات و جهاد مردم فلسطین

تاریخچه

مبارزات و جهاد فلسطینی ها بعد از اعلان تشکیل و ایجاد دولت غاصب اسرائیل در سرزمین فلسطین، آغاز می گردد و عمده ترین کارنامه های فلسطینیان بعد از ایجاد دولت صهیونیستی در فلسطین به دو انتفاضه یا قیام فلسطینیان بر می گردد که به نام انتفاضه اول و انتفاضه دوم شناخته می شود و هریک را مختصراً به معرفی می گیریم:

۱- انتفاضه اول فلسطین یا انتفاضه سنگ از ۸ دسامبر ۱۹۷۸ الی برگزاری کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۳م ادامه یافت.

آغاز انتفاضه

جرقه های انتفاضه اول فلسطینیان یا همان انتفاضه سنگ، هنگامی آغاز شد که یک کامیون اسرائیلی چهار کارگر فلسطینی را در منطقه (بیت حانون) واقع در شمال نوار غزه به شهادت رساند و فلسطینیان این تصادف را قتل عمد دانستند و روز بعد در هنگام تشییع جنازه ها به قرارگاه نظامی رژیم صهیونیستی در جبالیاه سنگ زدند. در مقابل سربازان صهیونیست اقدام به شلیک تیر هوایی کردند. فلسطینیان نیز با باران سنگ و وسایل دست داشته ابتدایی جواب آن ها را دادند. این باعث شد، نظامیان درخواست نیروی کمک کنند. این جرقه انتفاضه اول فلسطین بود. ولی کار به همین جا ختم نشد و انتفاضه شهر به شهر گسترش یافت. در آن انتفاضه ۱۳۰۰ فلسطینی شهید شدند.

بالاخره شعله های این انتفاضه در سال ۱۹۹۱ خاموش شد و با امضای توافقنامه اسلو میان رژیم اشغالگر قدس و سازمان آزادی بخش فلسطین در سال ۱۹۹۳ به طور کامل متوقف شد.

عوامل پیدایش انتفاضه اول

آغاز انتفاضه اول فلسطینیان و قیام مردمی در برابر اشغالگران صهیونیست علل و عوامل متعددی داشت که در زیربه برخی از آنها می پردازیم:

- شکست مبارزات پیشین فلسطینی ها؛ مبارزات فلسطینی ها عمدتاً در قالب سازمان های مختلف سیاسی چپی و غیر مذهبی انجام می شد، مرکز ثقل مبارزات فلسطینیان در خارج از سرزمین های اشغالی و در اراضی مجاور اسرائیل بود و غالباً تحت تأثیر و نفوذ دیدگاه حاکمان سیاسی آن کشور قرار می گرفتند. برخی از کشور های عرب هم موانعی در سر راه فعالیت آن ها قرار دادند. مشکل دیگر، تفرقه بین سازمان های فلسطینی بود و عامل مهمتر این که این سازمان ها و گروه ها عموماً به تمایلات سنتی و مذهبی مردم بی اعتنا بودند و در چوکات گروه های لائیک و ملی قرار گرفته بودند. بحث های بی مورد سیاسی و گروهی میان آن ها برای نسل جدید فلسطینی، جز آوارگی و شکست حاصل دیگری نداشت. پس از مدتی سازمان های مبارز راه سازش با رژیم صهیونیستی را در پیش گرفتند. انصراف از مبارزه ی مسلحانه، به رسمیت شناختن قطعنامه های سازمان ملل و پیوستن آن ها به «قطار صلح» نا امیدی را در دل فلسطینیان ایجاد کرد.

- فشار صهیونیست ها بر فلسطینیان؛ یکی از علل پیدایش انتفاضه تحقیر فلسطینیان به عنوان شهروندان درجه دوم در سرزمین های اشغالی به حساب می آید. مهاجرت بیش از حد یهودیان سراسر جهان به سرزمین های اشغالی و تلاش صهیونیست ها برای تغییر بافت جمعیتی این سرزمین به نفع یهود و سلب امتیازات و امکانات از اعراب فلسطینی، موجب می شد که فلسطینی ها مظلومیت بیشتری را بر خود احساس کنند.

- سازش اعراب با اسرائیل؛ یکی دیگر از عوامل مؤثر در پیدایش انتفاضه، روند سازش در کشور های عرب است. از بدو پیدایش اسرائیل، شاهد مخالفت های مردمی در این سرزمین بوده ایم. در ابتدا کشور های عرب با موضع گیری های خود همواره مخالفت شان را از موجودیت اسرائیل اعلام می کردند. سخنرانی های نمایندگان عرب در مجامع بین المللی و حمایت های مادی و معنوی از مبارزات فلسطین، همه نشانگر

توجه دولت های عرب به مسأله ی فلسطین بود، و اعراب در این مقطع زمانی، چهار جنگ را پشت سر گذاشتند، اگر چه نتوانستند نتایج مثبتی کسب کنند. در روند مبارزات مردم فلسطین وقتی فلسطینیان از کمک کشور های عربی ناامید شدند، خود راساً دست به کار شده و دست به قیام ها زدند. طی دهه ی ۶۰ میلادی، بعد از شکست های پیاپی اعراب در جنگ با اسرائیل، فلسطینیان با قطع امید از اعراب در چوکات سازمان ها و گروه ها به دفاع از حقوق خود پرداختند. اوج این گروه گرایی در پی توافق کمپ دیوید شکل گرفت.

انتفاضه یا قیام مردم فلسطین در شرایطی آغاز شد که افراد درگیر مسأله ی فلسطین معتقد بودند که تنها راه پیشروی فلسطینیان، مصالحه و سازش است و اوج این عقب نشینی در برابر اسرائیل هنگامی آغاز شد که سران کشور های عرب با پشت پا زدن به انگیزه و هدف اصلی تشکیل اتحادیه ی عرب، به مسأله ی فلسطین به عنوان یک مسأله ی درجه دو نگرستند. در این اجلاس ضمن نمایندگی فلسطین، وکالت آن ها یکسره به اردن تفویض شد. اعراب در این اجلاس با نادیده گرفتن حقوق سیاسی فلسطینیان در تعیین نماینده و قیّم برای آنان، عقب نشینی کرد و مسأله ی فلسطین به گونه ای که صهیونیست ها و امریکایی ها تفسیر می کنند، و آنرا مشکلی بین اعراب و اسرائیل تلقی کردند، شکل گرفت.

۲- انتفاضه دوم فلسطین؛ (انتفاضه الأقصی)

در روز ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ م و در پی ورود «آریل شارون» نخست وزیر وقت رژیم اشغالگر قدس به مسجد مبارک الأقصی به همراه تعداد زیادی از نظامیان ارتش صهیونیستی، انتفاضه دوم فلسطین موسوم به انتفاضه اقصی شعله ور شد. روز ۲۸ سپتامبر شارون با ورود به مسجد الأقصی و قدم زدن در صحن های آن باعث تحریک احساسات فلسطینیان و بروز درگیری میان نمازگزاران مسلمان و نظامیان صهیونیستی شد و در پی این درگیری ها ۷ فلسطینی شهید و بیش از ۲۵۰ نفر دیگر زخمی شدند و در عین حال ۱۳ نظامی صهیونیست هم مجروح شدند. در آن زمان درگیری های شدیدی در شهر اشغالی قدس درگرفت که منجر به زخمی شدن ده ها فلسطینی شد و این درگیری ها خیلی زود به تمامی شهر های کرانه باختری و باریکه غزه سرایت پیدا کرد و نام (انتفاضه الأقصی) را به خود گرفت.

" محمد الدرہ " کودک شہید فلسطینی کہ در دومین روز انتفاضہ اقصیٰ بہ شہادت رسید، نماد انتفاضہ دوم فلسطین بہ شمار می رود و فایل ویدیوئی ضبط شدہ توسط شبکہ تلویزیونی فرانسه در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۰ بہ خوبی صحنہ ہای ترور این کودک ۱۱ سالہ را کہ در کنار پدرش در پشت یک مانع در خیابان صلاح الدین در جنوب شہر غزہ پناہ گرفتہ بود، بہ تصویر کشیدہ است.

ترور این کودک فلسطینی توسط ارتش صہیونیستی احساسات خشم ملت فلسطین را در نقاط مختلف برانگیخت و باعث راہ اندازی تظاهرات خشم آلود و وقوع درگیری میان نظامیان ارتش صہیونیستی و شہروندان فلسطینی شد کہ در پی آن دہ ہا نفر از آنہا شہید و یا زخمی شدند.

انتفاضہ دوم فلسطین در مقایسہ با انتفاضہ نخست شاہد درگیری ہای بیشتر و افزایش عملیات ہای نظامی و درگیری ہا میان مقاومت فلسطین و ارتش صہیونیستی بود و بر اساس آمار ہای رسمی دو طرف منجر بہ کشتہ شدن ۴۴۱۲ فلسطینی و زخمی شدن ۴۸ ہزار ۳۲۲ نفر شد و در طرف مقابل نیز ۱۰۶۹ صہیونیست بہ ہلاکت رسیدہ و ۴۵۰۰ نفر دیگر زخمی شدند.

در جریان این انتفاضہ مناطق مختلف کرانہ باختری و باریکہ غزہ در معرض تجاوزات نظامی ارتش صہیونیستی قرار گرفت و ہزاران باب منزل ویران و ہزاران دونم از اراضی کشاورزی تخریب شد.

از جملہ مهم ترین حوادثی کہ در زمان انتفاضہ اقصیٰ روی داد، ترور "رحبعم زئیفی" وزیر گردشگری وقت رژیم صہیونیستی بہ دست مبارزان جہہ خلق برای آزادی فلسطین بود. شارون در آن زمان سعی در ترور شمار زیادی از رہبران درجہ یک احزاب سیاسی و گروہ ہای نظامی مقاومت فلسطین را داشت تا شعلہ ہای انتفاضہ اقصیٰ را خاموش کردہ و گروہ ہای مقاومت و در راس آنہا مجموعہ شہید ابو علی مصطفی دبیر کل جہہ خلق را تضعیف کند و از سوی دیگر، شیخ احمد یاسین بنیانگذار جنبش مقاومت اسلامی "حماس" را ترور کند.

انتفاضہ دوم فلسطین در مقایسہ با انتفاضہ اول شاہد پیشرفت در ابزار ہای مورد استفادہ مقاومت بود کہ مهمترین وسایل مورد استفادہ در آن زمان سنگ و بطری ہای آتش زا بود. گروہ ہای مقاومت فلسطین در جریان انتفاضہ دوم در صدد توسعہ

شاخه های نظامی خود برآمدند و گردان های شهید عزالدین قسام شاخه نظامی جنبش حماس سلاح های مورد استفاده خود را توسعه داد و توانست موشک هایی تولید کند که با استفاده از آنها شهرها و شهرک های صهیونیست نشین را هدف قرار می داد. یک سال پس از آغاز انتفاضه اقصی به تاریخ ۲۶ اکتبر سال ۲۰۰۱ نخستین موشک بومی این گردان ها به سمت شهرک اسدوروت در جنوب فلسطین اشغالی شلیک شد و پس از آن قدرت موشکی این گردان ها خیلی زود توسعه پیدا کرد و مبارزان قسام توانستند بزرگترین شهر های صهیونیست نشین را هدف قرار دهند. انتفاضه دوم فلسطین بالاخره در تاریخ ۸ فروری سال ۲۰۰۵ م و با توافق آتش بسی که میان طرفین فلسطینی و صهیونیستی در اجلاس "شرم الشیخ" امضاء شد، خاموش گردید، اما ناظران بر این باورند که با توجه به عدم دستیابی طرفین به هیچ گونه راه حل سیاسی و تداوم درگیری ها در شهر های کرانه باختری، این انتفاضه همچنان ادامه دارد.

دست آورد های انتفاضه اقصی

- دست آورد های انتفاضه را طور خلاصه می توان چنین برشمرد:
- ۱- افزایش حمایت های مردمی جهان اسلام از مسئله فلسطین و انتفاضه.
 - ۲- زنده شدن مقاومت اسلامی پس از ناامیدی فلسطینیان، حتی تشکیلات خود گردان از روند سازش و پیوستن جنبش فتح به مقاومت نظامی.
 - ۳- گسترش دامنه دشمنی مردم فلسطین و جهان عرب و اسلام با صهیونیست ها و بیداری احساسات ضد صهیونیستی.
 - ۴- ظهور رسانه های عربی و اسلامی در سطح جهان و گرایش تعداد زیادی از خیرنگاران به ایفای نقش رسانه ای در حمایت از فلسطین.
 - ۵- مشارکت تمام جریان های فلسطینی در انتفاضه، به شمول فلسطینیان سرزمین های اشغالی سال ۱۹۴۸م در انتفاضه و عملیات های شهادت طلبانه.
 - ۶- ایجاد ترس و هراس میان صهیونیست ها از رفتن به اماکن خرید و رستوران ها و مراکز تجمع.

- ۷- رکود صنعت گردشگری رژیم و وارد شدن زیان های زیاد به آن و کاهش ۳۰ درصدی مشتریان فروشگاه ها، رستوران ها و اخراج هفتاد هزار کارگر بخش گردشگری.
- ۸- وارد شدن روزانه شانزده میلیون دالر خسارت به بخش تجارت رژیم صهیونیستی.
- ۹- مطرح شدن مجدد اصطلاح جهاد و امیدواری امت اسلامی به پیروزی و آزادی فلسطین.^۱

نقش تعیین کنندهٔ جماعت اخوان المسلمون در جهاد فلسطین

بعد از سقوط خلافت اسلامی و تلاش های چهل ساله پیهام رهبران صهیونیزم مبنی بر اسکان یهودیان در سرزمین فلسطین و توطئه های خائنانانه انگلیس و امریکا و شرکای غربی آنها، بالاخره در سال ۱۹۴۸ م دولت یهودی به نام (اسرائیل) این لانهٔ سرطانی در قلب عالم اسلامی و سرزمین مبارک شام (فلسطین) تأسیس گردید و بدون وقفه امریکا آن را به رسمیت شناخت و متعاقباً سائر کشور های بزرگ نیز به عنوان دولت یهودی آن را به رسمیت شناختند.

امریکا و شرکای غربی وی دولت های عربی را به صلح با اسرائیل وادار نمودند و هر حرکت و جریانی که از قبول صلح با اسرائیل و موافقت با آن سرباز می زد، مورد سرزنش قرار گرفته و سرکوب می گردید، و هر نهاد و یا سازمانی که به سطح منطقه ایجاد می شد، باید تعهد می سپرد که حرکت های اسلامی را سرکوب نماید؛ و حرکت اخوان در رأس همهٔ حرکت ها در این عرصه قرار گرفت و همهٔ قدرت های طاغوتی دنیا در برابر آن ایستادند و برای سرکوب نمودن و نابود ساختن آن با همکاری حکومت های مزدور در منطقه اقدام نمودند، زیرا موجودیت حرکتی به نام و شعار اسلام و سمبول (دو شمشیر و مصحف)، و بلند کردن ندای جهاد، با موجودیت دولت یهودی در فلسطین، در تضاد مطلق قرار داشت.

^۱ - انتفاضه مسجد الاقصی، بررسی روند مبارزات مردم فلسطین، نویسنده سید رسول موسوی، مشخصات نشر: تهران، اندیشه سازان نور، نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹/۲۵۴.

امام شهید حسن البناء رحمه الله مؤسس حرکت اخوان از سال ۱۹۳۵م توجه و اهتمام خاص به قضیه فلسطین داشت و برای جهاد و مبارزه علیه اشغال فلسطین و قدس، تلاش های خود را آغاز نمود و با همه امکانات و داشته های مادی و معنوی اش به حمایت همه جانبه و هممکاری مالی و جانی ادامه داد.

امام شهید به مجاهدین فلسطین رساله ای را با این شرح نوشت: « ای برادران! حوادث و جریان هایی که در مصر واقع می شود، آنقدر مهم نیست، زیرا وظیفه شما آزادی فلسطین از اشغال یهود است و تا مادامی که یک یهودی در فلسطین حضور داشته باشد، رسالت شما پایان نمی یابد.»^۱

بر اساس همین موقف جدی و قاطع اخوان در برابر ایجاد دولت یهودی در فلسطین بود که اسرائیل را به رسمیت نشناخت و با آن مبارزه خود را ادامه داد و اینک مختصراً به شکل نمونه برخی از اقدامات عملی امام شهید را که بیانگر موقف اخوان در این عرصه می باشد، مختصراً اشاره می کنیم:

۱- امام شهید حسن البناء رحمه الله برادرش عبدالرحمن البناء را جهت دیدار با عزالدین القسام به فلسطین فرستاد و رابطه خود را با الحاج ایمن الحسینی مفتی بزرگ فلسطینی برقرار نمود.

۲- دعوتگرانی را به شمول سعید رمضان و عبدالرحمن البناء برادرش و مصطفی مومن و عبدالعز عبدالستار را به فلسطین فرستاد و آنها مردم را در شهر های فلسطین از خطر یهود برحذر می داشتند و به جهاد در مقابل آنها تشویق می کردند.

۳- معرفی مؤسسات یهودی در مصر جهت مقاطعه با آنها و خواندن قنوت نازله در نماز صبح بر علیه اشغالگران و صهیونست ها.

۴- صدور مکاتیبی تحت عنوان: (النار والدمارفی فلسطین) یعنی آتش و خاکستر و ویرانی در فلسطین را صادر کرد که به سبب آن امام زندانی شد.

۱ - حماس جذورالتاریخية والميثاق، شهید عبدالله عزام، تشرو توزیع مکتب خدمات المجاهدین بشاور - پاکستان الطبعة الثانية ۱۴۴۱ه ق ۱۹۹۰ م / ۷۱.

۵- تدویر کنفرانس ها و سیمینار ها به منظور آگاهی از خطر یهود؛ از آن جمله کنفرانس پارلمانی جهانی در ۱۹۳۸/۱۰/۷م برای نصرت فلسطین در مصر و همچنان تدویر کنفرانسی در ۱۹۴۷/۱۰/۱۷م در حیفا فلسطین به منظور دفاع از فلسطین.

۶- تشکیل هیئت (وادی النیل) برای نجات فلسطین در سال ۱۹۴۷م و در آن به جهاد علیه اشغالگران تأکید شده بود، این هیئت، کشور های عربی را به باز کردن کتیبه های نظامی دعوت کرد و در قاهره و عمان کتیبه هایی برای آموزش های نظامی ایجاد گردید.

۷- مظاهره ای بزرگ در میدان اوپرا در قاهره با اشتراک سیاسیون مصری و عربی به ابتکار اخوان دایر و امام شهید در آن حاضرین را مخاطب قرار داد و فرمودند: «ما ملت فلسطین را از اشغال رهایی می بخشیم و ما با الله متعال عهد کرده ایم که با عزت و کرامت زندگی کنیم و با عزت و کرامت بمیریم.»

۸- تشکیل کتیبه های جهادی در عمان، کتیبه ای مصطفی السباعی در سوریه، کتیبه ای استاد صواف مراقب اخوان در عراق، و کتیبه ای عبداللطیف ابوقوره مسئول اخوان در اردن و غیره ۱۰.

یکی از اهداف ایجاد حرکت اخوان، آزادی سرزمین های اسلامی و در رأس آنها فلسطین و قدس بود، از همین سبب است که همه دنیا از همان آغاز ایجاد حرکت اخوان، دشمنی را با آن اعلان داشتند و تا امروز ادامه دارد.

بعد از آنکه در کمپ دیوید در سال ۱۹۸۰م بین سادات رئیس جمهور وقت مصر و اسرائیل معاهده دوستی با اسرائیل امضاء شد و مصر اسرائیل را به رسمیت شناخت و معاهده صلح و دوستی با یهود برقرار گردید، فشار ها بالای اخوان شدت یافت و از همان هنگام به بعد مؤسسات یهودی و بریتانوی در مصر اقداماتی را علیه اخوان و فعالیت های جهادی و تبلیغی آن آغاز نمودند؛ زیرا یهود و حامیان غربی و عربی وی این حقیقت را درک کرده بودند که یگانه حرکتی که می تواند تمام اهداف استعماری غرب را در منطقه و جهان افشاء و نابود کند، همانا حرکت اخوان می باشد؛ از همین سبب است که اقدامات سرکوب گرانه ای را علیه اخوان در تمام سرزمین های عربی به کمک و

همکاری حاکمان مزدور از جمله مصر آغاز کردند و همه اعضای حرکت را تعقیب، شکنجه، زندانی و حتی اعدام نمودند.

در ۶ دسامبر سال ۱۹۴۸م سفرای کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس در نشست مشترک با نقراشی صدراعظم وقت مصر به انحلال جنبش اخوان المسلمین اتفاق نمودند و نقراشی را مکلف نمودند تا این فیصله را نافذ و عملی نماید، همان بود که دو روز بعد، یعنی در ۸ دسامبر همان سال، نقراشی جماعت اخوان المسلمین را منحل اعلان کرد و همه رهبران اخوان زندانی و یا اعدام شدند و ممتلكات آنها مصادره گردید و همه اعضای اخوان تحت تعقیب قرار گرفتند.

ترس و رعب صهیونیست ها از بیداری اسلامی و حرکت

اخوان

چیزی که صهیونیست ها را بیشتر از همه به وحشت انداخته است، بیداری اسلامی و تقویه روحیه جهاد و حب شهادت در میان امت اسلامی است. به نقل از «مناحیم بگین» نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی آمده است: «تا زمانی که به طور کامل با حرکت اسلامی در مصر به طور خاص و با حرکت اسلامی در کل منطقه به طور عام، مقابله نشود، نسبت به آینده‌ی توافق نامه «کمپ دیوید» و پیوست های آن با مصر آسوده خاطر نخواهم شد. در سفر اخیرم به مصر در هفته‌ی اول سپتامبر سال ۱۹۸۰، کیف پر از جزوه ها و نشریاتی که در مصر علیه یهود و اسرائیل منتشر می شد، همراه داشتم. به دوست من سادات گفتم: چگونه انتظار داری باور کنم که واقعاً خواهان عادی سازی روابط با اسرائیل هستی، در حالی که به مسلمانان افراطی اجازه می دهی تبلیغات ضد یهود و اسرائیل را منتشر کنند؟ دوست من سادات توجه ویژه ای به این اسناد نشان داد، و من نیز تأکید کردم که اسرائیل فقط به شنیدن اظهارات اطمینان بخش اکتفا نمی کند، بلکه خواهان اقدامات قاطع و خشن برای ادب کردن رهبران حرکت اسلامی و بازداشتن آنان از فعالیت است. در غیر این صورت، اسرائیل هم چنان نسبت به آینده‌ی توافق نامه های صلح با مصر با شک و تردید خواهد نگرست. دوست من سادات شایسته‌ی اعتماد ما بود. هنوز از مصر به اسرائیل باز نگشته بودم که او کارزار شدیدی برای سرکوب حرکت اسلامی آغاز کرد.

من از صمیم قلب برایش آرزوی موفقیت دارم تا مسلمانان افراطی در مصر را از بین ببرد. ۱

(دایان) یکی از سران یهودی در امریکا به منظور برانگیخته کردن احساسات امریکائیان بر علیه اخوان چنین فریاد می کند: «ما از شما در مقابل اردو ها و لشکر های عربی سلاح نمی خواهیم؛ زیرا کار آنها برای ما آسان است، بلکه ما در مقابل گروه وحشی اخوان المسلمین می خواهیم مسلح شویم. ۲»

(بن گوریون) یکی از رهبران صهیونست می گوید: «ما از حرکت های سوسیالیستی و اشتراکی و دموکراسی ترس و هراسی نداریم؛ بلکه ترس و هراس ما از اسلام است که مدت زیادی خوابیده بود و اکنون در حال بیدار شدن است.»

(شیمون پیریز) صدراعظم رژیم اشغالگر در سال ۱۹۷۸م در کمپاین انتخاباتی خود می گوید: «مادامی که شمشیر اسلام در دست باشد، در منطقه صلح به میان نمی آید و تا هنگامی که این شمشیر عریان باشد، ما نسبت به آینده خود اطمینان نداریم.»

یکی از تحلیل گران صهیونستی در مصاحبه ی رادیویی می گوید: «یهود و حلفای آن باید بدانند که خطر حقیقی بالای اسرائیل خطر بیداری اسلامی جدید است و دوستان اسرائیل باید تمام تلاش خود را به خرج دهند تا این روحیه بیدار نشود، زیرا اگر این روحیه دو باره شعله ور شود، نه تنها اسرائیل، بلکه همه تمدن غربی به خطر مواجه می شود.» ۳

(حاییم هیرتروغ) یکی از صهیونست ها در جریده (الجزوزلم پوست) در شماره ۱۹۷۸/۹/۲۵م می نویسد: ظهور حرکت بیداری اسلامی به صورت تکان دهنده ای ظهور نموده است و تمام ادارات دیپلماتیک و قبل از همه استخبارات امریکایی در خواب عمیق فرو رفته اند.

۱- خطر یهود بر امت اسلامی، دکتور محمد عثمان شبیر، مترجم: عبدالخالق احسان/۲۴.

۲ - حماس جذورالتاریخية والميثاق، شهید عبدالله عزام، نشر توزیع مکتب خدمات المجاهدین، بشاور پاکستان الطبعة الثانية ۱۹۹۰ ق ۱۹۹۰ م / ۶۸.

۳ - حماس جذورالتاریخية والميثاق، شهید عبدالله عزام/۱۰۹-۱۱۰.

(موشی شارون) می گوید: تلاش های علمای مسلمان مانند: حسینی و حسن البنا هنوز هم از تأثیر زیادی در کسب قلوب مسلمانان در میان عرب های فلسطین تحت شعار و نام اسلام و حمایت از مقدسات اسلامی فعالیت دارد، برخوردار است. جریده (القبس) کویته در منابع خبری از (دایان) یهودی نقل می کند که موصوف در خطاب خویش برای یهودیان امریکا در مورد دشمنی و خوف یهودیان از جماعت اخوان المسلمین چنین گفت: «دشمن درجه یک یهود جماعت اخوان المسلمین بوده است؛ طوریکه وی احساس می کند که عرب ها در فلسطین به دیدگاه ها و نظریات متعصبانه! اسلامی تمسک می جویند و این طرز دید باعث خواهد شد تا با برادران شان (اخوانی ها) بپیوندند.»^۱

مستشار قصر سفید در امور امنیت ملی امریکا (برجینسکی) می گوید: «امریکا باید در مورد حرکت های اسلامی متشدد تحقیقاتی را انجام دهد تا زمینه را برای امریکا و شرکای وی در جهت جلوگیری از انقلاب ها جدید در منطقه اسلامی مهیا سازد، زیرا امریکا به این حریص است که اجازه ندهد اسلام سیاسی در منطقه ظهور نموده و نقش خود را داشته باشد».

در مقاله ای به نام (فورتشن) که در ۱۹۸۶/۶/۳۰م به نشر رسیده چنین آمده است: «بیداری اسلامی جدید سبب مزاحمت زیادی برای اسرائیلیان شده است، اگر گفتگو های صلح با مصر به موفقیت نانجامد، هدف جهاد مقدس قرار خواهیم گرفت که در نتیجه بیداری اسلامی به وقوع خواهد پیوست و در ادامه می نویسد: حتی در جامعات اسرائیلی طلاب عربی مسلمان با ریش های بلند عبادت های مسلمانان را انجام می دهند و دختران مسلمان با سیمای اسلامی و حجاب شرعی ظاهر می شوند»^۲.

از اظهارات رهبران صهیونیست معلوم است که منظور از بیداری اسلامی که از آن هراس دارند، همان حرکت اخوان بوده و می باشد. طبیعی است که اگر از بیداری اسلامی و یا دعوت دینی و یا هم از اسلام سیاسی حرفی به زبان می آید، دشمنان را لرزه

۱ - حماس، جذورالتاریخية والميثاق، شهيد عبدالله عزام صفحه ۱۱۰-۱۱۶ به نقل از مقاله دکنتور يوسف القرضاوی /مجلة البحث الاسلامی عدد ۹ جمادی الثانیة ۱۴۰۹ ه .

۲ - همان.

به اندام می افتد و همه می دانند که در عقب همه این قضایا حرکت اخوان المسلمین قرار دارد که به سطح جهانی علمبردار بیداری اسلامی بوده و اسلام را به معنای حقیقی و واقعی و مفهوم شامل و کامل آن درک و به جهانیان عرضه می دارد، چیزی که همه استعمارگران شرقی و غربی را به وحشت انداخته است و این امر سبب شده است که هر جایی که از اخوان نام گرفته می شود، طواغیت با دست و پاچگی مواجه شده و احساس ترس و هراس می کنند و در صدد نابودی و سرکوبی آن می برآیند. و متأسفانه امروز نسبت به مسلمانان، دشمنان، اخوان را خوب تر درک کرده و خوب تر شناخته اند، و مقاومت و جهاد دو سال اخیر (۲۰۲۳-۲۰۲۵ م) مجاهدان حماس در غزه و فلسطین این حقیقت را خوب تر آشکار ساخته است که مجالی برای انکار باقی نمی ماند که این مقاومت و ایستادگی که در تاریخ نظیر آن ثبت نشده و جهان را متحول نموده و خواب را از چشمان صهیونیست ها و حامیان غربی آنها ربوده و اسرائیل را به کام نابودی حتمی مواجه ساخته و اعتبار و جایگاه جهانی و منطقوی اش را از دست داده است، کار دست پروردگان و حاملین فکر و اندیشه حسن البناء و سید قطب شهید رحمهما الله و امثال ایشان چون شهید اسماعیل هنیه و شهید یحیی سنوار و محمد ضیف و هزاران شهید گمنام دیگر می باشد که در راه اقامه ی دین الهی و دفاع از سرزمین مبارک و آزادی قدس، جان های شیرین خود را فدا کردند و طبق وعده ی الهی این خون ها به هدر نرفته و حتما به ثمر می نشینند و نهال آزادی در سرزمین فلسطین و سایر سرزمین های اسلامی بارور می شود و نور دین بر همه جهان غلبه می کند و این وعده الهی حق بوده و تحقق یافتنی است، ولو بعد از مدت زمانی. ارشاد الهیست: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مَتِّمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾^۱. می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید.

بخش سوم

حرکت مقاومت اسلامی حماس

معرفی مختصر

حماس مخفف نام رسمی «حرکت مقاومت اسلامی» است که در شکل مخفف نیز به معنای غیرت، قدرت یا شجاعت است. این سازمان در دهه ۱۹۸۰ میلادی به عنوان جایگزینی برای برنامه یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین تأسیس گردید و در مقایسه با سازمان آزادی بخش فلسطین که بعداً به «جنبش فتح» معروف شد، محبوبیت بیشتر یافت. محبوبیت حماس نه تنها به دلیل خدمات رفاهی گسترده و شهرت به صداقت و ایمان بود، بلکه به این دلیل بود که بسیاری از فلسطینی ها مقاومت مسلحانه حماس را پاسخی شرافتمندانه و عادلانه در برابر دشمنی بسیار بزرگ تر می دانستند؛ حتی زمانی که این امر مستلزم اقدامات خشونت آمیز مانند بمب گذاری در اتوبوس ها و رستوران ها در خاک اسرائیل بود که حماس قبل از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۰۶ انجام داد. حماس حق موجودیت اسرائیل را انکار می کند، اما نسبت به پذیرش یک کشور فلسطینی در مرز های غزه، کرانه باختری و بیت المقدس شرقی روی خوش نشان می دهد. غزه را با مشت آهنین اداره می کند، مکرراً حکم اعدام را اجرا می کند، اما قوانین حجاب اجباری ندارد و اجازه حضور جناح های سیاسی دیگر را نیز داده است. ایالات متحده و اتحادیه اروپا حماس را به عنوان یک سازمان تروریستی طبقه بندی می کنند، در حالی که سایر کشور ها آن را به عنوان یک گروه آزادی بخش با یک گروه مسلح می دانند. حماس هم به عنوان یک حزب سیاسی و هم به عنوان یک شبه نظامی عمل می کند و ترکیبی از عمل گرایان و رادیکالیسم را در خود جای داده است.

تأسیس

بعد از اینکه جنایات رژیم صهیونیستی بالای مردم فلسطین بیشتر شد و جنایات هولناک آنها ادامه یافت، مردم مجاهد و ملت مسلمان فلسطین و فرزندان حرکت اسلامی به این نتیجه رسیدند که جز مبارزه مسلحانه در مقابله با اشغالگران راه دیگری برای آزادی وجود ندارد، درست گفته است سید جمال الدین افغان که «استقلال گرفته می شود و داده نمی شود».

به این اساس حرکت های جهادی یکی بعد از دیگر در سرزمین فلسطین تبارز کرد و بعد از تأسیس حرکت (أسرة الجهاد) در سال ۱۹۴۸م تحت قیادت شیخ (عبدالله نمر درویش) با اخوان المسلمین اردن در ارتباط بود و متعاقب آن حركة الجهاد الإسلامی تحت قیادت (فتحی الشقاقی) و (عبدالعزیز عوده) بود که از افکار و اندیشه های سید قطب رحمه الله متأثر بودند، در سال ۱۹۸۰ م تأسیس گردید و به تعقیب آن، قیام مبارک سرتاسری فلسطینی در سال ۱۹۸۷ م صورت گرفت که به نام (انتفاضه) مشهور است و در این جنبش همه مردم فلسطین سهیم بودند و شامل مناطق کرانه باختری و غزه می شد، این قیام کنندگان با سلاح دست داشته شان مانند سنگ بود که به سوی دشمن پرتاب می کردند و به نام «انتفاضه سنگ» مشهور است و این انتفاضه بزرگترین تحرک ضد اسرائیل بود که بعد از سال ۱۹۴۸ م تأسیس گردیده بود.

این انتفاضه همراه بود با تأسیس حرکت اسلامی حماس در سال ۱۹۸۷م تحت نام (حرکت اسلامی مقاومت فلسطین) که جزء حرکت اخوان المسلمین می باشد و در ماده دوم حرکت مقاومت اسلامی، این سازمان شاخه ای از حرکت اخوان المسلمین فلسطین و تنظیم جهانی اخوان المسلمین، بزرگترین حرکت اسلامی در عصر حاضر، معرفی گردیده است.^۱

برخی از ماده های میثاق حماس:

ماده سوم: زیر بنای اساسی حماس از مسلمانانی تشکیل یافته است که ولاء و دوستی خود را برای الله متعال قرار داده است.

۱- قدس شریف و چالش های تمدنی، مقالاتی از دکتر محمد مصطفی الطحان، جمع آوری و ترتیب: عبدالصیر حکیمی/۲۱۸.

ماده چهارم: حماس هر مسلمانی را که خواستار داخل شدن در صفوف حماس برای ادای واجب دینی خودش باشد و اجر خود را فقط از الله متعال بخواهد، استقبال می کند.

ماده ششم: حرکت حماس یک حرکت فلسطینی بوده و ولاء او خاص برای الله است و اسلام را منهج زندگی خود می داند.

ماده هفتم: حرکت مقاومت اسلامی حماس خود را یکی از حلقات جهادی در مقابل هجوم صهیونیست ها دانسته و با حرکت شهید عزالدین قسام با جهاد فلسطین با جهاد اخوان المسلمین سال ۱۹۴۸م و عملیات های جهادی اخوان المسلمین در سال ۱۹۶۸ مربوط می داند.

ماده هشتم: شعار حرکت چنین است:

الله هدف ماست؛

رسول الله پیشوای ما است؛

قرآن قانون ماست؛

جهاد راه ما است؛

و مرگ در راه الله متعال بزرگترین آرزوی ماست. ۱.

ثوابت حرکت اسلامی حماس

ثوابت حرکت اسلامی حماس عبارت از ثوابت ملت فلسطینی است که به دو موضوع اساسی بر می گردد: سرزمین فلسطین به طور مکمل و اهل و ساکنان آن می باشد که از همه حقوق مشروع انسانی برخوردار بوده و دارای حق زندگی به صورت آزاد با حفظ کرامت و عزت باشد و در کل می توان گفت ثوابت حرکت عبارتست از آزادی سرزمین، بازگشت آوارگان به وطن و سرزمین شان تا آزادانه و با عزت و کرامت زندگی نمایند.^۲

۱ - همان.

۲ - حرکت مقاومت اسلامی حماس، دراسات فی الفكر والتجربة، تحرير د. محسن محمد صالح و آخرون، مركز الزيتونة للدراسات والاستشارات، بيروت - لبنان، الطبعة الثانية ۱۴۳۶ هـ، مطابق ۲۰۱۵ م / ۴۸۱.

عناصر قوت در حرکت حماس

عناصر قوت حرکت حماس را می توان در چند عنصر اساسی برشمرد:

۱- تمسک به منهج وحی و شریعت الهی و استوار به عقیده و فکر اسلامی که در وجود افراد و رهبران آن تمثیل گردیده بود که در آن راه آماده هر نوع قربانی بودند.

۲- وجود رهبرانی که در راه مبارزه و جهاد مقدس عملاً جان های خود را فدا کردند، مانند: مؤسس حرکت شهید شیخ احمد یاسین، و سایر رهبران، عبدالعزیز رنتیسی، اسماعیل ابو شنب، ابراهیم المقادمه، صلاح شحاده جمال منصور جمال سلیم و اسماعیل هنیه، محمد ضیف، و یحیی سنوار و ده ها و صد ها شهید دیگر که برای هدف نبیل و عالی دفاع از مقدسات و آزادی سرزمین و دفع تجاوز دشمن، آماده هر نوع قربانی بودند.

۳- حکمت و تدبیر سیاسی و رعایت فقه موازنات و اولویات در سیاست حرکت که مسیر حرکت را به سوی پیشرفت دوامدار قرار داده و با حفظ اصالت فکر و روحیه تجدید در ممارست و تطبیق آن، به مبارزه خویش ادامه داده است.

۴- اصرار به ثوابت ملت فلسطینی و مقاومت در راه تحقق اهداف ملی و مخالفت با هرگونه سازش پذیری در برابر اهداف نبیل اسلامی و وطنی .

۵- حفظ هویت دینی و اصالت عربی و اسلامی در همه قرار ها و تصامیم بزرگ که منجر به حمایت ملت فلسطینی از حرکت گردید.

۶- حفظ چوکات تنظیمی و رعایت اصل شورا در قیادت تنظیم و شمول فعالیت های حرکت در همه مجالات زندگی مردم و ملت فلسطین در عرصه های اجتماعی، سیاسی، نظامی، امنیتی، و فعالیت های دعوتی و تربیتی که سبب رشد و انتشار آن در ساحات جدید گردیده است.^۱

حماس و فلسطین

حماس قضیه ی فلسطین را قضیه دینی می پندارد و به همه مردم فلسطین ربط دارد و سرزمین فلسطین به مقدسات اسلامی گره خورده است، مانند مسجد الأقصى که

^۱ - حرکت مقاومت اسلامی حماس، دراسات فی الفكر والتجربة، تحریر د. محسن محمد صالح و آخرون

پیوند مستحکم و جدایی ناپذیر تا روز رستاخیز به مسجد الحرام دارد و معراج پیامبر صلی الله علیه وسلم از آنجا آغاز شده و به سوی آسمانها عروج نموده اند.^۱

منهج و روش کار

حماس از منهج وسطیت و میانه روی کار می گیرد و حتی در قضیه ی جهاد نیز به این نظر است که با علم و بصیرت باید انجام شود، تا اهداف و مقاصد آن تحقق یابد و از افراط و تفریط دوری می گزیند، مصحف را با شمشیر حمل می کند و پرچم جهاد را در برابر همه طواغیت دنیا چه شرقی و یا غربی بلند نگه می دارد، حق روح و جسم را رعایت نموده هیچ یک را نادیده نمی گیرد.^۲ ارشاد الهیست: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾^۳. بی گمان شمار را ملت میانه کرده ایم، (نه در دین افراط و غلومی ورزید و نه در آن تفریط و تعطیلی را روا میدانید) تا گواهانی بر مردم باشید و پیامبر نیز بر شما گواه باشد.

حماس در یک نگاه

مجاهدان حماس با قیام و مبارزه و کارنامه های جهادی شان، روحی را که امت از دست داده بود، به آن باز گرداندند و آن را زنده کردند؛ گویی نفخه اسرافیل در کالبد مردگان دمیده شد که آنها را زنده نمود و با عملیات مبارک طوفان الاقصی احساس عزتی را در امت غرس کردند که با گذشت هر روز جوانه می زند و پر بار تر می شود و ان شاء الله تا بامداد پیروزی ادامه خواهد داشت و لانه های ظلم و استکبار را از قلب امت اسلامی خواهد برچید.

آنها با این شهامت و استقامت و پایداری شان اکنون تنها نیستند، زیرا امتی را بیدار کردند که پشت سر شان قرار دارد، به گفته رهبران غربی (غولی در ظرف افسانه ای اش لمیده که روح بیداری در آن دمیده شده، او را زنده کرده است) که اشتیاق رسیدن به اقصی را در سر می پروراند و آن زمان نزدیک شده و فتوحات آینده

^۱ - باورها، افکار و آرمانهای گردان های شهید عزالدین قسام، دکتور احمد بشیتی، مترجم: عبدالخالق

احسان/۳۷.

^۲ - همان/۳۹.

^۳ - البقره/۱۴۳.

در دلش زنده شده است. اگر امروز ارتش های پوشالی کشور های به نام مسلمان، آنها را رها کرده اند، ملت های مسلمان آنها را بزرگ داشته و رها نخواهند کرد و اگر هیچ کاری برای آنها نکردند، اقلا در دعا های شان آنها را فراموش خواهند کرد چون دعا قوی ترین اسلحه مؤمن است.

مجاهدان حماس با نبرد طوفان اقصی در روح این رژیم جنایت پیشه و طاغوتی شکافی را ایجاد کردند که هرگز ترمیم نخواهد شد، و میخی در تابوتش کوبیدند که هرگز نمی تواند آن را بیرون بکشد. دشمن زبون را چنان ضربه محکم زدند که زخم های آن هرگز بهبود نخواهد یافت و با این زخم ها به سوی نابودی و اضمحلال دایمی خواهد رفت.

مجاهدان غزه مقدس ترین نبرد ها را تجربه می کنند که پاک ترین سربازانش را در این راه فدا نمودند. و الله متعال آنها را به این منصب و مقام عالی انتخاب کرده که دیگران به آن غبطه می خورند. آنها مصداق این وعده الهی اند که بر نوادگان میمون ها بندگان نیرومندی را از سوی خود می فرستد که بوزینه گان را به عذاب سخت گرفتار می کنند، و آنها همان بندگان اند که الله متعال آنها را انتخاب کرده است ﴿... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾ . ۱ هنگامی که وعده نخستین آن دو فرا رسد، بندگان پیکارجو و توانای خود را بر شما (می گماریم و) برانگیخته می داریم که (شما را سخت درهم می کوبند و برای به دست آوردنتان) خانه ها را تفتیش و جاها را جستجو می کنند. این وعده (غلبه و انتقام، حتمی و قطعی و) انجام پذیرفتنی است.

مجاهدان غزه همان کسانی اند که پیامبر ﷺ در مورد ایشان به ما خبر داده بود که بهترین مجاهدان، جهاد کنندگان در عسقلان است، و ما دیدیم که غازیان حماس آنجا را درنوردیدند!

برای مجاهدان شام و فلسطین همین افتخار کافی است که مصداق تفسیر آیات قرآن و بشارت پیامبر ﷺ اند که با استقامت و پایداری آنها امت قوی تر می شود و یقین

حاصل می شود که این دین حق است و هیچ غالبی جز الله متعال نیست و آنها برگزیدگان او تعالی هستند و به اذن او تعالی پیروز خواهند شد.

مجاهدان شام و غزه در نبرد نا برابری مشغول اند که سرنوشت امت در آن رقم می خورد و سخت ترین امتحان را تجربه می کنند که در تاریخ نمونه آن دیده نشده است و با چنان دشمنی مواجه اند که الله متعال آنها را (مغضوب علیهم) خوانده و ذلیل ترین و زبون ترین و پست ترین موجودات زمین اند که در پستی و رذالت نظیر ندارند.

اما این سنت الهی در نبرد میان حق و باطل است و هیچ پیروزی ای بدون امتحان و هیچ امنیتی بدون ترس به دست نمی آید و کامیابی بزرگ، امتحان بزرگ می خواهد آنها بزرگترین امتحان را دادند و ان شاء الله نتیجه آن که همانا پیروزی بزرگ یعنی غلبه حق و نابودی باطل می باشد در انتظار آنها است.

همان گونه که در غزوه خندق، دل های صحابه به گلوگاه رسید؛ احزاب از بیرون و یهودیان و منافقان از درون، بالای مدینه منوره هجوم آوردند و همه گمان می کردند که این روز های آخر اسلام و مسلمانان است، اما ده سال پس از آن، صحابه امپراتوری های روم و فارس را در هم نوردیدند و فتح نمودند.

امروز مجاهدان شام با پشت سر گذاشتن سخت ترین امتحان ها و هجوم زمینی، هوایی، بحری و استخباراتی بزرگترین قدرت های هستوی و نظامی جهان بالای این خطه و قلمرو کوچک و ریختن قوی ترین بم ها و به کارگیری خطرناک ترین مواد انفجاری شیمیایی و بیولوژیکی غیر مجاز در قوانین بین المللی، مواجه بوده و مقاومت کرده است که از تصور انسان خارج بوده و در عقل بشر نمی گنجد، این مردان و زنان مجاهد و مقاوم با ایستادگی شان در برابر این همه تهدیدات و ادامه مبارزات برحق شان، راه را به سوی مسجدالاقصی و آزادی بیت المقدس هموار خواهند کرد و به فضل خدا و به برکت جهاد و پایداری و صبر غیر قابل تحمل، پیروزی آنها به حقیقت مبدل خواهد شد. زیرا حماس و مجاهدان غزه همان کسانی اند که بر حق در بیت المقدس و اطراف آن ایستاده اند و همان کسانی اند که به زبان پیامبر ﷺ حقانیت آنها بیان گردیده و پیروزی برای آنها وعده داده شده و بشارت داده شده اند، آنجا که می فرماید: ﴿لَا يَزَالُ مِنْ أُمَّتِي أُمَّةٌ قَائِمَةٌ بِأَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَلَا مَنْ خَالَفَهُمْ

حَتَّىٰ يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَالِ عُمَيْرٌ فَقَالَ مَالِكُ بْنُ يَخَامِرٍ قَالَ مُعَاذٌ وَهُمْ بِالشَّامِ فَقَالَ مُعَاوِيَةُ هَذَا مَالِكٌ يَزْعُمُ أَنَّهُ سَمِعَ مُعَاذًا يَقُولُ وَهُمْ بِالشَّامِ ﴿١﴾. گروهی از امت من استوار بر امر الهی و حق می باشند کسانی که آنها را تنها می گذارند و با آنها مخالفت می ورزند، به ایشان ضرری وارد کرده نمی توانند تا اینکه امر الهی فرا می رسد و ایشان بر مسیر خویش استوار باقی می مانند، عمیر گفت مالک بن یخامر گفت که معاذ گفت : ایشان در سرزمین شام اند.

در مورد مردم مجاهد غزه که از آن به عسقلان تعبیر شده (در گذشته های دور منطقه غزه شامل عسقلان بوده است) نیز بشارت جنت داده شده است؛ آنجا که رسول الله ﷺ ارشاد می فرماید: (عن انس بن مالك رضي الله عنه عَسْقَلَانَ أَحَدُ الْعُرُوسَيْنِ، يُبْعَثُ مِنْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَبْعُونَ أَلْفًا، لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ، وَيُبْعَثُ مِنْهَا حَمْسُونَ أَلْفًا شُهَدَاءَ، وَفُودًا إِلَى اللَّهِ، وَبِهَا صُفُوفُ الشُّهَدَاءِ، رُؤُوسُهُمْ مُقَطَّعَةٌ فِي أَيْدِيهِمْ، تَتَجَّ أَوْدَاجُهُمْ دَمًا يَقُولُونَ: رَبَّنَا آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ، فَيَقُولُ: صَدَقَ عَبِيدِي، اغْسِلُوهُمْ بِنَهْرِ الْبَيْضَةِ فَيَخْرُجُونَ مِنْهُ نَقَاءً بَيْضًا، فَيَسْرَحُونَ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاؤُوا) ۲۰. از انس بن مالک روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند عسقلان یکی از عروس هاست برانگیخته می شود از آن جا در روز قیامت هفتاد هزار که بالای شان حساب نمی باشد و از میان آنها پنجاه هزار شهید بسوی الله متعال می شتابند و صفوف شهداء در آنجا است سر های شان قطع شده در دستان شان بوده و از رگ های شان خون جاری می باشد و می گویند: پروردگارا آنچه به زبان پیامبرت به ما وعده داده بودی برای ما نصیب فرما زیرا در وعده تو خلاف نیست پروردگار می گوید: بندگان من راست می گویند آنها را در نهر سفید شستشو کنید و از آنجا در حالی خارج می شوند که پاک و درخشنده می باشند و در جنت به سیاحت می پردازند و هر جا خواسته باشند میروند.

۱- الجامع الصحيح، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، ۲۵۲/۴.

۲- مسند احمد، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني، الناشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹هـ- ۱۹۹۸ م، عدد الأجزاء: ۳، ۲۲۵/۶.

حماس و طوفان الأقصى

حرکت اسلامی حماس و سازمان جهاد اسلامی و گردان های قدس در ۱۷ اکتوبر سال ۲۰۲۳م موافق با ۱۵ میزان سال ۱۴۰۴ ه ش به صورت مشترک و هماهنگ بزرگترین عملیات نظامی خویش را بالای رژیم اشغالگر صهیونیستی آغاز کردند و این عملیات به نام (طوفان الأقصى) نام گذاری شده بود، بزرگترین عملیات نظامی از نوع خود علیه رژیم از جانب مجاهدان فلسطینی و حرکت اسلامی حماس از آغاز اشغال فلسطین تا آن دم بوده که از زمین، هوا و بحر به صورت همزمان بالای سرزمین های اشغالی و مواضع نظامی و شهرک های اشغالی تهاجم صورت گرفت و در نتیجه شماری از سربازان و فرماندهان نظامی بلند پایه رژیم را اسیر نموده و باخود به غزه منتقل نمودند و تعداد زیادی از آنها را به هلاکت رسانیدند؛ عملیاتی که رژیم صهیونیستی در طول حیات ننگین اش چنین تلفات بزرگ را شاهد نبوده و رژیم اشغالگر و حامیان غربی وی و همه جهانیان اعم از دوست و دشمن را متحیر ساخت که هم از حیث تلفات وارد شده بر دشمن و هم از لحاظ تعداد اسرای دشمن و هم از لحاظ تکنیک های نظامی و جنگی همه را غافلگیر کرد و در مقابل آن، رژیم صهیونیستی عملیات گسترده زمینی، هوایی و رسانه ای را با همکاری آشکار سران کشور های غربی مانند انگلیس، فرانسه، آلمان و در رأس آنها امریکا و همچنان حمایت مخفیانه حاکمان مزدور کشور های عربی مانند: امارات، مصر، سعودی، اردن و... علیه مجاهدان غزه آغاز کرد.

با تأسف که قربانیان اصلی در این عملیات، اطفال معصوم، زنان، و غیر نظامیانی بوده اند که در جنگ هیچ نقشی نداشته و رژیم جنایتکار با وقاحت و بی رحمی تمام، بر علاوه بمباردمان سنگین و دوامدار و آتش توپخانه ای، آب و برق را قطع نمود و ورود کمک های بشری و صحنی را نیز منع کرد و خانه های مسکونی، شفاخانه ها، مدارس، مساجد، کلیساها و کمپ های آوارگان را با بمباردمان بدون وقفه به کلی ویران نمود و با گذشت دو سال تمام، هنوز هم به صورت مداوم تا اکنون (اول اکتوبر ۲۰۲۵) ادامه دارد و غزه به خاکستر مبدل گردیده است. اما مجاهدان با صلابت و استقامت بی نظیر در برابر این حملات وحشیانه و تباه کن، هنوز هم به مقاومت خویش ادامه داده و به سربازان دشمن و صهیونیست های متجاوز همه روزه تلفات سنگین را وارد می کنند و با وجود از دست دادن رهبران شان مانند: شهید اسماعیل هنیه، محمد ضیف،

شیخ عاروری، یحیی سنوار و محمد سنوار و سایرین، به موقف ثابت و اصولی خویش استوار باقی مانده و مردانه وار مبارزه می نمایند.

از خاطرات یک مجاهد غزای:

این خاطره را شهید مجاهد محمد ذکی حمد نوشته و عبدالخالق احسان آن را ترجمه کرده است: «جرقه‌ی نبرد «طوفان اقصی» شعله ور شد و مجاهدان در هفتم اکتوبر، پیروزی بزرگ و فتح عظیمی را به دست آوردند؛ به لطف الله متعال، مراحل حمله بدون هیچ‌گونه نفوذ امنیتی انجام شد. انتظار می‌رفت که دشمن واکنشی خشن نشان بدهد و هنوز سلاح‌های مان را به زمین نگذاشته و نفسی تازه نکرده بودیم که اجرای طرح دفاعی را آغاز کردیم، چرا که احتمال حمله‌ی شدید از سوی دشمن بسیار بالا بود.

رزمندگان همه‌ی تدابیر ممکن را اندیشیدند، در سنگر ها مستقر شدند و کمین‌ها را آماده کردند. آتش و مواد منفجره از آسمان بر سرمان می‌بارید، اما انتظارش را داشتیم! چند روزی گذشت، و طیاره‌های دشمن هر چیزی را که در شب و روز حرکت می‌کرد، بمباران می‌کردند؛ حتی الاغ‌هایی را که صاحبان آن‌ها در جستجوی لقمه نانی بودند، هدف قرار می‌دادند.

بین ما و نیروهای دشمن فقط یک کیلومتر فاصله بود، آن‌ها هیچ نقطه‌ای را بدون بمباران نگذاشتند، روزی از سنگر‌ها بیرون رفتیم تا ببینیم در منطقه چه می‌گذرد؟ صدای طیاره‌های شناسایی چنان به گوش می‌رسید که گویا روی زمین در حرکت اند، آیا باید حرکت کنیم؟! بله، باید با وجود پرواز طیاره‌ها حرکت کنیم.

هر خطا، ممکن بود موشکی را در دامنت بیندازد که تو را -اگر الله بخواهد- به فردوس‌اعلی برساند؛ اما اگر در سنگر‌ها بمانیم و کمین‌های مان را آماده نکنیم، در همان سنگر‌ها می‌میریم، بدون آن‌که کاری کرده باشیم، بمب‌ها، سیم‌ها، نگهبانی و... همگی نیاز به آمادگی داشتند.

اگر از سنگر‌ها بیرون می‌رفتیم، احتمال مرگ زیاد بود، اما تنها راهی بود که برای مقابله با دشمن در اختیار داشتیم، کسی که همیشه دنبال آسایش باشد، هرگز چیزی به دست نخواهد آورد.

چندین مرتبه توسط طیاره رصد شده و مورد هدف قرار گرفتیم، اما الله متعال ما را حفاظت کرد و آسیبی ندیدیم. به لطف الله متعال، همه چیز آماده شد. پس از آن، یکی از برادران برای مأموریتی در ساعت ۲ شب تعیین گردید!! چه کسی در این زمان، در این شرایط سخت و در این منطقه‌ی مرزی ترسناک، بیرون می‌شود؟! اما این همان توکل بر الله است، یک قهرمان از میان ما بیرون رفت و مأموریت را با موفقیت انجام داد، مأموریت او پرتاب راکتی به سمت شهر «اسدیروت» بود؛ در حالی که نیم کیلومتر از تجمعات دشمن فاصله داشت، ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾. ۱ و تو پرتاب نکردی هنگامی که پرتاب کردی، بلکه خداوند پرتاب کرد.

هر روز با طلوع خورشید از سنگر ها بیرون می‌رفتیم تا میدان را بررسی کنیم، به لطف خداوند، برخی از خانه های منطقه باقی مانده بودند تا بتوانیم از داخل آن‌ها با دشمن درگیر شویم!!!

بعضی ها با شنیدن کلمات «تونل» و «سنگر» گمان می‌کنند که ما در هتل هستیم، به الله سوگند، نشستن در آن ها قابل تحمل نبود؛ اما تنها راه اجرای کمین، پس از یک هفته بمباران شبانه روزی، همین بود؛ بمبارانی با انواع موشک ها، طوری که حتی یک دقیقه بدون آتش و تخریب نگذشت.

دشمن ذخایر بزرگی از مهمات دارد، از جمله بمب (UBG) که تا لایه های زیر زمینی نفوذ می‌کند تا درون تونل منفجر شود، واقعاً ترسناک بود، بمباران شدت گرفت، تونلی که در آن بودیم مورد هدف قرار گرفت، گمان کردیم پایان کارمان است... اما الله متعال ما را نجات داد.

مثل همیشه، برای بررسی میدان از سنگر ها بیرون آمدیم، دشمن یهودی حتی یک خانه برای ما نگذاشته بود، محله را کاملاً هموار کرده بودند؛ اما به فضل الله متعال، خانه هایی که دارای راه های ورودی به تونل‌ها بود، باقی مانده بود، فضل و مرحمت الهی چقدر بزرگ است! حجم موشک هایی که بر ما می‌بارید، بسیار زیاد بود، طوری که با خودم گفتم: فردا از میان مردان مان، صد شهید خواهیم دید. اما به الله قسم، کسی زخمی هم نشد! هیچ کس حتی یک خراش هم برنداشت.

زندگی واقعی در سنگر های جهاد است، کسی که مرگ را بخواهد، الله متعال به او زندگی می بخشد، صدای بمباران، مردان را نمی کشد و اصول را تغییر نمی دهد، و حجم بمب ها، عمر ها را کوتاه نمی کند.

اکنون که این کتاب را می نویسم، دو صد و بیست روز از جنگ غزه گذشته است، از گردان ما، در هفت ماه، صد شهید به دیار باقی شتافتند، در حالی که یک موشک ممکن است بیش از صد نفر را بکشد. الله متعال می فرماید: ﴿لَنْ يَضُرَّوَكُمْ إِلَّا أَدَىٰ وَإِنْ يَفَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوْكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ﴾. آنان هرگز نمی توانند به شما زبانی برسند، مگر آزار مختصر و اگر با شما بجنگند، پشت کرده و پای به فرار می نهند، سپس یاری نمی شوند.

بیست روز اول جنگ گذشت و به لطف الله متعال، اراده ها هم چون ستارگان در آسمان اوج می گرفت، سپس اخباری از فرماندهی ارشد رسید: «شاید فردا آتش بس برقرار شود، شاید فردا جنگ تمام شود». نفس انسانی من اندکی به دنیا متمایل شد و به یاد لذت ها و مال دنیا افتاد.

شاید هم این نیرنگی از سوی دشمن مکار بود؛ چرا که در همان شبی که خبر آتش بس منتشر شد، دشمن حمله ی زمینی را به منطقه ی عزیز ما آغاز کرد. در آن شب، دشمن ضربه ی سختی به ما وارد کرد، آن شب، به تنهایی سخت تر از بیست شب قبل بود!!

گاز سمی وارد تونل ها شد، برخی از مجاهدان خفه شدند، بیشتر خطوط تونل ها فرو ریخت و ارتباط با بخش های ارتش مجاهد ما در منطقه قطع گردید و حمله ی زمینی بی رحمانه بر سرزمین مبارک ما آغاز گردید.

ما جنگ های قبلی را تجربه کرده ایم، اما هرگز دشمن با چنین حجمی وارد جنگ نشده بود، در عملیات طوفان اقصی، دشمن حتی یک حرکت ساده را هم بدون پوشش سنگین آتش انجام نمی داد؛ از قبیل توپخانه، تیرباران، خمپاره انداز، بمباران هوایی F16 و... ما از دور به آن ها نگاه می کردیم، بدون آن که حتی یک گلوله به سوی شان شلیک کنیم، با خود می گفتیم: آیا همه ی این، فقط از ترس است؟ یا وحشت؟ یا

چیز دیگری؟ مگر الله متعال توفیق داد که آن‌ها را خسته و زخمی کنیم، مجاهدان از زیر خانه‌های ویران شده و از میان زمین‌های شخم زده بیرون آمدند و دشمن را به ذلت انداختند و به چالش کشیدند، و الله متعال بر کار خود چیره است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

به خاطر بمباران دیوانه‌وار، نه خانه‌های باقی ماند، نه مخزن آبی، حتی یک بشکه آب پیدا نمی‌شد، حال آن‌که غذا و آب، نیاز اساسی بدن مجاهد است. مواد غذایی ذخیره کرده بودیم، اما مقدار زیادی نبود و این غذای اندک تمام شده و آب و توشه‌ی سفر تمام گردید؛ اما کلمات الله متعال و یاری او تمام نشدند.

برخی از مجاهدان دچار ضعف بدنی، برخی یبوست، برخی دیگر سردرد شدید، اسهال، و سرما خوردگی شدند. شرایطی به وجود آمده بود که قبلاً شبیه آن را مشاهده نکرده بودیم و باید دنبال توشه می‌گشتیم!! برخی از برادران مخلص، برای یافتن یک بشکه آب بیرون رفتند و با ظرفی بیست لیتری پر از آب برگشتند!! صداها تکبیر گویان بلند شد!! اکنون دنیا در نظر ما به اندازه‌ی یک جرعه آب ارزش دارد، من جرعه‌ای از دهانه‌ی بشکه می‌نوشیدم، سپس بشکه را به دست یکی از جوانان می‌دادم تا او نیز بنوشد.

ما ده روز را بدون غذا و آب کافی سپری کردیم و فقط مقداری غذا و آب داشتیم که از گرسنگی و تشنگی تلف نشویم و به این ترتیب، سی روز از جنگ گذشت. درد‌های آن را فراموش کرده‌ام، اما درس‌هایش را هرگز فراموش نکرده‌ام. ما سه ختم قرآن کریم داشتیم، و در لحظه‌ی ختم، گرد هم آمدیم؛ همان‌گونه که

انس بن مالک رضی الله عنه برای ختم قرآن مردم را گرد هم می‌آورد. آن مدت سی روز، مدرسه‌ی بزرگی در توکل به خداوند، مدرسه‌ای در واگذاری امور به او تعالی، مدرسه‌ای در نترسیدن از دشمن، مدرسه‌ای که نشان می‌داد باطل از حق و یارانش می‌ترسد و بزدل است، مدرسه‌ای در صبر، مدرسه‌ای در ایثار، مدرسه‌ای در آمادگی، مدرسه‌ای در آزمون و امتحان، مدرسه‌ای در پایداری مجاهد بود.

خداوند همه‌ی پیوند‌ها و وابستگی‌هایم را قطع کرد و من در عمق زمین با او مناجات می‌کردم: «ای پروردگار من، ای سرور و مولای من، من ذره‌ای در کائنات تو هستم و تو پناه منی، الهی! مرا در زمره‌ی کسانی قرار بده که ولایت شان را بر عهده

گرفته‌ای». من قرآن می‌خواندم، گویا غذا می‌خوردم و توشه بر می‌گرفتم؛ چرا که قرآن، غذای روح است.

مدرسه‌ی سی روزه چنانچه الله متعال خواسته بود، سپری شد و هیچ یک از ما زخمی نشد و آسیبی ندید، برخی از راه‌های بیرون شدن به سبب بمباران وحشیانه بسته شد، و ما مسافت‌های طولانی را زیر زمین پیمودیم تا راهی برای بیرون شدن بیابیم، تا این که الله متعال ما را به سوی راه رهنمون ساخت، ﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ﴾. ۱ (هدایت مردمان به) راه راست بر عهده‌ی خدا است، (راهی که منتهی به خیر و حق می‌گردد).

بعد از سی روز با برادران مجاهدم دیدار کردم، گمان می‌کردم که به سبب آن بمباران سهمگین شهید شدند؛ اما آنان را زنده و نیرومند یافتم، به سبب فشار زیاد نبرد، بدن‌هایشان لاغر شده و رنگ چهره‌هایشان تغییر کرده بود، آنان مردان واقعی‌اند، نه دیگران که شعاع بدون عمل سر می‌دهند. به الله سوگند که آنان در آسمان‌ها بزرگ و ارجمندند، اگر چه مردم آنان را نمی‌شناسند؛ اما همین کافی است که الله متعال آنان را می‌شناسد.

یک کارشناس انگلیسی در مورد مجاهدان حماس می‌نویسد: «در غزه یک قوه مخفی و پنهانی ای وجود دارد که بدون آن ادامه این جنگ به سبب جنگجویان حماس امکان پذیر نیست.»^۲

کارشناس ارشد نظامی امریکایی می‌گوید: امریکا و کشور‌های اروپایی حکومت اسرائیل را با اسلحه و مهمات جنگی تمویل و تسلیح نموده‌اند که برای نابودی و تباهی شهری معادل ده برابر غزه کافی بوده و مواد انفجاری معادل شش بم هستوی که برای نابودی و سوزاندن همه زمین کفایت می‌کند، بالای غزه ریخته‌اند شده است که در نتیجه آن، زمین غزه برای ابد غیر قابل سکونت می‌گردد. و طیاره‌های جاسوسی و نظامی پیشرفته‌ای امریکایی، اسرائیلی، انگلیسی، فرانسوی و آلمانی بر بالای فضای غزه همیشه در پرواز اند و هرگونه حرکت را به صورت ذره بینی و دقیق زیر نظر داشته

۱ - النحل / ۹.

۲ - مقاله Middle East Monitor به نقل از یک کارشناس نظامی بریتانیایی، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴.

و حرکت هر جسم زنده را مراقبت می کنند. جای تعجب است که جنگجویان حماس چگونه از تونل ها خارج شده و تانک ها و نفربر های زرهی دشمن شان را هدف حملات خویش قرار می دهند، کمین هارا افراز می کنند، بم ها را جابه جا می کنند که سبب تباهی سوم حصه همه تجهیزات نظامی اسرائیل گردیده و هزاران تن از افراد نظامی او را کشته و یا زخمی نموده اند.

وی ادامه داده می نویسد: مساحت غزه ۳۶۵ کیلومتر است که ۷۵ فیصد آن را خانه های مسکونی تشکیل می دهد و بمباردمان خانه ها توسط طیارات f16 , f35 و هلیکوپتر های اپاچی و توپخانه های مدرن و تانک های غول پیکر از زمین و هوا و بحر شب و روز ادامه داشته است، هیچ سلاحی نبوده که مورد استفاده قرار نگرفته باشد، اعم از اسلحه متعارف و غیر متعارف و حتی اسلحه غیر مجاز و ممنوع و مواد انفجاری ممنوعه آتش زا و خوشه ای.

وی می نویسد: این یک معجزه است، جنگجویانی را حس می کنیم که قابل دیدن نمی باشند، بدون شک این یک عنایت الهی است برای آنها که یکی از جنگجویان آنها بمی را باخود حمل می کند و با صلابت و قوت حمله می کند و بم را بر بالای تانک دشمن جابه جا می کند و آن را انفجار می دهد، واقعاً خوفناک و وحشتناک است. این قوت ایمان و باور آنها است، که آنها را پیروز می گرداند. این ها بشری از جنس ما نیستند، این تمرین های نظامی غیر متعارف و بی مثال را از کجا آموخته اند؟ اسرائیل در ورطه گیر مانده است که چانس پیروزی را ندارد و برای این جنگ نیاز دارد ده ها سال بجنگد و ده ها سال نیاز دارد تا اردوی از هم شکسته خود را از لحاظ روحی و روانی دو باره آماده سازد و اگر وضع به همین منوال ادامه یابد، تحقق پیروزی در مقابل جنگجویان اسطوره ای حماس ناممکن است.»^۱

آنچه گفته شد، مصداق این حدیث رسول الله ﷺ است که فرمودند: (فَعَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ، وَإِنَّ أَفْضَلَ جِهَادِكُمُ الرِّبَاطُ، وَإِنَّ أَفْضَلَ رِبَاطِكُمْ عَسَقْلَانُ). ۲ پس بر شما لازم

^۱-وب سایت Middle East Monitor (MEMO)دکتر امیره ابوالفتوح، نویسنده و تحلیل گر مصری در امور خاورمیانه. تاریخ نشر: ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴.

۲- سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمي الشامي، المعجم الكبير، أبو القاسم الطبراني ۲۹۹/۹.

است که جهاد کنید و بهترین جهاد شما رباط (حراست از سنگر اسلام) است و بهترین رباط شما عسقلان است. و شکی نیست که نوار غزه و مجاهدان آن که در همسایگی عسقلان قرار دارند، مشمول این فضیلت می باشد.

واقعیت های عینی صحنه جهاد

جنرال بنی گانتس عضو کابینه کیان صهیونستی و مرد شماره دوم آن می گوید: « تصاویری که از غزه می آید بسیار دردناک است، هنگامی که می بینم عساکر ما با بمب ها و موشک های قسام به زمین می افتند، اشک های ما جاری می شود.»^۱

عبدالباری عطوان تحلیلگر جهان عرب در اوایل آغاز عملیات طوفان الأقصى می نویسد: روز های تاریخی را سپری می کنیم که رسوا کننده اشغالگران، جنایات آنها و حمایت امریکا و غرب از آن است روز های آتی آکنده از معجزه و پیروزی است. وی همچنان در مطلبی که در جریده (الیوم) در مورد زمین گیر شدن نظامیان صهیونیست در جبهه زمینی در غزه می نویسد: « پس از آنکه رژیم اشغالگر یکماه قبل جنگی علیه غزه به راه اندخت هدفش آزادی اسیران اسرائیلی و نابودی کامل حماس بود، نه تنها به هیچ کدام از اهدافش نرسید، بلکه شمار تلفاتش پس از ارسال تانک ها برای جنگ غزه که انتظار داشت حالت تفریحی داشته و کوتاه مدت باشد، بسیار زیاد شده است . وی می نویسد: توجه به دو نکته در باره حقایق جنگ زمینی در غزه قابل توجه است، نخست آمادگی حساب شده نیرو های مقاومت به رهبری القسام در برابر حمله زمینی اسرائیل به غزه و شجاعت وصف نشدنی رزمندگان مقاومت است. شاید ویدیویی که واحد رسانه ای گردان های قسام به نمایش گذاشت و در آن یکی از رزمندگان به تانک اسرائیلی نزدیک و به آن مواد منفجره می چسپاند و از دور آن را منفجر و سپس با موشک یاسین آن را منهدم می کند و به انهدام کامل آن و همه سرنشینانش منجر می شود، صحنه ای بی سابقه صوتی و تصویری است که نمایانگر میزان خسارات اسرائیلی از حیث تجهیزات و نظامیان به شکل همزمان و تأکیدی بر روز های آینده است که آکنده از پیروزی هاست.»^۲

۱ - محمد حلیم تنویر، فلسطین در آتش/۹۷.

۲ - محمد حلیم تنویر، فلسطین در آتش/۹۶.

یک نویسنده اسرائیلی به نام (ایال حنانیا) در مورد حماس و طوفان اقصی این گونه شهادت داده می گوید: «در روز های آغازین طوفان اقصی من به این باور بودم که حماس به زودی در مقابل اسرائیل به زانو درآمده و به آتش بس تن خواهد داد، اما هرگز چنین نشد. ما که هفت لواء نظامی از جمله دو قوی ترین و مدرن ترین آنها هریک: لوی (جفتانی و لواء جولانی) را که شکست ناپذیر پنداشته می شدند و در هیچ جنگی شکست را تجربه نکرده بودند در مقابل حماس آماده و فرستادیم و همراه با آن مدرن ترین قوای هوایی را که از قوی ترین قوای نظامی بعد از امریکا می باشد و در جهان نظیر ندارد، به صورت کامل آن سوق دادیم و زیر دریایی های سه گانه را به سوی غزه سوق دادیم و قوی ترین اسلحه و مدرن ترین کندک های نظامی که در رأس آن کندک ۴۰۱ مجهز با تانک های پیشرفته میرکافا ۴ می باشد و از افتخارات صنعت نظامی اسرائیل پنداشته می شود، به سوی غزه اعزام نمودیم .

علاوه برآن، حمایت مادی و معنوی رهبران کشور های عربی را کسب کردیم و در مقابل حماس همه را آماده ساختیم . اما حماس که محاصره بیست ساله همه جانبه را تجربه کرده بود و در همان اواخر معاش کارمندان از جانب حاکمان رام الله نیز قطع گردید، تا نقطه فشاری بر علیه حماس بوده باشد تا در مقابل فشار ها تن به شکست و تسلیمی بدهد.

وضع سیاسی و نظامی را مورد مطالعه قرار می دادم و به این فکر بودم که روز های تسلیم شدن حماس و تحویل دادن اسلحه اش به جهت های عربی و بین المللی نزدیک بوده و کارش به پایان خواهد رسید.

درگیری و مقابله نظامی آغاز شد و سخنگویان حماس در تلویزیون ها به گونه در مقابل ما ظاهر شدند که گویا یک اردوی منظم و قوای بزرگ نظامی را رهبری می کنند، رئیس جمهور امریکا شخصاً در مجلس جنگ اسرائیل جنگ علیه غزه را از تل ایبب اداره می کرد و تمام مخازن اسلحه اردوی مجهز امریکا را برای حمایت از اسرائیل از طریق پل های هوایی و بحری برای نایودی حماس و آمادگی برای حذف حماس از روی زمین و برنامه های بعد از آن رهبری می کرد.

ما گمان می کردیم که سخنان رهبران حماس نوعی مکابره و خود نمایی سیاسی بوده و نادیده گرفتن قوای هم پیمانان اسرائیل می باشد که در عقب از اسرائیل پشتیبانی نمی کردند، بلکه دوشادوش قوای اسرائیلی در مقابل حماس می جنگند.

سخنان رهبران حماس و خطاب های آنها نه تنها یک جنگ روانی قوی در مقابل ما بود، بلکه ثبات و پایداری و استقامت جنگنده گان حماس در برابر حملات سنگین هوایی و دوامدار و اسلحه ثقیل مجهز و آتش شدید توپخانه ای اسرائیل در هفته های اول جنگ، همه موازین نظامی و قوانین جنگ و دفاع را متحول نمود و ضرورت مداخله قوای زمینی توأم با قوای هوایی و بحری را الزامی ساخت .

جنگندگان و شرارت پیشه های حماس در مقابل ما چنان با صلابت و قوت ایستادگی کردند که همه موازین جنگی و دفاعی را منقلب و دگرگون نموده و همه را متحیر نمودند و اعتبار و جایگاه اردوی دفاعی و نظامی اسرائیل را که در صدد ترمیم و تقویه آن بود، به چالش کشیدند.

خراب کاران حماس با اسلحه ناچیز و خنده آور ساخته دست خود شان در مقابل ما به گونه ایستادند و مقاومت کردند که به تحلیل و تحقیق همه جانبه در مراکز نظامی و دفاعی در شرق و غرب دنیا برای آموزش و پرورش نیاز دارد.

در مورد ایدیولوژی آنها مطالعه کردم دریافتم که آنها جنگجویان خود را از آوان طفولیت قبل از تربیت نظامی به تربیت دینی آموزش داده اند و آنها را به ایدیولوژی اسلامی و جهادی که مشهور به نظام مساجد است، تربیت داده اند در این تربیتگاه امام مسجد رهبر بوده و نمازگزاران در عقب وی حیثیت لشکر وی را دارند، همان گونه که چهارده قرن قبل معمول بود.

خرابکاران حماس به این عقیده اند که هرگاه بمیرند فوراً به بهشت وارد می شوند همان گونه که در قرآن شان آمده و آنرا حفظ نموده اند و بهترین مرگ نزد آنها مرگ در راه جهاد با یهود و کشته شدن به دست او است. این عقیده ایشان از طرز دید و تلقی آنها از تاریخ اسلام نشأت کرده که مملو از قهرمانی ها و فتوحات و غزوات می باشد. آنها آماده اند خود را بدون تردید انفجار دهند و اعمال و کردار های خیالی را انجام دهند که همه تصورات و دیدگاه های صاحب نظران نظامی و جنگی را زیر سوال می برد و نابود می کند و محال می نماید، اینجاست که آنها با تانک های گول پیکر و

واحد های خاص نظامی و قوای هوایی با دست خالی مقابله می کنند. این عقیده و ایدئولوژی ایشان بر اساس تجرد و ترک شهوات و اعتلای روحی و حقیر شمردن دشمن کافر استوار است.

ایشان با عزت نفس بالایی می جنگند و خود را از لحاظ دینی و فکری متفوق و برتر می دانند، عقیده و دین شان آنها را به جنگیدن و تلاش و مبارزه طول بیست و چهار ساعت وا می دارد تا در راه دین شان جهاد کنند و امور محال را ممکن سازند، زیرا آنها به این فکر اند که به دین و امت خویش خدمت می کنند و در نتیجه وارد بهشت می شوند. این عقیده تبهکار دینامیکی ایست که سازش کاری و سکون را نمی پذیرد و از خلال آن هدف خود را به خوبی می شناسند و با وجود مشکلات و تکالیف در نوار غربی هم با قوت تمام، به عقیده ای جهادی معتقد اند.

هنگامی یکی از آنها را در حالی می بینم که مواد انفجاری را با خود حمل می کنند و به سوی تانک میرکافا که از فولاد ساخته شده حمله ور می شود و بدون تردد خود را منفجر می کند از شدت خوف و ترس به خود می لرزم و با خود می گویم که اگر اینها از اسلحه قوی تر برخوردار شوند و جوانان مسلمان به آنها اقتداء نمایند، حال ما و آنها چگونه خواهد شد. من اعتراف می کنم که این ایدئولوژی تانک میرکافا را به شکست مواجه ساخته و این خطر بسیار بزرگی را برای ما ایجاد نموده که وجود کیان صهیونستی را تهدید می کند. باید از آنها آموخت که چگونه از واقعات درس بگیریم و بدانیم که جنگ ما با حماس جنگ بنیان برافکن و تباه کننده است؛ یا ما و یا آنها خواهند بود و اگر ما امروز سستی به خرج دهیم فردا در دوازه های تل ابیب ما را استقبال خواهند کرد و آنگاه کار تمام خواهد شد»^۱.

یک کارشناس اسرائیلی (فرداد فرحزاد) در گفتگوی زنده اسرائیل انترنشنل در مورد مقاومت و ایستادگی مجاهدان حماس چنین اعتراف می کند: ایالات متحده امریکا پس از جنگ جهانی دوم توانست آلمان نازی و جاپان را طی چهار سال تسلیم کند اما پس از گذشت دو سال از شروع جنگ در غزه چرا اسرائیل هنوز نتوانسته یک گروه کوچک مثل حماس را نابود کند؟ اگر هدف نابودی کامل حماس بوده آیا این

برای ارتش و دولت اسرائیل مایه شرمساری نیست که در یک منطقه کوچک هنوز به این نتیجه نرسیده است؟ با عصبانیت شدید و سردرگمی کارشناس اسرائیلی (مئیر جاو دانفر) در پاسخ می گوید: مشکل اینجاست که اسرائیل دارد به دلایل سیاسی می جنگد نه امنیتی. حماس در عرصه دیپلوماتیک نیز به اسرائیل ضربه سنگینی وارد کرده است، ما هرگز نمی توانیم حماس را از بین ببریم، بلکه فقط می توانیم آن ها را تضعیف کنیم.^۱

از اظهارات و گواهی نویسندگان و تحلیل گران اسرائیلی این حقیقت آشکار می گردد که: مقاومت سرسختانه و قهرمانانه ای حماس همه پیشینی ها و تحلیل های تحلیل گران را حیرت زده کرده و برخلاف همه تصورات و برداشت ها حماس به مقاومت خویش ادامه داده است که دور از تخمین و گمان بوده و مقاومت آنها در هیچ مقیاسی قابل درک نمی باشد. و برخلاف همه تصورات دوستان و دشمنان، حماس توانست جنگ را ادامه دهد و انسجام خود را حفظ کند. این امر برای او و بسیاری دیگر از ناظران اسرائیلی غیر منتظره بود. که حماس نه تنها فرو نریخت، بلکه با گذشت زمان ثابت کرد که ساختار نظامی و مردمی اش به مراتب مقاوم تر از چیزی است که اسرائیل تصور می کرد.

در نتیجه باید گفت و اذعان داشت که اسرائیل نمی تواند از راه نظامی، مسأله حماس را حل کند. بلکه این تقابل ابعاد سیاسی، اجتماعی و حتی روانی گسترده ای دارد و به زوال و نابودی اسرائیل می انجامد و اسرائیل و شرکای جرمی اش به خطای محاسباتی در قبال حماس و «طوفان الاقصی» مواجه شده اند.

انگیزه ها و عوامل طوفان اقصی

عملیات مبارک طوفان اقصی از عملیات های بی سابقه در تاریخ اسرائیل و در تاریخ جنگ های چریکی در جهان است که دوست و دشمن را حیرت زده ساخت، اسرائیل که یک قدرت بزرگ منطقه ای با همه منابع گسترده و با سابقه جنگی چندین

۱ - گفتگوی زنده در شبکه ایران اینترنشنال، برنامه ۲۴ با فرداد فرحزاد، که در آن مئیر جاودانفر، تحلیلگر اسرائیلی/ایرانی، به عنوان کارشناس حضور داشته .

دهه در فلسطین و لشکر شکست ناپذیر! طوری غافلگیر شد که بیشترین تلفات را از لحاظ افراد جنگی و وسایط زرهی متقبل شود و هم در میدان سیاست و حمایت های بین المللی جایگاه و اعتبار جهانی خود را به عنوان یک قدرت هستوی در شرق میانه و اردوی شکست ناپذیر! اعتبار خود را تقریباً از دست بدهد؛ این عملیات که به تاریخ ۷ اکتوبر سال ۲۰۲۳ م انجام یافت، طبعاً انگیزه ها و عواملی در کار بود تا این عملیات پیچیده و سرنوشت ساز انجام یابد و اینک مختصراً به آن می پردازیم:

الف: انگیزه های عملیات طوفان اقصی

وضعیت غزه طی مدت سال های متمادی که غیر قابل تحمل بود، فقر، بیکاری، محاصره ظالمانه، ادامه حملات اسرائیل به خانه ها و افراد و خانواده ها و به شهادت رسیدن هزاران فلسطینی و هزاران جنایت دیگر صهیونیست ها و محروم ساختن فلسطینیان از حق تعیین سرنوشت و پاکسازی نژادی و آواره ساختن آنها و تخریب روستا ها و شهرک ها و اشغال اراضی فلسطینی به شمول کرانه ی باختری و نوار غزه و قدس و علاوه بر آن، محاصره بیش از هفده ساله غزه و تبدیل کردن آن به زندان روباز دنیا و تحمیل کردن جنگ های وحشتناک و طبق آمار و مطالعات موثق، از سال ۲۰۰۰ تا سپتامبر ۲۰۲۳ م، یعنی قبل از عملیات هفتم اکتوبر دشمن صهیونیست ۱۱۲۹۹ فلسطینی را به شهادت رسانیده و ۱۵۶۷۶۸ نفر دیگر را مجروح نمود.^۱

کشور های غربی به شمول امریکا هیچ اعتنایی به رنج ها و محنت های فلسطینیان نکرده و بر عکس جنایات رژیم را توجیه کرده و از آن حمایت نمودند که بالاخره بعد از عملیات طوفان اقصی بهانه ای برای تجاوز وحشیانه بر نوار غزه توسط اسرائیل فراهم گردید و به جنایات خویش شدت بیشتر بخشید، جنایاتی که بشریت از ذکر آن عار می ورزد، اما امریکا و غرب، همه این وحشی گری های او را نادیده گرفته و آن حق مسلم اسراوئل دانسته و او را برحق دانستند و علاوه بر آن، به همکاری های مالی و تسلیحاتی رژیم پرداخته و در قتل عام مردم غزه با وی عملاً شریک گردیدند.

^۱ - روایت حماس از ضد حمله طوفان اقصی، ترجمه فارسی: مرکز اطلاع رسانی فلسطین، طراحی و نشر:

مرکز مطالعات شاخه زیتون، زمستان ۱۴۰۲ ش ص: ۳-۴.

از همه مهم تر اینکه قضیه ای فلسطین تقریباً به فراموشی سپرده شده بود و آهسته آهسته عادی سازی روابط با اسرائیل توسط سران کشور های عربی و اسلامی روز به روز شکل عملی را به خود می گرفت که در ابتداء کشور مصر، سپس دولت امارات روابط خویش را با اسرائیل عادی سازی نمودند و به تعقیب آن، در روز های قبل از طوفان اقصی، کشور های عربی مانند: عربستان سعودی، بحرین، سودان و الجزائر قرار بود به این قافله نا میمون پیوندند که الحمد لله همه از برکت طوفان الأقصی به ناکامی انجامید. خلاصه اینکه عملیات طوفان الأقصی حاصل ترکیب عوامل دینی، ملی، سیاسی، امنیتی و انسانی بود. این عملیات نشان داد که مقاومت فلسطین هنوز زنده است، و تا زمانی که اشغال، ظلم و بی عدالتی ادامه دارد، مقاومت نیز ادامه خواهد داشت.

طوفان اقصی اقدام نظامی ای نبود که از دولت های مزدور کنونی و ادارات ملکی و نظامی آنها و یا از جانب کشور های عربی مزدوران امریکا و اسرائیل اداره شود، بلکه از یک منبع آزاد و مستقل سرچشمه گرفته و اراده امت دو میلیاردی را تمثیل و وحی الهی آن را تأیید می نماید و تحت فرمان هیچ یک از دولت های دست نشانده و حاکمان مزدور و مستبد نبوده و از جمله ی گروه های نیابتی نیست که از این و آن دستور گرفته و بر علیه ملت مسلمان شمشیر بکشد و خون های ملیون ها افراد مظلوم را به ناحق بریزد و حقوق حقه و آزادی های ملت ها را سلب کند.

عملیات (طوفان اقصی) که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ میزان ۱۴۰۲) توسط جنبش مقاومت اسلامی فلسطین حماس علیه رژیم صهیونیستی انجام شد، یکی از بزرگ ترین و بی سابقه ترین عملیات های مقاومت اسلامی فلسطین در تاریخ معاصر است. این عملیات از نظر سیاسی، نظامی و روانی تأثیرات بسیار گسترده ای در منطقه و جهان داشت. برای درک بهتر آن، باید انگیزه ها و عوامل شکل گیری این عملیات را در چند بُعد بررسی کرد:

۱. انگیزه های دینی و عقیدتی: دفاع از مسجد الأقصی و مقدسات اسلامی؛ طوری که از نام عملیات (طوفان الأقصی) پیداست، نشان می دهد که محور اصلی آن، دفاع از مسجد الأقصی و مقابله با تعرض مکرر صهیونیست ها به این مکان مقدس بود. در سال های پیش از عملیات، تجاوز ها و حملات یهودیان افراطی به مسجد الأقصی به

ویژه در ماه رمضان و اعیاد یهودیان به صورت مکرر صورت گرفته و اکنون هم ادامه دارد. که با این حرکت ددمنشانه و توهین آمیز به مقدسات اسلامی، احساسات هر مسلمان و آگاه را جریحه دار می نماید و عزایم را بر می انگیزد، تا هر چه در توان دارد، در این زمینه دریغ نکند و این حرکت نامیمون صهیونیست ها در حقیقت امر، نابود کردن هویت اسلامی قدس شریف پنداشته می شود و مقابله با تحریف هویت اسلامی قدس و مخالفت با آن، یک نیاز مبرم است؛ علاوه بر آن، رژیم صهیونیستی می خواسته با طرح هایی چون «یهودیزه سازی قدس» هویت اسلامی این شهر را از بین ببرد. مقاومت، این عملیات را واکنشی ایمانی و تاریخی برای دفاع و حفظ جایگاه قدس دانسته و آن را به راه انداخت.

۲. عوامل سیاسی و ملی؛ طوری که معلوم است، غزه از سال ۲۰۰۷ م در محاصره کامل زمینی، هوایی و دریایی رژیم صهیونیستی قرار داشته است. این محاصره منجر به فقر شدید، کمبود همه نیازهای اولیه از قبیل: مواد سوخت، برق و سایر مواد مورد نیاز مردم غزه شد، عملیات طوفان الأقصى پیامی بود مبنی بر این که ملت محاصره شده تسلیم نخواهد شد و برای بدست آوردن حق خویش به هر اقدامی دست خواهد زد و همچنان بی تفاوتی جامعه جهانی و کشور های عربی در قبال مظلومیت مردم غزه یکی از این عوامل می باشد و سال ها مذاکره و سازش (از اسلو تا ابراهیم) نتیجه ای جز تثبیت اشغال نداشت. در عین حال، کشور های عربی با رژیم صهیونیستی عادی سازی روابط را آغاز کرده بودند. حماس خواست نشان دهد که مسئله فلسطین هنوز زنده است و نمی توان آن را با توافقات سیاسی دفن کرد.

از جانب دیگر، این عملیات در حقیقت امر، واکنش به سیاست های افراطی دولت راست گرای نتانیا هو، که متشکل از تندرو ترین عناصر مذهبی و سیاسی اسرائیل می باشد و با سیاست های ضد فلسطینی خود مانند: (گسترش شهرک سازی، تخریب منازل، بازداشت های گسترده، اعدام های میدانی فلسطینیان)، زمینه خشم عمومی و روحیه انتقام گیری را فراهم ساخت که منجر به طوفان الأقصى گردید.

۳. عوامل نظامی و امنیتی: ادامه تجاوزات مکرر اسرائیل به غزه و کرانه باختری قبل از عملیات طوفان اقصی، حملات پی در پی هوایی و زمینی به غزه و ترور

رهبران مقاومت، باید بی‌پاسخ نماند و عملیات طوفان الأقصى نوعی «جبران استراتژیک» برای این تجاوزات بود و در عین حال، رژیم باید توانایی های مقاومت را درک می کرد، تا جرأت تجاوز های بیشتر را نکند. بنابر آن، عملیات طوفان الأقصى در حقیقت امر یک نمایش نظامی مقاومت برای رژیم بود، تا دشمن بداند که مقاومت توان برنامه ریزی و نفوذ عمیق به داخل سرزمین های اشغالی و اجرای حملات همزمان زمینی، هوایی و سایبری را دارد.

۴. عوامل انسانی و اجتماعی: طوفان الأقصى انفجار خشم ملت فلسطین بود که دهه ها مورد ظلم، اشغال، آوارگی، تبعیض نژادی، کشتار کودکان و زنان، و تخریب منازل قرار داشته و دارند و این امر باعث شد که نسل جوان فلسطین به این نتیجه برسد که تنها راه آزادی، مقاومت مسلحانه است که سبب اتحاد گروه های مقاومت نیز گردیده و نشان دهنده وحدت گروه های فلسطینی زیر پرچم مقاومت بوده و بیانگر این حقیقت است که مردم غزه و کرانه باختری در یک جبهه واحد علیه اشغالگر ایستاده اند.

۵. جلوگیری از عادی سازی بیشتر روابط با اسرائیل؛ پیش از عملیات طوفان اقصی، مذاکرات عربستان و اسرائیل برای عادی سازی روابط در جریان بود. عملیات طوفان الأقصى عملاً این روند را متوقف کرد و افکار عمومی جهان اسلام را علیه اسرائیل برانگیخت، تا حدی که امروز بعد از طوفان اقصی، اسرائیل به یک رژیم خون خوار، ظالم، متجاوز و متمرّد و خطرناک در جهان معرفی شده و به انزوای مطلق مواجه است که حتی در میدان های ورزشی نیز کسی حاضر نیست با تیم ورزشی اسرائیلی ورزش کند، به همین منوال در سایر موارد مورد تنفر و انزجار جهانی قرار گرفته است و ده ها کشور علیه او به دادگاه های بین المللی شکایت های خود را ثبت کرده اند و کشور های دیگر روابط دیپلماتیک خود را قطع نموده و دیگران روابط تجاوزی خود را بسته است و این روند ادامه دارد.

حماس جهان را به حیرت انداخت

جنگ و مبارزه چندین دهه مردم فلسطین و بالأخص جنگ دو ساله اخیر ۲۰۲۳-۲۰۲۵ م حماس در مقابل وحشی ترین نیروی نظامی دنیا که پیشرفته ترین اسلحه و مدرن ترین وسایط نظامی و بیشترین افراد نظامی را باخود داشت و علاوه بر آن، از حمایت بدون قید و شرط بزرگترین نیروهای تسلیحاتی و استخباراتی جهانی برخوردار بود، در مقابل یک گروه کوچک مسلح با اسلحه محلی و ساخته دست خود شان که توانستند نه تنها در مقابل وحشی ترین و سنگین ترین حملات مداوم دو ساله دشمن، خود را حفظ کند، بلکه غزه را به مقبره تانک ها و وسایط غول پیکر نظامی اسرائیلی مبدل کند و در این مدت تسلیم نگردیده و بالأخره در نتیجه ی مقاومت سرسختانه اسرائیل مجبور می شود تا مطابق شرایط حماس و توافق میان دو طرف منازعه، اسرای خود را به تبادل آزاد کند. این امر، سبب حیرت همه جهانیان گردیده است که چگونه این همه ممکن است؟ در این گفتار به چند مورد از کارکرد های حماس مکث می کنیم که سبب تعجب همه جهانیان گردیده است:

۱- چگونگی عملیات طوفان الأقصى: یکی از پیچیده ترین عملیات های

حماس و سایر مجاهدین بود و همگان، هم دوست و هم دشمن متعجب اند که با وجود مراقبت های امنیتی گسترده زمینی و هوایی و استخباراتی مدرن، توسط پیشرفته ترین کشور های جهان، چگونه توانستند این موفقیت بزرگ نظامی را به دست آورند و چگونه به دشمن ضربه وارد کردند و هیبت و شوکت و اعتبار نظامی و استخباراتی اش را ضرب صفر نمودند.

۲- چگونگی حفاظت از اسیران: چگونه در فضایی محصور و تحت نظارت

شدید اطلاعاتی و امنیتی رژیم، و همکاری استخباراتی و جاسوسی همه کشور های پیشرفته دنیا چگونه دسترسی به اسرا امکان پذیر نشد؟ پرسش در باره مکان و روش پنهان سازی آنها، معمایی است که تا هنوز پاسخ داده نشده است.

۳- چگونگی مهندسی تونل های زیرزمینی: توسط چه کسانی طراحی

و مهندسی شد؟ از چه زمانی روی این پروژه کار صورت گرفت و چرا با همه قدرت آتش و تجهیزات سنگین و حملات پیهم هوایی و زمینی رژیم، کنترل این تونل ها ممکن

نشد؟ حتی اکنون هم کسی دقیقاً نمی‌داند وضعیتِ این تونل‌ها چگونه است و چگونه اداره و مدیریت می‌شود.

۴- حضور رسانه ای حماس: با وجود حملات سنگین و بدون وقفه، حماس چگونه توانست حقایق را به گونه دوامدار و به شکل گسترده انعکاس دهد؟ خلاقیت رسانه ای، نماد سازی، شبکه سازی و رویداد سازی حساب شده، همگی در نهایتِ محدودیت تجهیزات و زیرساخت رخ دادند. اگر آن طراحی رسانه ای هنرمندانه نبود، ۷ اکتبر هرگز به بار نمی‌نشست؛ واقعاً که نقش رسانه در موفقیت عملیات سازنده بوده است.

۵- چگونگی پیش برد مذاکرات: تیم مذاکره کننده حماس در میدان دیپلماسی آموزنده است، واقعاً حماس در میدان دیپلماسی نیز به جهان نشان داد که این جنبش صلح طلب است و جانب مقابل آن، رژیم سفاک و خون آشامی قرار دارد که جنگ طلب است، که این امر از برجسته ترین دستاورد دیپلماتیک حماس می باشد، که در وارونه کردنِ طرح فریب «صلح» ترمپ به موفقیت انجامید.

۶- چگونگی تهیه کردن تسلیحات سبک و سنگین و مدیریت عملیات ها در میدان جنگ: طوری که تا آخرین روز های پایانی جنگ، بر نیرو های رژیم آتش می کشوند؟ در حالی که تحت فشار سنگین دوربین ها و دستگاه های اطلاعاتی دشمن بودند، این تدارک و پیش بینی توان نظامی، شگفتی انگیز است.

۷- چگونگی حفظ رابطه با مردم غزه: حماس چگونه توانست این پایگاه عمیق مردمی را به دست آورد و چطور توانست دل ها و افکار عمومی را در اختیار گیرد، به طوری که کمترین اعتراضی بلند نشد، در حالی که رژیم تمام تلاشش را برای ایجاد تفرقه و شکاف میان مردم و نیرو های مقاومت در غزه به کار بست و ناکام گردید.

۸- باز سازی نیرو ها و پر کردن خالی رهبری: با وجود از دست دادن چند نسل از فرماندهان، حماس در کمترین زمان توانست نیرو های خود را بازسازی کند و از پا نیفتاد، نسل جدید رهبران که گفته می‌شود، بیست و چند ساله اند، کجا

آموزش دیدند و زیر کدام هدایت و تدبیر این سرعت عمل و سامان دهی به دست آمده است؟

۹- داشتن مورال قوی و قوت قلب: این مورال از کجا به دست آمده

است؟ چگونه امکان دارد در اوج فشارها و باران آتش و ریخته شدن سیل های خون، چگونه ممکن شد رهبری عاقلانه، شجاعانه و متکی به سنت های دینی ادامه یابد و از هم نپاشد؟ چشم انداز و شجاعت در سخت ترین شرایط از چه بستر فکری و فرهنگی ای تغذیه می شود؟

۱۰- چگونه جمع شدن همه این مواصفات در وجود حماس:

برنامه ریزی های دقیق و همه جانبه، بصیرت و درایت، انتخاب هدف ها، زمان بندی دقیق عملیات ها و غیره از کجا آمده است؟ که رژیم اشغالگر را به رسوایی تاریخی دچار نموده و بدون شک که این همه نمی تواند محصول تصادف باشد. شکست افسانه های سه گانه رژیم؛ اقتدار، مظلومیت و امنیت، نیازمند برنامه ریزی بلند مدت و طراحی همه جانبه است؛ دست کم نیم قرن تجربه حکمرانی و کار سازمان یافته می طلبد تا چنین ساز و کاری پدید آید.

در نتیجه می توان گفت: چنین ویژگی ها با چنین مقاومت و ایستادگی، با صبر و ثبات و حرکت هدفمندانه امکان پذیر می باشد، وقتی این دو خصلت و ویژگی در وجود فرد و یا حرکت و جریانی بروز یابند، نصرت الهی در برابر چشم ها ظاهر می شود؛ در آن لحظه تدبیر الهی دست به کار می شود که نقطه پایان را رقم می زند.

نقش تربیت در طوفان الأقصى

برنامه های تربیتی مجاهدان حماس نسل قوی و نیرومندی را تربیت کرد که اسرائیل و اردوی به اصطلاح شکست نا پذیر او را به چالش کشید و به شکست فاحشی دچار ساخته و تمام تلاش های استخباراتی و نظامی و رسانه ای آنها را خنثی نمود و یکی از دست آورد های طوفان الأقصى تربیت ایمانی فرزندان آن است.

طوفان اقصی به هدف کسب رضایت الهی و آزادی مسجد اقصی آغاز گردید و انگیزه و عامل اصلی مقاومت سرسختانه مجاهدان اقصی، ادای وجبیه دینی و ایمانی بوده که با قوت معنوی ایمان مبارزه می کنند، و از شروع طوفان اقصی در هفتم

اکتوبر سال ۲۰۲۳م، آثار شگفت انگیز تربیت ایمانی در صفوف آنها به وضوح قابل مشاهده بود، حمله کماندو های قسام به مناطق اسرائیل و کشتن و اسیر گرفتن تعداد زیادی از اسرائیلی ها، نماد هایی از آموزه های ناب اسلامی را به نمایش گذاشتند، وقتی به مناطق اسرائیل وارد شدند، نه کسی را ترساندند و نه به کسی تجاوز کردند و نه دست به ویرانی زدند، بلکه برعکس مایه آرامش زنان و کودکان قرار گرفتند، و تعاملی را به نمایش گذاشتند که شایسته یک جنگجوی مسلمان و با رسالت در میدان جنگ است.

برخورد نیک و شایسته آنها با زندانیان که بیماران شان را مداوا کرده و به آنان غذای مناسبی می دادند، و بعد از انتقال اسیران به غزه هیچ نوع شکنجه‌ی به آنان وارد نکردند و از بهترین رویه و رفتار که شایسته یک مجاهد است با آنها کار گرفتند و حتی اسیران از این عملکرد شان متأثر شده و احساسات خود را در برابر رسانه ها پنهان کرده نتوانسته و از مجاهدان هنگام آزادی ابراز تشکری نمودند که همه این موارد شاهد این مدعا می باشد، از آن جمله سخنان زن اسیر پیر و بیمار اسرائیلی را همه دیدیم که گردان های قسام او را آزاد کردند و بدون خدا حافظی همراه مجاهدان از جایش تکان نخورد و بعد از رهایی به رسانه های اسرائیلی گفت: مقاومت حماس با لطف و مهربانی با او تعامل کرده و تمام نیاز مندی هایش را برآورده نموده و دارو هایش را به موقع می دادند و از نگهبانان شان تشکری نمود.^۱

(الکساندر توبانوف) زندانی اسرائیلی آزاد شده در خطاب به مجاهدان می گوید: «مهربانی ات تا ابد در ضمیرم حک شده است در طول ۴۹۸ روزی که در میان شما زندگی کردم و با وجود تجاوز ها و جنایاتی که متحمل شدید، معنای واقعی مردانگی، قهرمانی و احترام به انسانیت و ارزش ها را از شما آموختم شما آزادگان در محاصره بودید، و من اسیر و شما نگهبانان جان من بودید تو از من مراقبت کردی، همانطور که یک پدر دلسوز از فرزندانش مراقبت می کند، تو سلامت، عزت و نعمت های مرا حفظ کردی، اگر چه در دستان مردانی بودم که برای سرزمین و حقوق دزدیده شده شان

^۱ - از قسام و غزه آموختم، محمد فتوح احمد، مترجم: عبدالخالق احسان، انتشارات قدس، افغانستان هرات خیابان دانشجو مقابل دانشگاه/ ۱۷.

می جنگیدند و اگر چه دولت کشورم در حال ارتکاب فجیع ترین نسل کشی علیه مردمی محاصره شده بود، اما شما هرگز اجازه ندادید که گرسنه بمانم یا تحقیر شوم؛ من معنای واقعی مردانگی را نمی دانستم تا زمانی که آن را در چشمان شما دیدم و ارزش فداکاری را درک نکرده بودم، تا زمانی که در میان شما زندگی کردم و تا زمانی که شما را ندیده بودم که در برابر مرگ لبخند می زدید و در برابر دشمنی که به ابزارهای نابودی مسلح است، مقاومت می کنید و چیزی جز بدن های برهنه خود ندارید؛ هر قدر که فصیح و رسا باشم کلماتی که ارزش واقعی شما را منعکس کند یا شگفتی و تحسین مرا از اخلاق والای شما بیان کند، نخواهم یافت آیا واقعاً دین شما به شما آموخته است که با زندانیان این گونه رفتار کنید؛ چه عظیم است ایمانی که تو را به مرتبه ای می رساند که در برابرش تمام قوانین حقوق بشر که توسط بشر وضع شده اند، زیر سوال می روند و تمام پروتکل های جنگ فرو می ریزند، حتی در سخت ترین لحظات شما عدالت و رحمت را نشان می دهید، نه از طریق شعار های تو خالی؛ بلکه از طریق واقعیت تجربه تان حتی در تاریک ترین شرایط هم از اصول خود کوتاه نمی آید؛ باور کنید اگر به اینجا برگردم فقط یک جنگجو در صفوف شما خواهم بود، زیرا من حقیقت را از قوم شما آموختم و دریافتم که شما نه تنها صاحبان زمین هستید بلکه صاحبان اصول و ارمان عادلانه نیز هستید». ۱

جایزه پنج میلیون دلاری

دشمن صهیونیست جایزه پنج میلیون دلاری را در بدل یک خبر در باره یک اسیر صهیونی تعیین نموده بود تا محل نگهداری وی را پیدا کند و آن پیشنهاد به مدت ۲۳ ماه معتبر بود؛ بدون شک هزاران رزمنده، باججویان، اعضای بخش اطلاعات نیرو های مقاومت و کسانی که برای زندانیان اسرائیلی غذا، دوا، مکان، لباس و آب فراهم می کردند، همه از محل نگهداری آن اسیر آگاه بوده اند، اما هیچ یک برای ۵ میلیون دالر خبری به اسرائیل نرساندند؛ در حالی که اگر این پیشنهاد برای یک ملت دیگر

۱ - صفحه فیسبوک «نصیر شاهیر (Naseer Shahir Homoud)» ، تاریخ ۲۴ اکتبر ۲۰۲۵، همچنین، در کانال

تلگرام «ALYMENET» نیز پوشش خبری مشابهی ارائه شده است.

بود، یکی از آنها حتی پدر یا عزیز ترین دوستانش را هم به خاطر این مبلغ هنگفت به چنگ دشمن می داد!

اما تربیت سالم و ایمان قوی و عقیده و باور مستحکم آنها به روز آخرت باعث گردید تا به امید کسب رضای الهی و دخول به بهشت برین، آنها را از این خیانت باز دارد. ورنه هر یک از اعضای حماس می توانستند بسیار به آسانی این مبلغ هنگفت پنج میلیون دالری را به دست آورند، بدون اینکه کسی از حال وی آگاه شود!

یکی دیگر از نشانه های تربیت ایمانی، صبر و تحمل مردم غزه این است که در مقابل شدید ترین حملات دشمن و بمباردمان وحشیانه توسط اسرائیل و ویرانی شفاخانه ها، مکاتب، مدارس و دانشگاه ها، صبر و شکیبایی نموده و با سردادن شعار قرآنی «حسبنا الله و نعم الوکیل» با استقبال شهدای خویش می روند، کودک فلسطینی را می بینیم که برادر کوچک و زخمی خود را شهادتین تلقین می کند، زن فلسطینی را می بینیم که با شهادت فرزندان خود ابراز خرسندی می کند و حمد و ثنای الهی را به جا می آورد که در راه خدا قربانی شدند، و کهن سال فلسطینی را می بینیم که به اسرائیل هشدار می دهد که با کشتن و نابود کردن خانه های مان نمی توانی ما را شکست بدهی، ما شکست ناپذیر هستیم. این موارد همه نشانه هایی از تربیت ایمانی می باشد که تفصیل آن درین مقال مجال بحث و تفصیل را ندارد.

داستان پیر مرد مجروح (خون ما بهتر از خون آن هاست)

مجاهد شهید محمد ذکی حمد می نویسد: «نیرو های دشمن به سمت منطقه ی مأموریت پیشروی کردند، برادران مجاهد برای انجام وظیفه و دفع دشمن بیرون آمدند؛ اما وقتی مشاهده کردند که مردی سالخورده که پایش مجروح شده و قادر به حرکت نیست، پیش روی شان قرار دارد و موتر های دشمن به سمت او می روند، شگفت زده شدند. مجاهدان در انتظار رسیدن دشمن به محل کمین بودند تا به آن ها حمله کنند و سپس عقب نشینی نمایند، پرسش این بود که تکلیف آن پیر مرد چه خواهد شد؟ برادران مجاهد وضعیت را به فرماندهی ما گزارش کردند، فرمانده گفت: عملیات را متوقف کنید و آن مرد را نجات دهید!! آیا باید عملیات را متوقف کنیم؟

دشمن تا لحظاتی به محل کمین خواهد رسید، او دو باره تأکید کرد: عملیات را متوقف کنید و مجروح را نجات دهید، خون این برادر ما بهتر از خون آن هاست!!

جهاد برای حفظ جان ها مشروع شده است، برادران از پشت سنگر فریاد زدند: پدر جان! به عقب برگرد تا به ما برسی، آسمان از طیاره های کشفی و جاسوسی پُر بود، آن پیر مرد اندکی به عقب خزید و کار دیگری از دستش بر نمی آمد؛ قهرمانان ما او را برداشته و به داخل تونل پایین آوردند، مرد در شوک و حیرت قرار گرفت!! فرماندهی پیروزمند ما آمد و او را با دست خودش حمل کرد، و این یک صحنه ای تربیتی و مبارزاتی فوق العاده بود؛ نجات یک مسلمان از مرگ، بهتر از کشتن آن خوک هاست، برادران با او اقدامات اولیه طبی را انجام دادند و او را به جای امنی رساندند، و به سبب راه های صعب العبور و تونل ها؛ انتقال او بسیار دشوار بود.

آن پیر مرد مجروح، از مرگ قریب الوقوع نجات یافت و اکنون زنده است و روزی می خورد، و به فضل خداوند دشمن یک روز بعد، از محل عقب نشینی کرد، بدون این که به کسی آسیبی برساند. شاید این از برکات دعای آن مرد ضعیف و بیچاره بود. از لطیفه های ماجرا این است که وقتی پیر مرد ماجرا را برای فرزندان و خاندانش تعریف کرد، آنان گفتند: «لا حَوْلَ و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» گویا پدر مان عقل خود را از دست داده است!! و برای نیکی بیشتر، فرماندهی قهرمان ما مبلغی پول نیز برای کمک به او فرستاد.

این ها همان مجاهدانی اند که بعضی از ناآگاهان و اهل غرض و مرض، آنها را به بی تفاوتی در مقابل جان ها متهم می کنند؛ اما واقعیت طوری دیگری است که آنها، امانت داران عزت و شرف امت و جان ها و اموال مسلمانان اند؛ اینان امانت داران زمین و ناموس اند. خداوند فرماندهی مان را استوار بدارد، مردان مان را حفظ کند و به ما اخلاص و قبول عنایت فرماید.^۱

^۱ - منابع انترنتی.

برخی از دست آورد های طوفان الأقصى

بدون شک که عملیات مبارک طوفان الأقصى در تاریخ معاصر از عملیات هایی است که با همه جنگ هایی که در طول تاریخ به وقوع پیوسته متفاوت است، هم از لحاظ چگونگی و مدیریت و کارآرایی و هم از لحاظ دست آورد های چشم گیر مادی و معنوی در عرصه های مختلف نظامی، سیاسی، روانی و رسانه ای. اینک به برخی از دست آورد های این عملیات مبارک به گونه مختصر می پردازیم:

- طوفان الأقصى باعث بیداری امت، وحدت فکری میان مبارزان و متحد شدن جبهه های گوناگون در محور هدف واحد یعنی آزادی فلسطین و مسجد الأقصى گردیده است.

- طوفان الأقصى تمام تلاش های دشمن صهیونیستی را که به هدف انزوای آرمان فلسطین و در انحصار قرار دادن قدس و مسجد الأقصى و یهودی سازی مقدس ترین اماکن مسلمانان و تحقق پروژه شوم عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر صورت می گرفت، یکی به یکی ناکام ساخت.

- طوفان الأقصى تمام معادلات دشمن را برهم زد و به طوفان مخالفت با آن و طوفان خشم و نفرت جهانی نسبت به رژیم اشغالگر و جنایتکار تبدیل شد که چهره واقعی جنایتکارانه آن که ده ها سال پنهان مانده بود و دنیا را با آن فریب می داد، برای همگان آشکار ساخت.

- عملیات مبارک طوفان الأقصى نقاب از چهره دروغین غرب و شیادان حرفه ای آن برداشته و ثابت کرد که تمام ادعا های حقوق بشری و حقوق حیوانی غرب، خلاف واقعیت و به منظور فریب مردم و حربه ای برای به استعمار کشاندن ملت های دیگر بوده و حقیقت این تمدن پوشالی غربی جز وحشت، بربریت و ظلم و تجاوز چیزی دیگری نبوده است و پشتیبانی مستقیم و بدون قید و شرط نظامی، سیاسی و تسلیحاتی از اسرائیل جنایت کار و اشغالگر غاصب، در حقیقت امر، حمایت از وحشی گری، جنایت و ظلم و تجاوز است که با بی شرمی تمام آن را به جهانیان اعلان نمود.

- طوفان الأقصى ثابت کرد که سازمان ملل متحد و نهاد های بزرگ حقوق بشری با همه طول و عرض آن، هیچ صلاحیت اجرایی نداشته و گوش به فرمان های

کشور های زورگویی جهان اند؛ ویتوی همیشه گی آمریکا به تمام قطع نامه های شورای امنیت که به ضد اسرائیل صادر شده است، گویای این حقیقت است.

• طوفان الأقصى ثابت کرد که در جهان اسلام هیچ کشور مقتدر و نیرومندی وجود ندارد تا از ستمدیده گان حمایت نماید و فریاد مظلومان را پاسخ دهد و برای رهایی مظلومان جهان از چنگال غاصبان و ظالمان کاری انجام دهد.

• طوفان الأقصى ثابت کرد که نیروی های طاغوتی جهان در برابر نیروی ایمان هیچ کاری کرده نمی توانند و اخلاص و استقامت و پایداری مجاهدین می تواند ارتش شکست ناپذیر اسرائیل را در هم شکنند و در مقابل برنامه ریزی دقیق و تکنیک های نظامی و استخباراتی مجاهدان و استقامت و ایمان مسلمانان شکست بخورد.

• طوفان الأقصى ثابت کرد که حاکمان کشورهای اسلامی در حقیقت امر، غلامان حلقه به گوش استعمار بوده و هیچ گونه اختیاری از خود ندارند و مردم و ملت های مسلمان از حکومت های خود ناراضی بوده و برخلاف حاکمان شان، جنایات اسرائیل را محکوم نموده و از ملت مجاهد فلسطین و قهرمانان غزه حمایت می کنند.

• طوفان الأقصى ثابت کرد که برخی از جریان های به نام و پسوند (اسلامی) و دینی مزدوران استعمار و آله دست اسرائیل بوده و جز دامن زدن به تعصبات مذهبی و گروهی در میان مسلمانان و خدمت گزاری به استعمار، کاری دیگری ندارند و همه تلاش های آنها آگاهانه و یا ناآگاهانه به نفع گروه خاص و به دستور حکومت مورد نظر شان بوده و تمام ادعا های دینداری و مسلمانی شان به منظور کسب امتیاز های مادی و مقام و منصب بوده است.

• طوفان الأقصى ثابت کرد که رسانه های که در کشورهای اسلامی فعالیت می کنند در حقیقت امر، در خدمت استکبار جهانی قرار داشته و جز دروغ بافی و خوش خدمتی به باداران و حامیان شان کاری دیگری ندارند و همیشه تلاش می ورزند تا حقایق را وارونه جلوه داده و جنایت های باداران شان علیه ملت های مظلوم را توجیه نمایند.

• طوفان الأقصى حرکت میمون و مبارکی بوده است که آخرین میخ را بر تابوت کیان صهیونستی به نام (اسرائیل) کوبید و او را به زباله دان تاریخ فرستاد، اگر چه نبرد و جهاد مقدس هنوز هم با شدت و حدت خویش تا اکنون ۲۰۲۵/۹/۱۴م ادامه

دارد، اما نشانه های از سقوط و زوال این رژیم غاصب آشکار گردیده و به شهادت تاریخ و پیشگویی های قرآن و پیامبر گرامی اسلام، این رژیم جنایتکار به زودی نابود و از جغرافیای زمین حذف خواهد شد. ان شاء الله و ما ذالک علی الله بعزیز.

- طوفان الأقصى باعث گردید که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این تازگی در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۵، با تصویب قطعنامه ای غیرالزام آور به نام «اعلامیه نیویورک»، از راه حل دوکشوری برای حل مناقشه اسرائیل و فلسطین حمایت کرد. این قطعنامه که با حمایت ۱۴۲ کشور به تصویب رسید، بر لزوم تشکیل یک دولت فلسطینی با پایتختی قدس شرقی تأکید دارد. در این قطعنامه، از اسرائیل خواسته شده است که به اشغال سرزمین های فلسطینی پایان دهد و به حقوق فلسطینی ها احترام بگذارد. این چیزی بود که در طول چند دهه مبارزات فلسطینی ها در مجال های مختلف حاصل نگردیده بود و اکنون در نتیجه قهرمانی های مجاهدان حماس و طوفان الأقصى به تصویب رسید؛ اگر چه موجودیت اسرائیل در این قطعنامه ذکر گردیده که اهداف مبارزان و مجاهدان را بر نمی تابد، اما باز هم در مجموع یک دست آورد برای فلسطینی ها به حساب می آید.

- طوفان الأقصى باعث گردید که رژیم اشغالگر به سطح همه جهان منزوی گردد و حتی دوستان و حامیان اروپایی اش نیز از وی صف خود را جدا ساخته و با عملکرد وحشیانه و ددمنشانه وی مخالفت خود را ابراز نمایند مانند: فرانسه، انگلیس، آلمان و غیره

- طوفان الأقصى باعث گردید تا قضیه فلسطین دو باره زنده شده و در مجال های سیاسی و حقوقی به سطح منطقه و جهان، به موضوع داغ روز مبدل گردد، چیزی که رژیم اشغالگر و حامیان وی کار و قضیه فلسطین را قضیه فراموش شده تلقی کرده و حتی از گرفتن نام دولت فلسطین هم ابا می ورزیدند.

- طوفان الأقصى باعث گردیده است تا رژیم غاصب اسرائیل بقای خود را در خطر ببیند و از حالت هجومی به حالت دفاعی برگردد و جنگ غزه را تلاش برای بقاء دانسته و این جنگ را مبارزه برای حفظ آبروی حامیان بیرونی اش معرفی کند، همان گونه که نتیناهو اظهار می کند: «جنگ غزه برای بقاء و وجود اسرائیل حیثیت مرگ و زندگی را دارد» و وزیر دفاع رژیم در مورد اهمیت جنگ غزه برای امریکا چنین اظهار

می‌کند: «اگر ما این کار را نکنیم برای اعتبار و شهرت اردوی امریکا ضرر بزرگی وارد خواهد شد».^۱

• بر خلاف دیدگاه برخی‌ها در مورد وابستگی حماس به ایران، طوفان الأقصى سبب‌گردید تا پروژۀ ایران در منطقه به ناکامی بانجامد، زیرا نقش ایران در منطقه شرق میانه بخشی از برنامه جهانی جنگ علیه امت اسلامی بوده است، همان‌گونه که در عراق، سوریه، یمن و لبنان با جمع شدن گلیم ایران، همه امور آشکار گردید. شهید امت یحیی سنوار رحمه الله می‌گوید: «منسوب کردن این حملات به ایران و گروه‌های نیابتی آن، تنها از سوی دیکتاتورهای عرب و روشنفکران شکست‌خورده آنها مطرح می‌شود، نه از سوی انسان آگاه و مسلمان دیگری».^۲

• طوفان الأقصى با عقیده ثابت و ناب ابراهیمی بت‌شکن و با بصیرت و ایمان راسخ و یقین کامل و شجاعت بی‌نظیر، همه بت‌های ساختگی که همانند عرب‌های دوران جاهلیت آن را می‌پرستیدند، شکستاند؛ بت‌هایی که همه آن را به درجه قدسیت رسانیده و پابندی و همکاری با آن، معیار حقانیت و اقتدار و اعتبار بین‌المللی در همه جهان شناخته می‌شود، مانند:

بت جامعه جهانی، ملل متحد، شورای امنیت و امثالهم را بی اعتبار ساخته و جایگاه حقوقی و ماهیت بین‌المللی خود را از دست داد، مانند:

- بت اردوهای پوشالی کشورهای عربی و اسلامی که در طول دو سال جنگ غزه قادر نشدند یک بوتل آب را به غزه محاصره شده داخل نمایند که ده افغانی ارزش دارد. و حقیقت و ماهیت این اردوها را نمایان ساخت که صرف برای سرکوب کردن و تار و مار کردن حرکت‌های اسلامی و خیزش‌های مردمی و بر علیه ملت‌های مسلمان

^۱ - داقصی طوفان، رضا بودراع، ترجمه: لطیف الرحمن خدام، خپرونکی: نوی مستقبل خپرون دویه تولنه، چاپ شمیر: ۱۰۰۰ توکه، دچاپ وار: لومری چاپ، کال: ۱۴۰۳ هـ/ص ۶۱.

^۲ - زندگی پانزده روز اخیر یحیی سنوار، دکتر اکرام الدین سحر، مترجم: سرمحقق عبدالرحمن حکیمزاد، ویراستار: عطاء الله ذاکری، صفحه آرایی: محمد مجتبی همایون، ناشر: انتشارات نوی مستقبل، تیراژ: ۱۰۰۰ جلد، نوبت چاپ: اول. ۸۵/۱۴۰.

ساخته شده و در مقابل ملت های شان خوب تر فعال می باشند و اما در جهت دفاع از دین، عقیده، ارزش ها، خاک و سرزمین در مقابل متجاوزان هیچ کاری کرده نمی توانند.

- بت های ساختگی توسط غربی ها و غرب زده ها، مانند: حقوق بشر، حقوق زن، حقوق طفل، عدالت، برابری، آزادی، دموکراسی و امثال آن، بت هایی که حتی به دیده تقدس به آن می نگرستند، ثابت گردید که همه حربه های به دست امریکا و غرب بوده اند که علیه کشور های اسلامی از آن برای به اسارت کشیدن و استعمار نمودن و غصب دارایی ها و منابع طبیعی آنها از آن کار می گیرد.

• طوفان اقصی تمام پروژه های جهانی و منطوقی استعماری را به چالش های جدی مواجه ساخت که با ناکامی حتمی روبرو خواهد شد، از آن جمله:

- پروژه صهیونستی که از اسرائیل بزرگ حرف می زد و همه کشور های منطقه خلیج را در بر می گرفت، به سبب طوفان اقصی تا حدود زیادی به ناکامی مواجه شده و اسرائیل که در تمام منطقه خود را از همه قدرتمند تر و با ثبات تر معرفی می کرد و به هیچ قید و بندی خود را محدود نمی کرد، اکنون حالت دفاعی را به خود گرفته و در فکر تأمین امنیت شهروندانش است.

- پروژه ملیت گرایانه عربی که به کثافت دانی تاریخ حواله شد و امروز همه عرب و غیر عرب به صورت قطعی این حقیقت را درک کرده اند که دشمن مشترک همه کسانی که به آئین محمدی باورمند اند، اسرائیل و غرب می باشد و در هیچ صورت با مسلمانان دوست شده نمی توانند و طوفان اقصی و مقاومت مردم مبارز غزه همه نقشه های استعماری را مبنی بر قومیت عربی به ناکامی مطلق مواجه گردانیده است.

• طوفان اقصی ثابت کرد که به نمایندگی از همه امت در مقابل جنایت کار ترین دشمنان بشریت می جنگد و اردوی اسرائیلی به نمایندگی از حکومت های مزدور عربی می جنگد.

• طوفان الأقصی باعث گردید که بعد از موافقه آتش بس در یازدهم اکتوبر ۲۰۲۵ بیشتر از چهل کشور دنیا به شمول رئیس جمهور امریکا در محفل امضای آن در شرم الشیخ مصر گردهم جمع شدند، و به این ترتیب، غزه در یک طرف قضیه و همه جهان جانب مقابل وی قرار می گیرد که نشانه عظمت و اقتدار و استقامت مجاهدان حماس بوده و از نتایج طوفان الأقصی می باشد.

• شکست و نابودی طرح معامله قرن که به ابتکار امریکا و همکاری اسرائیل روی دست بود.

• رسوایی و بی اعتبار شدن دولت های استبدادی و مزدور عربی در منطقه و آشکار شدن خیانت های آنها به اسلام و مسلمانان و برملا شدن میزان وابستگی آنها به غرب و امریکا که بدون اجازه امریکا حتی توانایی رساندن یک جرعه آب را برای مردم غزه نداشته اند.

• زنده شدن روحیه جهاد و مبارزه بر علیه اشغالگران در فلسطین و حتی در همه سرزمین های اسلامی و تحت استعمار و اشغال اجانب و دمیده شدن امید تازه برای مبارزان و آزادی خواهان جهان، که با نیروی ایمان و عزم راسخ می توان بزرگترین نیروی های طاغوتی را به زانو در آورد.

• آشکار شدن اخلاق نیک و برخورد شایسته مجاهدان قسام با اسیران اسرائیلی که بر تسامح اسلام بوده و به برتری قوانین جنگی اسلام مبنی بر ترحم و مهربانی بالای اسیران را نشان می دهد و این امر سبب تحیر و شگفت زدگی همه جهانیان از جمله اسرائیلیان گردید و حتی در کشورهای غربی باعث تمایل بیشتر مردم به اسلام شده و تعداد زیادی به اسلام گرویدند.

• زنده شدن قضیه فلسطین به سطح ملی و بین المللی؛ بعد از آن که این قضیه تقریباً به فراموشی سپرده شده بود و کیان دولت صهیونستی در صدد خاموش ساختن دفن شدن آن بود و کشورهای عربی منطقه تقریباً به این تصور رسیده بودند که جز پذیرفتن طرح های امریکا و غرب در قضیه فلسطین و برقراری روابط با اسرائیل چاره ای وجود ندارد و تطبیع یک نیاز و ضرورت روز بوده و بدون آن راه دیگری وجود ندارد.

بخش چهارم

غزه، سرزمین جهاد و مقاومت

غزه، سرزمین ایمان، جهاد و مبارزه، رمز استقامت و پایداری در برابر طواغیت عصر و قدرت های جهانی و مزدوران داخلی آنها است. استقامت بی نظیر اهل غزه بر سر زبان ها جاری است و باعث بیداری امت در همه سرزمین های اسلامی و حتی غیر اسلامی گردیده است. حقایق زیادی از برکت جهاد و تلاش های بی وقفه شان در جهان امروز آشکار گردید که اکثراً از درک آن بی خبر بوده اند.

غزه شاهد بدترین و هولناک ترین صحنه هایی بوده که جهانیان آنرا با چشم سر دیده اند و وحشتناک ترین نوع فشارها و درد ها را چشیده و حس کرده اند که انسان را با شنیدن آن، وحشت و ترس فرا می گیرد و تحمل آن را ندارد. اما اهل غزه که آن همه را با گوشت و پوست خود لمس نموده و با صبر و تحمل بی نظیر شان که هیچ گونه شکایتی از آنها دیده و شنیده نشده، همه را در راه جهاد و مبارزه برحق شان متقبل شده و جهان را شوک زده نمودند.

اهل غزه که هر روز صد ها طفل و جوان بی گناه و معصوم شان جام شهادت می نوشند. غذایی به خوردن ندارند تا خود را از گرسنگی نجات دهند، آبی برای نوشیدن ندارند تا تشنگی شان رفع گردد، دوائی و داکتری موجود نیست که درد شان را مداوا کند، خانه ای ندارند تا در آن سکونت کنند و هیچ پناه گاهی نیست که در آن خود را پنهان کنند و صدای انفجار و بمباردمان خواب را از چشمان شان ربوده و حتی یک لحظه ای آرامش ندارند تا بخوابند..

مادران داغ دیده ای که فرزندان و جگر گوشه ها و جوانان شان را از دست داده اند، اما باز هم چون کوه استوار مانده و هیچ احساس نارضایتی برای شان دست نمی دهد و لب به شکوه و گلایه نمی گشایند، و به جای شکوه و گلایه، بیشتر شکر و سپاس او تعالی را بجا می آورند و بدون شک که صبور ترین و با استقامت ترین زنان در تاریخ بشر ثابت شده اند.

کودکانی که زیر آور گیر مانده و هنوز مادران شان را صدا می‌زنند و صدای شان آهسته آهسته خفه می‌شود و کسی نیست و وسیله ای وجود ندارد که آنها را از زیردآوار ها و خاک و خاکستر بیرون آورد .

غزه در برابر جنایت کار ترین موجودات هستی و وحشی ترین لشکر و بزرگترین قوت های طاغوتی دنیا و گرگان وحشی تنها مانده و جلوی چشم همه دنیا همه خورد و بزرگ، زن و مرد آن سلاخی می‌شوند و علاوه بر بمباران و آتش باران شب و روزی، در محاصره مطلق گیر مانده و همه امکانات اولیه و نیاز های زندگی بالای شان قطع گردیده و اجازه ورود آب و غذا و دوا هم برای شان داده نمی‌شود و بالاخره کار به جایی رسیده که روزانه چندین تن از گرسنگی وفات نموده و طفلکان معصوم از درد گرسنگی جانگاہ جان می‌دهند. باوجود همه درد ها باز هم استقامت ورزیده و تسلیم دشمن زبون نشده و نمی‌شوند و مجاهدان سربہ کف آن سرزمین، سرسختانه بالای دشمن زبون می‌تازند و از نقطه صفر دشمن را در تانک های و نفر بر های زرھی اش بریان می‌کنند. مجاهدان این حقیقت را می‌دانستند که مقابله با همچو دشمن زبونی که به هیچ قید و بند و قانون و قول و قرار و تعهدی پایند نیست، کاری آسانی نمی‌باشد و از عواقب این جنگ وحشتناک آگاه بوده و درک می‌کردند که آزادی و آزادگی بهایی سنگینی می‌خواهد، روی پا های خودش ایستاد و مردانه وار در راه دفاع از مقدسات و خاک و ناموسشان آماده قربانی شدند، و دشمن را با امکانات دست داشته و ناچیز شان به زانو در آورده و چنان درسی را به او دادند که در تاریخ ندیده و نشنیده بود.

مردم غزه با آن همه فشار های طاقت فرسای جنگ و درگیری ها، و سختی‌هایی که از توان و طاقت انسان خارج است، سال ها بالای شان سایه افکنده، باز هم شکر الهی را به جا می‌کنند و صبورانه با مشکلات مبارزه می‌کنند و استقامت می‌ورزند. آبادانی ها ویران می‌شود، و مردم و اهالی آن از خانه های شان رانده می‌شوند و با تهدید مرگ مواجه اند و هر لحظه با بمباردمان و آتش و خون مواجه اند، اما باز هم شعار (مامی مانیم) را زمزمه کرده در خاک توده ها و ویرانه ها و آوار ها گردهم می‌آیند و قوی تر می‌ایستند.

با وجود دیدن اجساد پاره پاره عزیزان شان و در حالی که جان شان در خطر است، آنها را دفن خاک می کنند و نه تنها مایوسی را به خود راه نمی دهند، بلکه با مباحثات و افتخار با گفتن (الحمد لله) شکرانه الهی را به جا می آورند و بخاطر این که شهیدی را در راه الله متعال و جهاد مقدس، تقدیم نموده اند، به خود می بالند.

با وجود آنکه همه دنیا (مسلمان و غیر مسلمان) آنها را ترک نموده و صرف تماشاگر اند و برای نجات آنها نه تنها کاری صورت نمی گیرد و اقدامی به عمل نمی آید؛ بلکه تهدیدها همه روزه بیشتر و بیشتر می گردد، و فشارهای جنگ و ویرانی و عملیات های نظامی و اخراج اجباری در حال افزایش است، باز هم امید خود را ازدست نداده و با قلبی مملو از اطمینان و آرامش همه این فشارهای طاقت فرسا و غیر قابل تحمل را با جان و دل پذیرا شده به جهاد و مبارزه و صبر و استقامت به مسیر خویش ادامه می دهند.

غزه که طی سال های متمادی در حصار کامل به سر می برد و اسیر است، اما آزاد تر از همه سرزمین های دنیای امروز می باشد، زیرا ساکنان آن کسانی اند که روح شان آزاد تر از هر موجودی در دنیاست و جز به خالق هستی به کسی دیگری سر خم نکرده و نمی کنند؛ چنان تصور می شود که غزه اسیر است و اشغال گردیده است، اما حقیقت و واقعیت عینی این را می رساند که همه جهان اسیر و اشغال شده است، به جز غزه و همه باید از غزه درس آزادی، استقلال، عزت، شهامت، مردانگی و حریت را بیاموزند. زیرا مادران غزه در رحم خود، جنین های مجاهد پرورش می دهند، مادرانی که روح بلندی داشته و از هیچ طاغوتی ترس و هراس ندارند. و در دوران حمل و رضاع، برای نونهالان خویش درس آزاد منشی و حریت و مردانگی را تزریق می کنند. و کودکانی را به دنیا می آورند که جسم و روح آنها با ایمان و محبت به شهادت آمیخته است و با گذشت هر روز قوی تر و نیرومند تر شده می رود و حاصل می دهد و شاخ و پنجه می کشد و با دود و آتش و باروت و بم و خون بزرگ می شود و در برابر دشمن زبون خود را برای مبارزه ای دراز مدت آماده می کند گویی که برای مبارزه و جهاد و شهادت در راه ایمان و آزادی به دنیا آمده اند.

شیر زنان و شیر مردانی در آن سرزمین حضور دارند که جان و مال خود را فدای دین و مقدسات اسلام کردند و طوفانی را به راه انداخته اند که جهان را بیدار کرده،

صاعقه ای را به صدا در آورده اند که عظمت این دین را به رخ همه جهانیان کشیده و جهاد و مبارزه و ایستادگی و قربانی های شان همه را متحیر نموده است. شفاخانه ها بمبارد می شوند، بلی! این یک واقعیت تلخ در سرزمین به نام غزه است، شفاخانه ها به جای مداوا، به نمادی از وحشت و کشتارگاه تبدیل شده اند، داکتر و مریض و خدمه و امداد رسانان همه زندانی، شکنجه، توقیف و اعدام می شوند.

در عصر ارتباطات در جهان امروز از برکت تکنالوژی عصری همه جهانیان؛ چه دوست و یا دشمن، همه نظاره گر اند، و همه شاهد صحنه های هولناک این تراژیدی اند، دوستان کاری نمی توانند بکنند و مانند ماری زخمی در خود می پیچند و دشمنان از رنج و محنت این مظلومان و از دیدن آن صحنه ها لذت می برند.

زندگی حق مسلم هر انسان و هر ذی روح است، اما این بدیهی ترین حق انسانی؛ حق زندگی، برای مردم غزه به یک امتیازی بزرگی مبدل شده و تنها در حد یک چانس می باشد و هر لحظه امکان از دست دادن آن وجود دارد، به دلیل اینکه جهانیان مجوز قتل آنها را صادر کرده اند، گویی مردم غزه برای قربانی شدن آفریده شده اند.

بلی! سرزمین غزه باید بار ظلم و تحریم و جنگ و محرومیت و گرسنگی را به دوش بکشد، زیرا قلب مردم دنیا برای غزه نمی تپد و رنج و درد برای این خطه مظلوم یک امر لازمی است که باید آن را تحمل کنند، گویا که انسانیت نابود شده همان گونه که اسلامیت، مدت ها قبل آثاری از آن باقی نمانده است، زیرا آنها مستحق همه این محنت و مشقت اند، به دلیل اینکه آنها می خواهند آزادانه زندگی کنند و زیر بار طواغیت شرقی و غربی نروند و فرمان آنها را نپذیرند.

صدای مردم غزه شنیده نمی شود و اگر شنیده هم شود، توجهی به آن صورت نمی گیرد، زیرا برای برخی ها خسته کن و تکراری شده و به آن عادت کرده اند و رسانه ها هم آهسته آهسته از انعکاس دادن و گزارش دادن خسته شده اند و گویا که ضجه و درد و آه مردم غزه دیگر شنونده و بیننده ندارد و توجه را به خود جلب نمی کند، چون از اهل غزه اند و باید زجر بکشند و دردمند باشند.

گویا انسان هایی که در غزه ساکن اند، از جنس سایر انسان ها نیستند، اگر از جنس انسانی می بودند، سایر انسان ها با دیدن و شنیدن درد ها و رنج های بی شمار

آنها خمی به آبروی شان ظاهر می شد و احساس همنوعی می کردند و وجدان های شان بیدار و ضمیر های شان خود را در برابر مظالم این سرزمین ملامت می کردند، اما چنان نیست و همه در برابر مظالم آنها خاموش مانده اند، گویا مردم غزه با سایر انسان های دنیا متفاوت آفریده شده اند، و مستحق هیچ گونه نوازش و ترحم و دلسوزی نمی باشند، اگر چنین نیست، پس چرا انسان هایی که در اوکراین زندگی می کنند، مورد نوازش، ترحم، شفقت، رسیدگی و همدردی همه قرار می گیرند؟ حتی کشور های مسلمان و کشور های عربی مانند عربستان سعودی و امارات؛

بلی! آنها نسبت به مردم غزه به مهربانی و شفقت عرب ها مستحق تر اند، دلیل آن اینست که آنها با انسان های ساکن در غزه متفاوت اند! بلی متفاوت اند، اما این تفاوت در خون و رگ و عصب و شکل و هیكل انسانی نه، بلکه در دین و عقیده و آزادی خواهی و کفر ستیزی و استواری بر دین و عقیده و اصول اسلامی و انسان می باشد که همه با آنها دشمنی دارند.

مشروعیت جهاد در فلسطین و غزه

جهاد به کارگرفتن تمام توان و نیرو در موضع معین و به اندازه معین در مقابل دشمن معین است که ضرورت جهاد اقتضاء می کند در مقابل دشمنی که بالای مسلمانان تجاوز کرده و فتنه ها ایجاد نموده است؛ مسلمانان را از سرزمین شان بیرون کرده و بالای مستضعفین ظلم و تجاوز را روا داشته حقوق ایشان را پامال نموده و سرزمین شان را اشغال و مقدسات شان را هتک حرمت نموده است؛ در این صورت جهاد بالای همه ساکنان این سرزمین فرض عین گردیده که حتی زن بدون اجازه شوهر و فرزند بدون اجازه پدر باید به این جهاد مقدس بشتابند و فریضه ای الهی را اداء کند. الله متعال ارشاد فرموده است: **وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ**^۱. یعنی: در راه خدا بجنگید با کسانی که با شما می جنگند و تجاوز و تعدی نکنید زیرا الله متعال تجاوز گران را دوست نمی دارد.

۱ - البقره/۱۹۰.

به این اساس، بهترین جهاد در عصر حاضر جهاد در فلسطین و خصوصاً در غزه است که مجاهدان حماس برای آزادی سرزمین فلسطین و مسجد اقصی و قبله اول مسلمانان و یکی از سه حرم مسلمانان و دفع ظلم و تجاوز پیهم و مکرر اشغالگران و غاصبان در سرزمین پاک و مقدس به راه انداخته اند، جهاد در مقابل وحشی ترین و پلید ترین و فاجر ترین و ظالم ترین نوع استعمار یعنی استعمار صهیونسیم نژاد پرست و تروریست، که کرامت، عزت، حرمت و خاک و سرزمین و همه داشته های آنها را غصب نموده و نابود می کند و با بکار گیری انواع خشونت و وحشی گری بیش از حد و ظلم و تجاوز پیهم حقوق آنها را زیر پا کرده و خود را مالک اصلی منطقه و سرزمین شان می داند سرزمینی که تا نیم قرن قبل هیچ گونه تعلقی به آن نداشته و بلکه توسط امریکا و انگلیس بالای فلسطین مسلط ساخته شدند و مردم اصلی آن را آواره کردند.

همه دانشمندان مسلمان اتفاق نظر دارند بر این که بیرون راندن این اشغالگران از خاک پاک فلسطین واجب و لازم بوده بر هر مرد و زن پیر و جوان و خورد و بزرگ سواره و پیاده لازم است در مقابل آنها بجنگند و از حقوق حقه و مقدسات و سرزمین و خاک شان دفاع نمایند و اگر مردم فلسطین از عهده این وظیفه سنگین برآمده نتوانند و ناتوان باشند، در آن صورت بالای سرزمین ها همجوار و نزدیک شان جهاد فرض می گردد و بالترتیب جهاد بالای همه مسلمانان در همه سرزمین های اسلامی فرض می گردد. و اکنون که دولت اشغالگر صهیونستی به کمک بی دریغ امریکا و اروپا از هیچ نوع ظلم و تجاوز و وحشت در مقابل فلسطینیان دریغ نمی ورزد و همه قوانین و معاهدات ملی و بین المللی و اصول و قواعد پذیرفته شده جنگی را زیر پا نموده و علناً همه مسلمانان را تهدید به نابودی و تجاوز می نماید، بر همه مسلمانان و دولت های اسلامی و مردم و کشور های اطراف آنها و در نهایت بر همه مسلمانان دنیا جهاد فرض می گردد و واقعیت امروز این است که فلسطینیان بزرگترین قربانی ها را در راه جهاد در مقابل این متجاوزین دادند و همه آنچه در توان داشتند، در این راه به کار بردند و اکنون بر همه مسلمانان جهان از شرق تا به غرب و از شمال تا به جنوب و همه سرزمین های اسلامی لازم است که همه توان و طاقت و امکانات دست داشته ای خود را در مقابل این تجاوزکاران به کار گیرند و در جهاد سهیم شوند، در

غیر آن، مورد مواخذه شدید الهی قرار گرفته و به جرم ترک جهاد، مجازات خواهند شد.

جنگ تاریخی و سرنوشت ساز غزه

جنگ غزه جنگ سرنوشت ساز است، هم برای کیان صهیونیستی و هم برای مقاومت فلسطین و مبارزان حماس، زیرا اسرائیل این حقیقت را درک کرده است که اگر به صورت پیشگیرانه حملات خویش را ادامه ندهد، فردا مجبور به دفاع خواهد بود و بهای بیشتر خواهد پرداخت و حملات هجومی وی به دفاع برای بقاء مبدل خواهد شد که در آن صورت جز شکست و نابودی چیزی دیگری در انتظارش نخواهد بود. وزیر دارایی رژیم اشغالگر اسرائیل گفت: «هر بهایی را که امروز می پردازیم، بسیار کمتر از بهایی است که اگر اقدام نمی کردیم، در آینده باید می پرداختیم». منظورش همان بهایی است که مشاور امنیت ملی ایالات متحده پس از فرار تحقیر آمیز از فرودگاه کابل در سال ۲۰۲۱ گفت: «حضور آمریکا در افغانستان مانعی برای پیشروی طالبان نبود! و اگر می ماندیم بهای سنگینی می پرداختیم.»^۱ این اظهارات به این معنی است که اسرائیل معتقد است که توقف جنگ، وی را از معادله ی پیروزی حذف و به معادله ی جنگ برای بقا خواهد کشاند. اما حقیقت این است که اسرائیل از پیش وارد معادله ی پایانی شده است. بنابر این، اسرائیل در دامی گرفتار شده که «سان تزو»، نویسنده کتاب «هنر جنگ»، نسبت به آن هشدار داد: «تا پیش از آنکه راه خروج را نبینید، وارد جنگ نشوید». در حالی که وارد جنگی شدند که تنها راه خروج از آن، خروج از تاریخ است.^۲

آمریکا، اسرائیل و متحدان شان به این تصور بودند که مجاهدان غزه و حماس بیرق سفید را بلند کرده تسلیم خواهند شد، اما مقاومت بی نظیر مجاهدان قهرمان

۱- ژنرال تاد کریستوفر دوناهو (Christopher T. Donahue) فرماندهی لشکر ۸۲ هوابرد ارتش آمریکا، روزنامه سی بی اس امریکایی.

۲- همان.

غزه آنها را شوکه کرد، زیرا مردانی را در مقابل خود می‌بینند که مدرن‌ترین تانک‌ها و ادوات زرهی و مدرن نظامی را از فاصله صفر منفجر می‌کنند و کارنامه‌هایی را از خود به یادگار مانده و عملیات‌های پیروزمندانه را به نمایش می‌گذارند که در حافظه تاریخ بشریت ثبت نشده است و عقل بشری از درک آن عاجز بوده و در تصور نمی‌گنجد، با مجاهدانی در گیراند که به نام تسلیمی چیزی را نمی‌شناسند و با جوانانی رو برو می‌شوند که با عشق شهادت می‌جنگند و شهادت در راه الله متعال بزرگترین آرمان و یگانه آرزوی آنها است. اکنون اشغال‌گران مطمئن شده‌اند که وارد نبردی برای بقا اند نه پیروزی، و به خوبی دریافته‌اند که پایان آن‌ها امری حتمی است و مسئله کنونی برای آن‌ها تنها خریدن زمان و طولانی کردن بقای خودشان است.

غزه با امکانات محدود و اسلحه دست‌داشته‌اش جهان را چیلنج داد و دارد مقاومت می‌کند و می‌جنگد و می‌میرد، اما تسلیم نمی‌شود، با همه حربه‌ها مقابله می‌کند، می‌داند که دشمن جز زبان زور و تفنگ، چیزی دیگری را نمی‌شناسد و راه و چاره دیگری جز جنگیدن در اختیار ندارد.

ذلت و زبونی حکام کشور‌های عربی و اسلامی سبب شده است که، نخوت عربی، احساس اسلامی، مسؤولیت و رسالت انسانی خود را از دست بدهند و جز مزدوری و چاپلوسی به دشمن وظیفه دیگری نداشته باشند و برای حفظ و بقای قدرت پوشالی‌شان آماده‌اند حتی برای دشمن خویش خدمت کنند و همه جنایات و وحشی‌گری‌های او را نادیده گیرند؛ دشمنی که در مقابل مسلمانان حتی قتل عام و نسل‌کشی و هزاران جنایت دیگر را مجاز می‌شمارد و در مواردی که مصالح غرب و استعمار غربی مطرح باشد، ریختن خون هزاران انسان مسلمان هیچ ارزشی ندارد.

دشمن‌زبون با بمباران دوامدار شب و روز، گرسنگی تحمیلی و محاصره اقتصادی مردم غزه و همچنان تهاجم نظامی و تبلیغاتی و رسانه‌ای و با هزینه کردن میلیارد‌ها دالر، دارد به جنایات خویش ادامه می‌دهد و آن را رنگ قانونی بخشیده و ظالم را مظلوم و مظلوم را ظالم قلمداد می‌کند و ملت‌های به خواب رفته و غافل بی‌خبر را گول زده و جنایات و وحشی‌گری‌های خویش را پنهان می‌سازد تا به اهداف جنایتکارانه‌اش برسد که جز سرافکندگی و ذلت و شکست نتیجه‌ای به دست نخواهند آورد.

این حقیقت را قرآن کریم برای ما واضح می‌سازد و ما را بیداری می‌دهد و ذهن‌های خفته‌ی ما را هشیار ساخته می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيَّهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾^۱. کافران اموال خود را خرج می‌کنند تا (مردمان را) از راه خدا (و ایمان به الله) باز دارند. آنان اموال‌شان را خرج خواهند کرد، اما بعداً مایه‌ی حسرت و ندامت‌شان خواهد شد و شکست هم خواهند خورد. بی‌گمان کافران همگی به سوی دوزخ رانده می‌شوند و در آن گرد آورده می‌شوند. این آیه مبارکه می‌رساند که آنان چه تلاش‌های خستگی‌ناپذیری برای نابودسازی اسلام و مسلمانان انجام می‌دهند و چه پول‌های هنگفتی را در این مورد به مصرف می‌رسانند تا به هدف شوم‌شان برسند، اما حقیقت این است که زندگی و مرگ در دست الله متعال است و نور الهی با توطئه‌های شیطانی آنها خاموش نخواهد شد و با وجود مصارف گزاف و در اختیار داشتن امکانات وافر مال و قدرت و رسانه، در نهایت امر با حسرت و ندامت طعم تلخ شکست را چشیده و رسوایی و ذلت را تجربه خواهند کرد؛ چرا که سنت الهی بر پیروزی حق و نابودی باطل استوار است. این آیه نه تنها پرده از نقشه‌های دشمنان اسلام بر می‌دارد، بلکه مؤمنان را امید و اطمینان می‌دهد که مجاهدت‌ها و صبر و ثبات و تحمل درد‌ها و رنج‌های مجاهدان بی‌ثمر نخواهد ماند و الله متعال وعده‌ی خود را تغییر نمی‌دهد و آنانی که در راه او پایداری می‌کنند، سرفراز و کامیاب خواهند بود. بنابر این، باید با بصیرت، اتحاد و توکل بر الله متعال، در برابر تهاجم دشمنان ایستادگی نمود و از هزینه‌های هنگفت آنان ترس در دل راه نداد، زیرا در نهایت امر، شکست در دنیا و عذاب در آخرت در انتظار آنها است و این وعده‌ی خداوندی حق است و تخلف در آن راه ندارد.

آنان می‌خواهند با ریختن بم و آواره کردن اهالی و ویران کردن خانه‌ها، و شکنجه و تعذیب ده‌ها هزار مردم و اهالی بی‌گناه در زندان‌های مخوف و وحشیانه و ظلم و تجاوز، اراده‌ی این ملت مقاوم را درهم بشکنند، و صدای حق‌طلبی و ایستادگی مردم فلسطین، به ویژه مردم غزه را خاموش سازند. اما نمی‌دانند که ایمان به خدا، با هیچ

۱- الأنفال/ ۳۶.

سلاحی خاموش نمی‌شود. دشمن اکنون دریافته است که سرانجام آنها فروپاشی اسرائیل و اخراج آن از سرزمین مقدس است.

بنابر این، زمانی که در اعماق وجود آن‌ها قناعت به شکست شکل بگیرد، پس از آن از ادامه‌ی این جنگ روی بر می‌گردانند و زمان آن فرا رسیده است. و ذلك بأن الله علی نصر اولیاءه لقدیر

جنگ غزه یاد آور صحنه‌های از بدر و احد و حنین و احزاب می باشد که در تاریخ اسلام شهرت دارند و در عصر حاضر کسی چنین نبردی را به خاطر نمی آورد که قلمرو کوچک همانند غزه در برابر ارتش مدرن و توسعه یافته و اسلحه و امکانات پیشرفته و حمایت و همکاری مطلق نظامی، استخباراتی، سیاسی، رسانه ای بزرگترین قدرت های جهانی مقاومت نموده و در برابر حملات دو ساله زمینی، هوایی، بحری، و استخباراتی به صورت دوام دار و بدون وقفه بایستد! و هنوز هم جانب مقابل منتظر شرط های مقاومت در برابر پیشنهادات شان می باشد.

جنگ غزه از جنگ هایی است که میان دو جناح متخاصم از لحاظ ادوات نظامی و امکانات و وسایل جنگی در هیچ مورد قابل مقایسه نیست، اما مجاهدان آن با وجود همه محرومیت های مادی و امکانات ناچیز شکست را نمی شناسند و تسلیم شدن در قاموس آنها وجود ندارد، با امکانات بسیار اندک و ناچیز مادی و اسلحه ساخته دست خود شان و با ایمان قوی و راسخ و اطمینان کامل به نصرت الهی و عشق به دین و آرزوی شهادت، مردانه وار کارنامه هایی را از خود نشان داده و می دهند که در طول تاریخ بشر نمونه آن شهامت و قهرمانی و رشادت دیده نشده و تاریخ به یاد ندارد، طوری که یک مجاهد از مسافه صفر بم را در زیر تانک دشمن جابه جا می نماید و به محل اختفای خویش پنهان شده و ان را انفجار می دهد.

مقاومتی که از آغاز انتفاضه تا اکنون و در مدت زمان ۷۰ سال بهترین فرزندان و فرزاتگان و رهبران خود را از دست داده است و بالأخص در دو سال اخیر طوفان الاقصی که بیشترین تلفات را از ناحیه قیادت و رهبری متحمل گردیده و بهترین قیادت هایش شهید گردیده اند، مانند: اسماعیل هنیه، شیخ عوراری، محمد ضیف، یحی سنوار، محمد سنوار و صد ها و ده ها هزار شهید گمنام و صد ها هزار زخمی و معلول را تقدیم نموده اند، اما باز هم با قامت استوار به مقاومت خویش ادامه داده و

با صدای رسا در مقابل دشمن زبون و فرزندان خنزیر (نه) می گویند و شرط های آنها را نپذیرفته و به اصول خویش ثابت مانده به هیچگونه سازشی تن نداده و هنوز هم مردانه وار می جنگند.

جاداشت که از جان فشانی، قربانی، فداکاری و شهامت این راد مردان تاریخ همهٔ عرب ها و همه مسلمانان تمجید به عمل آورده و شادباش می گفتند و خود را ممنون احسان آنها می دانستند و کارنامه های ماندگار و تاریخ ساز آنها را آفرین گفته و مورد ستایش قرار می دادند، برعکس، متأسفانه مجاهدان را به این و آن نسبت داده و به اتهام های ناروا و نا بجا آنها را متهم می کنند.

غزه درس ثبات، استقامت و پایداری برای جهانیان می دهد و پیام می دهد که عزم آهنین و ایستادگی و ایمان راستین چیزی است که فولاد هم نمی تواند آن را از پای در آورد و این حقیقت را در میدان جنگ به اثبات رسانیده اند که در ایمان داری، صداقت و انسانیت و اخلاص بی نظیر اند، ملتی که تنها با ایمان خویش می جنگند و تنها به الله متعال تکیه می کنند و به معنی واقعی کلمه تنها از الله متعال کمک و استعانت می جویند و تنها بخاطر الله متعال می جنگند.

از این گفتار نتیجهٔ که به دست می آید این است که :

جنایات هولناک و وحشتناک رژیم صهیونیستی در غزه، نمایان گر سقوط حتمی ایست که رژیم جنایتکار و حامیان اش در انتظار آن می باشند، این جنگ شاید آخرین نبرد بین مجاهدان فلسطینی و رژیم وحشی اسرائیل باشد، حتی گفته می شود که نتنهاو آخرین صدراعظم این رژیم قبل از سقوط و اضمحلال خواهد بود و واقعیت های عینی و تاریخی و قرآنی این را می رساند که آن روز رسیدنی و نزدیک است و این حقیقت را رهبران و سیاسیون و کارشناسان غربی و حتی اسرائیلی به گونهٔ غیر رسمی اظهار داشته اند که این رژیم با این جنایات اش می خواهد کمی عمر ننگین خویش را اضافه ترسازد و بالاخره روز پایانی آن فراخواهد رسید و بشریت از شرارت پیشگی و جنایات این نوادگان بوزینه نجات خواهد یافت.

رسوایی بیش از حد سران و رهبران کشور های عربی و وابستگی خطرناک آنها به غرب و امریکا که حتی به منظور خوش خدمتی به باداران غربی شان در خفا با دشمن همکاری نموده و برعلیه مقاومت به حمایت مادی و معنوی از دشمن شتافتند، همان

گونه که وزیر خارجه ی رژیم اشغالگر می گوید: «اگر بخواهد می تواند با تلفن همراه خود حاکمان عرب را رسوا کند زیرا آن ها همان کسانی هستند که می خواهند مقاومت اسلامی حماس را نابود کنند، امارات با پول و تجهیزات از اسرائیل حمایت می کند عربستان و مصر نیز در خفا همین کار را می کنند، مصر تونل ها را تخریب کرد تا مجاهدان را خفه کند و به دشمن فرصت بدهد تا آنان را نابود کند.»^۱

فریاد های بی پاسخ مادران و طفلکان غزه

سرزمین غزه و ساکنان آن هر لحظه مرگی را استقبال می کنند و رنج و درد تازه را تجربه می نمایند، گویا که این رنج ها پایانی ندارد. دروازه امید به کلی بسته شده است و جز دروازه رحمت الهی همه دروازه های دیگر مسدود اند.

مادران شجاع و مقاوم غزه که در اوج جنگ و ظلم و وحشت، فرزندان شان را با عشق و محبت الهی بزرگ می کنند، در سایه ترس و هراس برای شان از جهاد و مبارزه و خون و شهادت قصه ها می گویند، با وجود دغدغه جنگ و خون، از تربیت سالم و تعلیم فرزندان شان غافل نشده آنها را به مدرسه می فرستند، و در دشوارترین لحظات مسؤلیت خود را در قبال فرزندان شان به خوبی اداء می کنند. آن ها به اساس طبیعت بشری با از دست دادن فرزندان شان، اشک می ریزند، اما در دل شان نوری از امید و ایستادگی و مقاومت و آزادگی حریت روشن است. آنها تنها مسؤلیت شیردهی و رسیدگی به خورد و نوش فرزندان شان را ندارند و تنها به آن نمی اندیشند، بلکه در پهلوی تربیت مادی و جسمانی به تربیت معنوی و روحانی آنها نیز توجه دارند، که آنها را با روحیه صبر و استقامت، ایمانداري و تقوی، شجاعت و قربانی در راه الله متعال و تحقق اهداف بزرگ حاکمیت دین الهی و مبارزه و جهاد در برابر طواغیت جهان تربیت می کنند. مادران داغ دیده ی که هر کدام از ایشان روایتی از شجاعت بی نام و

^۱ - از قسام و غزه آموختم، محمد فتوح احمد، مترجم: عبدالخالق احسان، هرات انتشارات قدس، چاپ اول، بهار سال ۱۴۰۴ ص ۵.

نشانی است که صدای شان شاید در جهان گم شود، اما در تاریخ ثبت خواهد شد و فراموش نخواهد گردید.

مادران داغ دیده‌ی که هر روز با عزیزان و جگرگوشه‌های ناز پرورده‌شان وداع می‌کنند و اشک خوشحالی از چشمان‌شان جاری است، زیرا شهیدی را در راه دفاع از مقدسات و برای کسب خوشنودی الله متعال و کسب شفاعت روز آخرت تقدیم نموده‌اند. مادران و زنانی که پاره‌های قلب خویش را به آغوش خاک می‌سپارند و به جای شکوه و شکایت، حمد و ثنای پروردگار را به جا می‌آزند و (الحمد لله) می‌گویند و خیلی خوشحال می‌شوند که عزیزان‌شان را در راه خدا فدا نموده و شهیدانی را به درگاه الله متعال نذرانه می‌نمایند و به آن مباحثات و افتخار می‌کنند، روحیه‌ی خود را از دست نداده و به ثبات و پایداری‌شان ادامه می‌دهند.

با وجود آنکه امیدی برای زنده ماندن وجود ندارد و هر لحظه با مرگ روبرو اند، باز هم اشک شادی از چشمان‌شان جاری است، چونکه امید خود را از رحمت الهی و پاداش عظیم صابرين از دست نداده‌اند. بلکه امیدواری آنها به نصرت الهی هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. با وجود آنکه صد ها تن روزانه به شهادت می‌رسند، به همان مقیاس ایمان‌های شان با گذشت هر روز قوی تر می‌شود و شاخ و برگ می‌کشد و استوار تر و مقاوم تر می‌گردد.

اما آه و ناله‌ی هر مادر درد دیده و هر پدر رنج کشیده و آه و فریاد زنان و مردان بی‌گناه غزه‌سندی است گویا بر ناتوانی مسلمانان هم کیش و هم تبار ایشان و حتی است بر علیه جامعه‌ی بشری و جهانی که در حفظ ابتدایی ترین حقوق انسانی مردم مظلوم و بی‌دفاع غزه کاری نکرده و از آن عاجز مانده‌اند.

و همه لکه‌ی عار و ننگ است در جبین رهبران خاین و جبان کشورهای عربی و اسلامی که توانایی هرکاری را دارند اما کاری نمی‌کنند و سکوت مرگبار را اختیار نموده‌تن به ذلت داده‌اند، سکوتی که دردناک تر از درد گرسنگی است و تاریخ آن را فراموش نخواهد کرد.

این همه درد ها و رنج ها و فشار های طاقت فرسا که اگر بالای مقتدر ترین و بزرگترین کشورهای دنیا وارد می‌شد، بدون شک که در اندک ترین فرصت به شکست تن داده و تسلیم می‌شد، اما همه‌ی این فشار ها نتوانست مقاومت مردم غزه و

مجاهدان آن را به شکست مواجه سازد، چون غزه چون ستونی استوار و قامت بر افراشته به مقاومت ادامه می دهد.

در حال حاضر و شرایط کنونی اگر مسلمانان برای نجات برادران و خواهران مظلوم غزه کاری نمی توانند، حد اقل از دعای شان آنها را فراموش نکنند، زیرا دعا قوی ترین اسلحه در اختیار مسلمان است که می شود با آن در جهان تغییر را رقم زد و تقدیر الهی را تغییر داد، ممکن است در یک مقطع زمانی خاص، دعایی برخاسته از قلبی پاک و بی آرایش به درگاه الهی مقبول افتد و یک سره همه چیز به یک بارگی متحول شود.

بی تفاوتی و خذلان امت اسلامی و کشور های عربی نسبت به غزه

مجاهدان غزه عزیز و حماس که به نمایندگی از دو میلیارد مسلمان در مقابل بزرگترین دشمن بشریت به تنهایی می جنگند و سخت ترین و طاقت فرسا ترین فشار ها و سختی ها را متحمل می شوند و بدون شکوه و شکایت به نبرد نابرابر در مقابل صهیونزم جهانی قرار دارند، این وضعیت ایجاب می کرد که حد اقل همه انسان های آزادی خواه جهان و بالأخص امت اسلامی بدون استثناء از مردم غزه و مجاهدان آن سپاسگزاری و قدردانی نموده و آن ها را مورد ستایش و شادباش قرار می دادند و در مقابل بزرگ ترین قربانی ای که در راه اسلام و حفاظت از شرف و عزت امت و نجات بشریت از شر فرزندان بوزینه متقبل شده اند، خود را مدیون احسان آن ها قرار می دادند؛ اما با تأسف که چنین چیزی نشد، بلکه بد تر از همه این که توسط مستی از شیوخ و علمای درباری و مزدور استعمار مورد تقبیح و تنفر قرار گرفته و حتی برخی از این شیوخ دجال صفت، حماس و اخوان را ضال و مضل و خارج از اهل سنت و جماعت و حتی خارج از ملت اسلام معرفی نموده اند. حسبنا الله و نعم الوکیل!

یک مطلب زیبایی که دانشمند مبارز و نویسنده آگاه عربی ادهم شرقاوی در این مورد تحت عنوان: (غزه از شما معذرت می خواهد) نوشته و جناب احمد الله مهاجر آن را به زبان دری برگردانیده اند و با این موضوع همخوانی دارد، نقل می کنیم:

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ چرا که می‌پنداشت امتی سترگ پشت سرش ایستاده است، امتی که چون غزه تیر هایش را از ترکش بیرون کشد و در قلب دشمن بنشانند، او نیز با همه توان پشتیبانش خواهد بود. اما اکنون دریافته است که تیر های درون ترکستان تنها برای نمایش های نظامی است! پس عذر او را بپذیرید و او را به خاطر حسن ظنش به شما ببخشید.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ گمان برده بود اگر او را در میدان نبرد تنها بگذارید، لا اقل از مردم و رزمندگانش ستایش خواهید کرد. مگر به زودی دریافت که همچون یوسف پیامبر (علیه السلام)، از گرگ ایمن ماند؛ اما از برادرانش آسیب دید. رسانه هایی چون «العربیه» برای خشنودی نتانیا هو، او را بی رحمانه دریده اند و «اسکای نیوز» به خاطر رضایت کابینه دشمن، مجاهدانش را به باد تهمت گرفته است. پس معذرت او را بپذیرید و او را به خاطر گمان نیکش به شما ببخشید.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ می‌پنداشت که لا اقل در روز های سوگواری اش، حرمت ماتمش را پاس خواهید داشت. هرگز در خیالش نمی‌گنجید که برخی از شما در حالی شادی می‌کنند که تابوت های شهیدانش یک به یک تشییع می‌شوند! پس معذرت او را بپذیرید و او را به خاطر این پندار که هنوز عضوی از پیکر واحد امت اسلامی است، عفو کنید؛ پنداری که باور داشت اگر زخمی شود، شما نیز با تب و بی‌خوابی همراه او خواهید بود.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ گمان می‌برد اگر در ارسال سلاح به او مضایقه کنید، دست کم لقمه نانی از او دریغ نخواهید کرد. بر این باور بود که شما آن قدر مهر دارید که او را میان گرسنگی و مرگ تنها نگذارید.

پس معذرت او را بپذیرید و او را ببخشایید که چنین پنداشته بود شما همان امتی هستید که خلیفه‌اش گفت: «گندم بر قله های کوه ها بپاشید تا مبادا پرنده ای در سرزمین های اسلامی گرسنه بماند.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ تصور داشت اگر در صف او نایستید، حد اقل میان او و دشمنش بی‌طرف خواهید ماند. اما دریافت که راه های امداد به دشمنش باز ماند، همان‌گونه که راه های نان و غذا بر او بسته شد. پس معذرت او را بپذیرید و او را ببخشایید که گمان برد شما در برابر دشمن او خواهید ایستاد، نه در کنار او.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ باور داشت اگر کودکان لرزانش را در خیمه های سرد ببینید، دنیا را زیر و رو خواهید کرد. او فکر می‌کرد شما داستان عمر بن خطاب را شنیده اید که وقتی کودکان گریان را کنار دیگ های پر از سنگ دید، شب را تا سحر بی‌خواب ماند. پس معذرت او را بپذیرید و او را به خاطر این امیدش که شما نیز در رنج کودکانش شریک خواهید شد، عفو کنید.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ می‌پنداشت که اگر زنانش را ببینید که تکه تکه از زیر آوار بیرون کشیده می‌شوند، غیرت تان شعله ور خواهد شد. او فکر می‌کرد شما هنوز همان عرب هایی هستید که همه چیز را می‌بخشند جز ناموس شان و باور داشت که شرف او، شرف شماست. پس معذرت او را بپذیرید و او را به خاطر این باور که هنوز نشانی از معتصم در شما باقی است، ببخشید؛ معتصمی که به خاطر داد خواهی یک زن، لشکری عظیم به میدان آورد.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ تصور داشت اگر مساجدش ویران شوند، غیرت دینی شما شعله ور خواهد شد و خواهید گفت: «هر چیزی جز خانه های خدا!» اما اکنون دریافته است که کسی که از دیدن خون کودکانش تکان نمی‌خورد، با تخریب کعبه نیز برنخواهد آشفست. پس معذرت او را بپذیرید و او را به خاطر این تصور که مساجد نزد شما حرمت دارند، عفو کنید.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ گمان داشت اگر زنانش فریاد بزنند: «ما را رها کردند، ای رسول خدا! شفاعت شان را نپذیر»، شما تا صبح آرام نخواهید گرفت و برای یاری او به پا خواهید خاست، از بیم آن که پیامبر فردا بپرسد: برای غزه چه کردید؟ اما غزه دریافته که امر او برای شما جز در بیانیه های سرد محکومیت و پست های بی‌جان فضای مجازی، اهمیتی ندارد.

غزه از شما معذرت می‌خواهد؛ او بر شما گمان نیک برد، اما به تلخی دریافت که «برخی گمان ها گناه است!»¹

¹ - <https://www.facebook.com/hdy.al.mdh.2025/posts>.

غزه‌ی رسوا کننده

غزه محکی است برای تفکیک مؤمنان از منافقان، میان حق و باطل، مجاهد و بازنشسته از جهاد با عذرهای واهی و دور از واقعیت. درست همان گونه که در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگامی که جهاد فرض گردید، میان منافقان و مخلصان تفکیک به عمل آمد، مخلصان بدون تردید و معطلی به ندای جهاد لبیک گفته به صفوف مجاهدان پیوستند و منافقان در صدد بهانه‌های واهی شدند و الله متعال در مورد پیروزی حق و نابودی باطل و تصفیه صفوف مجاهدان و رسوایی منافقان ارشاد فرمود:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾. ۱ و (از جهاد در راه خدا به سبب آنچه بر سرتان می‌آید) سست و زبون نشوید و (برای کشتگانتان) غمگین و افسرده نگردید، و شما (با تأییدات خداوندی و قوه ایمان راستین و نیروی حقی که از آن دفاع می‌کنید) برتر (از دیگران) هستید (و پیروزی و بهروزی از آن شما است) اگر که به راستی مؤمن باشید (و بر ایمان دوام داشته باشید). اگر به شما (در جنگ احد) جراحی رسیده است (و به جانتان گزند و به دارائی‌تان زبانی وارد آمده است، نگران و پریشان نشوید) به آن جمعیت نیز (در جنگ بدر) جراحی همانند آن رسیده است، و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم دست به دست می‌گردانیم (و گاهی بهره اینان و گاهی نصیب آنان می‌نمائیم) تا ثابت‌قدمان بر ایمان را (از سائرین) جدا سازد و مؤمنان شناخته شوند و خداوند از میان شما قربانیانی برگیرد و افتخار شهادت نصیب شان گرداند. و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. و تا این که خداوند مؤمنان را سره و خالص گرداند و کافران را نابود و تباه سازد. «لِيُمَحِّصَ»: تا سره و خالص شان گرداند. تا از هر عیبی پاک شان دارد. «يَمْحَقَ»: هلاک و تباه کند.

جنگ غزه در عصر حاضر نه تنها حاکمان فروماپه و مزدور عرب و سران و رهبران کشور های به ظاهر اسلامی را رسوا کرد؛ بلکه چهره واقعی غرب و رهبران کشور های به ظاهر متمدن و پیشرفته غربی آمریکایی و اروپایی را نیز برملا ساخت، و واضح

گردید که این ادعاهای واهی حقوق بشر و حقوق زن و حقوق طفل و.... همه فریب و خدعه و نیرنگ و دامی برای به در بند کشیدن و به اسارت در آوردن کشور های مستعمره در حلقه استعمار غربی بوده و حقیقت ندارد، و صرف در مواردی مصداق پیدا می کند که منافع استعماری و طاغوتی آنها مطرح بوده و اهداف و منافع مادی و سیاسی آنها را تأمین کند. همین سران کشور های غربی کنونی کسانی اند که از یک طرف ادعای حفاظت از حقوق بشر، حقوق کودکان و زنان، حتی حیوانات و نباتات را نیز یدک می کشند، از جانب دیگر، حامیان اصلی قتل عام مردم غزه و محاصره شدید آن سرزمین توسط رژیم غاصب اسرائیل اند و با حمایت آنها روزانه صد ها تن به شهادت می رسند و ده ها طفل از گرسنگی و محاصره اقتصادی می میرند.

جنگ غزه داغی بر جبین شیوخ و به نام علمای درباری و مزد بگیر حاکمان طاغوت صفت و فرعون پیشه گذاشت، کسانی که ادعای رهبری جهان اسلام را می کردند، اما عملکرد زشت و ناپسند شان، همه را متحیر کرد و حتی روی شیطان و ابلیس را در خباثت و شناعت و دشمنی با اسلام و اهل آن سفید گردانید. کسانی که از قتل عام و کشتار کودکان و زنان غزه در پشت پرده و حتی در مواردی آشکارا حمایت کردند و علمای حقانی و دعوتگران راه حق و دانشگاهیان و نخبگان سرزمین خویش را روانه زندان ها کرده و یا به اعدام سوق دادند و حتی دانشگاه ها را به خاطر حمایت از غزه و مردم فلسطین مورد حمله و هجوم ددمنشانه قرار دادند. کاری که نمود و فرعون از انجام آن عاجز بودند، همه ارزش های دینی و اسلامی را لگدمال کردند و در برابر مقدسات توهین را روا داشتند، اوباش ها و فاسقان و اهل فجور را رشد داده و حمایت کردند و دعوتگران و عالمان دینی را به زندان افکندند. حسبنالله و نعم الوکیل

مجاهدان غزه قصر نشینان و درباریان و حکام و زعمای عرب و عجم را رسوا کردند و نقاب را از چهره مسلمان نما هایی که مردم فریب ریش های دراز و سجاده و تسبیح و موعظه های آتشین آنها را خورده بودند، دور کرد و چهره واقعی آنها را نمایان ساخت.

ثبات و پایداری مردم غزه وجدان و غیرت و مردانگی میلیارد ها انسان را به چالش کشید که بیشتر آنها در حال تماشای فاجعه فلسطین بوده اند و هیچ عکس

العملی از خود نشان ندادند، آنگاه که قتل عام مردم فلسطین را به بدترین و فجیعترین شکل آن مشاهده می کنند و هنوز هم وجدان های شان بیدار نگردیده است. تاریخ شاید کمتر به یاد داشته باشد که ملتی به صورت دسته جمعی از اثر گرسنگی تحمیلی بمیرد و همه جهان شاهد صحنه جان دادن آنها باشد و زنان و اطفال و مردان به جرم تلاش برای به دست آوردن یک لقمه نان کشته شوند و مورد اصابت گلوله قرار گیرند و عاملان آن حتی مورد مذمت هم قرار نگیرند.

در نشریه (روایت حماس از ضد حمله طوفان اقصی) آمده است: امریکا و متحدان غربی اش از زمان تأسیس اسرائیل به عنوان یک دولت فراتر از قانون، با آن تعامل کرده است و پوشش حمایتی لازم را برای ادامه اشغالگری، سرکوب ملت فلسطین، مصادره سرزمین، مقدسات و واداشتن آن ها به ترک وطن شان فراهم می کنند و با وجود اینکه سازمان ملل و نهاد های وابسته به آن، بیش از ۹۰۰ قطعنامه را طی ۷۵ سال گذشته به نفع ملت فلسطین صادر کرده اند، اما اسرائیل حاضر به اجرای هیچ یک از این قطعنامه ها نشده و وتوی آمریکا و غرب همیشه علیه هرگونه تلاشی جهت ملزم کردن اسرائیل به اجرای این قطعنامه ها یا محکومیت شیوه رفتار این رژیم آماده به کار گیری بوده است، بنابر این این کشور ها در جنایات بی پایان اشغالگران صهیونیست و ادامه رنج و محنت های ملت فلسطین شریک و همدست هستند.

حتی در رابطه با مسیر سازش مسالمت آمیز نیز به رغم معاهده اسلو در سال ۱۹۹۳م با سازمان آزادی بخش فلسطین که فرض بر این بود زمینه ساز تشکیل کشور مستقل فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه شود، اما اسرائیل عملاً هرگونه امکان تشکیل کشور فلسطین را از طریق توسعه شهرک سازی و یهودی سازی در کرانه باختری به ویژه در قدس شرقی از بین برده است و حامیان مسیر سازش پس از ۲۲سال تلاش دریافته اند که به بن بست رسیدند و این مسیر نتایج فاجعه باری برای قضیه فلسطین به همراه داشته است. مسئولان اسرائیلی مخالفت قطعی خود را با تشکیل کشور فلسطین اعلام کردند و یک ماه قبل از طوفان الأقصی، بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در سخنرانی خود در سازمان ملل در ماه سپتامبر ۲۰۲۳م نقشه های از سراسر فلسطین تاریخی از جمله کرانه باختری و نوار غزه را به نمایش گذاشت که کل این نقشه به یک رنگ بود و روی آن اسم اسرائیل نوشته شده بود و دنیا در حالی که

شاهد تکبر اسرائیل، مصادره اراده جامعه بین الملل، نادیده گرفتن حقوق ملت فلسطینیان در سرزمین و مقدسات و حق تعیین سرنوشت آن بود، سکوت کرد و تکان نخورد.^۱

فرانچسکا آلبانیز، گزارشگر ویژه سازمان ملل، نام بیش از ۶۰ کشور شریک جرم در نسل‌کشی غزه را فاش کرد، وی در اوایل امسال به دلیل افشای نام شرکت‌هایی که از نسل‌کشی سود می‌برند، از سوی ایالات متحده تحریم شد. وی در ۲۸ اکتبر ۲۰۲۵ م به مجمع عمومی سازمان ملل گفت که ۶۳ کشور، از جمله کشور‌های کلیدی غربی و عربی، «ماشین نسل‌کشی اسرائیل» را در غزه تقویت کرده یا در آن شریک بوده‌اند. آلبانیز گزارش ۲۴ صفحه‌ای خود را تحت عنوان «نسل‌کشی غزه، یک جنایت جمعی» ارائه داد، که به گفته او مستند می‌کند که چگونه دولت‌ها تل‌آبیب را مسلح، تأمین مالی و از نظر سیاسی محافظت کردند، در حالی که مردم غزه بیش از دو سال زیر «بمباران، قحطی و نابودی» قرار داشتند. یافته‌های او، ایالات متحده را در مرکز اقتصاد جنگی اسرائیل قرار می‌دهد، که دو سوم واردات سلاح آن را به خود اختصاص می‌دهد و با هفت بار وتو در شورای امنیت سازمان ملل، پوشش دیپلماتیک فراهم می‌کند. این گزارش به آلمان، بریتانیا و تعدادی دیگر از قدرت‌های اروپایی به دلیل ادامه انتقال سلاح «حتی با وجود افزایش شواهد نسل‌کشی» اشاره کرد و اتحادیه اروپایی را به خاطر تحریم روسیه به دلیل جنگ در اوکراین، در حالی که هم‌چنان شریک تجاری اصلی اسرائیل است، محکوم کرد.

آلبانیز قدرت‌های جهانی را متهم کرد که «به آپارتاید نظامی اسرائیل را تثبیت و از آن محافظت کرده‌اند» و بدین ترتیب به پروژه استعماری-شهرک‌نشی آن اجازه داده‌اند تا «به نسل‌کشی - جنایت نهایی علیه جمعیت بومی فلسطین - تبدیل شود». این گزارش هم‌چنین به هم‌دستی کشور‌های عربی، از جمله امارات متحده عربی، مصر، بحرین و مراکش، که روابط خود را با تل‌آبیب عادی کردند، اشاره کرد. وی یاد آور شد که مصر «روابط امنیتی و اقتصادی قابل توجهی با اسرائیل، از جمله

^۱ - روایت حماس از ضد حمله طوفان اقصی، مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، ترجمه: مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، طراحی و نشر: مرکز مطالعات شاخه زیتون، زمستان ۱۴۰۲ ش، ۴/.

همکاری در زمینه انرژی و بستن گذرگاه رفح» حفظ کرده و محاصره آخرین مسیر رسیدن کمک بشردوستانه به غزه را تشدید کرده است.

آلبانیز هشدار داد که نظام بین‌المللی اکنون «در لبه تیغ، بین فروپاشی حاکمیت قانون و امید به نوسازی» قرار دارد و از کشورها خواست تا تمام توافقات نظامی و تجاری خود را با تل آویو به حال تعلیق درآورند و «چارچوبی واقعی از حقوق و کرامت، نه برای عده‌ای اندک، بلکه برای بسیاری از مردم» ایجاد کنند. ارائه گزارش وی باعث خشم دنی دانون، نماینده اسرائیل، شد که او را «جادوگر شرور» نامید. فرانچسکا در پاسخ گفت: «اگر بدترین چیزی که می‌توانید مرا به آن متهم کنید جادوگری است، آن را می‌پذیرم. اما اگر قدرت طلسم کردن داشتیم، از آن برای متوقف کردن شما برای همیشه و اطمینان از این که مسؤولان پشت میله‌های زندان قرار می‌گیرند، استفاده می‌کردم.» کارشناسان حقوق بشر این گزارش را شدیدترین کیفر خواست سازمان ملل متحد علیه نسل‌کشی مداوم اسرائیل در غزه توصیف کردند.

آلبانیز پیش‌تر در ماه جون پس از انتشار گزارشی که شرکت‌های غربی را به خاطر سود بردن از نسل‌کشی اسرائیل در غزه افشاء می‌کرد، از سوی آمریکا تحریم شده بود. گزارش ۲۷ صفحه‌ای مزبور، با عنوان «از اقتصاد اشغال تا اقتصاد نسل‌کشی»، بیش از ۶۰ شرکت، از جمله لاکهید مارتین، کاترپیلار، مایکروسافت، پالانتیر و هیوندای را به دلیل کمک و سود بردن از شهرک‌سازی‌ها و عملیات نظامی اسرائیل نام برد و خواستار پیگرد قانونی آن‌ها در دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) شد. مارکو رویو، وزیر امور خارجه آمریکا، آلبانیز را به راه‌اندازی «کارزار جنگ سیاسی و اقتصادی علیه ایالات متحده و اسرائیل» متهم کرد و این تحریم‌ها را بخشی از تلاش واشنگتن برای مقابله با آنچه او «جنگ حقوقی» نامید، اعلام کرد. این اقدام با محکومیت شدید مقامات سازمان ملل و گروه‌های حقوق بشری مواجه شد که هشدار دادند این اقدام، ساز و کارهای پاسخگویی جهانی را به خطر می‌اندازد.^۱

^۱ Francesca Albanese Gaza Genocide: a collective crime Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR).

ادامه این جنایات از جانب رهبران غربی و بنیان گذاران رژیم صهیونیستی چیزی غریب نیست، آنچه مایه شرمساری و ننگ می باشد، همکاری سران کشور های عربی و مسلمان به این جنایات است که با این کار شان همه اصول و اساسات دینی، عقیدتی، انسانی، اسلامی و روابط همجواری و همزیستی مسالمت آمیز را زیر پا نموده اند و به آن ادامه می دهند و با سکوت ننگین خویش در قبال مظلومیت مردم غزه و جنایات صهیونیست ها، تاریخ را شرمسار کردند. چون این نوع سکوت در برابر این فاجعه ی انسانی سکوت نه، بلکه شرمساری و حقارت و زیر پا کردن زیور انسانیت است که دارد از بین می رود، همان گونه که اسلامیت را قبلا دفن کرده بودند. اما با وجود این همه! حقیقت و واقعیت هیچ گاه نابود نخواهد شد، روزی فرا خواهد رسید که مقاومت شجاعانه مردم غزه و حماس، در نهایت امر، حمایت همه آزادگان جهان و مردم دنیا را کسب نماید و همه هم دل و همراه ایشان خواهد گردید. و بت های پوشالی آمریکا، اسرائیل و مزدور های شان توسط مجاهدان درهم شکسته و نابود خواهد شد. و ماذلک علی الله بعزیز.

بخش پنجم

خطر صهیونیسم بر جهان

صهیونیسم عبارت از جنبشی سیاسی ایست که در اواخر قرن نوزدهم با هدف برپایی «میهن ملی یهودیان» در فلسطین شکل گرفت. و نو آوری های را در تعالیم یهودیت به میان آورد، از جمله:

دین یهود را با سیاست توسعه طلبانه در آمیخت و به اشغال سرزمین، رنگ و لباس دینی بخشید و این که «بازگشت مسیح موعود» تنها پس از برپایی «دولت بزرگ اسرائیل» تحقق می‌یابد. ۱

بعد از ایجاد موج یهود ستیزی در جهان، در اواخر قرن نوزدهم میلادی، جنبش (صهیونیسم) که صورت ملت پرستانه و متعصبانه یهود است، توسط (تئودور هرتزل) مجارستانی به میان آمد، وی معتقد بود که تنها راه نجات یهودیان از اذیت و آزار دایمی، ایجاد دولت یهودی است؛ وی اولین کنگره جهانی صهیونیست ها را در سال ۱۸۹۷ در شهر (بازل) سویس برگزار کرد. بعد از تجزیه خلافت اسلامی و افتادن فلسطین بدست انگلیس، دولت انگلیس اعلامیه (بالفور) را صادر کرد و بر اساس آن، بنای دولت جدید یهودی در فلسطین گذاشته شد و خواهان ایجاد یک کشور یهودی وسیع در منطقه شرق میانه شد، که ساحه قلمرو آن از [نیل تا فرات] می باشد. (۳)

دولت صهیونیستی بنام (اسرائیل)، طبق نظریه صهیونیسم (جنبش یهودی برای بوجود آوردن جامعه و کشور خود مختار یهودی در فلسطین) ایجاد گردید. اشغال کشور فلسطین بشمول بیت المقدس قبله اول مسلمانان توسط یهود و ایجاد دولت صهیونیستی در قلب عالم اسلامی و حمایت بی دریغ غرب بخصوص ایالات متحده امریکا از ظلم و بیداد اسرائیل بالای مردم مسلمان و مظلوم فلسطین، و موافق خصمانه او در مقابل جهان اسلام، نمونه آشکار از دشمنی صهیونیست ها و حامیان غربی آن با مسلمانان در عصر حاضر است که به دشمنی و تجاوز بر علیه امت اسلامی و بالاخص مردم فلسطین

۱ - همان.

۲ - داریوش آشوری، دانشنامه سیاسی، چاپ شانزدهم، سال: ۱۳۷۸، کتابخانه ملی ایران، صفحه: ۲۲۶.

ادامه داده و باگذشت هر روز کسب شدت نموده و در این اواخر به اوج خود رسیده است، که نمایانگر خطر صهیونیسم و دشمنی آن با اسلام و مسلمانان و همه بشریت می باشد.

یهودیان گمان می کنند که آنها در سرزمین فلسطین صاحبان حق بوده و فلسطین متعلق به آنها است که این ادعای ایشان هیچ گونه سند و اعتبار تاریخی، حقوقی و شرعی ندارد و اینک به صورت مختصر پیرامون موضوع مکث می کنیم:

ادعای حق تاریخی یهود در فلسطین

اسکان یهود در سرزمین فلسطین به اساس طرح هرتزل مجارستانی صورت گرفته است؛ وی تلاش های زیاد برای ایجاد وطن دایمی برای یهود در کشور های متعدد، از جمله: سرزمین قبرس، مناطقی در افریقا، امریکای شمالی، موزامبیک، کنگو، ارژنتاین، صحرای سینا و غیره انجام داده بود و تنها بعد از مدتی از تشکیل سازمان صهیونسم، اندیشه سکونت یهود در فلسطین و ایجاد دولت یهودی در آن، مطرح گردید و سایر یهودیان و رهبران صهیونسم به فکر اماکن دیگری بودند و از جمله همکاران وی (مارکس نوردو) و (حاییم و ایزمن) اوگندایی با (هرتزل) در این قضیه با او هم نظر بودند و به سبب عوامل مختلف ایدیولوژیک و اختلافات درونی در این قضیه به موفقیت نرسیدند، تا اینکه هرتزل به این نتیجه رسید که موضوع تشکیل حکومت برای یهود را رنگ دینی دهد و از آن طریق احساسات و عواطف دینی یهودیان را جلب کرده و آنها را قناعت دهد که فلسطین یگانه سرزمینی است که برای رسالت جدید او مناسب است، زیرا یهود برخی پیوند های تاریخی با فلسطین دارد و این طرح وی یک سال بعد از مرگ هرتزل نتیجه داد و در سال ۱۹۵۰م در کنفرانس جهانی یهودیان به تصویب رسید.

از این حقیقت دانسته می شود که یهود وطنی برای سکونت در طول تاریخ نداشته و در آینده نیز نخواهد داشت؛ زیرا الله متعال در حق آنها حکم نموده که باید در روی زمین پراکنده بوده و هیچگاه صاحب وطنی دایمی نباشند و همیشه در زمین پراکنده خواهند بود؛ الله متعال ارشاد می فرماید: ﴿وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا...﴾ ۱. و آنان را در زمین به گروه هائی تقسیم کردیم.

بناءً این ادعای شان مبنی بر داشتن حق در سرزمین فلسطین، دور از حقیقت بوده و در آینده نیز این آرزوی شان مبنی بر ایجاد وطنی دایمی برای یهود در فلسطین و در هیچ سرزمین دیگری، تحقق نخواهد یافت و برای همیشه پراکنده و سرگردان خواهند بود.

استاد محمد صبیح می گوید: « حاکمیت یهود بر بخشی کوچکی از سرزمین فلسطین شش قرن قبل از میلاد مسیح پایان یافته بود، اما آنان پس از ۲۵ قرن و اندی می خواهند آن تاریخ کهن خود را بار دیگر باز گردانند، تاریخی شگفت آور و بازگشتنی شگفت آور!»^۱

خطر صهیونیست ها

صهیونیسم که از تعالیم خطرناک تلمود تغذیه می شود و باور ها و اعتقادات نژاد پرستانه و کینه توزانه نسبت به همه ادیان الهی و وضعی داشته و به این عقیده است که یهود قوم برتر بوده و بالای همه انسانهای غیر یهود دارای امتیازاتی است و به این اساس، تنها با اسلام نه، بلکه با مسیحیت نیز دشمنی وی آشکارا است و تنها برای عرب و مسلمانان نه بلکه برای همه بشریت خطر جدی را متوجه ساخته است.

اینک به بیان دیدگاه های دانشمندان و صاحب نظران مسلمان و غیر مسلمان در مورد خطر این دانه سرطانی می پردازیم تا همگان متوجه این قضیه بوده و با آگاهی در برابر آنها موقف گیری نمایند.

استاد محمد سماک در کتاب (الأصول الأنجیلیة او الصهیونیة المسيحية والموقف الامریکی) مطالب ذیل را نقل نموده است: «یهودیان اجازه دارند علیه مسیحیان و برای ضربه زدن به ایشان به تهمت و شهادت دروغ متوسل شوند زیرا نام یهوه اگر برای سوگند علیه آنان استفاده شود، آلوده نمی گردد.»^۲

بنیامین فرانکلین رئیس جمهور اسبق امریکا در مورد خطر یهود بر امریکا هشدار داده گفته است: «خطری بسیار جدی امروزه کشور ایالات متحده امریکا را تهدید

^۱ - دکتر یوسف قرضاوی، خطر جهانی صهیونیسم، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، انتشارات رسالت، کابل افغانستان/۵۷.

۲- همان/۱۲۱.

می کند من به صراحت به شما می گویم که خطر از جانب مردم و باند ها و جمعیت های یهود است، آنان در هر شهر و دیاری که ساکن شده اند، فضایل و ارزش های اخلاقی را از بین برده اند و در عرصه اقتصادی نیز دست به فساد و تباهی زده اند، آنان مردمی خود خواه هستند و خود را با دیگران قابل مقایسه نمی دانند. وی در ادامه می گوید: «بیش از ۱۷۰۰ سال است که در اندیشه به دست آوردن حق خود هستند و گمان می کنند که از سرزمین اجدادی خود رانده شده اند، حتی اگر فلسطین به ایشان بازگردانیده شود، همه آنان به آنجا نخواهند رفت، زیرا مردمی هرزه و فاسد و خود پرست هستند و به هیچ وجه با یکدیگر کنار نمی آیند، حق آن بود که ایشان با غیر یهودیان از جمله مسیحیان زندگی مسالمت آمیز می داشتند...۱»

وی همچنان می نویسد: «چنانچه ملت امریکا یهود را از این کشور بیرون نکنند فرزندان و نسل های آینده ایشان آنان را در قبر های شان نفرین خواهند کرد؛ از طرفی دیگر یهودیان اگر ده نسل هم در میان ما زندگی کنند باز هیچ گونه ارزش و احترامی برای ارزش های والای مردم امریکا قایل نخواهند شد، زیرا پلنگ نمی تواند پوست خالدار خود را دگرگون کند، اگر به یهود اجازه داده شود از کشور های دیگر به امریکا مهاجرت کنند این خطر بسیار بیشتر و گسترده تر خواهد شد و بر همه سازمان ها و مؤسسات امریکا تسلط پیدا خواهند کرد. بر همین اساس قانون باید ایشان را از این کشور بیرون راند، آنچه در آن بیانیه (بنیامین فرانکلین) رئیس جمهور اسبق امریکا در قرن هجدهم آمده امروز به تمام معنی در مورد یهود واقعیت پیدا کرده امروز یهود بر اقتصاد و سیاست امریکا تسلط پیدا کرده اند و پیشگویی های آن رهبر فقید در مورد خطر یهود برای مردم امریکا امروزه واقعیت پیدا کرده است. ۲»

کشیش (پولس یوحنا مسعد) در کتاب روح وحشیگری در تعالیم صهیونیسم می گوید: «مسلمانان قرآنی دارند که آن را در میان همه ملت ها منتشر می کنند، مسیحیان نیز دارای کتاب انجیل هستند که جهانیان را به آن بشارت می دهند، اما

۱- همان/۱۲۸.

۲- دکتر یوسف قرضاوی، خطر جهانی صهیونیزم، به نقل از القدس الشریف مهندس رایف یوسف

نجم/۳۱-۳۲.

اسرائیلی ها دارای دو کتابند کتاب معروف تورات که به مطالب بخش های سالم و مفید آن عمل نمی کنند و کتاب دیگری به نام تلمود که برای جهانیان نا شناخته است که عملاً آن را بر تورات ترجیح می دهند و مخفیانه آن را تدریس می نمایند در واقع پایه همه مصایب و مشکلات است»^۱.

در سفر تثنیه ۲۰-۱۳-۱۴ آمده است: (بر اسرائیلیان کشتن و آواره کرده یهود به وسیله یکدیگر حرام است، اما اسرائیلیان اجازه دارند و حتی برای شان واجب است بر دیگر ملت ها به ویژه ملت کنعان هجوم برند و برای شان واجب است پس از پیروزی و گرفتن شهر و دیار غیر یهودیان همه مردان بالغ را از دم تیغ بگذرانند و قتل عام کنند و هیچ یک از آنها را باقی نگذارند و همه زنان و کودکان آنان را به بردگی بگیرند و تمامی املاک و دارایی ها و زمین های شان را در اختیار خود درآورند .

در برخی از اسفار تورات آمده است: «از ازل مردم کنعان برای بردگی بنی اسرائیل آفریده شده اند و مردم کنعان در زندگی خود به غیر از خدمت و بندگی یهود نباید به هیچ کار دیگری گمارده شوند و چنانچه از آن خود داری کردند و به دنبال آزادی بودند، بر مردم بنی اسرائیل واجب است که با زور شمشیر آنان را سر جای خود بنشانند بر اساس تعالیم تورات مردم کنعان به خاطر دعای نوح علیه کنعان و نسل های آینده شان به این سرنوشت دچار شده اند»^۲.

سلطان عبدالحمید دوم در پاسخ به پیشنهاد صهیونیست ها برای پرداخت بدهی های دولت عثمانی در برابر واگذاری فلسطین به یهود می گوید: « نمی توانم از یک وجب از خاک فلسطین چشم بپوشم؛ آن از آن امت اسلامی است.»

(آلبرت اینشتین) دانشمند یهودی در نامه ای در سال ۱۹۴۸، هنگام رد پیشنهاد ریاست اسرائیل می گوید: «صهیونیسم اندیشه ای ملی گرایانه و تنگ نظرانه است... که یهودیت اصیل را نمایندگی نمی کند.»

۱- همان/۱۲۷.

۲- دکتر علی عبدالواحد وافی، الاسفار المقدسة لأدیان السابقة علی الاسلام ۳۱/۳۳.

(مصطفی کامل) اندیشمند مصری می گوید: «صهیونیسم جنبشی نژادپرستانه است که می‌خواهد بر ویرانه های عرب ها امپراتوری یهودی بسازد و دین را پوششی برای اهداف سیاسی خود قرار دهد.»

(دیوید شین) روزنامه نگار کانادایی-اسرائیلی می گوید: «صهیونیسم دینی اندیشه ی "جنگ آخرالزمان" را ترویج می کند... این دیوانگی دینی، فلسطین را نابود می سازد.»^۱

واقعیت های عینی و تجربه های عملی نشان می دهد که یهودیت تحریف شده و صهیونیسم دینی در عرصه های گوناگون برای اسلام، مسلمانان و همه جهان بشریت خطر های واقعی را ایجاد کرده و با همه جهان در میادین مختلف درگیر است که به طور کلی می توان آن را در موارد عقیده، سیاست، و در عرصه نظامی خلاصه کرد:

- عقیدتی ادعا های تحریف شده توراتی و باور های باطل نسبت به الله متعال و عقیده نژاد پرستی دینی، مبنی بر برتری قومی یهود بالای سائر انسان های روی زمین.

- سیاسی: تقویه و توسعه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رژیم اشغالگر اسرائیل در منطقه و جهان، که با حمایت بی قید و شرط امریکا از اقدامات غیر قانونی و زورگویانه ای وی، جهان را به خطر کشمکش های سیاسی و بالاخره به جنگ ویرانگر جهانی مواجه ساخته است.

- نظامی: موجودیت پایگاه های امریکا در منطقه شرق میانه و حمایت بی قید و شرط نظامی از جنایات رژیم و ادامه جهاد و مقاومت جاری در سرزمین فلسطین و غزه ی عزت و دست درازی و تجاوز های نظامی رژیم اشغالگر بالای سرزمین های اسلامی در شرق میانه و همه عالم اسلام و تخطی از همه قوانین و میثاق های بین المللی و عرف دیپلماتیک و زیر پا کردن همه منشور های حقوق در همه عرصه های آن می باشد.

۱ - دکتر محمود ملموم، درگیری اسلام با یهودیت و صهیونیسم دینی، به نقل از رساله یهودیت، نوشته محمد ابوزهره. در ادامه مباحثی تحت عنوان: «اسلام به چالش می کشد».

موارد فوق می تواند جهان را به سوی بی ثباتی نظامی و امنیتی سوق داده و زمینه را برای جنگ های خطرناک منطوقی و بین المللی کشانده و امنیت جهانی را تهدید نماید.

رژیم اشغالگر اسرائیل امروز بیشتر از هر زمانی دیگر، چهره واقعی ددمنشانه خود را آشکار ساخته و حقایق از زبان رهبران آن اظهار می گردد (و ماتخفی صدور هم اکبر ..) هنگامی که نتیناهو نخست وزیر رژیم اشغالگر اسرائیل به صراحت اعلام می کند که (احساس می کنم من در یک ماموریت تاریخی و روحانی هستم تا اسرائیل بزرگ را ایجاد کنم).^۱ پلان ها و برنامه های بزرگ و خطرناک صهیونیست ها بالای سرزمین های عرب نشین و همه امت اسلامی را آشکار تر ساخته است، بر اساس منطق برتری طلبی نژادی و قومی یهود از طریق قهر و استعمال نیروی مادی و نظامی استوار بوده و چهره واقعی صهیونیسم جهانی به دور از نقاب های دیپلماتیک را به نمایش می گذارد و کسی که ذره ای از عقل و دانش داشته و از واقعیت های عینی جهان آگاهی داشته باشد، این حقایق برایش مانند روز روشن آشکار و هویدا می باشد. این اظهارات از حقایق خطرناک صهیونیسم جهانی پرده بر می دارد که نتایج ناگوار و خطرناک سیاسی و نظامی و حقوقی را در منطقه و جهان در پی خواهد داشت و می توان به برخی از آن ها در موارد آتی اشاره کرد:

- برنامه غرب و اسرائیل در سرزمین های اسلامی و عربی بسیار بزرگ و خطرناک بوده و به صورت غیر مستقیم به معنای اعلان اشغال بیشترین کشور های خلیج و شمال افریقا می باشد و صدای زنگ خطر را به صدا در آورده است.
- این پیام حاوی حقایقی است که نادیده گرفتن و انکار از آن، با عقل سالم سازگاری ندارد.
- این پیام یک شعار سیاسی و تبلیغاتی نبوده بلکه از پروژه بزرگ صهیونیستی پرده بر می دارد که آتش آن همه شرق میانه و جهان اسلام را در بر خواهد گرفت

^۱ - گزارش رسانه ای رسمی در The Times of Israel تاریخ انتشار 12 August 2022: تیتیر: "Netanyahu says he's on a 'historic and spiritual mission,' endorses vision of 'Greater Israel' محل نشر Jerusalem, Israel: لینک گزارش (منبع اصلی نقل قول)، منتشر شده در (Times of Israel).of Israel

▪ ماهیت نزاع با اسرائیل نزاعی جغرافیایی و یا اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه عمیق تر از همه یک نزاع عقیدوی و تمدنی بوده و موجودیت همه امت اسلامی را زیر سؤال می برد.

▪ اسرائیل یک پروژه غربی نه صرف مادی، بلکه یک بازیگر نیرومند در منطقه شرق میانه است که رویا های صهیونیسم جهانی را در سر می پروراند.

▪ صهیونیسم جهانی یک حرکت تمدنی غربی است که مرز های جغرافیا و تاریخ را بر اساس متون مقدس خود شان تعریف می کند.

▪ غزه در حال حاضر یگانه سنگری است که تا اکنون در برابر این غول نظامی و استخباراتی غربی به نیابت از امت اسلامی در مقابل آن می جنگد و بهترین فرصت تاریخی برای افشای ماهیت اصلی صهیونیسم و رهایی از سلطه صهیونیست ها را برای جهانیان فراهم می کند.

▪ اوج ذلت و ضعف و زبونی سران کشور های عربی بالأخص کشور های عربی ای که نتنهاو از آن سرزمین ها به عنوان جزئی از اسرائیل بزرگ، یاد آوری کرده است، مانند: مصر، سوریه، لبنان، سعودی و اردن که سران این کشور ها تا اکنون در مقابل آن، صرف به تقبیح زبانی اکتفا نموده و عکس العمل دیگری نشان نداده اند و حتی برخی از آنها به گونه ای تحت تأثیر امریکا و اسرائیل قرار گرفته اند که در مقابل این اظهارات خمی بر آبرو نیاورده و سکوت را اختیار نموده اند.

▪ اسرائیل یک روایت توراتی و ایدیولوژیک است که برای تحقق اهداف صهیونیسم جهانی و بقای خویش می جنگد.

▪ نزاع و کشمکش با اسرائیل نزاعی است بر سر بقا، کرامت عزت، هویت و اقتدار امت اسلامی و غزه آخرین سنگر آن می باشد.

اسرائیل طرح استعماری بزرگ غرب در شرق میانه

اسرائیل طرح استعماری ای است که به نفع استعمار غربی در منطقه فعالیت می کند و هدف آن در مجموع، تحت تسخیر درآوردن شرق میانه و تسلط بر همه داشته های مادی و معنوی امت اسلامی است که تفصیل آن را در نکات آتی می توان ذکر کرد:

۱. جلوگیری از شکل‌گیری نهضت و حرکت سیاسی و فکری و تمدنی در عالم اسلامی که برای کسب اقتدار امت اسلامی فعالیت و تلاش می‌کند.
۲. تحت تسخیر درآوردن همه سرزمین‌های اسلامی به منظور دست‌رسی به منابع دست‌ناخورده طبیعی و انرژی‌های نهفته در آن.
۳. این طرح صهیونیستی تنها در صدد غصب و تحت تسخیر درآوردن سرزمین‌ها و اشغال اراضی نیست، بلکه شامل استیصال و مصادرهٔ دین، زبان، فرهنگ، عقیده، تاریخ و تمدن اسلامی است.
۴. جلوگیری از شکل‌گیری اتحاد و انسجام و پیشرفت و انکشاف کشور‌های اسلامی در منطقه و جهان در محور اسلام و سرکوب نمودن هر حرکتی که در این مسیر گام بر می‌دارد، توسط حاکمان خود فروخته کشور‌های به نام اسلامی.
۵. رویا رویی و ستیز با اسلام و مسلمانان با تجاوز بر حریم مقدس مسجد الأقصی قبلهٔ اول مسلمانان، تخریب و حفاری در آن، بنابر روایات ساختگی در منابع دینی توراتی آنان.
۶. مقدمه‌چینی برای طرح توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی در منطقه که شامل بیشترین کشور‌های عربی و اسلامی از قبیل: مصر، اردن، سوریه، لبنان و بخشی از خاک عربستان سعودی می‌شود.
۷. اشغال مکمل سرزمین فلسطین به عنوان سرزمین اجدادی یهود و اخراج عرب‌ها از آن، همان‌گونه که (بن‌گوریون) اولین صدراعظم رژیم گفته بود: «هیچ جایی از فلسطین متعلق به غیر یهودیان نیست، مابه اعراب خواهیم گفت: که از آن‌جا خارج شوید و اگر آنها این کار را نکردند، ما آنان را به زور اخراج خواهیم کرد؛ وضعیت فلسطین تنها با اعمال زور حل و فصل می‌شود.»^۱
۸. ایجاد فاصله و اختلاف میان جوامع اسلامی و کشور‌های منطقه؛ که با عملی ساختن آن برنامه‌های استعماری غرب به خوبی پیاده و تطبیق گردد؛ همان‌گونه که اکنون نتایج ناگوار و ذلت‌بار آن را در جنگ وحشیانه دو ساله در غزه و موقف ذلیلانه و شرم‌آور کشور‌های منطقه و همسایه فلسطین در قبال آن را مشاهده نمودیم.

۱ - دکتر محمد حلیم تنویر، فلسطین در آتش، چاپ اول سال ۱۴۰۴ ه ش، کابل افغانستان/۸۸.

بنابراین، کشور های غربی و در رأس آنها انگلیس و امریکا بنیان گذاران رژیم اسرائیل، در حمایت بدون قید و شرط از آن، اهداف استعماری بزرگی را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه و جهان دنبال می کنند و به همین دلیل از بدو تأسیس این رژیم، امریکا در شورای امنیت ملل متحد با وقاحت تمام و برخلاف همه قوانین و میثاق های بین المللی و موازین و معیار های حقوقی و بشری به صورت مطلق از همه جنایات اسرائیل چشم پوشی نموده و برخلاف منافع و مصالح فلسطینی ها و به نفع اسرائیل از حق وتوی خویش، ده ها بار سوء استفاده نموده که اینک تفصیل آن را مختصراً بیان می کنیم:

ویتوی همیشگی امریکا بر ضد فلسطین

از روز تأسیس این غده سرطانی به نام اسرائیل در قلب عالم اسلام و در خاک پاک فلسطین، امریکا از آن حمایت نموده و همه جنایات و جرایم او را توجیه کرده و رنگ قانونی داده و آن را حق این رژیم دانسته و در شورای امنیت در مقابل هر تصمیمی که به نفع این رژیم اشغالگر نبوده آن را ویتو کرده و از عملی کردن آن جلوگیری به عمل آورده است.

د. تیسیر رجب التیمی در این مورد می نویسد: «ایالات متحده امریکا در شورای امنیت ملل متحد از حق ویتوی خود بر ضد رد تصمیم ترامپ مبنی بر اعلان قدس به حیث پایتخت نظام غاصب اسرائیل، استفاده نمود. این دلیل جدیدی است بر این که اداره امریکا تصمیم قانونی و درست بین المللی را نقض و تخریب نموده و صفت الزام آور بودن را از آن سلب می کند. در واقع امریکا به جهانیان اعلان می کند که هیچ روزی به مسئله صلح اعتنای نکرده، علاوه بر آن، این عملکرد امریکا دلیلی دیگری است بر این که امریکا تروریسم واقعی در جهان را به خصوص در قضیه فلسطین مورد حمایت قرار می دهد».^۱

بسیاری از کشور ها و سازمان ها و شخصیت های جهانی در مقابل این تصمیم امریکا و ویتوی آن، واکنش نشان داده و آن را شگفت آور و عجیب تلقی کرده اند. و حقیقت این است که نمی توان از امریکا موقف گیری پاک و سالم انتظار داشت، زیرا

۱- این مقاله در تاریخ ۲۲ دلو ۱۴۰۲ (فوریه ۲۰۲۴م) در وب سایت فهمة منتشر شده است.

امریکا همیشه از حق ویتوی خود برای تأیید باطل و رژیم جنایت پیشه اسرائیل استفاده نامشروع نموده است.

این اولین ویتوی امریکا ضد قضیه فلسطین نیست، شورای امنیت از نخستین جلسات خود در ۱۹۴۶م شاهد ده ها ویتوی امریکا بخاطر از بین بردن تصمیم هایی بوده که برای محکوم کردن اقدامات صهیونست های غاصب و اجراءات ظالمانه اش در فلسطین اشغالی و بیرون کردنش از فلسطین اتخاذ گردیده است. اینک می خواهیم به ویتو های امریکا به نفع رژیم غاصب و اشغالگر و به ضرر فلسطین اشاره کنیم:

۱- به تاریخ ۱۹۷۶/۳/۲۵م امریکا طرحی را که نیرو های اسرائیل را وادار به حمایت از امکان مقدسه می کرد، ویتو نمود.

۲- در ماه ششم سال ۱۹۷۶م گزارشی را که مهمترین طرح های آن بهره مند شدن ملت فلسطین از حقوق واقعی شان بود، توسط امریکا ویتو شد، این طرح در تصمیم شماره ۳۲۳۶ مجمع عمومی ملل متحد تصویب شد و بین سال های ۱۹۷۶ و ۱۹۸۰ چهار مرتبه به شورای امنیت مطرح گردید و هر چهار بار توسط امریکا ویتو شد.

۳- به تاریخ ۱۹۸۰/۸/۲۰م امریکا از تصویب تصمیم بین المللی شماره ۴۷۸ امتناع ورزید که در آن عدم رسمیت شناختن قانون اسرائیل در مورد قدس نیز شامل بود.

۴- به تاریخ ۱۹۸۲/۴/۲۰م طرح محکوم کردن حادثه هجوم به مسجد اقصی مبارک از طرف امریکا ویتو شد، در آن هجوم سرباز تروریست "هاری غولدمان" از ارتش اشغالگر خون آشام اسرائیل که تابعیت امریکایی هم داشت، قبه الصخره را مورد حمله قرار داده و وارد مسجد شده و به طرف نمازگزاران آتش گشود که در نتیجه آن دو فلسطینی نمازگزار شهید شده و شصت فلسطینی دیگر زخمی گردید.

۵- به تاریخ ۱۹۸۳/۲/۱۵م طرحی را که کشتار بی رحمانه پناهندگان فلسطینی در صبرا و شاتیلا در لبنان را محکوم می کرد، نیز امریکا ویتو نمود، در آن کشتار ظالمانه که ارتش ستمگر اسرائیل به راه انداخته بود به مدت سه روز ادامه داشت و در آن بین ۳۵۰۰ تا ۵۰۰۰ فلسطینی شهید شدند که شامل بزرگسالان، زنان و کودکان می گردید.

۶- به تاریخ ۱۹۸۶/۱/۳۰م، امریکا طرح قانونی را ویتو کرد که پایمال کردن حرمت مسجد الاقصی توسط اسرائیل را محکوم می کرد و گمان نادرست یهود که قدس را

پایتخت اسرائیل می پنداشت، مردود می دانست. در آن وقت، تلاش های زیادی توسط گروهک های تندرو یهودی جریان داشت که هدف شان نابود سازی مسجد الاقصی بوده و آنان از سلاح و بمب های دستی و وسایل انفجاری استفاده می نمودند. نگهبانان مسجد اقصی از سال ۱۹۸۲ این تلاش های مذبحخانه را خنثی می کنند و در سال ۱۹۸۶م یک خلبان از ارتش اسرائیل با استفاده از طیاره جنگی می خواست که موشکی را به سمت مسجد اقصی مبارک شلیک کند که خوشبختانه این تلاش به شکست مواجه شد.

۷- به تاریخ ۱۹۹۵/۳/۱۷م امریکا تصمیمی که از اسرائیل می خواست، مصادره زمین های عرب ها در قسمت شرقی قدس را متوقف سازد، ویتو کرد، اسرائیل به منظور ایجاد تغییر بنیادی در وضعیت جغرافیایی قدس، زمین های زیادی از فلسطینیان را غصب نمود که در نتیجه مردم فلسطین در قدس از اکثریت به اقلیت تبدیل شده اند.

۸- به تاریخ ۱۹۹۷ / ۲/۴م تصمیم بازداشتن اسرائیل اشغالگر از شهرک سازی در شرق شهر قدس اشغالی را ویتو نمود.

۹- به تاریخ ۱۹۹۷/۳/۲۱م مورد دیگری را نیز امریکا ویتو کرد، این بار طرح جلوگیری از شهرک سازی یهودیان در کوه "أبو غنیم" بود؛ این یکی از بزرگترین شهرک سازی ها در شهر قدس می باشد، نیروهای اشغالگر اسرائیلی در دهه نود به ساختن این شهرک بزرگ با وجود مخالفت های جدی فلسطینیان، اقدام نمود که متأسفانه تلاش های فلسطینیان بی نتیجه ماند.

۱۰- طرحی را ویتو کرد که فلسطینیان آن را پیشنهاد نموده و سوریه به نام مجموعه عربی آن را به ملل متحد تقدیم نمود، این طرح برای مخالفت به اعمار دیوار در کناره غربی توسط اسرائیلیان بود، این بنا در سال ۲۰۰۲ به استدلال به این که امنیت یهودیان تأمین شود، آغاز گردید که در واقع هدف آن سپردن قسمت زیادی از سرزمین های فلسطینیان به اسرائیلیان بود، و هدف دیگر آن، فشار بر فلسطینیان و قطع ارتباط بین شهر ها و قریه ها و گردهمایی های فلسطینیان بوده است.

۱۱- به تاریخ ۲۰۰۳/۷/۱۶م امریکا طرح حمایت از یاسر عرفات را ویتو کرد که بر ضد تصمیم نابودی او توسط کلیسای اسرائیلی مطرح گردیده بود.

۱۲- به تاریخ ۲۳/۱۲/۲۰۱۶م ترامپ بعد از برنده شدن اش در انتخابات ریاست جمهوری امریکا از اوپاما خواست که از حق ویتوی خود بر ضد محکومیت ادامه شهرک سازی ها در کناره غربی و قدس اشغالی استفاده کند؛ اما این بار ایالات متحده امریکا از حق ویتو استفاده نکرد، نه بخاطر نزاهت و انسانیت و محبت فلسطینیان؛ بلکه بخاطر به حرج انداختن رئیس جمهور و ایجاد مشکلات سیاسی در مسیر اداره جدید بود.

۱۳- به تاریخ ۱۸/۱۲/۲۰۱۷م امریکا طرحی را که توسط مصر پیشنهاد شده بود، مبنی بر الغای به رسمیت شناختن قدس به حیث پایتخت اسرائیل توسط امریکا را ویتو کرد و این طرح را ۱۴ عضو شورای امنیت تأیید کرده و خواستار احترام به فیصله های بین المللی شدند که تأکید دارد که قدس سرزمین فلسطینی اشغالی می باشد و اما امریکا آن را وتو نمود. ۱

علاوه بر آن، بعد از طوفان اقصی و جنگ غزه چندین بار ایالات متحده امریکا در شورای امنیت از حق ویتوی خود استفاده نموده و از رژیم تروریستی اسرائیل دفاع نموده است، در ادامه، به برخی از این موارد اشاره می کنم:

۱- وتوی قطعنامه درخواست آتش بس فوری در غزه (۴ ژوئن ۲۰۲۵) ایالات متحده قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را که خواستار «آتش بس فوری، بدون قید و شرط و دائمی» بین اسرائیل و حماس در غزه بود، وتو کرد. این قطعنامه همچنین بر لزوم دسترسی بدون مانع به کمک های بشردوستانه تأکید داشت. همه ۱۴ عضو دیگر شورای امنیت به نفع این قطعنامه رأی دادند. ۲

۱ - گزارش رسمی شورای امنیت: متن طرح (draft resolution) تحت شماره — S/2017/1060 وتوی آمریکا در جلسه ۱۸ دسامبر ۲۰۱۷. [United Nations+1](#). همچنان گزارش The Washington Post (۱۸ دسامبر ۲۰۱۷).

۲- «Security Council fails to adopt resolution calling for permanent ceasefire in Gaza, owing to veto by United States» / مجمع عمومی ملل متحد درباره نتیجه رأی-گیری ۴ ژوئن ۲۰۲۵ [United Nations](#) همچنان :

— «Ceasefire in Gaza: Security Council draft resolution (vetoed by the United States) — (S/2025/353)» سند پیش نویس قطعنامه وتو شده که نام قطعنامه و تاریخ دقیق را می دهد.

۲- وتوی قطعنامه درخواست عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل (۱۸ آوریل ۲۰۲۴)، این قطعنامه را که به منظور اعطای عضویت کامل به دولت فلسطین در این سازمان بود، وتو کرد. این قطعنامه با حمایت ۱۲ عضو شورای امنیت و با امتناع بریتانیا و سوئیس مواجه شد. ۱.

۳- وتوی قطعنامه درخواست آتش‌بس فوری در غزه (۱۸ اکتبر ۲۰۲۳)، این قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را که خواستار «آتش‌بس فوری و بدون قید و شرط» در غزه بود، وتو کرد. این قطعنامه همچنین از اسرائیل می‌خواست که دستور تخلیه غیرنظامیان از شمال غزه را لغو کند. ۲.

۴- وتوی قطعنامه درخواست آتش‌بس فوری در غزه (۲۵ مارس ۲۰۲۴)، این قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که خواستار «آتش‌بس فوری» در غزه بود و با حمایت ۱۴ عضو شورای امنیت و با امتناع آمریکا مواجه شد.

و به این ترتیب، آمریکا بر ضد فیصله‌های شورای امنیت مبنی بر برقراری آتش‌بس در غزه که باعث نجات جان میلیون‌ها طفل و زن و سالخورده‌ها می‌شد، از ویتوی خود استفاده نموده و باعث ادامه کشتار مظلومان و مردم بی‌دفاع غزه و سبب ادامه جنایات هولناک و وحشتناک اسرائیل از قبیل: بمباران کورکوران‌ها بالای غیرنظامیان، محاصره، گرسنگی، تحمیلی، نابودی همه مراکز کمک‌رسانی و خدمات عامه حتی شفاخانه‌ها و مراکز امدادی و غیره بالای مردم غزه گردیده است و مسؤولیت آن به دوش دولت آمریکا بوده و در مقابل این جنایات اش در قبال همه جهانیان پاسخگو می‌باشد.

۱- گزارش رسمی شورای امنیت / ملل متحد «Security Council Fails to Recommend Full United Nations Membership for State of Palestine, Owing to Veto Cast by United States» — رای‌گیری در ۱۸ April 2024، با ۱۲ موافق، ۲ ممتنع (بریتانیا و سوئیس) و ۱ رأی مخالف (آمریکا) UN Press+1

۲- قطعنامه مورخ (۱۸ اکتبر ۲۰۲۳) شورای امنیت، تحت عنوان «Humanitarian Pauses in Israel» «Gaza Crisis» یعنی درخواستی برای «وقفات انسانی / آتش‌بس موقت / بشردوستانه»، به دلیل وتوی آمریکا رد شد.

از بررسی و تحلیل حوادث مخصوص قضیه فلسطین در شش دهه اخیر و بالأخص دو سال اخیر جنگ غزه، هر کسی که از عقل سلیم و وجدان بیدار داشته باشد، می داند و به این نتیجه می رسد که ملل متحد در سال ۱۹۴۵م بخاطر ضایع ساختن فلسطین و سرزمین آن و مشروعیت بخشیدن به اشغالگری اسرائیل تأسیس شده است، همین سازمان نظام غاصب صهیونیستی را تأسیس نموده و آن را به رسمیت شناخته و از او حمایت نمود؛ اما در مقابل به دولت فلسطینی اعتنای نکرده و به فیصله های خود در مورد بازگشت پناهجویان فلسطینی عمل نکرده در حالی که به زور آهن و آتش فرار کرده بودند و تنها به اموری پایبند مانده که به نفع اسرائیل اشغالگر بوده است.

لذا سازمان ملل متحد فقط تصمیم هایی را اجرا می کند که به مصلحت دولت های نیرومند باشد، تا تسلط آنان بر دولت های ضعیف و ملت های ناتوان بیشتر شده و بر مقدرات و سرمایه های شان سیطره یابند؛ بر علاوه حق ویتو را به پنج دولت بزرگ استعماری دادند که اعضای دایمی شورای امنیت می باشند، در نتیجه می توان گفت که پناه بردن به شورای امنیت و سازمان ملل متحد اشتباه بزرگ سیاسی است؛ چون هیچ وقت به مصلحت ما دستوری صادر نمی کنند و اگر دستوری بخواهند صادر کنند، حق ویتو در کمین است و در واقع امریکا ازین حق ویتوی خود برای از بین بردن حقوق فلسطینیان و مشروعیت اسرائیل اشغالگر استفاده می کند.

بنابر آن، بر مسلمانان لازم است تا حقیقت و ماهیت اصلی این سازمان بی صلاحیت و نظاره گر را شناخته و به عدالت آن اعتماد نکنند و برای تحقق آرزو های ملت فلسطین و آزادی قدس و سایر سرزمین های اسلامی خود تلاش نمایند.

با بیان این حقایق به این نتیجه می رسیم که قضیه فلسطین، مسئله ای عادی و فرعی و منطقه ای و صرف جنگ میان عرب ها و اسرائیل نیست؛ بلکه این جنگ میان اسلام و کفر، حق و باطل، نور و ظلمت است و مسئله عقیده و ایمان است و دفاع از فلسطین و مسجد اقصی وجیبه ایمانی هر فرد مسلمان می باشد و باید نخبگان و رهبران کشور های عربی و اسلامی این حقیقت را دریابند و برای حل قضایای سرنوشت ساز امت و مسئله فلسطین، از امریکا و سازمان ملل انتظار و توقع خیری نداشته باشند.

صهیونیست ها باید بدانند که قوت و نیرو و امکاناتی که در اختیار دارند، سرابی بیش نیست، باید به آن فریب نخورند و گمان نکنند که با ترور یک رهبر و شهادت

فلسطینیان، امنیت آنها متحقق می‌گردد و یا به قلب‌های مجاهدین ناامیدی ایجاد می‌شود؛ بلکه هر گاه یک قهرمان شهید شود به بالاترین آرزوهایش می‌رسد و هزار رهبر و قهرمان دیگر جایش را پر می‌کنند؛ چون خون شهیدان درخت جهاد را آبیاری می‌کنند که در نتیجه شاخه‌ها، برگ‌ها، و میوه‌های عزت، کرامت، آزادی، حفظ آبرو و مقدسات؛ بالنده می‌شوند. ﴿وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ﴾^۱. و خبر آن را بعد از مدّت زمانی خواهید دانست (و به زودی صدق‌و‌وعد و وعید و راستی‌اخبار و گفتار قرآن را هم در این جهان و هم در آن جهان خواهید دید).

بر مسلمانان واجب است که برای آزادی فلسطین با بکارگیری تمام وسایل ممکن، کار کنند که در مقدمه این وسایل قوت و نیرومندی مادی و نظامی قرار دارد. الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾^۲. ۲. برای (مبارزه با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) و (از جمله) اسب‌های ورزیده آماده‌سازید، تا بدان (آمادگی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

وجدان‌های مرده رهبران غرب

عملکرد غرب در برابر مظلومیت مردم غزه و کشتار و جنایات صهیونیست‌ها و حمایت امریکا و اروپا از آن، ثابت نمود آنچه غرب آنها را از ارزش‌های خود می‌شمارد و خود را مکلف به تطبیق آن می‌داند و دیگران را به آن بهانه مورد مؤاخذه قرار می‌دهد؛ مانند: آزادی، دموکراسی، عدالت، تساوی حقوق، حقوق بشر، حقوق زن، حقوق طفل، برابری و امثال آن، همه شعارهای واهی و فریب‌کارانه و ریاکارانه‌ای بیش نبوده و ثابت‌گردید همه دروغ‌های شاخداری‌اند که ماهیت اصلی این همه شعارها برای صاحبان بصیرت و آزادگان جهان آشکار شده و بر ملا گردیده است؛ حوادث غزه و فلسطین خصوصاً در این دو سال پسین این حقیقت را هرچه بیشتر آشکارتر ساخت که این شعارها جز حربه‌ای در جهت به بند کشیدن و تحت استعمار در آوردن کشورهای

۱- ص/ ۸۸.

۲- الأنفال/ ۶۰.

اسلامی و بهانه تراشی برای تهاجم نظامی و مداخلات سیاسی نیست. و امروز این حقیقت کاملاً آشکار و هویدا گردیده است که خون مسلمانان ارزشی برای این مدعیان دروغین حقوق بشر و حقوق زن ندارد. واقعیت های کنونی ثابت کرد که همه باید برده و غلام و تابع غرب و استعمار باشند در غیر آن؛ مسلمانی که یوغ اسارت شان را به گردن نهد، باید از صفحه‌ی روزگار محو گردد. زیرا اسلام به عنوان آیین برتر و برخوردار از مجد و بزرگی برای غرب قابل قبول نیست، زیرا غربیان تنها اسلامی را مورد تأیید قرار می دهند که صرف در خلوت کده ها و معابد و مساجد منحصر بوده و در مورد نواقض وضوء و حیض و نفاس و یا احوال شخصی فتوی دهد اما در مورد احوال مسلمانان و راه های نجات و از شرارت دشمنان و رهایی مستضعفان و مظلومان کاری نداشته باشد؛ در اصلاح اجتماعی و نظام سیاسی نقش نداشته و از متن جامعه به دور باشد. صرف به عالم و شیخی ارزش قایل اند که از نظام اسلامی و حکومت و ظلم و تجاوز بالای مظلومین و سیاست های استعماری حرفی به زبان نیاورد و آنچه به امت و حکومت و نظام تعلق دارد، مهر سکوت بر لب زند. به این ترتیب می خواهند، اسلام و مسلمانان را به مسخره گیرند.

غربی ها که خود را علمبرداران حقوق بشر، حقوق زن، آزادی، عدالت و انسان گرایی می دانند، دیدگاه های آنها نسبت به مسلمانان متفاوت با دیدگاه آنها در مورد غیر مسلمانان خصوصاً یهودی ها و مسیحیان می باشد و قضاوت آنها در این موارد دوگانه ثابت گردیده است و اینک نمونه هایی از این گونه قضاوت های تبعیض آمیز مدعیان حقوق بشر را از دل نوشته های نویسنده چیره دست عرب زبان خواهر مان (احسان الفقیه) می خوانیم:

«شک نمودن در مورد تعداد یهودیانی که توسط هیتلر سوختانده شدند، عمل غیر انسانی و خلاف حقوق بشری است، اما تأیید و حمایت از کشتار دسته جمعی مردم غزه و زیر پا نمودن حقوق اولیه فلسطینی ها و سلب آزادی ها و غصب سرزمین های ایشان یک دیدگاه و نظریه و آزادی بیان می باشد .

اعتراض به جرایم و جنایات یهودی ها و اهانت هایی که در بیت المقدس و مسجد اقصی انجام می دهند، خشونت طلبی پنداشته شده و از اعمال تروریستی محسوب می شود، در حالی که کشتن مسلمانان در افریقای مرکزی و سوختاندن شان،

توسط مسیحیان جرم شمرده نمی شود و کشتن یک جاسوس غربی در منطقه‌ی درگیری در عراق یا سوریه و یا فلسطین، عملیه تروریستی شمرده می شود. ویران کردن خانه ها و تکه و پاره نمودن زنان، کودکان و کهنسالان در غزه عملیات نظامی عادی بوده و از حقوق صهیونیست ها شمرده می شود و اشکالی ندارد، اما کشتن جنگجو و فرد نظامی در میدان جنگ که به کیان غاصب و اشغال گر اسرائیل منسوب است، از جمله جرایم بزرگ می باشد و عاملین آن، تروریست و افراطی و مخرب اند.

بیان حکایات کودکان مسلمان که به خاطر دفاع از سرزمین و عقیده‌ی خود شهید شدند، نویسنده را افراطی معرفی می کند و اما حکایت کودک جاسوس غربی و یا کهنسال صهیونیست قاتل که به کشتار صد ها کودک و زن اعتراف نموده و آمار دقیق را به یاد ندارد، چون زیاد بودند، این حکایت و داستان سرایی، انسانی بوده و خاطرات دلنشینی است که باید مطرح گردد، در حالی که این حکایات وحشی گری دیگران را به جنایت تشویق می کند

عقد پیمان (بالفور) و تسلیم نمودن فلسطین به صهیونیست ها، استحقاق تاریخی بوده است و تلاش فلسطینی ها برای گرفتن حق شان و دفاع از خانه و شهر و قریه‌ی شان، عملیه‌ی تروریستی به شمار می رود؛ چون احساسات اشغالگران را جریحه دار می کند.

ابراز خشم و غضب مسلمانان در برابر صحنه هایی دلخراش قتل، ظلم و ویرانگری صهیونیست ها، تروریسم است و پرداختن به این گونه مسایل دلیل عقب ماندگی و افراطیت بوده و بدین سبب صفحه‌ی فیس بوک او مسدود می گردد. کشتن فلسطینیان، ویرانی منازل و غضب سرزمین ها و آواره نمودن شان، توسط اشغال گران یهودی جرم نبوده و اما مقاومت فلسطینیان برای گرفتن حق و دفاع از خاک و سرزمین و دین و مقدسات شان، جرم بوده و عمل تروریستی شمرده می شود. افشای جنایات یهودیان و همکاران شان جرم بوده و انعکاس دادن و نشر یک عکس که مظلومیت یک مسلمان فلسطینی را انعکاس می دهد، تخطی از قوانین شمرده شده و حتی سبب انسداد صفحات رسانه ای در فضای مجازی می گردد.

یک نمونه کوچکی از دروغگویی و فریب کاری آشکاری که در این اواخر جهان شاهد آن بوده این است که یکی از سران صهیونیست و جنایت کار ترین فردی که تاریخ به یاد دارد، (بنیامین نتانیاهو) صدراعظم بر حال رژیم اشغالگر که خون هفتاد هزار فلسطینی را طی دو سال تمام ریخت و صد ها هزار تن را زخمی و معلول ساخت و میلیون ها تن را آواره نمود و دارد به قتل و کشتار بی گناهان با مباحثات و افتخار ادامه می دهد و همه جهان شاهد جنایات و نسل کشی و آوارگی مردم بی دفاع غزه است و محکمه لاهه رسماً وی و همکارانش را به جرم تخطی از حقوق بشر و نسل کشی در غزه محکوم و مجرم شناخت و دستور توقیف وی را صادر کرده است، با این همه حقایق و شواهد انکار نا پذیر، با وقاحت تمام در مجلس امریکا با حضور رسانه های جهانی و با بسیار آب و تاب مدعی شد (هیچ غیر نظامی در غزه کشته نشده است)، که این را می توان یکی از دروغ های شاخ دار قرن محسوب کرد. و شرم آور تر از آن، کف زدن های ممتد اراذل و اوباش های حاضر در مجلس بود که به گفته های این جنایت کار تاریخ به عنوان تأیید به پاخاسته و او را استقبال نمودند.

استفاده از سلاح گرسنگی اجباری مردم غزه

بحران انسانی فزاینده در نوار غزه، نمونه معاصری از به کارگیری محاصره اقتصادی و محرومیت از منابع اولیه به عنوان ابزاری در درگیری های امروزی است در سایه جنگی که از ۱۲۰۲۳ ادامه دارد، ساز و کار های توزیع کمک های بشردوستانه از ابزاری صرفاً برای امداد رسانی، به محور های اساسی برای تعیین الگو های بقای روز مره بیش از دو میلیون فلسطینی محاصره شده تبدیل شده است. نحوه توزیع کمک ها در عمل نشان می دهد که این موضوع، فراتر از یک مسئله ای انسانی است و اسرائیل از نیاز های اساسی مردم برای تأمین امنیت و حفظ سلطه خود بهره می برد. اما آنچه امروز در غزه رخ می دهد، از یک محاصره غذایی سنتی در زمان جنگ فراتر رفته است. صحنه عمیق تر و پیچیده تر به نظر می رسد و تحت کنترل یک سیستم یک پارچه است که از گرسنگی به عنوان ابزار سیاسی برای درهم شکستن اراده یک ملت استفاده می کند؛ گامی نخست در جهت کوچاندن اجباری آنها، از بذر هایی که از ورود شان ممانعت می شود تا قایق های ماهی گیری که در دریا هدف

قرار می گیرند و نانوائی هایی که به اهداف نظامی تبدیل می شوند. استفاده نظام مند از غذا به عنوان سلاح، می باشد و این حربه جدید و نوآوری جدیدی نیست، بلکه تداوم یک الگوی استعماری ریشه دار در طول تاریخ است. کنترل بر منابع حیاتی، از غذا و آب گرفته تا بذر و خاک، همواره محور اساسی سلطه استعماری در طول اعصار بوده است. از محاسبه کالری تا بمباران نانوائی ها قحطی اجباری کنونی در غزه، از زمان اعمال محاصره بر غزه در سال ۲۰۰۷، بیش تر از دو میلیون فلسطینی تحت یک نظام سخت گیرانه کنترل غذا قرار گرفته اند. به گفته مقامات اسرائیلی، هدف این برنامه این است تا مردم غزه را تحت رژیم غذایی قرار دهند؛ بدون آنکه اجازه دهند از گرسنگی بمیرند.

اسناد فاش شده اسرائیلی پیش از جنگ اخیر نشان می دهد که سیستم امنیتی این رژیم، محاسبات دقیقی برای تعیین تعداد کالری مورد نیاز برای بقای فلسطینیان در غزه انجام داده بود؛ میزانی که تنها به زنده ماندن شان کمک کند و از حد اقل فراتر نرود.^۱

با وجود آن، غرب و در رأس آن امریکا از همه جنایات رژیم حمایت نموده و قتل فلسطینی ها را به بهانه های گوناگون و شیوه های مختلف توجیه کرده و آن را حق مسلم صهیونیست ها می داند که بیشتر از هر زمانی دیگر، چهره واقعی ددمنشانه خود را آشکار ساخته اند و حقایقی که از زبان رهبران شان اظهار می گردد، نمونه کوچکی از دشمنی آنها در قبال اسلام و مسلمانان می باشد و علامه اقبال لاهوری رحمه الله در مورد آنها چنین زیبا می سراید:

مردم تر شد مرده از صور فرنگ	وای بر دستور جمهـــــور فرنگ
می برد نم را ز اندام شـــــجر	وای بر قومی که از بیـــــم ثمر
من به جز عبرت نگیرم از فرنگ	گرچه دارد شیوه های رنگ رنگ
دامن قرآن بـــــگیر، آزاد شو. ^۲	ای به تقلیدش اسپری، آزاد شو

^۱ - سلاح گرسنگی از تاریخ استعمار تا نسل کشی در غزه، نورالدین اعرج، ترجمه: واحد ترجمه متین/۳-۵.

^۲ - کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، اقبال لاهوری، با مقدمه و شرح احوال و تفسیر کامل بوسیله احمد سروش، از انتشارات کتابخانه سنایی/۳۱۰.

بنابرآن، اعتماد به غرب و نظام های حاکم در آن که فاقد هر نوع ارزش های معنوی و انسانی اند، حماقت و جفا به انسانیت و اسلامیت است. اما با تأسف که با وجود این همه، هستند افراد و گروه های مسلمانی که این جنایت کاران را الگوی فاضله برای خویش انتخاب نموده و به دوستی با آنها مباحثات می نمایند، که این قماش انسان هایی که خود را مسلمان هم می دانند از دو حال خالی نیستند: یا کسانی اند که برده ی نفس و شهوات خویش بوده و جز خواسته های نفسانی و شهوانی به چیزی دیگری نمی اندیشند و یا جاهلانی اند، که هر صاحب عقل سالم و شعور بیدار از آن بری بوده است. دروغ گویی، بی عفتی، بی غیرتی و نفاق، جزء ارزش ها و زندگی روزمره ی شان گردیده و زرق و برق مادی و ظاهری غرب چشمان شان را کور و گوش های شان را کر کرده که به سبب آن جنایات و جرایم و انحطاط و انحراف آنها را نمی توانند و یا نمی خواهند مشاهده کنند.

زوال و نابودی اسرائیل

اسرائیل Israel: در لغت برگرفته شده از زبان عبری بمعنای: مرد خدا، بنده خدا، برگزیده خدا و لقب یعقوب بن اسحاق علیه السلام. اسرائیل از دو کلمه: (اسرا) و (ئیل) گرفته شده، و (اسرا) بمعنی: (زحمتکش، مجاهد، قهرمان و محافظ) و (ئیل) بمعنای: (الله) آمده است. ^(۱) و رأی صواب بمعنای: (مجاهد الله) است، یعنی: کسی که در راه الله ﷻ جهاد می کند. الله ﷻ در کتاب موسی خبر داده است که بنی اسرائیل در زمین دو بار فساد و تباهی می ورزند، و بر سرزمین مقدس چیره می شوند و سیطره پیدا می کنند. هر بار که قدرت را در آنجا به دست می گیرند، به فساد و تباهی دست می زنند، و در مقابل آنها الله ﷻ بندگان خود را بر ایشان مسلط می فرماید، بندگان که بر بنی اسرائیل چیره می گردند، ایشان را سخت درهم می کوبند: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا﴾ ^(۲) پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم تا

۱ - حسن عمید، فرهنگ عمید/۱۷۷.

۲ - الأسرائ/۵.

میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است.

از روزی که رژیم غاصب به نام (اسرائیل) به منظور اهداف استعماری غرب در قلب عالم اسلام (فلسطین) جا داده شده و خاک و سرزمین مقدس مسلمانان به شمول بیت المقدس را اشغال نموده است، با جنگ و درگیری و نزاع دایمی با مردم فلسطین و مبارزان آن عمر ننگین خویش را سپری نموده و تا اکنون ادامه داشته و از آن زمان به بعد تا امروز این رژیم توسط غرب و امریکا حمایت همه جانبه می شود و با وجود اختلافات درونی که بین هم دارند، در مقابل دشمن مشترک یعنی مسلمانان و اسلام با هم متحد شده اند و همه روزه این دشمنی شان بیشتر شده و شدت یافته است و با گذشت هر روز جنایات بیشتری را در مقابل مسلمانان و بالأخص مردم مظلوم فلسطین مرتکب می شوند که در هیچ قاموسی نمی گنجد و بعد از عملیات مبارک طوفان الأقصى این جنایات و کشتار آنها به مراتب تشدید گردیده که ده ها هزار تن به شهادت رسیده و صد ها هزار معلول و معیوب و میلیون ها تن آواره و مهاجر شده و زندان های اسرائیل از مردم بی گناه و غیر نظامی مملو می باشد و با انواع و اقسام گوناگون شکنجه و تعذیب تا دم مرگ روبرو اند. شهر زیبای غزه به کلی به خاک یکسان گردیده و هنوز هم بمباردمان های اسرائیل به شدت جریان دارد.

تلاش های مذبحخانه امریکا و غرب برای حمایت از اسرائیل نشانه ی ضعف و عدم استقرار و زوال پذیری آنها بوده و این حقیقت را می رساند که این رژیم طفیلی که توسط اراذل و اوباش های دنیا تغذیه شده و حمایت همه جانبه می شود، بر توده از شن ها بنا شده که هر آن و هر لحظه امکان سقوط آن موجود است، زیرا باطل همیشه باطل بوده و استقرار ندارد و نمی تواند دوام و بقاء داشته باشد و اسلحه کشتار جمعی، بم های هستوی، راکت های دافع هوا و قوای نظامی مدرن و... نمی تواند جلو سقوط و نابودی آن را بگیرد و دیر یا زود، روزی از هم خواهد پاشید و نابود خواهد شد. ﴿إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ . باطل نابود شدنی است.

از لحاظ قانونی و حقوقی نیز اگر دولت و کیان صهیونیستی را مورد ارزیابی قرار دهیم، در می یابیم که هیچ گونه اساس و مبنای قانونی و حقوقی نداشته و موجودیت این کیان به عنوان یک دولت و نظام قانونی استوار بر معیار های پذیرفته شده ی

حقوقی و جهانی، زیر سوال قرار داشته و موجودیت آن بر خلاف همه موازین بین‌المللی بوده و مشروعیت ندارد. سید حسین موسوی نگارنده کتاب (انتفاضه القصری) در این مورد می‌نویسد: «مبانی حقوقی دولت‌ها بر این امر تأکید دارد که شرایط چهارگانه یعنی جمعیت دائمی، سرزمین معین، حکومت و حاکمیت برای یک دولت مشروع لازم است تا ضمن اقتدار و سلطه واقعی، از مشروعیت بین‌المللی نیز برخوردار باشد» جمعیت دائمی باید طی دوره‌های طولانی و مستمر در یک سرزمین معین حضور داشته باشند، تا ضمن شکل‌گیری هویت ملی انسجام مردمی و پایه‌های موجه یک دولت نیز پدیدار شود، از این منظر رژیم اسرائیل مشروعیت حقوقی و بین‌المللی نداشته فرایند ملت‌سازی و دولت‌سازی را سپری نکرده است و هویت ملی بر اساس مفاهیم رایج در مباحث حقوق بین‌المللی در مورد رژیم صهیونیستی وجود ندارد و دولتی با هویت واحد تاریخی و ملی نیز در آن شکل نگرفته است.^۱

علاوه بر آن، دلایل زیاد دیگری به شکل عینی و یقینی این حقیقت را می‌رساند که اسرائیل با همه دار و دسته و امکانات و حمایت‌های جهانی و منطقوی اش، محکوم به زوال می‌باشد، تخطی از کلیه قوانین، معاهدات و اصول پذیرفته شده جهانی و ظلم و تجاوز و زور گویی و قلدری از طبیعت و سرشت این کیان می‌باشد که مقدمات زوال و نابودی آن را فراهم کرده است؛ بنابراین، این رژیم دیر و یا زود نابوده گردیده و آن روز آمدنی است، و نشانه‌های آن با گذشت هر روز آشکار شده می‌رود. به امید روزی که در زندگی شاهد نابودی و زوال این غده سرطانی از سرزمین پاک فلسطین بوده باشیم.

درس‌هایی از تاریخ

الله متعال فرعون و لشکریانش را هلاک کرد و موسی علیه السلام و همراهانش را نجات داد، و یقین کامل داریم بر اینکه الله متعال می‌تواند ظالمان و طاغوتیان این عصر را نیز در حالی که در اوج اقتدار و غرور خود هستند، به یک بارگی نابود کند و مظلومان را نجات دهد.

سنت الهی بر این است که قدرتمند همیشه قدرتمند باقی نمی‌ماند و ضعیف برای ابد در حالت ضعف خویش نخواهد ماند، و مسلمانان و مظلومان حق دارند که به

^۱ - انتفاضه الأقصى، سید رسول موسوی/۱۳۴.

نابودی و زوال زورگویان و قدرتمندان ظالم امید وار باشند و ظالمان به جزای عمل شان خواهند رسید و یقین داشته باشند که بالأخره ظالمان به زوال مواجه خواهند شد و مظلومان نجات خواهند یافت .

الله متعال در بیان سرنوشت متجاوزان و ظالمان ارشاد می فرماید: ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾. ۱ آیا در زمین به گشت و گذار نپرداخته اند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از ایشان بوده اند به کجا کشیده و چه شده است؟ خداوند آنان را نابود ساخته است (و دمار از روزگارشان را بدر آورده است)، و برای کافران امثال این عواقب و مجازاتها خواهد بود. این (عاقبت نیک مؤمنان و عاقبت سوء کافران) بدان خاطر است که خداوند سرپرست و یاور مؤمنان است، ولیکن کافران هیچ گونه سرپرست و یآوری ندارند.

تاریخ مجموعه‌ای از تصادف‌ها و اتفاقات کور نمی باشد؛ بلکه صحنه سنت‌های الهی است؛ سنت‌هایی که بر همه ملت‌ها و قدرت‌ها، بدون هیچ استثنا، حاکم است. و ثابت و تغییر ناپذیر می باشد و بقای قدرت‌ها یا زوال آنان، نه به ثروت، سلاح و فناوری، بلکه به ایمان، عدالت و انسانیت وابسته است.

قرآن کریم همچنان از زوال و نابودی تمدن‌ها و قدرت‌هایی حکایت می کند که به اوج اقتدار رسیدند، اما هنگامی که دچار غرور، اسراف و ظلم شدند، فرو ریختند و نابود شدند، ارشاد الهیست: ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِشَتَهَا﴾^۲. چه بسیار شهرهایی را که به سبب سرمستی و غرور در زندگی نابود کردیم. و واضح است که هیچ قدرتی از این قاعده‌مثنی نبوده است: ﴿وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوُلُهَا بَيْنَ النَّاسِ﴾^۳ و این روزگار [پیروزی و شکست] را میان مردم می گردانیم.

قدرت و مکنّت و اقتدار یک امانت الهی است نه مالکیت و امتیاز که هرگونه ی خواسته باشد از آن استفاده کند و از همه حدود و قیود و موازین قبول شده ی

۱- محمد/۱۰-۱۱.

۲- القصص/۵۸.

۳- آل عمران/۱۴۰.

شرعی و قانونی عدول نماید. هرگاه صاحب قدرتی خود را معیار حق بداند، ظلم و تجاوز خویش را توجیه کند و جان انسان ها را بی ارزش بشمارد و به فساد و تباهی و ریختن خون های پاک دست یازد، در حقیقت سنت های الهی را نادیده گرفته و سرانجام چنین سرکشی و تکبر، نابودی و هلاکت حتمی است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾^۱ بی گمان خداوند متکبران را دوست ندارد.

زوال هر قدرتی از تکبر و غرور بی جا آغاز می شود که خود را بی نیاز از پاسخ گویی بداند و عدالت را قربانی منافع و مصالح خویش کند و به ظلم و تجاوز ادامه دهد. این یک قانون الهی است که تغییر ناپذیر می باشد: ﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۲ و هرگز برای سنت الهی دگرگونی نخواهی یافت.

﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا﴾^۳ و این شهرها را هنگامی که ستم کردند، نابود ساختیم. امریکا و اسرائیل و شرکای جرمی ایشان هم از این قوانین و سنت های الهی مستثنی نبوده و نتیجه و عواقب وخیم تجاوزات و فساد و تکبر خویش را هرچه زود تر خواهند دید و به سرنوشت بد جنایتکاران و ظالمان تاریخ گرفتار خواهند شد.

بعد از جنگ جهانی دوم، دولت فرانسه الجزائر، سوریه و لبنان را اشغال کرده و می خواست مصر را نیز تحت اشغال خود در آورد و ادعا داشت که الجزائر یک ولایتی از فرانسه است. تلاش کردند که شعایر اسلامی را با تخریب مساجد و دوری از زبان عربی نابود سازند و زبان رسمی الجزائر را زبان فرانسوی قرار دادند و انگلستان، مصر و سودان و فلسطین و عراق و لیبیا را اشغال کرده بود و ایتالیا همین کار را در لیبیا عملی کرد. روس های وحشی افغانستان را اشغال نمودند و به برکت جهاد مقدس مجاهدان افغان، با همه امکانات و نیروی نظامی و تسلیحاتی و نفوذ سیاسی اش شرمنده و ناکام و سرافکننده از افغانستان فرار کرد و رسوای همه عالم شده و امپراطوری شوروی از هم پاشید، بعد از آن امریکا وارد افغانستان شد و افغانستان را اشغال نمود و تقریباً بیشتر از ۴۰ کشور اروپایی عضو ناتو در این جنایت او را همراهی کردند، و طی

۱ - النحل/ ۲۳.

۲ - الاحزاب/ ۶۲.

۳ - الکهف/ ۵۹.

بیست سال وحشت و بربریت، ظلم و تجاوز و کشتار های بی رحمانه بالاخره با سرافکندگی و شرمساری از افغانستان فرار کرد و همه تار و پود نظامی اش یا نابود شد و یا هم به غنیمت گرفته شد. این یک حقیقت است که سرنوشت هر متجاوزی جز نابودی و فرار چیزی دیگری نخواهد بود و ظالم و قدرتمند همیشه قدرتمند باقی نمی ماند و مظلوم هم برای همیشه مظلوم باقی نخواهد ماند، بنابراین، سرنوشت اسرائیل غاصب و امریکای جنایتکار در فلسطین نیز چنین خواهد شد و روزی فلسطین و مسجد اقصی آزاد خواهد شد و این امکانات و اسلحه و قدرت مادی و نظامی، از نابودی حتمی آنها جلوگیری نخواهد کرد.

امت اسلامی هیچ پیمانی را به رسمیت نمی شناسد، مگر این که فلسطین آزاد شود؛ حقوق مردم فلسطین اعاده گردد و قدس از لوٹ یهود پاکسازی شود، هر چند خون هایی ریخته شود و اموالی تباہ گردد. از روزی که دولت غاصب صهیونیستی ایجاد شده، در منطقه جنگ و خون جاری است و ظلم و تجاوز و وحشی گری و حق تلفی آنها در حق فلسطینی ها ادامه دارد و تا وقتی که این غاصبین به سرزمین فلسطین باقی بمانند، این خونریزی ادامه خواهد داشت و بالاخره این تراژیدی پایان خواهد یافت و متجاوزان به جزای عمل خویش خواهند رسید و این سنت الهی است که ظالمان را مهلت می دهد اما رها نمی کند و انتقام گیری از آنها حتمی است، همان گونه که قرآن کریم از سرنوشت بد متجاوزان و ظالمان در امت های قبلی یاد آوری نموده و مارا از عواقب و پیامد های ناگوار ظلم و تجاوز آنها خبر داده است و اکنون با گذشت هر روز علایم و نشانه های زوال و نابودی این کیان غاصب، طبق واقعیت هایی که در نصوص شرعی بیان گردیده و حقایق تاریخی آن را می رساند، آشکار شده می رود و اینک می پردازیم به برخی از این نشانه ها در روشنی نصوص شرعی.

نشانه های فروپاشی رژیم اسرائیل

از بزرگترین نشانه های زوال این کیان غاصب، جنایات هولناک و مستمر رژیم است. رژیمی که همه تمرکز خود را بر قتل و کشتار کودکان، ارتکاب جنایت در حق خانواده ها، محاصره و بمباردمان شفاخانه ها، هدف قرار دادن غیر نظامیان بی گناه،

بمباران افراد جمع شده برای دریافت مواد غذایی، ترور اعضای سازمان های کمک رسان بین المللی و کمیته های داوطلبانه محلی گذاشته است، این ها نشانه های ارتشی است که احساس ضعف و شکست و ناامیدی عمیق می کند نه ارتشی که دارد پیروز می شود و به اهداف نظامی خود اطمینان دارد، علاوه بر این، این ها یکی از نشانه های رسوایی آنها است که الله متعال در حق اینها بیان داشته و در مورد سرنوشت شوم آنها چنین می فرماید: [وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا].^۱ در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل اعلام کردیم که دو بار در سرزمین (فلسطین و دُور و بر آن) تباهی می ورزید و برتری جوئی بزرگی می کنید و طغیان و عدوان را به غایت، و ظلم و جور را به نهایت می رسانید.

مفسرین تقریباً اتفاق نظر دارند بر اینکه هردو بار فساد بنی اسرائیل روی داده و الله متعال به سبب این فساد کاری، ایشان را مورد مجازات سخت قرار داده است، طوری که به دست بابلی ها به اسارت درآمدند و شهر ها و سرزمین شان ویران گردید و به ذلت و زبونی گرفتار شدند و حکومت شان ویران و کتاب مقدس شان سوزانده شد و هیکل شان نابود گردید و همچنان توسط رومی ها سرکوب شدند و از سرزمین فلسطین رانده شدند و در شهر ها و کشور های مختلف آواره گردیدند و همچنان توسط هتلر به فجیع ترین شکل مجازات شدند و فساد کنونی ایشان نیز بدون مجازات نخواهد ماند و طبق وعده الله متعال در قرآن کریم، عذاب الهی در انتظار ایشان می باشد.

سید قطب رحمه الله در این مورد می نویسد: «بنی اسرائیل به تباه کاری برگشتند، خدا هم مسلمانان را بر ایشان مسلط کرد. مسلمانان آنان را از سراسر جزیره العرب بیرون راندند. سپس بار دیگر به تباه کاری پرداختند و خدا هم بندگان دیگری را بر ایشان پیروز و چیره گرداند، تا آن که زمان معاصر فرا رسد و خدا (هیتلر) را بر آنان مسلط و چیره کرد، امروزه نیز بنی اسرائیل به تباه کاری برگشته اند، و تحت عنوان (اسرائیل) به فساد پرداخته اند و به عرب ها که صاحبان زمین اند و اوایلها و بلاها رسانده اند. قطعاً یزدان جهان بر آنان کسانی را چیره می گرداند که بدیشان بدترین عذاب و عقاب را می رسانند، تا وعده حتمی خدا صدق پیدا کند و

موافق با قانون و سنتی شود که تخلف ناپذیر است ... فردا برای بینندگان نزدیک است!^(۱)

طوری که واضح است این قوم باز هم به فساد و تباهی دست زده اند و فساد و جنایات ایشان بیشتر از قبل شدت گرفته و به اوج خود رسیده است و بدون شک که این بار اسرائیل و حامیانش مشمول این فرمان الهی قرار خواهند گرفت و این بار با همه شرکای جرمی اش به گودال نابودی سقوط خواهند کرد . همان گونه که الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾^۲ و اگر هم (به زشتی ها و پلشتی ها) برگردید، ما هم (به مجازات و کیفرتان در همین جهان) برمی گردیم، و دوزخ را (هم در آن جهان) زندان تنگ کافران (چون شما) می کنیم.

این آیه مبارکه می رساند که به سبب این فساد و جنایات بی پیشینه شان، بار دیگر مجازات خواهند شد و اکنون وقت آن فرا رسیده که باید تأدیب شوند و بر سر جای شان نشانده شوند و این بار به سرنوشت بد تر از قبل یعنی نابودی کامل مواجه خواهند بود و مطابق پیشگویی رسول الله صلی الله علیه وسلم، سنگ و چوب و همه جمادات و حیوانات و انسان ها بر علیه آنها قرار خواهند گرفت و آنها را نابود خواهند کرد و نشانه های فرا رسیدن آن روز آشکار تر شده است، رژیم می که با وجود حمایت مطلق و بدون قید و شرط همه قلدران و جنایت پیشگان جهان و اردوی شکست ناپذیر آن، چگونه غرور و هیبت اش در ۶۰ دقیقه در روز هفتم اکتبر در هم شکست، و طی دو سال بمباردمان پیهم و آتش افروزی زمینی، هوایی و بحری شب و روز و بدون وقفه بالای یک نقطه محدود غزه هنوز هم نتوانسته به اهداف از قبل تعیین شده ای نظامی خویش نایل شود و جز ویرانی، کشتار های هولناک و نسل کشی و قتل عام بی گناهان دست آوردی ندارد، چیزی که هر بزدل دارای جنگنده و بم های کشنده در آن تبحر دارد و می تواند جنایات هولناک تری را انجام دهد که هرگز دست آوردی نبوده و نشانه پیروزی نه، بلکه از علامات نابودی و فروپاشی آن می باشد و همان گونه که الله متعال

۱ - سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن/۱۰۹/۱.

۲- الاسراء/۸.

و عده داده حق پیروز و باطل نابود شدنی است. صاحبان اصلی سرزمین بالآخره مالکان این سرزمین شده و غاصبان و اشغالگران رانده و نابود خواهند گردید.

حقیقت قرآنی

زوال «اسرائیل» از صحنه وجود، حقیقتی قرآنی و وعده ای نبوی است؛ از این رو زوال این کیان غاصب فقط مسئله زمان است و بس و ما نمی پرسیم آیا از میان می رود یا نه، چون بی تردید زوال پذیر است؛ بلکه پرسش این است: چه وقت؟ هرگاه مومن نهایت توان خویش را در عمل به کار گیرد و باطل با همه قدرتش زور آزمایی کند و تا آخرین نقطه توان خویش ایستادگی کند، آن گاه نوبت معجزه فرا می رسد و کار خود را می کند.

قرآن کریم به ما می آموزاند که در جنگ های عادی اسباب مادی و امکانات نظامی معیار برتری بوده است و در این جنگ ها الله متعال مردم را به اسباب و موازنه های قدرت شان وا می گذارد؛ هر که اسباب نیرومند تری داشته باشد، غالب می شود و جانب مقابل نابود شده و شکست می خورد. اما در نبرد عقیده، هرگز لازم نیست نیرو های هردو طرف با هم مساوی باشند، بلکه در جنگ عقیده گروه بسیار ضعیف و ناتوان در مقابل بزرگترین نیرو های مادی به پیروزی می رسد و باطل در مقابل آن به زانو در می آید و در تاریخ نمونه های زیادی از آن را به یاد داریم، مانند: جنگ بدر، احد، موته و... و تاریخ شاهد است که همه طاغوت هایی که الله متعال آنان را مجازات کرد، در اوج قدرت و مکنت و اقتدار بودند و الله متعال آنها را نابود کرد. الله متعال فرعون را زمانی هلاک کرد که می گفت: من پروردگار برتر شما هستم؛ او را در اوج قدرتش غرق نمود و نمرود را هنگامی نابود کرد که در قله غرورش بود و می گفت: من زنده می کنم و می میرانم! و به همین منوال عادی ها و ثمودی ها و ابوجهل ها و غیره در حالی نابود شدند که در اوج اقتدار و قدرت بودند.

جنگ غزه جنگ عادی و مانند سایر جنگ ها نبوده است، چون در این جنگ اسباب مطرح نیست، زیرا اگر اسباب در نظر گرفته شود، و با عقلانیت قضیه مطرح گردد، باید کار غزه در هفته اول تهاجم زمینی اسرائیل تسلیم می شد و کار آن یک سره پایان می یافت و مقاومت از بین می رفت، اما این مقاومت موجود که بیشتر از دو سال

را در بر گرفت، از عقل و تصور انسان خارج است و آنچه در غزه رخ می دهد، اساساً خلاف عقل مادی است! اسباب، چنین ثباتی را پدید نمی آورد و واقعیت ها این را می گوید که دولت های بزرگی در کوتاه ترین زمان، زیر چنین بمباران و فشار بی حد و تهاجم سنگین فرو می پاشند؛ پس چگونه نوار غزه که مساحتش از همه پایتخت های جهان کوچک تر است، ایستادگی می کند؟! و شگفت تر آنکه با جغرافیای هموار، بی کوه و دره و جنگل، از نظر نظامی منطقه ای سقوط کرده به شمار می آید. بنابراین، می توان گفت که وقت آن فرا رسیده است که معجزه در کار افتیده و بادِ احزاب خواهد وزید و لشکریان متجاوز و باطل را متلاشی خواهد کرد، زیرا این جنگ مدت هاست از دست و توان و قضاوت بشر بیرون رفته است؛

سنت الهی هم چنان بوده است که هیچ اشغالگری بر اشغال خود باقی نمانده است؛ این حقیقتی ثابت است که کسی نمی تواند آن را انکار کند، تاریخ حکایت دارد که هر اشغالی در نهایت زایل شده است و همه مهاجمان نابود شده اند و این اشغال نیز زایل شدنی است، چه دیر و چه زود؛ و امید که نزدیک باشد!

جنگ غزه نماد پایداری و مقاومت ملت فلسطین و یکی از عوامل و اسباب و مقدمات نابودی و زوال این رژیم است که به رغم نسل کشی و هولوکاست نازی ها، دوست و دشمن را شگفت زده کرده و دارد به سوی اهداف خویش در حرکت است که همانا آزادی مقدسات و سرزمین فلسطین و راندن اشغالگران از آن می باشد. بنابر این، ملت مجاهد فلسطین به هیچ وجه از حقوق اساسی و انسانی خویش در برابر اشغالگران کوتاه نمی آید و این جنگ تا زوال این کیان غاصب ادامه خواهد داشت.

اصرار دشمن صهیونیست در قتل و کشتار مردم فلسطین و برهم زدن هرگونه تلاش برای صلح و آتش بس از سوی رهبران آن، تأکیدی است بر اینکه این جنگ، صرف جنگ نسل کشی علیه همه ملت فلسطین بوده و مصداق فساد و تباهی ای است که از ویژگی های این رژیم می باشد و ویرانگری، تداوم رنج و درد های غیرنظامیان و قتل و کشتار و عذاب دادن آن ها از اهداف و دست آورد های آنها به شمار می رود.

دشمن زبون اکنون در حالت سردرگمی مطلق به سر می برد و به سبب احساس ناتوانی و شکست استراتژیک، درمانده شده و نمی داند چه کاری کند و تنها کاری که

به دنبال آن است، به دست آوردن زمان بیشتر است، تا بتواند جنگ را طولانی کند و به جنابای خویش ادامه دهد و حیات ننگین اش را چند روزی به تأخیر بیندازد و رژیم طفیلی خود را از سقوط برهاند و آنچه از نظر نتانیاهو و مقامات جنگی جنایتکار اسرائیلی فشار نظامی خوانده می‌شود، به معنای خونریزی و نسل‌کشی هرچه بیشتر ملت فلسطین است و ادامه این وضع تنها موجب ثبات و پایداری بیشتر مجاهدان بر مواضع شان خواهد شد، زیرا خونی که ملت فلسطین داده، بهای آن آزادی فلسطین و قدس خواهد بود. ان شاء الله تعالی

سان تزو در کتاب (هنرجنگ) سقوط و زوال رژیم صهیونیستی را پیش بینی می‌کند و می‌گوید: «با تحرکات همه جانبه اردوی اسرائیلی و شنیدن اعلان عملیات زمینی، من متحیر شدم و این سوال برایم پیدا شد که آیا اینها با همه ظرفیت و توانایی نظامی که دارند وارد یک جنگ طولانی می‌شوند؟ آیا اینها در فکر و خیال یک جنگ کوتاه مدت اند؟ اگر اینها در برابر چنان مقاومتی می‌ایستند که آماده مرگ اند، پس آیا راهی برای بلند بردن مورال افراد جنگی خود تدارک دیده اند؟ وی در ادامه می‌نویسد: (با وجود این همه من نشانه‌های شکست آنها را می‌بینم، زیرا اینها با همه قواعدی که (سان تزو) در کتاب خویش به نام (هنرجنگ) نگاشته، تخطی نموده اند که در آن چنین آمده است: با تمام قوت وارد جنگ نشوید زیرا با این کار همه لشکر را به کشتن مواجه می‌نمایید؛ و اسرائیل این کار را کرده است.»^۱

بحران های موجود میان صهیونیست ها

بحران داخلی کیان صهیونیستی بیشتر از همه مقدمات زوال او را فراهم خواهد کرد؛ بحرانی که رهبران صهیونیست بعد از طوفان الأقصى به آن مواجه اند و به اختلافات درونی آنها انجامیده و هر آن امکان درگیری میان آنها را فراهم ساخته است، همان گونه که دو دولت یهودی قبلی توسط رهبران خود شان و در نتیجه اختلافات درونی از هم پاشیده است.

^۱ - داقصی طوفان، دغزی استراتژی یک جگره د امت دغفلت او خیانتونه، لیکوال: رضا بو دراع، ترجمه: لطیف الرحمن خدام، خپرونکی: نوی مستقبل حیرنویه تولنه، دچاپ شمیر: ۱۰۰۰ توکه، دچاپ وار: لومری، دچاپ کال: ۱۴۰۳ ه ش ۱۷۹/.

شعار همیشگی و ادعای دایمی شان بوده که (ملت یهود ملت واحد است)، این ادعا اکنون دچار بحران شده است و مهاجرت یهودیان از گوشه و کنار جهان به اسرائیل عملاً آنها را به دسته های گوناگون از لحاظ عقیدوی و فکری تقسیم نموده است به گونه ای که اکنون یهودیان خود اعتراف می کنند که آنها ملت یک پارچه نیستند. و (اکنون برعکس بعد از عملیات طوفان اقصی یهودیان در حال فرار از اسرائیل اند) اکنون این ادعای شان را زیر سوال برده است.

باوجود آنکه اسرائیل به کمک و حمایت امریکا و غرب توانست در خاک فلسطینی ها زمینه های رفاهیت شهروندانش را به صورت فزاینده فراهم نماید و در عرصه های زیربنایی، اقتصادی، زراعتی، نظامی و غیره پیشرفت های زیادی داشته باشد، اما باز هم مفکران و تحلیل گران اسرائیل این پیروزی ها را واقعی ندانسته بلکه آن را از عوامل نابودی اسرائیل و ناکامی آن می دانند، (یعقوب تالمون) تاریخ نگار اسرائیلی پس از پیروزی اسرائیل در سال ۱۹۶۷م می گوید: «این پیروزی عقیم است.» (شلومر رایخ) یک مفکر اسرائیلی وضعیت اسرائیل را این گونه توصیف کرده است: «از یک پیروزی به دنبال پیروزی دیگری است، تا به شکست نهایی و حتمی خود برسد.»^۱

بحران هویت یکی از مهم ترین بحران هایی است که جامعه صهیونستی به آن مواجه است؛ چون ایدئولوژی صهیونستی به هویت یهود و تعریف مشخص از آن متکی است که یهود را قوم برتر بالای همه اقوام می داند، اما اکنون به سبب تحولات عمیق فرهنگی و عقیدوی و فکری میان یهودیان این نظریه در حال نابودی است و ظهور نظم نوین جهانی، رشد سکولریزم در میان یهودیان، مصلحت گرایی های شخصی و عقب نشینی از برخی مطالبات شان، باعث گردیده این نظریه و اعتقاد زیر سوال برود و به سبب آن هویت آنها نیز به چالش مواجه شده و اعتبار خود را از دست دهد.

عبدالوهاب المسیری یک دانشمند عربی در این مورد می نویسد: «ایدئولوژی صهیونستی به هویت یهود و تعریف محدودی از آن متکی است، لذا هرگونه به چالش طلبیدن این هویت، شگافی عمیق در جامعه صهیونستی ایجاد می کند.»^۲

^۱ - مقدمه ای بر کشمکش اعراب و اسرائیل، عبدالوهاب المسیری، ترجمه: علی شاهرخی/۱۵۹.

^۲ - همان/۱۶۴.

وابستگی بیش از حد سیاسی و نظامی اسرائیل به امریکا، بحران بزرگی را میان صهیونست ها ایجاد کرده و یکی دیگر از عوامل فروپاشی این کیان بوده است، که در آینده نزدیک موجودیت آن را تهدید می کند؛ امریکا که به صورت مطلق و بدون قید و شرط از اسرائیل حمایت همه جانبه می کند و شاهرگ حیاتی کیان صهیونستی به حساب می آید، اکنون درگیر بحران های بزرگتر دیگر از جمله رقابت های نظامی و اقتصادی با قدرت های منطوقی و جهانی گردیده است که بدون شک، مانع ادامه حمایت های بی دریغ وی از اسرائیل در آینده نزدیک گردیده و آنگاه زوال این کیان به صورت عملی آغاز خواهد شد و این حقیقتی است که صهیونست ها از آن هشدار داده اند و از آن به عنوان (لعنت هشتادمین سال) یاد می کنند و در گذشته ها دولت های یهودی قبل از رسیدن به هشتاد سالگی سقوط کرده اند و این حقیقتی است که رسانه های آنها با نگرانی شدید از آن یاد آوری کرده و راه حلی هم برای آن سراغ ندارند و آنها را در انتظار سقوط حتمی قرار داده است و عملیات طوفان اقصی این عملیه را سرعت بیشتر بخشیده و آنها را دچار سردرگمی بیش از حد نموده که نتایج آن را زمان آشکار خواهد ساخت و تحولات بزرگ در نتیجه صبر و پایداری در مسیر مبارزه روی کار خواهد آمد که همانا پیروزی حق و نابودی باطل می باشد.

و یومئذ یفرح المومنون بنصرالله

نتیجه

از بحث حاضر و لابلای مطالب ارائه شده این نتایج به دست می آید:

■ اعتماد به غرب و نظام های حاکم در آن که فاقد هر نوع ارزش های معنوی و انسانی اند، حماقت و جفا به انسانیت و اسلامیت بوده و یا هم جهل و نادانی ای است که قابل توجیه نمی باشد.

■ حقوق بشر، حقوق زن، حقوق طفل، آزادی، برابری و امثال آنها همه دروغ های شادخاری اند که ماهیت اصلی این همه شعار ها برای صاحبان بصیرت و آزادگان جهان آشکار شده و برملا گردیده و نیازی به توضیح و توثیق ندارد؛ حوادث غزه و فلسطین، خصوصاً در دو سال پسین، این حقیقت را هرچه بیشتر آشکار تر ساخت که این شعار ها جز حربه ای در جهت به بند کشیدن و تحت استعمار در آوردن کشور های اسلامی و بهانه تراشی برای تهاجم نظامی و مداخلات سیاسی نیست.

■ جنایات هولناک رژیم صهیونیستی در غزه نمایان گر سقوط حتمی ایست که در سال های نزدیک در انتظارش می باشد، این جنگ شاید آخرین نبرد بین مجاهدان فلسطینی و رژیم وحشی اسرائیل باشد که با گذشت هر روز و تشدید جنایات و کشتار بیشتر، ماهیت اصلی آنها نمایان گردیده و به سوی نابودی حتمی نزدیک تر می شوند.

■ غزه برای انسانیت درس ثبات، استقامت و پایداری می دهد و پیام می دهد که عزم آهنین و ایستادگی و ایمان راستین چیزی است که فولاد هم نمی تواند آن را از پای در آورد.

■ مجاهدان غزه و مردم مظلوم آن، در ایمان داری، صبر و استقامت، صداقت و انسانیت، اخلاص و وفا داری بی نظیر اند، ملتی که تسلیم شدن را نمی شناسند و با استمداد از نیروی ایمان خویش مبارزه می کنند و تنها به الله متعال تکیه می کنند و به معنای واقعی کلمه، تنها از الله متعال کمک و استعانت می جویند و تنها بخاطر الله متعال می جنگند.

■ جنگ غزه نمادی از جهاد و مبارزه مقدس و آگاهانه حرکت جهانی اخوان المسلمین است، جنگی که در طول تاریخ، بشر مانند آن را در وحشیگری دشمن

(اسرائیل) و ثبات و استقامت و مقاومت سرسختانه و پایداری بی نظیر مردم غزه، ندیده است.

▪ حرکت اخوان با وجود آنکه یک حرکت معتدل، وسطی و معتقد به مبارزهٔ مسالمت آمیز است و صلح را بر جنگ ترجیح می دهد، اما در مواردی که مورد تجاوز قرار گرفته و ناچار گردد، از جهاد مسلحانه حمایت نموده و استفاده از اسلحه را نیز به کار می بندد، که جهاد و مبارزه علیه اسرائیل در فلسطین طی چند دهه اخیر و توسط اخوان و بالأخص، جنگ دو ساله ای اخیر در غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵م)، یکی از آن موارد می باشد.

▪ اصرار دشمن صهیونست در قتل و کشتار مردم فلسطین، تأکیدی است بر اینکه این جنگ، جنگ نه، بلکه نسل کشی علیه همه ملت فلسطین بوده و مصداق فساد و تباهی ای است که از ویژگی های این رژیم و قتل و کشتار مسلمانان از اهداف اصلی آن می باشد و ویرانگری، تداوم رنج و درد های غیر نظامیان و قتل و کشتار و عذاب دادن آن ها بخشی از برنامه های آنها بوده و یکی از دست آورد های آنها به شمار می رود.

▪ فساد و جنایات صهیونست ها بیشتر از قبل شدت گرفته و به اوج خود رسیده است و بدون شک که این بار اسرائیل و حامیانش، مشمول این فرمان الهی قرار خواهند گرفت که می فرماید: ﴿وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا...﴾ . ۱ و اگر به فساد و تباهی بار دیگر پرداختید، ما هم به (سرزنش) تان باز خواهیم گشت. و به یقین می توان گفت که به سبب این فساد و جنایات بی پیشینه شان، بار دیگر مجازات خواهند شد و اکنون وقت آن فرا رسیده که باید تأدیب شوند و این بار به سرنوشت بد تر از قبل، یعنی به نابودی کامل مواجه خواهند بود .

▪ ادعای صهیونست ها مبنی بر اینکه فلسطین به آنان تعلق دارد، یک ادعای پوچ و دور از حقیقت بوده از لحاظ دینی، تاریخی، قانونی و شرعی هیچگونه پایه و سندی ندارد، بلکه برعکس فلسطین و قدس از لحاظ تاریخی و قانونی و شرعی، عربی

و اسلامی هستند و هیچگاه یهودی نبوده و نخواهد بود و یهودیان و صهیونیستان هیچ حقی در آن سرزمین ندارند.

■ از بررسی و تحلیل حوادث و واقعات عینی و میدانی مخصوص قضیه فلسطین در شش دهه اخیر و بالأخص دو سال جنگ غزه، این نتیجه به دست می آید که سازمان ملل متحد در خدمت قدرت های زورگوی جهان بوده و بخاطر اعاده حقوق مظلومان جهان از جمله حقوق مسلم مردم مظلوم فلسطین، نه تنها کار مثبتی نکرده، بلکه اشغالگری اسرائیل را مشروعیت بخشیده و در خدمت حامیان آن بوده است.

■ استفاده نامشروع ایالات متحده امریکا در شورای امنیت ملل متحد از حق ویتوی خود بر ضد مردم مسلمان فلسطین دلیل است بر این که اداره امریکا تصمیم قانونی و درست بین المللی را نقض و تخریب نموده و صفت الزام آور بودن را از آن سلب می کند. و این عملکرد امریکا دلیلی دیگری است بر این که امریکا تروریسم واقعی در جهان، به خصوص در قضیه فلسطین را، مورد حمایت قرار می دهد.

■ غزه در حال حاضر یگانه سنگری است که تا اکنون در برابر این غول نظامی و استخباراتی صهیونیزم و حامیان غربی آن، به نیابت از امت اسلامی به تنهایی می جنگد و بهترین فرصت تاریخی برای افشای ماهیت اصلی ددمنشانه صهیونیزم و رهایی وجدانی و فکری از سلطه صهیونیست ها را برای بشریت فراهم می کند.

■ قضیه ی فلسطین حل سیاسی نداشته و صلح با اسرائیل ناممکن می باشد، زیرا صهیونیست ها و حامیان غربی آنها اهداف بزرگ و خطرناک سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی را در منطقه به سر می پروراند که تنها به فلسطین خلاصه نمی شود و تقریباً همه شرق میانه را در بر می گیرد؛ بنابراین، صلح از دیدگاه صهیونیست ها و حامیان غربی آن در قضیه ی فلسطین، به مفهوم تسلیم شدن بدون قید و شرط به اشغالگران می باشد.

■ راه حل اساسی و بنیادی قضیه ی فلسطین بازگشت یهودیان غاصب به سرزمین های شان، ایجاد و تشکیل دولت مستقل فلسطینی و آزادی کامل سرزمین فلسطین و مسجدالاقصی از اشغال می باشد که جز از طریق جهاد و مبارزه مسلحانه و آمادگی های لازم سیاسی، نظامی، تسلیحاتی و تجهیز و تربیت نیروی بشری متعهد و متخصص، با بینش اسلامی و اندیشه جهادی، امکان پذیر نمی باشد.

▪ بهترین سربازانی از کیان امت اسلامی و مقدسات و ارزش های آن دفاع می کنند، آنانی اند که قبل از صف های جنگ و تمرین های نظامی و تسلیحاتی، از صفوف نماز و حلقات مساجد بیرون آمده اند و حافظان کتاب الهی اند و با اندیشه جهاد و مبارزه و ولاء و براء در روشنایی هدایات سوره انفال و توبه تربیت یافته اند، نه تحصیل یافتگان اکادمی های نظامی بریتانیا و امریکا و کشور های زیر مستعمره ی آنها و دولت های دست نشانده ای غرب و شرق که امروز حاکمان سرزمین های اسلامی اند و اهداف استعماری را تعقیب نموده و پروژه های غرب را مو به مو تطبیق و پیاده می کنند.

▪ فلسطین و سرزمین های تحت اشغال را کسانی آزاد خواهند کرد که درس آزادگی و آزاد زیستن را از قرآن فرا گرفته اند و با روحیه جهاد فی سبیل الله و اعاده مجد و عظمت امت اسلامی در مدرسه توحید الهی پرورش یافته اند، نه سیکولران و بی دینان و سبکسران و ناز پرورده های تمدن مادی غرب و باده نوشان و عربده کشان جاده های واشنگتن و لندن.

▪ آزادی یک نعمت ارزشمندی است که به آسانی به دست نیامده و به کسی داده نمی شود و بهای آن بسیار سنگین و قیمتی است، همان گونه که مردم مجاهد افغان با قربانی کردن میلیون ها شهید در جهاد مقدس مقابل روس و امریکا، آن را به دست آوردند، به یقین کامل می توان گفت که ملت مسلمان فلسطین نیز بعد از مبارزات طولانی و تقدیم نمودن قربانی های زیاد، از آن نعمت برخوردار خواهند شد و خون های ریخته شده در فلسطین طی چندین دهه ضایع نخواهد شد و بالآخره قدس و فلسطین به نصرت الهی و مجاهدت مجاهدان آزاد خواهد گشت.

و ما النصر إلا من عند الله العزيز الحكيم

و إنه لجهاد؛ نصر او إستشهاد

پیشنهادات

در اخیر این بحث، به منظور ادای رسالت دینی و ایمانی که در برابر سرزمین مقدس شام و فلسطین و بالأخص مسجد اقصی و حفاظت و حمایت از ارزش ها و مقدسات اسلامی در همه سرزمین های اسلامی و پیشبرد دعوت اسلامی داریم، پیشنهاداتی را برای هموطنان گرامی و مجاهدان و سربازان اسلام و همه آزادگان جهان ذیلاً تقدیم می دارم :

۱- به هموطنان مسلمان و آگاه و دیانت پرور کشور پیشنهاد می نمایم تا با درک حقیقت اسلام و مقتضیات دین و ایمان و عقیده ناب اسلامی شان و برای ادای حقی که اسلام و دعوت اسلامی بالای آنها دارد، در نشر و پخش دعوت اسلامی با استفاده از امکانات موجود دست به کار شده ادای رسالت و مسؤولیت کنند.

۲- برای دعوتگران و آگاهان مسائل اسلامی و متخصصین رشته های مختلف دینی پیشنهاد می نمایم تا با حفظ وحدت فکری سنگر دفاع از مقدسات و ارزش های اسلامی و دینی را گرم نگهداشته در مقابل شبهات و انحرافات فکری و عقیدتی دشمنان اسلام که جوانان مسلمان ما را هدف قرار داده اند و در مجموع همه مسلمانان را به سوی انحراف اخلاقی و اجتماعی و فکری می کشانند، به پا خاسته و با زبان و قلم و حجت و استدلال به آنها پاسخ دهند.

۳- به همه جریان های اسلامی و دینی پیشنهاد می گردد، با درک حالات ناگوار امت اسلامی و با درنظر داشت تهاجم وسیع دشمنان بر علیه اسلام و هدف قرار دادن کیان امت و ارزش ها و مقدسات آن، وحدت صف را ایجاد نموده و با محوریت ﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... ﴾ در مقابل تهاجمات همه جانبه ی دشمنان قاطعانه ایستادگی نموده و مصداق واقعی (بنیان مرصوص) را در برابر آنها تمثیل نمایند.

۴- به دعوتگران و علمای دین پیشنهاد می گردد تا در ادای وجیبه امر به معروف و نهی از منکر و ادای فریضه دعوت الی الله ادای رسالت کنند و در عرصه رساندن پیام الهی برای کافه مسلمانان به صورت دقیق و واضح و بدون غموض و ابهام، هیچ گونه کوتاهی از خود نشان نداده و در همه میادین علمی، ثقافتی، فکری، فرهنگی و دینی نقش بارز خود را ایفاء نمایند.

۵- طوری که همه می دانیم، قضیه فلسطین و قدس شریف قضیه امت اسلامی بوده و همان گونه که دشمنان اسلام و حامیان کیان اشغالگر اسرائیل به صورت متحدانه از جنایات و تجاوزات آشکار وی بالای مسلمانان دفاع نموده و از هیچ گونه کمک و حمایت مادی و معنوی در دفاع از باطل و شر دریغ نکرده و نمی کنند، مسلمانان و همه امت اسلامی نیز مکلفیت دارند تا برای آزادی قدس و فلسطین، متحدانه تلاش نمایند و از همه داشته های مادی و معنوی خویش استفاده لازم نموده و از حق غصب شده مسلمانان دفاع نموده و در این مورد دست به کار شوند.

۶- به عموم مسلمانان کشور عزیز ما افغانستان و همه سرزمین های اسلامی این پیام را می دهم که قضیه فلسطین و آزادی قدس شریف و حمایت از مردم مظلوم فلسطین و خصوصاً مردم غزه عزیز را در اولویت کاری خویش قرار دهند و در همه عرصه های ملی و بین المللی از هیچگونه حمایت مادی و معنوی آنها دریغ نوزند؛ تا برای دشمن این پیام داده شود که مردم مجاهد فلسطین در جهاد در برابر صهیونست ها تنها نبوده مسلمانان جهان از آنها حمایت همه جانبه می کنند و در پهلوی آنها قرار دارند و همه امت اسلامی آماده هر نوع ایثار و فداکاری برای دفاع از مسجد اقصی، قدس و فلسطین می باشند.

۷- به کارکنان رسانه ای، روزنامه نگاران، ژورنالیستان مسلمان و کاربران اینترنت و شبکه های اجتماعی پیشنهاد می گردد تا همراه با تصاویر و گزارش های مستند، حجم فاجعه ی غزه و فلسطین را به تصویر کشیده و مظلومیت مردم مسلمان فلسطین و غزه و جنایات روز افزون صهیونست ها را به جهانیان بر ملا سازند و در مقابل رسانه های صهیونستی و همکاران و حامیان عربی اش، به فعالیت های تبلیغاتی و اجتماعی خویش ادامه دهند و از حق و حقیقت دفاع نمایند.

۸- به همه کشور های دنیا پیام می دهم که از مقاومت برحق مردم فلسطین حمایت همه جانبه نموده و جنایات و جرایم بیش از حد و تجاوزگری او را متوقف نمایند و برای آزادی سرزمین و تشکیل کشور مستقل فلسطینی و اعاده حق تعیین سرنوشت شان همانند سایر کشور های جهان دین اخلاقی و انسانی خود را اداء نموده و از هرگونه تلاش در این زمینه دریغ نوزند.

۹- قدرت های بزرگ باید به حمایت از رژیم اشغالگر به گونه ای که گویی دولتی فراتر از قانون است، پایان دهند، چرا که این رفتار ظالمانه به مثابه چراغ سبزی به این رژیم طی ۵۱ سال برای ارتکاب وحشیانه ترین جنایات در حق ملت، سرزمین و مقدسات فلسطین بوده است و از کشور های جهان می خواهیم به مسئولیت های خود به موجب قوانین بین الملل عمل کرده و به اجرای فوری قطعنامه های بین المللی تصویب شده برای پایان اشغال فلسطین و دستیابی این ملت به حقوق کامل خود در سرزمین و مقدسات خویش مبادرت ورزند.

۱۰- به همه کشور های جهان و بالأخص کشور های اسلامی پیشنهاد می گردد تا برای پیگرد و مجازات قانونی اسرائیل در مقابل جنایات و جرایم که در حق فلسطینیان انجام داده و رنج ها و درد هایی که بر آن ها وارد کرده است، و به سبب زور گویی و فساد که در منطقه ایجاد کرده و آشوبی که به راه انداخته و همه شرق میانه را به تهدید مواجه نموده است، اقدام قانونی نموده و رژیم اشغالگر را به پرداخت بهای کشتار غیر نظامیان، تخریب خانه ها، شفاخانه ها، مدارس، مراکز علمی و دینی، انهدام زیر ساخت ها و غیره جنایات اش او را وادار کنند.

۱۱- از همه آزادی خواهان جهان و همه کشور های آزاد و تمامی هیئت هایی که مخالف ظلم هستند و به عدالت ایمان دارند، دعوت می کنیم موضعی جدی و فعال علیه استانداردهای دوگانه قدرتهای حامی رژیم "اسرائیل" اشغالگر اتخاذ کرده و جنبشی جهانی را برای همبستگی با ملت فلسطین به راه انداخته و بر عدالت، برابری و حق انسانها در برخورداری از آزادی و زندگی شایسته دست به کار شوند.

۱۲- بزرگ ترین مشکلات جوامع اسلامی در عصر حاضر، فتنه هائی هستند که دشمنان ایجاد کرده و در حال رشد و به وقوع پیوستن اند. فتنه ها و دسیسه هایی تحت پوشش شعار هائی چون وحدت ادیان، ملیت پرستی، دعوت به الحاد به گونه های جدید، مطرح نمودن شبهات و زیر سوال قرار دادن مسلمات دین به حجت پیشرفت های جدید علمی و عقب ماندگی علمی مسلمانان، سیکولریزم و فتنه ای جدیدی که دارد همه را به خود مشغول کرده و در حال رشد است و آن عبارت از جاگزینی علم جدید و هوش مصنوعی و داده های آن، به جای وحی و پیغمبر جدید (العیاذ بالله) می باشد و همچنان موارد دیگری که با هزینه کردن میلیارد ها دالر در حال برنامه ریزی

است، اموری که باور های دینی و عقیدتی مسلمانان خصوصاً نسل جوان را جریحه دار ساخته، مورد تهدید قرار می دهد. اسلاف بزرگوار ما حقی که اسلام بر دوش آنها بود، به خوبی اداء کردند؛ امید است که بزرگان و علمای حقانی و دعوتگران عصر ما هم بتوانند کما حقہ در مقابل این همه فتنہ ها ایستادگی کرده و با حجت و شمشیر از اسلام و اهل آن دفاع نمایند و راه را برای نسل های بعدی در مقابل غبار شبهات هموار سازند تا در گودال ضلالت و انحراف و شبهات و شهوات گرفتار نشوند، سؤال اینجاست که به تناسب عمق و بزرگی فتنہ های موجود و خاموشی و غفلت و بی برنامهگی ما در برابر آن، آینده گان و نسل های بعدی در باره ما و شما چگونه قضاوت خواهند کرد و چه دست آوردی برای آنها خواهیم داشت، و تاریخ چه چیزی را ثبت خواهد کرد؟

و ماعلینا الا البلاغ المبین

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احمد، محمد فتوح، از قسام و غزه آموختم، مترجم: عبدالخالق احسان، انتشارات قدس، افغانستان هرات خیابان دانشجو مقابل دانشگاه.
- ۲- دکتور احمد بشیتی، باورها، افکار و آرمان های گردان های شهید عزالدین قسام، مترجم: عبدالخالق احسان.
- ۳- البخاری، محمد بن إسماعیل، الجامع الصحیح، حسب ترقیم فتح الباری، الناشر: دار الشعب - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.
- ۴- البیهقی، أحمد بن الحسين، معرفة السنن والآثار، شهرته: البیهقی، دار النشر: جامعة الدراسات الإسلامية + دارالووعي + دار قتیبة. البلد: کراتشي بباکستان + حلب + دمشق، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۲هـ، ۱۹۹۱م، عدد الأجزاء: ۱۵.
- ۵- التميمي، أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي، مسند أبي يعلى، الناشر: دار المأمون للتراث - دمشق، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، تحقيق: حسين سليم أسد، عدد الأجزاء: ۱۳.
- ۶- الخمی الشامی، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير، أبو القاسم الطبراني، المعجم الكبير.
- ۷- الدمشقي، تفسير ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي، [۷۰۰ - ۷۷۴ هـ]، الناشر: دار طيبة للنشر و التوزيع، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م.
- ۸- الشيباني، مسند احمد، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، الناشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م، عدد الأجزاء: ۶.
- ۹- اعرج، نورالدین سلاح گرسنگی از تاریخ استعمار تا نسل کشی در غزه، ترجمه: واحد ترجمه متین.
- ۱۰- الطبرانی، أبو القاسم سليمان بن أحمد، المعجم الأوسط، الناشر: دار الحرمین - القاهرة، ۱۴۱۵، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، عدد الأجزاء: ۱۰.

- ۱۱- القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴ م، عدد الأجزاء: ۲۰ جزءاً (في ۱۰ مجلدات).
- ۱۲- القزويني، ابن ماجة أبو عبد الله محمد بن يزيد، سنن ابن ماجة، كتب حواشيه: محمود خليل، الناشر: مكتبة أبي المعاطي.
- ۱۳- المسيرى، عبد الوهاب، مقدمه ای بر کشمکش اعراب و اسرائیل، مترجم: علی شاهرخی، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران/۱۳۸۸ هـ.
- ۱۴- النيسابورى، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفق الجديدة - بيروت، عدد الأجزاء: ثمانية أجزاء في أربع مجلدات.
- ۱۵- النيسابورى، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم، المستدرک على الصحيحين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰.
- ۱۶- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ شانزدهم، سال: ۱۳۸۷، کتابخانه ملی ایران.
- ۱۷- تنوير، دكتور محمد حليم، فلسطين در آتش، چاپ اول سال ۱۴۰۴ هـ ش، کابل افغانستان.
- ۱۸- حکیمی، عبدالصیر، قدس شریف و چالش های تمدنی، مقالاتی از دکتور محمد مصطفی الطحان، جمع آوری و ترتیب. (غیر مطبوع).
- ۱۹- عزام، شهید عبدالله، حماس جذورالتاریخية والميثاق، صفحه ۱۱۰- ۱۱۶ به نقل از مقاله دکتور یوسف القرضاوی /مجله البحث الاسلامی عدد ۹ جمادی الثانية ۱۴۰۹ هـ
- ۲۰- دوناهو، ژنرال تاد کریستوفر (Christopher T. Donahue) فرماندهی لشکر ۸۲ هوآرد ارتش آمریکا، روزنامه سی بی اس امریکایی .
- ۲۱- رضا بودراع، داقصی طوفان، ترجمه: لطیف الرحمن خدام، خپروونکی: نوی مستقبل خپروندویه تولنه، چاپ شمیر: ۱۰۰۰ توکه، دچاپ وار: لومری چاپ، کال: ۱۴۰۳هـ.
- ۲۲- روایت حماس از ضد حمله طوفان اقصی، مرکز اطلاع رسانی فلسطین، ترجمه: مرکز اطلاع رسانی فلسطین، طراحی و نشر: مرکز مطالعات شاخه زیتون، زمستان ۱۴۰۲ ش.

- ۲۳- سحر، دكتور اكرام الدين، زنگى پانزده روز اخير يحيى سنوار، مترجم: سرمحقق عبدالرحمن حكيمزاد، ويراستار: عطاء الله ذاكرى، صفحه آرايى: محمد مجتبى همايون، ناشر: انتشارات نوى مستقبل، تيراژ: ۱۰۰۰ جلد، نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴.
- ۲۴- سنوار، يحيى، خاطرات يحيى سنوار، مترجم: سرمحقق عبدالرحمن حكيمزاد، ناشر: انتشارات نوى مستقبل، سال چاپ: ۱۴۰۳ ه.ش.
- ۲۵- سيد قطب، ترجمه فارسى تفسير فى ظلل القرآن، ترجمه: مصطفى خرم دل، ناشر: احسان، چاپخانه اسوه، نوبت چاپ: پنجم.
- ۲۶- شبير، دكتور محمد عثمان، خطر يهود بر امت اسلامى، مترجم: عبدالخالق احسان.
- ۲۷- صالح، د. محسن محمد و آخرون، حركت مقاومت اسلامى حماس، دراسات فى الفكر والتجربة، مركز الزيتونة للدراسات والاستشارات، بيروت - لبنان، الطبعة الثانية ۱۴۳۶ ه، مطابق ۲۰۱۵ م .
- ۲۸- عزام، شهيد عبدالله، حماس جذورالتاريخية و الميثاق، نشر و توزيع مكتب خدمات المجاهدين، بشاور - باكستان، الطبعة الثانية ۱۴۴۱ ه ق ۱۹۹۰ م .
- ۲۹- عماره، د. محمد، القدس بين الوعد الحق و الوعد المفترى، ناشر: دار الشروق، قاهره، چاپ اول: ۱۹۹۷م.
- ۳۰- عميد، حسن عميد، فرهنگ.
- ۳۱- قح، د. محمود عبد الرحمن، موجز تاريخ اليهود والرد على بعض مزاعمهم الباطلة.
- ۳۲- قرضاوى، دكتور يوسف، خطر جهانى صهيونيزم، ترجمه: عبدالعزيز سليمى، انتشارات رسالت، كابل افغانستان.
- ۳۳- لاهورى، اقبال، كليات اشعار فارسى مولانا اقبال لاهورى، با مقدمه و شرح احوال و تفسير كامل بوسيله احمد سروش، از انتشارات كتابخانه سنابى.
- ۳۴- لملوم، دكتور محمود، درگيرى اسلام با يهوديت و صهيونيزم دينى، به نقل از رساله يهوديت، نوشته محمد ابوزهرة. در ادامه مباحثى تحت عنوان: «اسلام به چالش مى كشد».
- ۳۵- مخلص، عبدالروف، تفسيرانوارالقرآن، ناشر: انتشارات شيخ الاسلام احمد جام، نوبت چاپ دوم ۱۳۸۳ ه.ش: چاپخانه دقت.

۳۶- موسوی، سید رسول، انتفاضه مسجد الأقصى، بررسی روند مبارزات مردم فلسطین، مشخصات نشر: تهران: اندیشه سازان نور، نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹هـ.
۳۷- وافی، دکتر علی عبدالواحد، الأسفار المقدسة لأديان السابقة على الإسلام .

1. A Place Among the Nations ۳۷۳-۳۹۰ و ۱۷-۳۵ -Bantam Books, 1993). .
2. [.https://whatsapp.com/channel/0029VaDKjmQDeONExDvPtI](https://whatsapp.com/channel/0029VaDKjmQDeONExDvPtI)
3. «Security Council fails to adopt resolution calling for permanent ceasefire in Gaza, owing to veto by United States» — گزارش رسمی شورای امنیت / مجمع عمومی ملل متحد درباره نتیجه رأی-گیری ۴ ژوئن ۲۰۲۵
4. «Security Council Fails to Recommend Full United Nations Membership for State of Palestine, Owing to Veto Cast by United States» — با ۱۲ موافق، ۲ ممتنع (بریتانیا و April 2024 رأی گیری در ۱۸ — [UN Press+1](#) سوئیس) و ۱ رأی مخالف (آمریکا)
5. «Humanitarian Pauses in Israel-Gaza Crisis».
6. <https://www.facebook.com/hdy.al.mdh.2025/posts>.

Gaza

The Wounded Heart of the Ummah



Written by: Professor Noorul Haq “Azizi”

Kabul _ Afghanistan 2026